



فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی - دوره ۱۲، شماره ۱، زمستان ۱۴۰۰
مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم



کلان‌داده‌ها و گذار پارادایمی در پژوهش‌های اجتماعی
حمید ضرغام بروجنی، فیروزه فرخیان

چارچوب‌بندی و منابع خبری در پوشش اخبار تغییرات آب‌وهوایی مطبوعات ایران
مریم رحمانیان، حسینعلی افخمی

تأثیر خصوصی‌سازی آب بر تکلیف دولت‌ها در مورد حق بر آب با تأکید بر نظریه تفسیری شماره ۱۵
احمد خسروی

صورت‌بندی‌های گفتگویی مسئله آب ایران در روزنامه‌های سراسری دهه ۹۰
هادی خانبگی، زرین زردار، سیده ثریا موسوی

تأملی بر حکمرانی مشترکات در ایران: مطالعه موردی حکمرانی آب رودخانه محلی
محمد مهدی کمال، هادی امیری، وحید مقدم، داریوش رحیمی

سیر تحولات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آب در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران
مهشید طالبی صومعه‌سرای، محمدجواد زارعیان، اشکان فرخ‌نیا، رضا روزبهانی

جایگاه مسائل اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل‌های کشور از منظر میان‌رشته‌ای
بیت‌الله محمودی



فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی | پیاپی ۵۳، دوره ۱۴، شماره ۱، زمستان ۱۴۰۰
امتیاز: ۳/۱۱/۱۴۵۲ کمیسیون نشریات وزارت عتف
۱۳۸۸/۰۹/۰۳

هیئت تحریریه

حسین ابراهیم‌آبادی، دانشیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ غلامعلی افروز، استاد روان‌شناسی دانشگاه تهران؛ اکارت اهلرز، استاد جغرافیا دانشگاه بن؛ مرتضی بحرانی، دانشیار اندیشه سیاسی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ حسن حنفی، استاد فلسفه دانشگاه قاهره؛ هادی خانیکی، استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی؛ داریوش رحمانیان، دانشیار تاریخ دانشگاه تهران؛ فرامرز رفیع‌پور، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی؛ محمدتقی رهنمایی، استاد جغرافیا دانشگاه تهران؛ مقصود فراستخواه، استاد برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ مایکل کوک، استاد اسلام‌شناسی دانشگاه پرینستون؛ رضا ماحوزی، دانشیار فلسفه علم پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ فتح‌الله مجتبابی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران؛ مصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی؛ محمدعلی مظاهری، استاد روانشناسی دانشگاه شهیدبهشتی؛ محمدهادی زاهدی و وفا، دانشیار اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)؛ عباس منوچهری، استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

داوران این شماره

حسین ابراهیم‌آبادی، دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ مجتبی ایمانی، دانشگاه ساری؛ سیداحمد حبیب‌نژاد، دانشیار حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران؛ حسین رضایی، استاد مهندسی آب دانشگاه ارومیه؛ علی سمسار یزدی، استادیار بازنشسته مهندسی آب؛ احسان شاه‌قاسمی، استادیار علوم ارتباطات دانشگاه تهران؛ صادق صالحی، دانشیار جامعه‌شناسی محیط زیست دانشگاه مازندران؛ قاسم عزیزی، دانشیار جغرافیا، دانشگاه تهران؛ زهره علیخانی، استادیار علوم ارتباطات، دانشگاه تهران؛ فرزاد غلامی، استادیار مطالعات ارتباطات دانشگاه تهران؛ نعمت‌اله فاضلی، استاد انسان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ مقصود فراستخواه، استاد برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ غلامرضا مدنیان، استادیار حقوق، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال؛ سیدمحمد مهدی‌زاده، دانشیار ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی.

کارشناس فصلنامه: مهناز شاه‌علی‌زاده
ویراستار فارسی: اعظم کهنی
ویراستار انگلیسی: شکیل احمد

«مقالات منتشرشده در فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی صرفاً بیانگر نظرات نویسندگان آن است و ضرورتاً مورد تأیید پژوهشکده نیست.

«دریافت مقاله صرفاً از طریق سایت (www.isih.ir) امکان‌پذیر است.

پایگاه‌های نمایه‌کننده



صاحب امتیاز

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مدیر مسئول

حسین میرزایی

سردبیر

حسین ابراهیم‌آبادی

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن‌نژاد (گلستان یکم) شماره ۱۲۴
تلفن: ۲۵۷۰۷۱۹ / پست الکترونیکی: info@isih.ir / وبگاه: www.isih.ir
قیمت: ۴۰۰,۰۰۰ ریال

شیوه‌نامه نگارش و شرایط پذیرش مقاله

۱. مقاله، میان‌رشته‌ای و دارای ویژگی‌های پژوهشی باشد و میان‌رشته‌نگی، در چکیده و متن مقاله به‌خوبی تبیین و توضیح داده شود؛
۲. در راستای اولویت‌های پژوهشی فصلنامه باشد و پیش‌تر در نشریه‌های داخلی و خارجی یا مجموعه مقالات سمینارها و مجامع علمی چاپ نشده یا به‌طور همزمان برای انتشار به جایی دیگر واگذار نشده باشند؛
۳. نثر مقاله و شیوایی نگارش از جمله معیارهای مهم داوری مقاله است.
۴. چکیده فارسی و انگلیسی مقاله بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه باشد که در آن خلاصه‌ای از موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین یافته‌های مقاله قید شود.
۵. کل مقاله بین ۶ هزار تا ۹ هزار کلمه باشد و دارای نوآوری باشد.
۶. مشخصات نویسندگان به این ترتیب ذکر شود: مرتبه علمی، رشته تحصیلی، گروه، دانشکده، دانشگاه و یا سازمان (پژوهشکده، پژوهشگاه) و پست الکترونیکی آکادمیک.
۷. معادل غیرفارسی اسامی و مفاهیم مهم در پاورقی هر صفحه آورده شود.
۸. ارجاعات درون متنی به صورت (نام مؤلف، سال انتشار، شماره صفحه) نگارش شود. برای مثال: (علوی و عبدالله‌زاده، ۲۰۰۳، ۲۵).
۹. تهیه چکیده گسترده به زبان انگلیسی برای مقاله‌های پذیرفته شده ضروری است.
۱۰. مقاله دارای فهرست منابع و مأخذ مستند و کامل و اطلاعات کتاب‌شناختی معتبر باشند و به سبک APA نگارش شود؛ برخی موارد در ذیل آمده است. برای دریافت کامل شیوه‌نامه به سایت مراجعه نمایید.

الگوی کلی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب (شماره چاپ)، محل انتشار: نام انتشارات.	کتاب
آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). <i>تحلیل گفتمان انتقادی</i> (چاپ اول). تهران: انتشارات علمی _ فرهنگی. Morreale, S. P., Spitzberg, B. H., & Barge, J. K. (2007). <i>Human communication: Motivation, knowledge and skills</i> (2nd ed). Belmont, CA: Thonson Wadsworth.	
الگوی کلی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره یا سال (شماره)، صفحه.	مقاله در نشریه
ایمان، محمدتقی (۱۳۸۰). نقد روش‌های کمی و لزوم توجه به روش‌های کیفی در پژوهش رسانه‌ها در ایران. <i>مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز</i> ، ۱۶(۲)، ۱۴۷-۱۳۱. Lynch, J. (2006). It's not easy being interdisciplinary. <i>International Journal of Epidemiology</i> , 35, 1119-1122.	
الگوی کلی: نام خانوادگی، نام (سال)، عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی (ویراستار)، نام اثری که مقاله در آن چاپ شده است. مقاله منتشر شده در عنوان کنفرانس، محل برگزاری (صفحه آغاز - صفحه پایان)، محل نشر: نام ناشر.	مقاله در کنفرانس
جمالی، حمیدرضا (۱۳۹۰). تولید علم ایران. در محمدصادق حسینی (ویراستار)، <i>مجموعه مقالات علم در ایران</i> . مقاله منتشر شده در کنفرانس علوم اجتماعی ایران، تالار قدس (صص ۲۸-۲۵). تهران: انجمن جیحون. Rowling, L. (1993, September). Schools and grief: how does Australia compare to the United States. In Wandarna coowar: Hidden grief. paper presented at the proceedings of the 8th National Conference of the National Association for Loss and Grief (Australia). Yeppoon, Queensland (pp. 196-201). Turrumurra, NSW: National Association for Loss and Grief.	
الگوی کلی: نام خانوادگی نویسنده، نام (تاریخ). عنوان پایان‌نامه (پایان‌نامه منتشر نشده ...). دانشکده، دانشگاه، شهر، کشور.	پایان نامه
جهانگشای رضایی، مصطفی (۱۳۸۴). <i>طراحی و بکارگیری نرم افزار ارزیابی عملکرد واحدهای خودروسازی</i> (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، تهران، ایران. Kassover, A. (1987). <i>Treatment of abusive males: Voluntary vs. court-mandated referrals</i> (Unpublished doctoral dissertation). Nova University, Fort Lauderdale, FL.	

۱۰. دریافت مقاله به صورت الکترونیکی و از طریق سایت www.isih.ir می‌باشد.
۱۱. مقاله‌های ارسالی مورد ارزیابی داوران تعیین شده از طرف هیئت تحریریه قرار خواهند گرفت و پذیرش نهایی آنها منوط به تأیید هیئت تحریریه است؛
۱۲. مسئولیت مطالب، نظریات و اطلاعات ارائه شده در مقاله‌ها و صحت و سقم آنها برعهده مؤلف یا مؤلفان است.

فهرست مقالات

کلان‌داده‌ها و گذار پارادایمی در پژوهش‌های اجتماعی
حمید ضرغام بروجنی، فیروزه فرخیان / ۱

چارچوب‌بندی و منابع خبری در پوشش اخبار تغییرات آب‌وهوایی
مطبوعات ایران
مریم رحمانیان، حسینعلی افخمی / ۳۵

تأثیر خصوصی‌سازی آب بر تکلیف دولت‌ها در مورد حق بر آب با تأکید بر
نظریه تفسیری شماره ۱۵
احمد خسروی / ۶۱

صورت‌بندی‌های گفتمانی مسئله آب ایران در روزنامه‌های سراسری دهه ۹۰
هادی خانیکی، زرین زردار، سیده ثریا موسوی / ۸۹

تأملی بر حکمرانی مشترکات در ایران: مطالعه موردی حکمرانی آب
رودخانه محلی
محمد مهدی کمال، هادی امیری، وحید مقدم، داریوش رحیمی / ۱۲۳

سیر تحولات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آب در دوران قبل و بعد از
انقلاب اسلامی ایران
مهشید طالبی صومعه‌سرای، محمدجواد زارعیان، اشکان فرخ‌نیا، رضاروزبهانی / ۱۵۱

جایگاه مسائل اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل‌های کشور
از منظر میان‌رشته‌ای
بیت‌الله محمودی / ۱۷۹



کلان‌داده‌ها و گذار پارادایمی در پژوهش‌های اجتماعی

حمید ضرغام بروجنی^۱، فیروزه فرخیان^۲

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

چکیده

اتوپای موعود مدرنیسم، محقق نشد و انسان ناکام از تحقق آرمان‌های عصر مدرنیسم، دست به خلق جهانی به موازات جهان طبیعی زد. ماحصل زندگی انسان در این جهان موازی مجازی، تولید مستمر میلیاردها ردپای دیجیتال در کسری از ثانیه و ظهور کلان‌داده‌ها است. در پی تحول پدیدآمده در زندگی اجتماعی انسان و تحولاتی که در نتیجه ظهور کلان‌داده در سطح دسترسی پژوهشگران به واقعیت‌های پیچیده و رابطه‌ای اجتماعی به وجود آمده است، دانش و مهارت‌های پژوهش اجتماعی نیز نیازمند تحول و بازنگری است. یکی از دشوارترین پرسش‌های مطرح‌شده در جامعه علمی کنونی این است که کلان‌داده تا چه حد مبانی روش‌شناسی پژوهش علمی و فراتر از آن، علم بشری را متحول می‌سازد؟ آیا در آستانه وقوع یک گذار پارادایمی در علوم اجتماعی قرار داریم؟ آیا نظریه به عنوان سنگ بنای نظام علم مدرن، به پایان راه خود رسیده است؟ نگارندگان در پی پاسخگویی به دو پرسش بنیادین مطرح‌شده، ابتدا با بررسی عمیق و مرور سیستماتیک مدارک علمی، که در بازه زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۱ منتشر شده‌اند، با رویکردی فرارشته‌ای، دیدگاه‌ها و استدلال‌های گاه متعارض اندیشمندان حوزه‌های فلسفه علم، علوم داده و شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی را مورد مطالعه و کنکاش قرار داده‌اند و پس از آن با خوانش انتقادی و تحلیل متون منتخب، ضمن رد ادعای بی‌نیازی علم مبتنی بر کلان‌داده از نظریه، نتیجه می‌گیرند کلان‌داده آغازگر یک گذار پارادایمی در علم و پژوهش اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: کلان‌داده، گذار پارادایمی، پژوهش اجتماعی داده محور، پایان نظریه

۱. دانشیار مدیریت گردشگری، گروه مدیریت گردشگری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی،

تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری مدیریت گردشگری، گروه مدیریت گردشگری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه

طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

firoozeh_farokhian@atu.ac.ir ✉

۱. مقدمه

برای نخستین بار در تاریخ حیات انسان، تلاش او برای پدید آوردن جهانی به موازات جهان طبیعی به ثمر نشسته است. در این جهان مجازی موازی، ده‌ها میلیون انسان و میلیاردها دستگاه دیجیتال ساخته دست انسان، هر ثانیه، در حال تولید و تبادل حجمی فراتر از حد تصور انسانی از داده‌های دیجیتال هستند. تنها در سال ۲۰۲۰، هر انسان، در هر ثانیه، ۱/۷ مگابایت داده آن‌لاین تولید کرده است، روزانه، ۹۵ میلیون عکس و فیلم، تنها در شبکه اجتماعی اینستاگرام به اشتراک گذاشته شده و ۳۰۶/۴ میلیارد ایمیل و ۵۰۰ میلیون توثیت از چهارسوی جهان مبادله شده است (شورای جهانی اقتصاد^۱، ۲۰۱۹؛ وب‌سایت تک‌ژوری^۲، ۲۰۲۱؛ وب‌سایت ساس‌اسکات^۳، ۲۰۲۰). امروزه، بخش عمده‌ای از تعاملات اجتماعی ما، از طریق بسترهای واسط تکنولوژی محور انجام می‌پذیرد و پلتفرم‌های شبکه‌ای اجتماعی امکان ایجاد تجمعات مجازی انسانی را با شرکت هزاران شرکت‌کننده از سراسر جهان فراهم می‌کنند؛ گویی جبر جغرافیایی و مرزهای سیاسی رنگ باخته و انسان‌ها، در جغرافیای جدید مجازی خلق شده، گرد هم آمده‌اند.

ماحصل زندگی در این جهان مجازی و تولید مداوم میلیاردها ردپای دیجیتالی در یک چشم برهم‌زدن (آلمانی‌اولیور، و وایر^۴، ۲۰۱۵، ۲)، ظهور «کلان‌داده‌ها» است؛ حجم عظیمی از داده‌های دیجیتالی پویا و متنوع که به راحتی در شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی به هم پیوسته، به اشتراک گذاشته شده و توزیع می‌شوند (کیتچین^۵، ۲۰۱۴، ۲). هنوز بحث‌های ناتمام زیادی پیرامون چیستی کلان‌داده وجود دارد، اما اغلب، به صورت داده‌هایی با حجم^۶، سرعت^۷ و تنوع^۸ زیاد تعریف می‌شوند (مایر شوبرنبرگر، و کوکیر^۹، ۲۰۱۳، ۱۹۹)؛ با این حال، بسیاری معتقدند که این سه ویژگی برای توصیف کلان‌داده کافی نیست. بنابراین، در تعاریف مختلف ارائه شده از



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۲

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

1. WEF
2. techjury
3. saasscout
4. Alemany Oliver and Vayre
5. Big Data
6. Kitchin
7. volume
8. velocity
9. variety
10. Mayer-Schobernberger and Cukier



کلان‌داده، با "۷"های جدیدی، افزون بر این سه مورد اولیه، مواجه می‌شویم؛ به عنوان مثال، ارزش^۱، تغییرپذیری^۲، قابلیت مصورسازی^۳ و درستی^۴ (استیونز، ورنز، و دبونت^۵، ۲۰۱۸، ۲).

در نتیجه ظهور کلان‌داده‌ها و در شرایط تسهیل دسترسی به حجم گسترده داده، توانایی طی کردن سیر تولید دانش علمی از داده‌های موجود، سیر داده-اطلاعات-دانش-خرد (آدلر^۶، ۱۹۸۶)، و نه صرفاً دسترسی به داده است که به مزیت کلیدی و عامل تمرکز قدرت در جوامع امروزی تبدیل می‌گردد. بسیاری معتقدند انقلاب کلان‌داده در حال به وقوع پیوستن است (کیتچین، ۲۰۱۴، b۲۰۱۴)؛ انقلابی که در حال تغییر نحوه تولید علم، انجام تجارت و تولید ثروت و در افقی گسترده‌تر، تغییر قواعد حاکم بر حیات انسان اجتماعی است.

در عصر مدرنیسم، تفکر غالب با رویکرد تقلیل‌گرایانه خود تلاش زیادی برای تقلیل و ساده نمایاندن جهان هستی به روش‌های خطی و علّی و جهان‌شمول، مرز کشیدن میان انسان و غیرانسان، میان ذهنیت و عینیت و نمایاندن انسان به عنوان موجودیتی مجزا و منفک از جهان صورت داد؛ موجودی که به دنبال مسخر کردن جهان از طریق کشف اسرار علیت بود. اما کلان‌داده مفروضات هستی‌شناختی و معرفتی اندیشه انسان محور عصر روشنگری را به چالش می‌کشد و متأثر از هستی‌شناسی عصر پساانسان‌گرایی^۷ و هم‌افزایی خودمولد حوزه‌های تکنولوژیکی و اجتماعی، از پساانسانی سخن می‌گوید که در پی درک و آشکارسازی واقعیت‌های رابطه‌ای حاکم بر جهان است تا به واسطه یافتن الگوهای غالب و پرتکرار، احتمال پیشامد پیامدهای نامطلوب را محدود ساخته و به تبع آن، با نگرشی آمیخته با خودخواهی و انسان‌محوری کمتر، بر جهان حکمروایی کند (چندلر^۸، ۲۰۱۵، ۸۴۸).

دوران فعلی، برای دانشمندان علوم اجتماعی، دوران هیجان‌انگیزی است. علم اجتماعی همواره در پاسخ به پرسش‌های اساسی از علوم طبیعی عقب مانده است و دانشمندان اجتماعی

1. value
2. variability
3. visualization
4. veracity
5. Stevens, Wehrens & de Bont
6. Adler
7. Posthumanism
8. Chandler



تاکنون با فقر داده مواجه بوده‌اند؛ چراکه مشاهده علمی تعاملات اجتماعی بسیار دشوارتر از مشاهده پدیده‌های طبیعی است و تعداد فعل و انفعالات اجتماعی دوطرفه، با افزایش اندازه گروه انسانی به طور تصاعدی افزایش می‌یابد (میسسی^۱، ۲۰۱۶، ۲)، در شرایط کنترل شده، مطالعه تعامل اجتماعی، دشوارتر نیز می‌شود. اکثر انسان‌ها ترجیح می‌دهند صرفاً در حلقه افراد مورد اعتماد خود، تعامل واقعی برقرار کنند و وقتی متوجه می‌شوند، توسط فرد دیگری مشاهده می‌شوند، رفتار خود را تغییر می‌دهند. غالب انسان‌ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، واقعیت را نادرست جلوه می‌دهند و حرف‌هایی در پاسخ محققان اجتماعی بر زبان می‌آورند که بعدتر، برخلاف آن عمل می‌کنند. با توجه به ماهیت سیال و متغیر واقعیت اجتماعی، مشاهده تعامل اجتماعی باید مداوم و جاری باشد و عکس‌برداری از یک لحظه از جریان جاری تعاملات اجتماعی، ناکافی و غالباً گمراه‌کننده است (میسسی، ۲۰۱۶، ۱).

پیش از این، داده‌های مورد نیاز محققان اجتماعی در مقیاس یک جمعیت انسانی، به داده‌های حاصل از پیمایش، محدود می‌شد، زیرا پرسش از یک فرد در مورد چند و چون تعاملاتش با دیگران، بسیار ساده‌تر از مشاهده تعاملات مداوم او با آن‌ها و ثبت لحظه به لحظه آن است. نظرسنجی‌ها، به شرط صداقت پرسش‌شونده، گزارشات گذشته‌نگر و مفصلی از ویژگی‌های فرد و تعاملات اجتماعی او ارائه می‌دهد، اما قادر به ارزیابی مداوم رفتارها و تعاملات اجتماعی و تغییرات آنی در ساختارهای پیچیده و شبکه‌ای انسانی نیستند (میسسی، ۲۰۱۶، ۲). پژوهش اجتماعی در تمامی قسمت‌های پیوستار امیک - اتیک^۲، همواره، دچار چنین اشکالات ذاتی بوده است.

اما در عصر حاضر، امکان رصد کردن رفتارهای فردی و تعاملات بین فردی، حین و یا با فاصله اندکی پس از وقوع (به واسطه توسعه وسایل ارتباطی و ظهور کلان‌داده)، در به دست آوردن داده‌های تجربی در مقیاس کلان، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای دانشمندان اجتماعی ایجاد کرده است. کلان‌داده را می‌توان به مثابه انبوهی از ردپاهای دیجیتالی در نظر گرفت؛ در وهله اول، ردپایی دیجیتالی صرفاً قادر است سرنخ‌هایی در مورد رفتارهای بالفعل افراد اجتماع به دست دهد، اما با کسب اطلاعات زمینه‌ای در مورد این رفتارهای مجازی، پژوهشگر اجتماعی می‌تواند دلایل

1. Macy

2. Emic-Etic

شناختی و عاطفی منتج به هر کلیک و کامنت را نیز درک نماید (آلمانی اولیور و وایر، ۲۰۱۵، ۳). اهمیت این فرصت بی سابقه، زمانی دوچندان می شود که مد نظر داشته باشیم در جامعه پسامدرن کنونی، مرز واقعیت و مجاز و عینیت و ذهنیت، باریک تر و شکننده تر از هر زمان دیگری است (روپولی^۱، ۲۰۱۶، ۴۲) و تجربه آن لاین، فرصتی برای ابراز خود جمعی، نشان دادن خود ایدئال، خودی که آرزو داریم باشیم، خودی که وانمود می کنیم هستیم، ... و همچنین، فرصتی برای شکستن تابوها و هنجارهای بازدارنده از آشکار کردن همه جنبه های خود در برابر عموم، فراهم نموده است. انسان در پوشش هویت مجازی خود اصولاً صریح تر و صادق تر است، کمتر به واسطه شرم، ترس و یا مصلحت، سکوت می کند و نگرانی کمتری در مورد حفظ حریم های خصوصی خود نشان می دهد.

از بعد دیگر، به نظر می رسد جذابیت کلان داده در پژوهش اجتماعی از این امر منتج شود که وعده عبور از محدودیت های نظریه پردازی و مدل سازی و کاهش فاصله بین نظریه های انتزاعی و واقعیت ملموس جهان اجتماعی را به اندیشمندان و پژوهشگران حوزه علم اجتماعی داده است. کلان داده یا علم داده محور به وضوح، بیشتر بر جنبه عینی واقعیت جهان تمرکز دارد تا ساختارهای ذهنی برآمده از این واقعیت منعکس شده در نظریه ها و مدل های انتزاعی که سنگ بنای نظام علم اجتماعی مدرن را تشکیل می دهند. طی دهه گذشته، پژوهش اجتماعی مبتنی بر کلان داده، با وعده فراهم کردن امکان دسترسی بهتر به واقعیت اجتماعی، پرسش های بنیادین بسیاری را در خصوص ماهیت علم و روش های پژوهش علمی، در ذهن اندیشمندان حوزه علم اجتماعی ایجاد نموده است (چندلر، ۲۰۱۵، ۸۴۸).

پرواضح است که متعاقب این تحولات در واقعیت زندگی اجتماعی، دانش و مهارت های تحقیق در حوزه زندگی اجتماعی نیز نیازمند تحول و بازنگری است. دسترسی پژوهشگران علوم اجتماعی به داده های رابطه ای، به دلیل پایان دادن به الزام تکیه بر روش های سنتی تحقیق علمی (از جمله نظرسنجی از نمونه ای محدود از جامعه) تحقیق در علوم اجتماعی را متحول ساخته است (میسی، ۲۰۱۶، ۱). یکی از دشوارترین پرسش های مطرح شده در جامعه علمی کنونی در مورد کلان داده ها این است که آیا روش علمی سنتی، با ظهور کلان داده ها همچنان معتبر و





قابل استفاده باقی خواهد ماند؟ دانشمندان و فلاسفه علم در تلاش هستند تا بفهمند کلان‌داده تا چه حد مبانی روش علمی، و فراتر از آن، علم بشری را متحول می‌سازد؛ آیا اشکال تازه‌ای از علم بشری از دل کلان‌داده‌ها ظهور خواهد کرد؟ (سوان^۱، ۲۰۱۵، ۴).

در این میان، به سنت همیشگی انسان در مواجهه با تغییر، گروهی از محققان علوم اجتماعی در مواجهه با کلان‌داده، سرسختانه از برتری شیوه‌های متعارف تحقیق اجتماعی-که خود در آن‌ها مهارت دارند- دفاع می‌کنند، به تحقیق مبتنی بر کلان‌داده، انگ غیرعلمی بودن زده و در مقابل فرصت‌های شگرفی که برای توسعه علم اجتماعی ایجاد می‌کند، مقاومت کرده، سعی می‌کنند تا حد امکان بازی با همان قواعد مألوف و مورد قبول جامعه علمی سنتی ادامه پیدا کند. در سر دیگر طیف، گروهی از محققان علوم اجتماعی (به تعبیر کرافورد^۲ ۲۰۱۳)، مبتلا به بنیادگرایی مبتنی بر داده^۳ شده‌اند، سوار بر موجی که از جامعه تجاری و متخصصان حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات آغاز شده است، از پایان عصر تحقیق سنتی اجتماعی سخن می‌گویند و قاطعانه اعلام می‌کنند با ورود به عصر کلان‌داده، نظریه (به عنوان سنگ بنای نظام علم) دیگر به پایان راه خود رسیده است (اندرسون^۴، ۲۰۰۸)؛ شرایطی کمابیش مشابه شرایطی که به زعم کوهن، «ممکن است» یک تغییر پارادایم علمی را به دنبال داشته باشد (اکاشا، ۱۳۹۳، ۱۱۰)!

اما آیا واقعا در آستانه وقوع چنین تحول بزرگی در علوم اجتماعی هستیم؟ آیا نظریه حقیقتاً به پایان راه خود رسیده است؟ این مقاله، در جست‌وجوی پاسخ به این دو پرسش کلیدی است.

۲. روش

مقاله حاضر در پی پاسخگویی به دو پرسش بنیادین مطرح شده، ابتدا با بررسی عمیق و مرور سیستماتیک مدارک علمی^۵ که در بازه زمانی ۲۰۰۹ (یک سال پس از انتشار مقاله تأثیرگذار و بحث‌برانگیز اندرسون^۶ ۲۰۰۸) در مجله ویرد^۱ تا ۲۰۲۱ منتشر شده‌اند، با رویکردی فرارشته‌ای،

1. Swan

2. Harris

3. data fundamentalism

4. Anderson

5. Stand-alone Systematic Literature Review

6. Chris Anderson



دیدگاه‌ها و استدلال‌های گاه متعارض اندیشمندان حوزه‌های فلسفه علم، علوم داده و شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی را مورد مطالعه و مذاقه قرار داده است. این جست‌وجو به مقالاتی محدود شده است که داوری تخصصی شده و در مجلات معتبر علمی^۲ و کتاب‌های تألیف شده توسط متخصصان حوزه‌های ذکر شده منتشر شده است. پس از جست‌وجوی اولیه و مطالعه تعدادی از مدارک پراستناد مرتبط، مجموعه کلمات کلیدی social science, paradigm shift, big data, computational social science methodology, end of theory, research شدند و جست‌وجوی سیستماتیک از طریق پرکاربردترین موتور جست‌وجوی مدارک علمی و دانشگاهی موجود، گوگل اسکولار^۳ (نورس، اوپنهم و رولند^۴، ۲۰۰۸، ۷۱۱) انجام گرفت.

مرور سیستماتیک شامل سه مرحله اصلی است: برنامه‌ریزی، اجرا و گزارش. در مرحله برنامه‌ریزی، محققان پس از شناسایی نیاز به انجام یک مرور سیستماتیک، سؤالات را مشخص کرده و بر مبنای آن، یک پروتکل جست‌وجو تعریف می‌کنند. در مرحله اجرا، مدارک اولیه‌ای شناسایی و گزینش و داده‌ها استخراج، تجزیه و تحلیل و سپس ترکیب می‌شوند. در مرحله گزارش نیز محققان یافته‌های حاصل از مرور مدارک علمی را منتشر می‌کنند. به‌رغم وجود تفاوت‌هایی در انواع مختلف مرور سیستماتیک، فرایند اصلی مشتمل بر هشت مرحله است (شائو و واتسون^۵، ۲۰۱۹، ۱۰۲: ۱) فرمول‌بندی مسئله تحقیق؛ (۲) توسعه و تأیید پروتکل مرور؛ (۳) جست‌وجو در مدارک علمی موجود؛ (۴) غربالگری برای گزینش؛ (۵) ارزیابی کیفیت؛ (۶) استخراج داده‌ها؛ (۷) تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها و (۸) گزارش یافته‌ها. با تبعیت از این هشت مرحله، فرایند و گام‌های مرور سیستماتیک مدارک علمی در تحقیق حاضر، در شکل شماره (۱) نمایش داده شده است.

جست‌وجوی جامع اولیه به شناسایی ۱۶۵ مدرک علمی انجامید. در مرحله دوم و پس از بررسی عناوین، چکیده و کلمات کلیدی در مورد مقالات و مقدمه در مورد کتب علمی، ۸۵ مدرک مرتبط احصا شد. در مرحله بعد و پس از مطالعه مروری متن مدارک علمی، ۲۴ مدرک،

1. Wierd
2. Peer-reviewed journal articles
3. Google scholar
4. Norris, Oppenheim and Rowland
5. Xiao and Watson

مشمول بر ۷ کتاب و ۱۷ مقاله، متناسب با موضوع پژوهش تشخیص داده شد و محتوای آن‌ها در خوانش مجدد، به صورت دقیق، در جست‌وجوی یافتن پاسخ مؤلف(ان) به دو پرسش بنیادین پژوهش، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.



فرمول بندی مسئله تحقیق

سوال اول تحقیق: آیا با ظهور کلان داده، در آستانه وقوع یک گذار پارادایمی در علم اجتماعی قرار داریم؟
سوال دوم تحقیق: آیا با ظهور کلان داده، تئوری به عنوان سنگ بنای نظام علم مدرن، به پایان راه خود رسیده است؟

توسعه و تأیید پروتکل مرور

رویکرد: فرارشته‌ای، بازه زمانی: ۲۰۲۱-۲۰۰۹، زبان: انگلیسی و فارسی، نوع مدرک: مقاله داوری تخصصی شده و کتب علمی تالیفی متخصصان حوزه های فلسفه علم، علوم داده و علوم اجتماعی، قابل دسترس بودن متن کامل مقاله و کتاب برای محققان

جستجو در مدارک علمی موجود

کانال جستجو: گوگل اسکولار، استراتژی نمونه گیری: جامع و دربرگیرنده، پالایش نتایج: بواسطه پالایش کلمات کلیدی
کلمات کلیدی: computational, end of theory, social science research, paradigm shift, big data, social science methodology
قانون توقف: بررسی نتایج جستجوی هر کلمه تا صفحه ۲۰ام نتایج جستجو، رسیدن به نتایج تکراری از جستجوهای جدید

غربالگری برای گزینش

بررسی عناوین، چکیده و کلمات کلیدی در مورد مقالات و مقدمه در مورد کتب علمی توسط محققان
بررسی همزمان و مستقل توسط هریک از محققان و جمع بندی مشترک

ارزیابی کیفیت

بررسی متن کامل مقاله و کتب غربال شده از حیث نحوه پوشش سوالات تحقیق(استدلال یا ارجاع به نظر دیگر نویسندگان) و اعتبار متن و نویسنده

استخراج داده ها

استخراج داده از کلیه بخش‌های متن مقالات و کتب منتخب بر مبنای دریافت مضمون موافقت و یا مخالفت نویسندگان با سوالات تحقیق و استدلال آن‌ها

تجزیه و تحلیل و ترکیب داده ها

دسته بندی داده‌ها بر حسب دریافت مضمون موافقت و یا مخالفت با سوالات تحقیق و مبنای قیاس و تحلیل

گزارش یافته ها

تشریح گام‌های فرایند مرور سیستماتیک در قالب روند نما، جدول و متن

شکل ۱. فرایند مرور سیستماتیک مدارک علمی

منبع: (شانو و واتسون، ۲۰۱۹، ۱۰۲)

۳. یافته‌ها

پس از جست‌وجوی سیستماتیک، مشخص شد اختلاف نظرهای بسیاری درخصوص (عدم) وقوع انقلاب و گذار پارادایمی در حوزه علوم اجتماعی پس از ظهور کلان‌داده، و همین‌طور (عدم) الزام به حضور نظریه در علم متأثر از ظهور کلان‌داده وجود دارد. گروهی از پژوهشگران معتقدند ظهور کلان‌داده، منجر به ظهور پارادایم جدیدی در علم اجتماعی شده است که از آن میان می‌توان به کانو^۱ (۲۰۱۸)، هی، تسلی، و تل^۲ (۲۰۰۹)، سوسانتو، لئو، و چن^۳ (۲۰۱۹)، چن و یو^۴ (۲۰۱۸)، چانگ، کافمن، و وون^۵ (۲۰۱۴)، مک‌فارلند، لوئیس، و گلدبرگ^۶ (۲۰۱۶)، جین، وا، چانگ، و وانگ^۷ (۲۰۱۵)، وانگ، سو، فوجیتا، و لو^۸ (۲۰۱۶)، بوید و کرافورد^۹ (۲۰۱۶)، سوسی و کاوینی^{۱۰} (۲۰۱۹)، چن و ژانگ^{۱۱} (۲۰۱۴)، چندلر^{۱۲} (۲۰۱۵)، لاگزه^{۱۳} (۲۰۱۴)، تورنبرگ و تورنبرگ^{۱۴} (۲۰۱۸) اشاره نمود و در سر دیگر طیف، پژوهشگرانی چون اسلون و کوان‌هاوسه^{۱۵} (۲۰۱۷)، کیتچین^{۱۶} (۲۰۱۴a، ۲۰۱۴b)، هالفورد و سوج^{۱۷} (۲۰۱۷)، بالازکا و رودیگیرو^{۱۸} (۲۰۲۰)، اشاره کرد. این پژوهشگران تحول حاصل از کلان‌داده را منتج به یک گذار پارادایمی در علم اجتماعی ندانسته و اغلب به نقد استدلال و مواضع گروه اول پرداخته‌اند. درخصوص نظریه، اجماع نظر بیشتری در میان پژوهشگران وجود دارد و به استثنای پژوهشگرانی نظیر هی و همکاران^{۱۹} (۲۰۰۹) و چندلر^{۱۲} (۲۰۱۵)، که علم مبتنی بر کلان‌داده را بی‌نیاز از نظریه‌پردازی



1. Cao
2. Hey, Tansley, & Tolle
3. Susanto, Leu, & Chen
4. Chen & Yu
5. Chang, Kauffman, & Kwon
6. McFarland, Lewis, & Goldberg
7. Jin, Wah, Chang, & Wang
8. Wang, Xu, Fujita, & Liu
9. Boyd & Crawford
10. Succi & Coveney
11. Zhang
12. Lagoze
13. Tornberg & Tornberg
14. Sloan & Quan-Haase
15. Halford & Savage
16. Balazka & Rodighiero



و مدل‌سازی دانسته‌اند، عمده پژوهشگران از جمله اسلون و کوان هاوسه (۲۰۱۷)، کیتچین (۲۰۱۴a)، (b2014)، چانگ و همکاران (۲۰۱۴)، مک‌فارلند و همکاران (۲۰۱۶)، ماهرث و شارکوا (۲۰۱۳)، میسی (۲۰۱۶)، تانگ^۲ (۲۰۱۷)، هالفورد و سوج (۲۰۱۷)، بالازکا و رودیگرو (۲۰۲۰)، کولز و شرودر^۳ (۲۰۱۵)، بوید و کرافورد (۲۰۱۲)، سوسی و کاوونی (۲۰۱۹)، گونزالس بایلون^۴ (۲۰۱۳) به‌صراحت اعلام کرده‌اند که در علم داده‌محور نیز حضور نظریه ناگزیر است.

جدول ۱. مدارک علمی منتخب مرور سیستماتیک و پاسخ مؤلف (ان) به دو پرسش بنیادین تحقیق

عنوان مقاله/کتاب	ویراستار/ مؤلف (ان)	سال انتشار	ظهور کلان‌داده منجر به بی نیازی به نظریه در علم اجتماعی است	ظهور کلان‌داده منجر به گذار پارادایمی در علم اجتماعی است	ظهور کلان‌داده منجر به بی نیازی به نظریه در علم اجتماعی است
کلان‌داده و مه‌بانگ کوچک: یک تکامل/انقلاب معرفت‌شناختی	بالازکا و رودیگرو	۲۰۲۰	خیر	خیر	خیر
کلان‌داده: پایان راه روش علمی؟	سوسی و کاوونی	۲۰۱۹	بله	خیر	خیر
تکنولوژی نوظهور کلان‌داده: تأثیر آن به عنوان ابزار توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات	سوسانتو و همکاران	۲۰۱۹	بله	-	-
تفکر مبتنی بر علم داده: انقلاب علمی، تکنولوژیکی و اقتصادی بعدی	کانو	۲۰۱۸	بله	-	-
کلان‌داده در علوم اجتماعی و انسانی رایانشی	چن	۲۰۱۸	بله	-	-
محدودیت‌های رویکرد رایانشی: نقد فلسفی تحقیقات معاصر کلان‌داده	تورنبرگ و تورنبرگ	۲۰۱۸	بله	-	-
راهنمای سیج برای روش‌های تحقیق رسانه‌های اجتماعی	اسلون و کوان هاوسه	۲۰۱۷	خیر	خیر	خیر
تأسف یا انتظار: پس از بازبینی نظریه	تانگ	۲۰۱۷	-	خیر	خیر
صحت جامعه‌شناختی با استفاده از کلان‌داده: علم اجتماعی سمفونیک و آینده تحقیقات کلان‌داده	هالفورد و سوج	۲۰۱۷	خیر	خیر	خیر
یک روند در حال ظهور: آیا کلان‌داده پایان نظریه است؟	میسی	۲۰۱۶	-	خیر	خیر
به سوی تصمیم‌گیری موفق: مروری بر چالش‌ها و روندهای کلان‌داده	وانگ و همکاران	۲۰۱۶	بله	-	-

1. Mahrt & Scharrow
2. Tang
3. Cows & Schroeder
4. González-Bailón



عنوان مقاله/کتاب	ویراستار/ مؤلف(ان)	سال انتشار	کلان‌داده ظهور منجر به گذار پارادایمی در علم اجتماعی است	کلان‌داده ظهور منجر به بی نیازی به نظریه در علم اجتماعی است
جامعه‌شناسی در عصر کلان‌داده: تعالی علوم اجتماعی جنایی	مک‌فارلند و همکاران	۲۰۱۶	بله	خیر
جهانی بدون علیت: کلان‌داده و فرارسیدن عصر پسانسان‌گرایی	چندلر	۲۰۱۵	بله	بله
اهمیت و چالش‌های تحقیقات مبتنی بر کلان‌داده	جین و همکاران	۲۰۱۵	بله	-
علیت، همبستگی و کلان‌داده در تحقیقات علوم اجتماعی	کولز و شرودر	۲۰۱۵	-	خیر
کلان‌داده، معرفت‌شناسی‌های جدید و تحولات پارادایمی	کیتچین	a۲۰۱۴	خیر	خیر
کلان‌داده، انسجام داده‌ها و از هم گسیختگی منطقه کنترل	لاگزه	۲۰۱۴	بله	-
انقلاب داده‌ها: کلان‌داده‌ها، داده‌های باز، زیرساخت‌های داده و پیامدهای آن‌ها	کیتچین	b۲۰۱۴	خیر	خیر
برنامه‌های کاربردی، چالش‌ها، تکنیک‌ها و فناوری‌های داده‌مبنا: تحقیقی در مورد کلان‌داده‌ها	چن و ژانگ	۲۰۱۴	بله	-
علوم اجتماعی در عصر کلان‌داده	گونزالس‌بایلون	۲۰۱۳	-	خیر
درک تغییر پارادایم به علوم اجتماعی رایانشی در محضر کلان‌داده	چانگ و همکاران	۲۰۱۳	بله	خیر
اهمیت کلان‌داده‌ها در تحقیقات رسانه‌های دیجیتال	ماهرت و شارکو	۲۰۱۳	-	خیر
پرسش‌های حیاتی در مورد کلان‌داده‌ها	بوید و کرافورد	۲۰۱۲	بله	خیر
پارادایم چهارم: اکتشاف علمی مبتنی بر داده	هی و همکاران	۲۰۰۹	بله	بله

گفتنی است پس از مطالعه منابع مختلف و دیدگاه‌های گاه متعارض، بر نگارندگان آشکار شد که بخشی از اختلاف نظر فلاسفه علم و محققان علوم اجتماعی، به برداشت متفاوت آن‌ها از مفهوم پارادایم و همین‌طور نظریه باز می‌گردد، همان‌گونه که بال و مارکس-مک‌دونالد^۱ (۲۰۰۲)، (۲۸) در کتاب مفاهیم سیار در علوم انسانی^۲ بیان نموده‌اند، مفاهیم هرگز صرفاً توصیفی نیستند، بلکه هنجاری نیز هستند؛ از این رو، استفاده از آن‌ها تبعات خاصی نیز در مباحث علمی خواهد داشت.

1. Bal & Marx-MacDonald

2. Traveling Concepts in the Humanities

۴. بحث

با وجود آن که در تعداد محدودی از مدارک علمی مورد بررسی به صورت عمقی، مستدل و نظام‌مند به پرسش‌های مدنظر مقاله حاضر پرداخته شده بود و عمدتاً مؤلف (ان) یا مبنای استدلالی قوی برای اظهار موافقت یا مخالفت خود با هریک از این دو مسئله، ارائه نداده بودند و یا در مواجهه کردن نظر خود، صرفاً به ارجاع دهی به نظرات اندیشمندان شاخص پیشین^۱، بسنده کرده بودند، در ادامه با کمک گرفتن از این مطالعات، پیرامون دو پرسش کلیدی مطرح شده بحث می‌شود.

آیا ظهور کلان داده، پایان راه نظریه به عنوان سنگ بنای نظام علم اجتماعی خواهد بود؟ نظام علم مدرن را می‌توان نظامی متشکل از مجموعه‌ای از نظریه‌ها دانست که با استفاده از روش‌های علمی به دست آمده‌اند. نظریه، سنگ بنای نظام علم متعارف است. یک نظریه علمی نظامی از سازه‌ها (مفاهیم) و گزاره‌ها (روابط موجود بین سازه‌ها) است که در کنار یکدیگر، یک توضیح منطقی، سیستماتیک و منسجم از یک رفتار، پشامد و یا یک پدیده طبیعی یا اجتماعی، تحت شرایطی مشخص ارائه می‌دهد. پیشرفت علم طی روندی مستمر با حرکت ما از نظریه‌های فقیرتر به نظریه‌های غنی‌تر انجام می‌شود (باتاچرجی^۲، ۲۰۱۲، ۳). اما با ظهور کلان داده برخی از اندیشمندان نظیر بروکز^۳ (۲۰۱۳) از نظریه تازه‌ای - بی‌نیازی به نظریه - سخن به میان آورده‌اند، «نظریه کلان داده، عدم نیاز به نظریه است... تنها کافی است مقادیر زیادی داده گردآوری کنید، الگوها را مشاهده کنید و احتمالات آینده را تخمین بزنید...». اندرسون (۲۰۰۸)، از «پایان نظریه» با ظهور کلان داده‌ها سخن می‌گوید. اندرسون در یک مقاله بحث برانگیز مدعی می‌شود: «طغیان داده‌ها، روش علمی سنتی را منسوخ می‌کند» و الگوها و روابط موجود در کلان داده‌ها، ذاتاً دانشی معنادار و بصیرتی راجع به فرایندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و پدیده‌های پیچیده تولید می‌کنند.

اندرسون (۲۰۰۸) معتقد بود: «اکنون راه بهتری وجود دارد. پتابایت به ما امکان می‌دهد تا بگوییم: وجود همبستگی کفایت می‌کند، ما می‌توانیم دست از تلاش برای یافتن مدل‌ها برداریم. ما می‌توانیم داده‌ها را بدون پیش فرض‌هایی در مورد آن‌که، چه چیزی ممکن است از خود نشان دهند، تجزیه و تحلیل کنیم. می‌توان اعداد را به درون بزرگترین خوشه‌های محاسباتی که دنیا تا به



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۲

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

1. Standing on the shoulders of Giants

2. Bhattacharjee

3. Brooks



امروز به خود دیده است، ریخت و اجازه داد الگوریتم‌های آماری، الگوهای را پیدا کنند که علم متعارف هرگز قادر به یافتن آن‌ها نبوده است... همبستگی جایگزین علیت می‌شود و علم می‌تواند حتی بدون مدل‌های منسجم، نظریه‌های یکپارچه و جهان‌شمول و ... به پیشرفت خود ادامه دهد. دیگر هیچ دلیلی برای تکیه بر روش‌های قدیمی وجود ندارد، وقت آن است که از خود پرسیم، این بار علم چه می‌تواند از گوگل بیاموزد؟».

در ادامه، استدلال خواهیم کرد که این ادعا نمی‌تواند صحیح باشد. از سازوکار ادراک انسان آغاز می‌کنیم. آنچه ما از محیط، ادراک می‌کنیم ساخته و پرداخته مغز ماست. از قرن هجدهم به این سو، برخی از فلاسفه غربی نظیر کانت، برگسون و جیمز، بر این مسئله تأکید داشته‌اند که آنچه تصور می‌کنیم «آن بیرون»^۱ در «دنیای واقعی» وجود دارد، کاملاً هم «آن بیرون» نیست و در حقیقت، ذهن انسان تا حدودی مسئول ساخت ادراکات ما از جهان پیرامونی است. حواس ما با جهانی آشفته و دائماً در حال تغییر روبرو است و مغز باید این هرج و مرج مداوم و فزاینده را به نحوی درک و مدیریت کند. این درک و گزینش همبستگی‌ها از میان اطلاعات پراکنده حسی دریافتی، توسط مغز است که دانش ما از محیط پیرامونی را شکل می‌دهد (لیپری^۲، ۲۰۱۵). بر این اساس، آنچه می‌بینیم و می‌دانیم تنها نمایی گزینش شده از واقعیت پیچیده جهان خارج است (هافمن^۳، ۲۰۱۰) که از فیلتر چارچوب‌های ذهنی ما عبور کرده است.

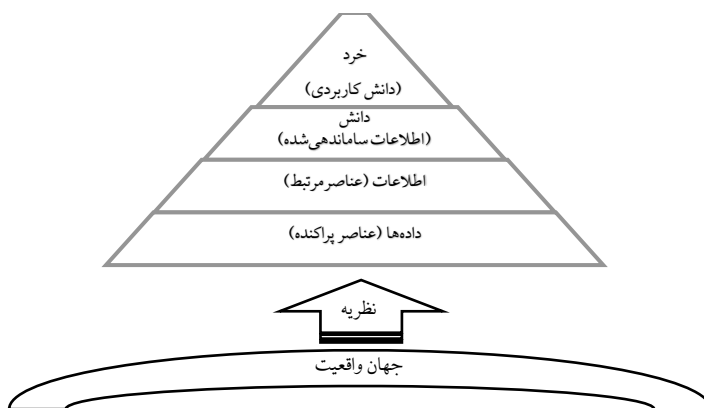
در مورد واقعیت اجتماعی که فرمی انتزاعی‌تر و توافقی‌تر از واقعیت مربوط به جهان طبیعی دارد، شرایط پیچیده‌تر نیز هست. پارسونز^۴ در مورد نحوه ادراک ذهن انسان از واقعیت جهان، معتقد است که توسط دیگرانی که تابع یک واقعیت مورد اجماع هستند، به ما آموزش داده می‌شود چگونه همانند آنان جهان را درک کنیم. نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، تصور و درک مخاطب از دنیای پیرامون را حاصل ترکیب ساخت اجتماعی معنا و معنای حاصل از تجربه شخصی یا به عبارتی، مذاکره و توافق علت و عاملیت، تحت عنوان برساخت‌گرایی اجتماعی می‌داند. در این دیدگاه، تنها واقعیت عینی و بیرونی نیست که شناخت ما را می‌سازد، بلکه ذهن ما نیز در ساختن جهان خارج، نقش سازنده‌ای

1. Out there
2. Lipari
3. Hoffman
4. Parsons

دارد. به نظر برساخت‌گرایان، آن‌چه واقعیت نامیده می‌شود حاصل مشاهده عینی جهان نیست، بلکه زاینده فراگردهای اجتماعی مستمر بین افراد است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۶).

براین اساس، ما تنها قادریم جهان (چه طبیعی و چه اجتماعی) را از منظر انسانی خود (فردی و بعد، جمعی) ببینیم و آن را با زبان نظریه‌های انسانی خود توصیف کنیم. ما برای همیشه، در دام زبان و نظریه گرفتار هستیم و قادر نیستیم از آن خارج شویم به نحوی که بتوانیم واقعیت را بی‌واسطه و مستقل از گونه‌ای نظریه توصیف کنیم. مخلص کلام آن‌که، انسان قادر نیست جهان را بدون استفاده از گونه‌ای چارچوب مفهومی و نظری، ادراک و توصیف کند. از نظر چالمرز، برخلاف تصور استقرارگرایان سطحی، علم با گزاره‌های مشاهدتی آغاز نمی‌شود زیرا نوعی نظریه مقدم بر تمامی گزاره‌های مشاهداتی است؛ در نتیجه استقرارگرایان محض، در مدعای خود در مورد آغاز علم از مشاهده، به خطا رفته‌اند (چالمرز، ۲۰۱۳، ۱۵). کوهن نیز معتقد بود آرمان‌رهایی از نظریه، توهمی بیش نیست. محققان هیچ‌گاه، در خلأ، دست به تحقیق نمی‌زنند. فرض‌های آشکار و پنهان، دانسته و نادانسته مسلط بر ذهن پژوهشگر، بر دعوای دانشی او سایه می‌افکنند، هرچند که به صراحت و رسماً اعلام نشوند (فرستخواه، ۱۳۹۹، ۴۷).

بررسی ساختار ادراک انسان به ما نشان داد که داده‌ها در پایین‌ترین سطح هرم دانش، بدون استثنا، آغشته به مفروضات نظری‌اند (تصویر ۲)، براین اساس، محال است بتوان مجموعه‌ای از داده‌های ناب یافت و داده‌ها از هر نوعی که باشند کوچک و یا کلان، نظریه‌مندند (اکاشا، ۱۳۹۳، ۱۱۸).



شکل ۲. هرم دانش و جهان واقعیت

منبع: برگرفته از هرم دانش آدلر (۱۹۸۶)



با این حال، تجربه‌گرایان معاصر که ظهور کلان‌داده را آغازگر عصر جدیدی از تجربه‌گرایی^۱ در علوم می‌دانند، معتقدند داده‌ها اگر کافی باشند می‌توانند فارغ از چارچوب‌های ذهنی انسانی (نظریه) به سخن درآیند. کلان‌داده‌ها قادرند به تنهایی بدون ارجاع به بستر زمینه یا نیاز به توضیحات یک مفسر انسانی (که قاعدتاً به زبان نظریه تفسیر می‌کند) صحبت کنند. آن‌ها معتقدند نه تنها، داده‌ها فارغ از نظریه هستند، بلکه تفسیر و معنای آن‌ها نیز می‌تواند به طور مشابه، در یک خلأ علمی صورت گیرد. در مورد کلان‌داده‌ها، حجم زیاد داده‌های در دسترس، اعتقاد این گروه را استوارتر نیز کرده است (کیتچین، ۲۰۱۴a، ۳؛ هیگ^۲، ۲۰۲۰، ۲۳).

از منظر مخالفان بازگشت پارادایم تجربه‌گرایی، چنین دیدگاهی غیرقابل دفاع است. آن‌ها معتقدند داده‌ها قبل از تولید، به خودی خود، وجود ندارند و از خلأ پدیدار نمی‌شوند، بلکه بر مبنای چارچوب‌های نظری و از طریق تکنیک‌های اندازه‌گیری (که برای انجام یک کار مشخص، تعریف شده‌اند) تولید می‌شوند. فرایند درک مفهوم از داده‌ها نیز، همیشه متأثر از یک چارچوب نظری است. حتی در جریان یادگیری ماشینی نیز، حضور یک تحلیل‌گر انسانی برای قضاوت و هدایت فرایند و تفسیر و ارزیابی نتایج، همچنان ضروری است. یادگیری ماشینی نیز یک علم خودکار و حاصل فشردن یک دکمه نیست، بلکه نیاز به احاطه بر دانش تخصصی حوزه و تأملات دقیق دارد؛ مهارت‌هایی که ذهن نظریه‌مند بشر، هنوز هم بهتر از کامپیوترها از عهده آن برمی‌آید (کیتچین، ۲۰۱۴b، ۱۰۳).

حتی اگر فرایند به نوعی خودکار باشد، الگوریتم‌های مورد استفاده برای پردازش داده‌ها نیز با ارزش‌های خاص آغشته شده و از یک رویکرد خاص علمی تبعیت می‌کنند. گواه نظریه‌مندی الگوریتم‌ها نیز این نقل قول هالز^۳ (۲۰۱۳)، به نقل از کیتچین، (۲۰۱۴b) است: «هر آزمون آماری یا الگوریتم یادگیری ماشینی، نمایشی خاص از الگو یا قاعده‌مندی را بیان می‌کند ... یک الگوریتم از یک مجموعه داده، یک نوع الگو را پیدا می‌کند و دیگری یک الگوی دیگر». الگوریتم‌های زیربنای کلان‌داده، براساس نظریه‌های سازنده علم متعارف و تجربه دانشمندان حوزه و طبق استدلال علمی ایجاد شده‌اند و به واسطه آزمایش‌های علمی، اصلاح و تعدیل شده‌اند (کیتچین،

1. New Era of Empiricism

2. Haig

3. Hales



۲۰۱۴b، ۵؛ سوسی و کاوونی، ۲۰۱۹، ۱۱). با این وصف، ادراک انسان، داده‌ها، اطلاعات، الگوریتم‌ها و دانش علمی و خرد، همگی به‌نحوی از انحاء، نظریه‌مند هستند و هرم دانش، از قاعده تا رأس، متأثر از چارچوب‌های ذهنی انسان است.

به عنوان جمع‌بندی باید گفت، عصر کلان‌داده‌ها برخلاف تصور استقرارگرایان معاصر، پایان نظریه نیست، بلکه آغاز تازه‌ای برای آن است و فرصتی فوق‌العاده برای غنی‌تر ساختن دانش بشری است (هی و همکاران، ۲۰۰۹؛ آلمانی اولیور، و وایر، ۲۰۱۵، ۴). در هر صورت، روند جایگزینی نظریه‌های قدیمی با نظریه‌های بهتر، همچنان در علم ادامه می‌یابد حتی در شرایط طغیان کلان‌داده‌ها (میس، ۲۰۱۶). با توجه به این مباحث می‌توان گفت: نظام علم حتی در صورت گذار پارادایمی، همواره بر پایه شکلی از اشکال نظریه استوار خواهد بود.

در مورد دومین پرسش که آیا در آستانه وقوع گذار پارادایمی در علوم اجتماعی قرار داریم؟ باید گفت که پارادایم، حد فاصل فلسفه و علم است (ایمان و کلاته‌ساداتی، ۱۳۹۱). کوهن به پیشرفت علم طبق پیوستارِ پایان باز، پیش علم، علم متعارف، بحران، انقلاب، علم متعارف جدید، بحران جدید معتقد بود. تاریخ علم نشان می‌دهد که عمده عمر علم و دانشمندان در دوران علم متعارف سپری می‌شود و انقلاب‌ها به ندرت اتفاق می‌افتند. در طول دوران علم متعارف، یک پارادایم علمی غالب بر جامعه علمی مسلط است^۱ (اکاشا، ۱۳۹۳، ۱۱۰). پارادایم، یک جهان‌بینی علمی خاص، یعنی مجموعه‌ای از مفروضات، باورها و ارزش‌های مشترک است که عامل وحدت اعضای یک جامعه علمی هستند و ظهور و شکل‌گیری علم متعارف منوط به آن‌هاست (چالمرز، ۲۰۱۳). در مورد این‌که چه اتفاقاتی منجر به بروز گذار پارادایمی می‌شود، نظرات متفاوتی وجود دارد، از نظر کوهن، در اواخر دوران علم متعارف، به مرور، ناهنجاری‌هایی پیدا می‌شوند که به رغم کوشش بسیار، دانشمندان متعارف موفق نمی‌شوند بین آن پدیده‌ها و مفروضات نظری پارادایم غالب، سازگاری ایجاد کنند. همچنان که بر شمار ناهنجاری‌ها افزوده می‌شود، جامعه علمی نیز رفته‌رفته احساس بحران می‌کند، از پارادایم موجود سلب اعتماد می‌شود و علم متعارف با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. این‌ها نشانه آغاز دوره علم انقلابی (به تعبیر کوهن) است که منجر به تغییر پارادایم مسلط می‌گردد (اکاشا، ۱۳۹۳، ۱۱۱).

۱. البته در مورد علوم اجتماعی، این جمله مصداق نخواهد داشت.

اما به زعم میسی (۲۰۱۶، ۴)، پیشرفت در فناوری‌های اندازه‌گیری، اغلب مقدم بر گذار پارادایمی است. جیم گری^۱ نیز گذار پارادایمی را ناشی از ناتوانی علم متعارف در توصیف پدیده‌های خاص و یا پاسخ به پرسش‌های اساسی مطرح‌شده نمی‌داند، بلکه معتقد است انقلاب‌ها در علم، متعاقب انقلاب در اندازه‌گیری، پیشرفت در فرم داده‌ها و توسعه روش‌های تحلیل جدید اتفاق می‌افتد. به زعم گری، علم تاکنون چهار پارادایم مختلف را تجربه کرده است و چهارمین پارادایم که هنوز در مراحل نوزادی خود است، نتیجه انقلاب کلان داده است و در دوران حیات ما اتفاق افتاده است (هی و همکاران، ۲۰۰۹، ۱۶۵).

جدول ۲. چهار پارادایم علمی گری

پارادایم	ماهیت	شکل	زمان ظهور
اول	علم تجربی	تجربه‌گرایی، توصیف پدیده‌های طبیعی	پیش از رنسانس
دوم	علم نظری	مدل‌سازی و تعمیم	پیش از کامپیوتر
سوم	علم کامپیوتری	شبیه‌سازی پدیده‌های پیچیده	پیش از کلان داده
چهارم	علم اکتشافی	داده فشرده، اکتشافات آماری و داده‌کاوی	کلان داده

منبع: (کیتچین، ۲۰۱۴b، ۱۲۹)

گری مدعی بود علوم کامپیوتری و پس از آن، ظهور کلان داده‌ها، ما را در آستانه یک پارادایم علمی جدید، به معنای یک شیوه مشترک پذیرفته شده برای پرسشگری در مورد جهان و تولید دانش در میان بخش قابل توجهی از محققان در هر رشته علمی قرار می‌دهد (کیتچین، ۲۰۱۴a، ۳). تجربه‌گرایان معاصر نیز عقیده داشتند ظهور کلان داده‌ها، آغازگر عصر جدیدی از تجربه‌گرایی در تحقیق علمی است که در آن حجم زیاد داده‌ها همراه با فناوری که می‌تواند واقعیت ذاتی آن‌ها را آشکار کند، داده‌ها را قادر می‌سازد تا فارغ از نظریه، خود به سخن درآیند. اعتقاد به بازگشت به پارادایم تجربه‌گرایی در خارج از محافل دانشگاهی، به ویژه در محافل تجاری، رونق بسیار یافته است؛ اما به تدریج در محافل آکادمیک نیز رسوخ کرد و از سوی گروهی از محققان مورد پذیرش قرار گرفت. در محافل علمی، عده‌ای، ظهور پارادایم چهارم را ادعایی غیرعلمی و نتیجه پروپاگانداي محافل تجاری می‌دانند، گروهی به ظهور پارادایم علم «داده محور»^۲ معتقدند و

1. Jim Gray

2. Data-driven science





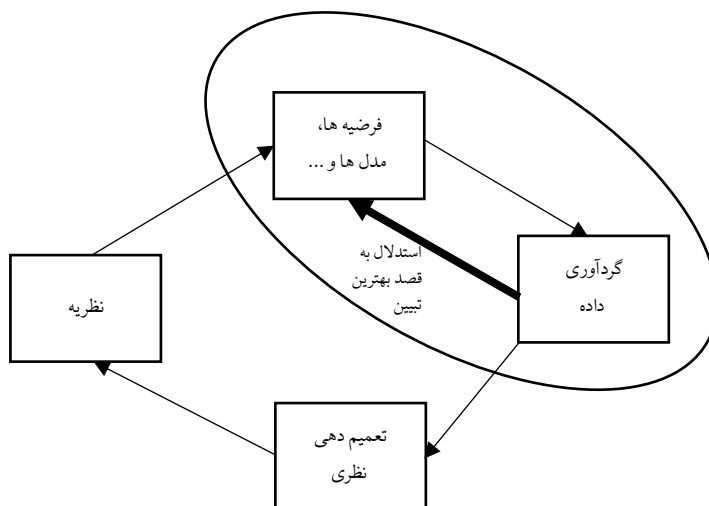
عده‌ای نیز «داده-ایسم»^۱ را به عنوان پارادایم استقرایی جدید پذیرفته‌اند. باید توجه داشت که هر دو رویکرد معتقد به ظهور پارادایم‌های جدید، روش علمی سنتی را به چالش می‌کشند (سوان، ۲۰۱۵، ۳؛ هیگ، ۲۰۲۰، ۱۷؛ کیتچین، ۲۰۱۴b، ۱۳۰).

از میان این دو رویکرد، پارادایم علم داده‌محور نسبت به بازگشت به استقراگرایی، مبانی استدلالی قوی‌تری دارد. مدافعان رویکرد علم داده‌محور، تمایز اصلی آن را با شیوه علم متعارف مبتنی بر استدلال قیاسی، در این می‌دانند که علم داده‌محور در پی تولید فرضیه و بصیرت «برخاسته از داده‌ها» و نه «برخاسته از نظریه» است. چنین فرایندی با توجه به روش‌های تولید و تجزیه و تحلیل خاص مورد استفاده در کلان‌داده‌ها، مبتنی بر استنتاج به قصد بهترین تبیین^۲ است. استدلال قیاسی و استقرا در علم شناخته شده‌اند. اما علم از نوع سومی از استدلال‌های منطقی، معروف به استنتاج، به قصد بهترین تبیین نیز استفاده قابل توجهی می‌کند. هیگ (۲۰۲۰) معتقد است استنتاج به قصد بهترین تبیین، دارای صلاحیت روش‌شناختی لازم برای کمک به ما در درک و ارزیابی بخش قابل توجهی از تحقیقات علمی در حوزه کلان‌داده است. طبق این نوع استدلال، برخلاف اعتقاد استقراگرایان مبتلا به بنیادگرایی داده‌محور، قرار بر این نیست که هر قاعده‌مندی مشاهده شده در کلان‌داده معنادار فرض شود. فرایند استقرا و استخراج بصیرت از دل داده‌ها و در یک بستر مشخص انجام می‌شود، اما نقطه پایان کار نیست؛ بلکه این بصیرت‌ها مبنای شکل‌گیری فرضیات و به آزمون گذاشتن اعتبار آنها به شیوه قیاسی قرار می‌گیرد (هیگ، ۲۰۲۰، ۱۸، ۲۲؛ کیتچین، ۲۰۱۴a، ۶).

به زعم آلمانی‌یور و وایر (۲۰۱۵، ۴)، تحقیق کلان‌داده فرایندی است که در آن استدلال به قصد بهترین تبیین، استقرایی و قیاسی برای ایجاد یک حلقه رفت‌وبرگشت ضروری دخیل هستند. همانطور که در شکل شماره (۳) نشان داده شده است، استدلال به قصد بهترین تبیین، شامل کاوش در داده‌ها، کشف یک الگو و سپس شناسایی بهترین فرضیه برای توضیح آن الگو است. کلان‌داده به عنوان ابزاری مفید برای ظهور فرضیه‌های جدید اکتشافی طبق منطق استدلال به قصد بهترین تبیین است.

1. Data-ism

2. Abductive reasoning



شکل ۳. منطق استدلال به قصد بهترین تبیین در فرایند تحقیق علمی
منبع: (آلمانی‌اولیور، و وایر، ۲۰۱۵، ۵)

براین اساس، علم داده‌محور، نسخه تعدیل‌شده‌ای از روش علمی سنتی است که روش جدیدی را برای ساخت نظریه علمی ارائه می‌دهد. با این وجود، تغییر معرفت‌شناختی قابل توجه است و اعتقاد بر این است که علم داده‌محور به علت توانایی در استخراج الگوها و بصیرت‌های ارزشمند از دل کلان‌داده‌ها و گرایش بیشتر به اکتشاف در مقایسه با علم دانش‌محور سنتی، پارادایم غالب کلان‌داده خواهد بود (میلر^۱، ۲۰۱۰، ۱۸۲؛ کیتچین، ۲۰۱۴a، ۶).

در مجموع، در حوزه علوم غیراجتماعی، بسیاری از اندیشمندان معتقدند که شاهد شکلی از تغییر پارادایم (بازگشت به تجربه‌گرایی و یا علم داده‌محور) هستیم. اگرچه طرفداران رویکرد علم داده‌محور، استدلال‌های پذیرفتنی‌تری نسبت به استقراگرایان ارائه می‌دهند. اما در حوزه علوم اجتماعی حضور هم‌زمان پارادایم‌های مختلف (اثبات‌گرایی، تفسیری، انتقادی و ...)، تشخیص انقلاب علمی و گذار پارادایمی را دشوارتر ساخته است. برخی حتی معتقدند به کارگرفتن اصطلاح «پارادایم» ممکن است در مورد رشته‌های علوم اجتماعی صحیح نباشد، زیرا علوم اجتماعی اغلب، فاقد مجموعه مشترکی از استانداردها و سؤالات اساسی هستند. کوهن (۱۹۹۶)

1. Miller



نیز، علوم اجتماعی را در سطح پیشاپارادایمی قلمداد می‌نمود(به نقل از مک‌فارلند و همکاران، ۲۰۱۶، ۱۳). آنچه مسلم است، اختلاف نظرهای بسیاری در مجامع آکادمیک، درخصوص وقوع یا عدم وقوع انقلاب و گذار پارادایمی در حوزه علوم اجتماعی پس از ظهور کلان‌داده، وجود دارد. با توجه به آشفتگی موجود و اختلافات بسیار در مواضع و نظرات اندیشمندان حوزه‌های ذکرشده، به نظر می‌رسد با مبنا قرار دادن تعریف کوهن از پارادایم علمی و توجه به این نکته که هر پارادایم باید برای سؤالات فلسفی اساسی علم، پاسخ متفاوتی نسبت به پارادایم پیشین خود داشته باشد، می‌توان در نهایت به این جمع‌بندی رسید که علم مبتنی بر کلان‌داده، یک پارادایم جدید است یا صرفاً نسخه‌ای تعدیل‌شده از پارادایم‌های سه‌گانه رقیب در حوزه علوم اجتماعی. با این استدلال به سراغ سؤالات اساسی سازنده‌ی شاکله یک پارادایم علمی می‌رویم که عمده‌تاً ماهیتی فلسفی دارند. به اعتقاد نیومن^۱ (۱۹۹۷)، به نقل از ایمان و کلاته ساداتی، (۱۳۹۱)، پارادایم‌ها باید به هشت سؤال اساسی پاسخ دهند که عبارت‌ند از: چیستی و هدف تحقیق، ماهیت واقعیت، ماهیت انسان، رابطه میان علم و شعور عامیانه، عناصر اصلی تبیین، معیار داوری در مورد درستی یا نادرستی تبیین، اسناد و مدارک خوب و در نهایت، چگونگی و محل ورود ارزش‌ها به علم. ایمان و کلاته ساداتی (۱۳۹۱)، (۳۶)، این ۸ سؤال و پاسخ سه نظام پارادایمی غالب در علوم اجتماعی به سؤالات اساسی فلسفه علم را به صورت جدول شماره (۳) بیان نموده‌اند. برهمین اساس، بررسی خواهیم نمود که آیا ظهور کلان‌داده، تغییری در پاسخ نظام علم به سؤالات زیر ایجاد کرده است یا خیر.

جدول ۳. پاسخ پارادایم‌های علم اجتماعی به سؤالات اساسی

سؤال اساسی	اثبات‌گرایی	تفسیری	انتقادی	مبتنی بر کلان‌داده؟
ماهیت واقعیت	خارجی و مستقل از انسان، قابل درک توسط حواس	درونی و ذهنی و ساخته ذهن انسان	خصوصیه‌ای تاریخی، دوسطحی و خارج از انسان	- آبر واقعیت، چندبعدی شدن و تکثر واقعیت(جهان واقعی، جهان مجازی، ...) - باریک شدن مرز عینیت و ذهنیت، واقعیت سیال و مداوما در حال تغییر، شبکه‌ای، سیستماتیک، داینامیک، اپیزودیک و پراشوب



سؤال اساسی	اثبات‌گرایی	تفسیری	انتقادی	مبتنی بر کلان‌داده؟
ماهیت انسان	موجودی عقلانی، لذت‌جو و منطقی که رفتارش تحت تأثیر نیروهای اجتماعی خارجی تعیین می‌شود.	موجودی آگاه، خلاق، آزاد و دارای تجارب بامعنا. خود محیط را می‌سازد و محکوم به جبر نیست.	موجودی دارای قدرت بالقوه برای تغییر محیط، نیازمند آگاهی برای شکستن سطوح آگاهی کاذب و انقلاب.	موجودی خلاق و آزاد، وجه مشخصه آن با دیگر تولیدکنندگان واقعیت اجتماعی، توان تفسیر، تغییر نقش انسان در جهان
ماهیت علم و هدف از تحقیق علمی	فرایندی کاملاً سازمان‌یافته، منظم، عاری از پیش‌داوری، نگاه از بالا به پایین به دانش عامه، دین، خرافه نظریه اجتماعی، از قبل ساخته شده و باید تأیید شود.	فرایندی سازمان‌نیافته، عاری از چارچوب و خشک دانش عامه مهم‌ترین عنصر خلق و آفرینندگی انسان و دارای اصالت نظریه اجتماعی، در متن زندگی اجتماعی نهفته است و باید استخراج شود.	آگاهی کاذب دانستن دانش عامه، نیاز به غلبه بر آن با استفاده از علم انتقادی و به کمک آن ایجاد تغییر و تحولات در سطح برنامه‌ریزی	فرایندی سازمان‌نیافته، گذار از تمرکز علم بر گذشته و تعمیم آن به آینده به سمت و سوی پیش‌بینی آینده، گذار از نظریه اجتماعی به کلان‌نظریه، گذار از علم حالت ۱/۰ به علم حالت ۲/۰ همکاری فرارشته‌ای و کم‌رنگ شدن تفکیک رشته‌ای
تبیین واقعیت	تبیین علمی، قیاسی، عام، سازمان‌یافته و علمی و مبتنی بر قوانین عام و جهان‌شمول است	علم خاصیتی تفریدی، وابسته به بستر و استقرایی دارد. معنای داده توسط انسان به واقعیت اجتماعی، اصالت دارد.	تبیین علمی، متکی بر دیالکتیک و اصالت جبر و اختیار	تبیین مبتنی بر استدلال به قصد بهترین تبیین و احتمال
جایگاه ارزش در علم	علم مستقل از جامعه و فرد، در نتیجه عاری از ارزش	وظیفه علم منعکس کردن ارزش‌ها، اعتقادات و باورهای انسانی	تحقیق و علم یک فعالیت اخلاقی و تعهد سیاسی	وظیفه علم منعکس کردن ارزش‌ها، باورها و اعتقادات انسانی در دنیای مجازی و واقعی
ماهیت داده	داده خرد، در مقیاس انسانی، ساختارمند، صحت علمی بالا	داده خرد، در مقیاس انسانی، ساختارمند، صحت علمی بالا	داده خرد، در مقیاس انسانی، ساختارمند، صحت علمی بالا	داده کلان، بلادرنگ، حجم زیاد، تنوع زیاد و عدم ساختارمندی، شتاب ذخیره و بازیابی داده، مشکل صحت داده‌های گردآوری شده از وب

منبع: ایمان و کلاسه‌ساده‌ای (۱۳۹۱)، سوان (۲۰۱۵)، روپولی (۲۰۱۶)، نووتی و همکاران (۲۰۰۳، ۲۰۰۱)، چندلر (۲۰۱۵)، کیتچین (۲۰۱۴)

۱-۴. ماهیت واقعیت در علم اجتماعی مبتنی بر کلان داده

وضعیت فعلی تاحدی شبیه به وضعیتی است که با ظهور علم احتمال در قرن ۱۷ میلادی ایجاد شد. آن زمان مفهوم قطعیت و اکنون مفهوم واقعیت مورد بازنگری قرار گرفته است (روپولی، ۲۰۱۶، ۴۰). جهان پسامدرن محصول شکست انسان در تحقق خواسته‌های خود در عصر مدرنیته-به ویژه سلطه‌طلبی و تلاش برای کنترل کامل جهان- و اقرار او به ناتوانی در کنترل جهان سیستماتیک، داینامیک، اپیزودیک، سیال و پراشوب واقعی است. توسعه فناوری‌های ارتباطی و بازنمایی، پاسخی به آسیب‌پذیری انسان و تلاش او برای کنترل موقعیت‌های زندگی خود به واسطه خلق یک جهان مجازی و زندگی در یک محیط قابل کنترل است (چندلر، ۲۰۱۵، ۸۴۳؛ روپولی، ۲۰۱۶، ۴۱).

فناوری، چهره هستی‌شناسانه دوگانه‌ای دارد و هم «چیزها» و هم «بازنمایی»^۱ ها را تولید می‌کند. چند دهه گذشته شاهد یک تغییر فناورانه قابل توجه بوده است. فناوری‌های بازنمایی جدید ظهور کرده‌اند و کارکرد بازنمایش‌گری و نمادین فناوری اهمیت بیشتری پیدا کرده است. اصطلاحات جدید، جامعه پسا صنعتی، جامعه دانشی، جامعه اطلاعاتی و یا جامعه شبکه‌ای، همه به نوعی از جامعه اشاره دارند که در آن فناوری‌های بازنمایی عامل مسلط بر زندگی بشر هستند (روپولی، ۲۰۱۶، ۴۱). پدید آمدن اشکال تازه‌ای از واقعیت (وجود داشتن و بودن مصنوعی)^۲، محصول توسعه فناوری‌های بازنمایی است. در عصر مدرنیته، جهان یا «خارجی یا عینی» بود و یا «داخلی/ذهنی»، و مرز مشخصی برای قلمروی واقعیت عینی و ذهنی ترسیم شده بود. در توصیف واقعیت جهان پسامدرن فعلی باید گفت مرز بین واقعیت و مجاز کم‌رنگ و شکننده شده و اعتقاد پسامدرن به تکرارگرایی منجر به این عقیده شده که هیچ واقعیت «واحدی» برای این جهان وجود ندارد و یا اصلاً واقعیتی وجود ندارد و ما فقط قادریم از وجود یک ابرواقعیت^۳ سخن به میان آوریم (چندلر، ۲۰۱۵، ۸۴۵؛ روپولی، ۲۰۱۶، ۴۴).

در جهان ابرواقعیت، تمایز قائل شدن میان واقعی و غیر واقعی، دشوار است. در این جهان، تصاویر و نشانه‌ها و شبیه‌سازی‌ها، لزوماً مرجع و اصلی ندارند و می‌توان خود آن‌ها را وجودهایی



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۲۲

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

1. Representations
2. Artificial beings
3. Hyperreality



واقعی دانست. در این وضعیت، اصرار بر تفکیک جهان‌های خارجی/عینی و داخلی/ذهنی منطقی نیست. اهمیت و نقش مکان، کالبد و تمایز وجودهای عینی و ذهنی از بین می‌رود و با روابط و شبکه‌های متقابل بین آن‌ها جایگزین می‌شود. دیدگاه پسامدرن قائل به وجود یک طیف است که واقعیت و مجاز در دو سمت آن قرار گرفته‌اند. به این معنی که به جای آن که مطابق سنت افلاطونی، واقعیت و مجاز در دو جهان مجزا، منفک از هم نگاه داشته شوند، هر دو سطح وجود، لاجرم در هر موجودی در این جهان و بالتبع واقعیت متکثر جهان، نهفته و قابل تبدیل به یکدیگر است. عمومیت پیدا کردن فناوری‌های بازنمایی در جامعه اطلاعاتی سبب شده است که یک وجود اجتماعی^۱، لزوماً یک وجود مجازی نیز باشد. جامعه اطلاعاتی جامعه‌ای است که در آن، موجودات معمولی (انسان‌ها، کامپیوترها، سنسورها، ...) در آن موجوداتی مجازی نیز هستند و بنابراین، کلیت جامعه و واقعیت اجتماعی، یک بعد مجازی و باز نیز داراست (روپولی، ۲۰۱۶، ۵۱).

۴-۲. ماهیت انسان در علم اجتماعی مبتنی بر کلان‌داده

جهان اجتماعی پسامدرن مملو از مجموعه‌ای از وجودها (طبیعی یا مصنوعی)، انسان‌ها (یا کارگزاران انسانی)، اهداف و ابزارهای آنها است (روپولی، ۲۰۱۶، ۴۱). در این مجموعه، انسان تنها کنش‌گر و موجود ارتباطی است که علاوه بر تولید داده، امکان انحصاری درک و تفسیر آن را نیز دارد. انواع مختلف شیوه‌های بودن (وجود داشتن) با مرزی که دیگر مانند دوران مدرنیته، مانعی برای حرکت بین واقعیت و مجاز نیست، به یکی از موضوعات اصلی زندگی در جامعه پسامدرن تبدیل شده است (چندلر، ۲۰۱۵، ۸۴۷؛ روپولی، ۲۰۱۶، ۴۵). وجود اجتماعی (اعم از انسان و غیرانسان) توسط فناوری، به طور مداوم بازتولید و خلق می‌شوند و نقش انسان در جهان در حال تغییر است (سوان، ۲۰۱۵، ۱). می‌توان گفت وجود اجتماعی پسامدرن، کاراکتری آزادتر و مختارتر نسبت به وجود اجتماعی مدرن بوده و به زمان و مکان محدود نیست.

۴-۳. ماهیت علم و هدف از پژوهش علمی در علم اجتماعی مبتنی بر کلان‌داده

نظام علم مدرن، نظامی تفکیک‌شده و دربرگیرنده رشته‌های علمی متعدد است و سازماندهی علم به رشته‌های متمایز، ابداع جامعه علمی قرن نوزدهم میلادی است (کونر، جکسون، سوسا، و مارکز^۲،

1. social being

2. Connor, Jackson, Sosa, & Marks



۲۰۱۷، ۲۱۲). نتیجه این تفکیک، شکل‌گیری جوامع علمی منفک بود که هریک به حل مشکلات خاص و تولید علم در چارچوب تخصص خود مشغول بودند. این تفکیک و تلاش برای درک واقعیت جهان به صورت تک‌رشته‌ای، اگرچه در زمان خود ضروری، اما بر دشواری درک کامل پدیده‌ها و واقعیت‌های چندوجهی جهان (به ویژه جهان اجتماعی) می‌افزود.

امروزه، شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد این رویکرد سنتی به علم، دیگر جوابگوی مشکلات جوامع پیچیده فعلی نیست. تعداد فزاینده‌ای از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی که جهان امروز با آن روبرو است، در دسته «مشکلات شورو»^۱ قرار می‌گیرند (کونر و همکاران، ۲۰۱۷). این مشکلات پیچیده و به هم پیوسته، سر در برابر تقسیم‌بندی انتزاعی قرن نوزدهمی ما فرو نمی‌آورند و حل آن‌ها (به ویژه مشکلات اجتماعی) با استفاده از تفکر مبتنی بر نظام تفکیک رشته‌ای سنتی ممکن نیست. در همین راستا، نگرانی برای آینده علم اجتماعی موجب شد از اواخر دهه ۲۰۰۰ شایعاتی در محافل تجاری و علمی درباره ظهور شکل تازه‌ای از علم به نام «علم ۲/۰»^۲ آغاز شود. در کتاب سبک جدید تولید دانش: پویایی علم و تحقیق در جوامع معاصر^۳ از دو حالت علم سخن گفته شده است: پارادایم قدیمی علمی (حالت ۱) که با هژمونی علم نظری و یا تجربی، طبقه‌بندی داخلی رشته‌های علمی و تسلط دانشمندان و دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی علمی میزبان آن‌ها، مشخص می‌شود و پارادایم جدیدتر تولید دانش (حالت ۲) که محصول آن، علمی از نظرا اجتماعی توزیع شده، نزدیک‌تر به واقعیت اجتماعی، کاربردی، بین‌رشته‌ای و دارای مسئولیت‌های متعدد در قبال جامعه است (نووتنی^۴، اسکات، و گیبونز^۵، ۲۰۰۳، ۱۷۹). نووتنی و همکاران (۲۰۰۱، ۲۰۰۳) برای توصیف عرصه تولید علم حالت دوم، از مفهوم آگورا^۶ (در یونان باستان، به معنای یک فضای باز عمومی برای گردهمایی و دادن و ستاندن) استفاده می‌کنند که توصیفی به جاست.

1. wicked problems

2. Science 2.0

3. The New Production of Knowledge: The Dynamics of Science and Research in Contemporary Societies

4. Nowotny

5. Scott & Gibbons

6. Agora



علم «حالت ۲» در حین کاربرد، تولید می‌شود و این، با کاربردی شدن علوم «خالص» تولید شده در محیط‌های تخصصی علمی تفاوت دارد. دومین ویژگی علم «حالت ۲»، فرارشته‌ای^۱ بودن آن است که به معنای بسیج طیف وسیعی از چارچوب‌های نظری و روش‌های عملی برای حل مشکلات است. سومین ویژگی، تعدد مراجع تولید دانش و تنوع انواع دانش تولیدی و عدم تبعیت آن‌ها از ساختار مشخص است. در حالت جدید، درجه تعاملات و پویایی جوامع تحقیقاتی به مراتب نسبت به قبل، افزایش پیدا کرده است و موانع ورود کمتر و مرزهای بازتری نسبت به قبل دارند. چهارمین ویژگی علم «حالت ۲» این است که بسیار بازتابنده است. فرایند تحقیق را دیگر نمی‌توان به صورت یک کندوکاو و تحقیق «عینیت‌گرا» از جهان طبیعی (یا اجتماعی) و یا به صورت یک بازجویی خشک و تقلیل‌گرا از «دیگر» انسان‌های جامعه تعریف کرد. در عوض، تحقیق اجتماعی، فرایندی مشتمل بر گفت‌وگوی پرشور (و شاید بی‌پایان) بین محققان و سوژه‌های تحقیق مبدل شده است. ویژگی پنجم در ظهور ناگزیر اشکال جدیدی از کنترل کیفیت برای علم متجلی شده است. در دانش «حالت ۲»، «همتابان علم» دیگر به شکل صریح، قابل تشخیص و تمایز از علم نیستند. مرزبندی ثابتی برای رشته‌های علمی وجود ندارد. اشکال قدیمی کنترل کیفیت قادر نیستند به راحتی در مورد پرسش‌های پژوهشی بسیار گسترده جهان امروز، مورد استفاده قرار گیرند. هر روز بازیگران بیشتری وارد بازی تحقیقات علمی می‌شوند و کنترل این بازیگران دشوار است و نگران‌کننده‌ترین مسئله این است که پس از این ممکن است دیگر معیار واضح و ثابتی برای تعیین کیفیت تحقیق علمی، در دسترس نباشد (نووتنی و همکاران، ۲۰۰۳، ۱۸۶).

نووتنی و همکاران (۲۰۰۳، ۱۹۱) بر چهار عامل زمینه‌ساز گذار از علم حالت ۱ به ۲ اشاره می‌کنند. عامل چهارم، بازآفرینی زمان-مکان است که انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های آن است. بسیاری عقیده دارند پیش از این انقلاب و ظهور کلان‌داده‌ها، این گذار، عملاً ممکن نبود. حجم زیاد داده‌های رابطه‌ای و بلادرنگ در دسترس در کنار الگوریتم‌هایی که هریک متأثر از چارچوب علمی رشته‌ای خاص، انبوه داده‌های موجود را در پی یافتن الگوهای تکرارشونده می‌پیمایند، عرصه را برای ظهور روش‌های تحقیق جدید و شکلی هم‌گراتر و پایدارتر از علم بشری گشوده است؛ علمی که در آن، مرزبندی‌های تصنعی و تش‌های

مخرب بین جوامع تخصصی علمی و سایر بازیگران اجتماعی کاهش می‌یابد و هم‌افزایی‌های فرارشته‌ای، که پیش‌تر ممکن نبود، درک جامع‌تری از واقعیت‌های ذاتا چندوجهی جهان اجتماعی بدست انسان معاصر می‌دهد.

۴-۴. تبیین واقعیت در علم اجتماعی مبتنی بر کلان‌داده

با توجه به آنچه پیش‌تر بیان شد، تحقیق کلان‌داده فرایندی است که در آن استدلال به قصد بهترین تبیین (شامل حلقه‌ای از استدلال استقرایی و قیاسی) برای تبیین واقعیت جهان اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴-۵. جایگاه ارزش در علم اجتماعی مبتنی بر کلان‌داده

در پاسخ به پرسش اول این نوشتار، به صورت تفصیلی بحث شد که به‌رغم وجود اختلاف نظر در مورد نظریه‌مند (و در نتیجه ارزش‌محور) بودن کلان‌داده‌ها، نه تنها کلان‌داده‌ها، بلکه الگوریتم‌ها و کلیت فرایند تولید دانش علمی، آمیخته با ارزش و متأثر از سازه‌هایی ذهنی، فرهنگی و اجتماعی هستند.



۵. نتیجه‌گیری

ظهور کلان‌داده به‌واسطه فراهم آوردن امکان رصد رفتارهای فردی و تعاملات بین فردی انسان، حین و یا با فاصله اندکی پس از وقوع، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را برای دانشمندان اجتماعی در دسترسی بهتر به واقعیت پیچیده جهان اجتماعی ایجاد کرده است که به واقع، برآیندی از فراگردهای اجتماعی مستمر و بلادرنگ میان انسان‌ها است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹). در کنار فرصت‌های ذکر شده، ظهور کلان‌داده چالش‌ها و مباحثات بسیاری را نیز با خود به همراه آورده است و در طول عمر کوتاه خود، منجر به ایجاد شکافی در محافل علمی و تجاری و موضع‌گیری‌های له و علیه بسیاری شده است. گروهی از اندیشمندان نظیر هی و همکاران (۲۰۰۹) و چندلر (۲۰۱۵)، فارغ از مرزهای رشته‌ای، کلان‌داده را نقطه پایان نظریه به‌عنوان سنگ‌بنای نظام علم تلقی کرده‌اند، با بررسی ساختار ادراک انسان، تأثیر بر ساختارهای اجتماعی بر انسان اجتماعی و هم‌راستا با چالمرز (۲۰۱۳)، اسلون و کوان‌هاوسه (۲۰۱۷)، کیتچین (۲۰۱۴a,b)، چانگ و همکاران (۲۰۱۴)، مک‌فارلند و همکاران (۲۰۱۶)، میسی (۲۰۱۶)، تانگ (۲۰۱۷)، هالفورد و سوج (۲۰۱۷)، کولز و شرودر (۲۰۱۵)، بوید و



کرافورد (۲۰۱۲)، سوسی و کاونی (۲۰۱۹)، بالازکا و رودیگرو (۲۰۲۰) و ... استدلال کردیم که رهایی از نظریه، توهمی بیش نیست و انسان قادر نیست بدون وابستگی به شکلی از اشکال نظریه، جهان پیرامون خود را ادراک و توصیف کند؛ در نتیجه، روند مستمر حرکت از نظریه‌های فقیرتر به نظریه‌های غنی‌تر در علم اجتماعی، حتی در محضر کلان‌داده نیز، ناگزیر است. موضوع بحث‌برانگیز دیگر، اختلاف نظر اندیشمندان بر سر این بود که آیا علم اجتماعی مبتنی بر کلان‌داده را می‌توان یک پارادایم علمی جدید محسوب نمود یا خیر. با توجه به اختلاف نظره‌های بسیار در میان اندیشمندان حوزه‌های مرتبط، در این پژوهش تلاش شد تا با ارجاع به تعریف کوهن و استفاده از سؤالات اساسی و سازنده شاکله یک پارادایم علمی، مبنای استدلالی قوی برای پرداختن به این پرسش بنیادین ایجاد شود. با توجه به این که ظهور کلان‌داده در چارچوب جامعه اطلاعاتی و پسامدرن امروزی، امکان گذار علم از حالت ۱ به ۲ و عمومی و فرارشته‌ای شدن علم را فراهم آورده و تغییرات اساسی در پاسخ علم به سؤالات بنیادینی که شاکله یک پارادایم علمی را تشکیل می‌دهند، از جمله ماهیت واقعیت اجتماعی، انسان، علم و ... ایجاد کرده است، می‌توان هم‌راستا با محققانی نظیر کائو (۲۰۱۸)، هی و همکاران (۲۰۰۹)، سوسانتو و همکاران (۲۰۱۹)، چن (۲۰۱۸)، چانگ و همکاران (۲۰۱۴)، مک فارلند و همکاران (۲۰۱۶)، جین و همکاران (۲۰۱۵)، وانگ و همکاران (۲۰۱۶)، بوید و کرافورد (۲۰۱۶)، سوسی و کاونی (۲۰۱۹)، چن و ژانگ (۲۰۱۴)، چندلر (۲۰۱۵)، لاگزه (۲۰۱۴)، تورنبرگ و تورنبرگ (۲۰۱۸) و ... ظهور کلان‌داده را زمینه‌ساز ظهور یک پارادایم علمی جدید در علم اجتماعی به شمار آورد.

اکاشا، سمیر (۱۳۹۳). فلسفه علم (مترجم: هومن پناهنده). تهران: انتشارات فرهنگ معاصر. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۲)

ایمان، محمدتقی؛ و کلاته ساداتی، احمد (۱۳۹۷). فلسفه تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: سمت.

ایمان، محمدتقی؛ و کلاته ساداتی، احمد (۱۳۹۱). آسیب شناسی روش توسعه علوم انسانی در ایران. راهبرد فرهنگ، ۵(۱۹)، ۲۷-۵۱.

فراسرخواه، مقصود (۱۳۹۹). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه. تهران: آگاه.

مهدی زاده، سید محمد (۱۳۹۶). نظریه های رسانه: اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی. تهران: نشر همشهری.

Adler, M. J. (1986). A guidebook to learning: for a lifelong pursuit of wisdom. London: Macmillan.

Alemanly Oliver, M., & Vayre, J. S. (2015). Big data and the future of knowledge production in marketing research: Ethics, digital traces, and abductive reasoning. *Journal of Marketing Analytics*, 3(1), 5-13. doi:10.1057/jma.2015.1

Anderson, C. (Jun. 23, 2008). The end of theory: The data deluge makes the scientific method obsolete. *Wired*, Reterived from <https://www.wired.com/2008/06/pb-theory>

Anderson, J., & Rainie, L. (July. 20, 2012). The future of big data. *Pew Research Center: Internet, Science & Tech*, Reterived from <https://www.pewresearch.org/internet/2012/07/20/the-future-of-big-data>

Appelbe, B., & Bannon, D. (2007). eResearch – Paradigm shift or propaganda? *Journal of Research and Practice in IT*, 39(2), 83–90. doi: 10.3316/informit.937758621242625

Audétat, M. (2001). Review: Re-Thinking Science, Re-Thinking Society. Reviewed Work: Re-Thinking Science: Knowledge and the Public in an Age of Uncertainty by Helga Nowotny, Peter Scott, Michael Gibbons. *Social Studies of Science*, 31(6), 950-956.

Balazka, D., & Rodighiero, D. (2020). Big data and the little big bang: an epistemological (r)evolution. *Frontiers in Big Data*, 31(3). doi:10.3389/fdata.2020.00031

Barry, A., Born, G., & Weszkalnys, G. (2008). Logics of interdisciplinarity. *Economy and Society*, 37(1), 20-49. doi: 10.1080/03085140701760841

Berger, P. L. & Luckmann, T. (2011). The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge. United Kingdom: Open Road Media.

Bhattacharjee, A. (2012). *Social Science Research: Principles, Methods, and Practices*. Retrieved from <https://open.umn.edu/opentextbooks/textbooks/79>



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۲۸

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳



- Big Data and Social Science: A Practical Guide to Methods and Tools. (2016). United States: CRC Press.
- Boyd, D., & Crawford, K. (2012). Critical questions for big data. *Information, Communication & Society*, 15(5), 662-679. doi: 10.1080/1369118X.2012.678878.
- Brereton, P., Kitchenham, B. A., Budgen, D., Turner, M., & Khalil, M. (2007). Lessons from applying the systematic literature review process within the software engineering domain. *Journal of Systems and Software*, 80(4), 571-583. doi:10.1016/j.jss.2006.07.009
- Brian and Saas Scout Team. (June. 07, 2021). Big data statistics, growth & facts 2021. *Saasscout*, Reterived from <https://saasscout.com/statistics/big-data-statistics>
- Brooks, D. (April. 15, 2013). What You'll Do Next. *The Newyork Times*, Reterived from <https://www.nytimes.com/2013/04/16/opinion/brooks-what-youoll-do-next.html>
- Bryant, A., & Raja, U. (2014). In the realm of Big Data... . *First Monday*, 19(2). <https://doi.org/10.5210/fm.v19i2.4991>
- Bulao, J. (May. 18, 2021). How Much Data Is Created Every Day in 2021?, *Techjury*, Retrived from <https://techjury.net/blog/how-much-data-is-created-every-day/#gref>.
- Cao, L. (2018). *Data Science Thinking: The Next Scientific, Technological and Economic Revolution*. Springer International Publishing
- Chalmers, A. (2013). What Is This Thing Called Science? United Kingdom: Hackett Publishing Company, Incorporated.
- Chandler, D. (2015). A world without Causation: Big Data and the coming of age of posthumanism. *Millennium: Journal of International Studies*, 43(3), 833-851. doi:10.1177/0305829815576817
- Chang, R. M., Kauffman, R. J., & Kwon, Y. (2014). Understanding the paradigm shift to computational social science in the presence of big data. *Decision Support Systems*, 63, 67-80. doi:10.1016/j.dss.2013.08.008
- Chen, S. H. (Ed.). (2018). Big data in computational social science and humanities. Germany: Springer International Publishing.
- Connor, A., Sosa, R., Jackson, A. G., & Marks, S. (2017). Problem Solving at the Edge of Disciplines. In *Handbook of Research on Creative Problem-Solving Skill Development in Higher Education* (pp. 212-234). United States: IGI Global: IGI Global.
- Cowls, J., & Schroeder, R. (2015). Causation, correlation, and big data in social science research. *Policy & Internet*, 7(4), 447-472. doi: 10.1002/poi3.100
- Craig, T., & Ludloff, M. E. (2011). Privacy and big data: the players, regulators, and stakeholders. United States: O'Reilly Media.
- Crawford, K. (April. 01, 2013). The Hidden Biases in Big Data. *Harvard Business Review*, Retrived from <https://hbr.org/2013/04/the-hidden-biases-in-big-data>

- Cukier, K., Mayer-Schönberger, V. (2013). *Big Data: A Revolution That Will Transform How We Live, Work, and Think*. United Kingdom: Houghton Mifflin Harcourt.
- Desjardins, F. (April. 17, 2019). How much data is generated each day? *World Economic Forum*, Reterived from <https://www.weforum.org/agenda/2019/04/how-much-data-is-generated-each-day-cf4bddf29f>
- Dubois, D., Hájek, P., & Prade, H. (2000). Knowledge-Driven versus Data-Driven Logics. *Journal of Logic, Language, and Information*, 9(1), 65–89. <http://www.jstor.org/stable/40180310>
- Frické, M. (2009). The knowledge pyramid: a critique of the DIKW hierarchy. *Journal of Information Science*, 35(2), 131–142. doi: 10.1177/0165551508094050
- Golder, S. A., & Macy, M. W. (2014). Digital footprints: Opportunities and challenges for online social research. *Annual Review of Sociology*, 40(1), 129–152. doi: 10.1146/annurev-soc-071913-043145
- González-Bailón, S. (2013). Social science in the era of big data. *Policy & Internet*, 5(2), 147–160. doi:10.1002/1944-2866.poi328
- Graham, M. (March. 9, 2012). Big data and the end of theory? *The Guardian*, Reterived from <https://www.theguardian.com/news/datablog/2012/mar/09/big-data-theory>
- Haig, B. D. (2020). *Big data science: A philosophy of science perspective*. In *Big data in psychological research* (pp. 15–33). American Psychological Association.
- Halford, S., & Savage, M. (2017). Speaking Sociologically with Big Data: Symphonic Social Science and the Future for Big Data Research. *Sociology*, 51(6), 1132–1148. doi: 10.1177/0038038517698639
- Hey, T., Tansley, S. & Toll, K. (2009). *The Fourth Paradigm: Data-Intensive Scientific Discovery*. United States: Microsoft Research.
- Hodgson, G. (2015). A Trojan horse for sociology: Preferences versus Evolution and Morality. *Review of Behavioral Economics*, 2(1-2), 93-112. doi: 10.1561/105.00000021
- Hoffman, D. D. (2010). *Human vision as a reality engine*. Washington, DC: Foundation for the Advancement of Behavioral and Brain Sciences. Retrieved from <http://www.cogsci.uci.edu/~ddhoff/HoffmanFABBS.pdf>
- Hofman, J. M., Sharma, A., & Watts, D. J. (2017). Prediction and explanation in social systems. *Science*, 355(6324), 486-488. doi: 10.1126/science.aal3856
- Jin, X., Wah, B.W., Cheng, X., & Wang, Y. (2015). Significance and Challenges of Big Data Research. *Big Data Research*, 2(2), 59-64. doi: <https://doi.org/10.1016/j.bdr.2015.01.006>
- Johnson, J. (September. 10, 2021). Worldwide digital population as of January 2021. *Statista*, Retrieved from <https://www.statista.com>
- Julian, J., Faraway, N., & Augustin H. (2018). When small data beats big data. *Statistics and Probability Letters*, 136, 142-145. doi: 10.1016/j.spl.2018.02.031



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۳۰

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳



- Kemp, S. (Jan. 27, 2021). Digital 2021: global overview report. *DataReportal*, Retrieved from <https://datareportal.com/reports/digital-2021-global-overview-report>
- Kemp, S. (Jan. 31, 2019). Digital 2019: global internet use accelerates. *We Are Social*, Reterived from <https://wearesocial.com/uk/blog/2019/01/digital-in-2019-global-internet-use-accelerates>
- Kitchin, R. & McArdle, G. (2016). What makes Big Data, Big Data? Exploring the ontological characteristics of 26 datasets. *Big Data & Society*, 3(1), 1-10. doi: 10.1177/2053951716631130
- Kitchin, R. (2014a). Big Data, new epistemologies and paradigm shifts. *Big Data & Society*, 1(1), 1-12. doi: 10.1177/2053951714528481
- Kitchin, R. (2014b). The data revolution: big data, open data, data infrastructures and their consequences. India: SAGE Publications.
- Lagoze, C. (2014). Big Data, data integrity, and the fracturing of the control zone. *Big Data & Society*, 1(2), 1-11. doi: 10.1177/2053951714558281
- Lauro, N. C., Amaturio, E., Grassia, M. G., Aragona, B., & Marino, M. (Eds.). (2017). Data science and social research: Epistemology, methods, technology and applications. Germany: Springer International Publishing.
- Leu, F., Chen, C. K., Susanto, H. (2019). The Emerging Technology of Big Data: Its Impact As a Tool for ICT Development. United States: Apple Academic Press, Incorporated.
- Li, J., Xu, L., Tang, L., Wang, S., & Li, L. (2018). Big data in tourism research: A literature review. *Tourism Management*, 68, 301-323. doi:10.1016/j.tourman.2018.03.009
- Lipari, L. (Jan. 2015). Human perception: Making sense of the world. *Utne Reader*, retrived from <http://www.utne.com/mindand-body/human-perception-ze0z1501zhur.aspx>
- Liu, H. (2014). Philosophical Reflections on Data. *Procedia Computer Science*, 30, 60-65. doi: 10.1016/j.procs.2014.05.381
- Macy, M.W. (2016). An Emerging Trend: Is Big Data the End of Theory. *Emerging Trends in the Social and Behavioral Sciences*, 1-14. doi: 10.1002/9781118900772.ETRDS0410
- Mahrt, M., & Scharkow, M. (2013). The value of big data in digital media research. *Journal of Broadcasting & Electronic Media*, 57(1), 20-33. doi: 10.1080/08838151.2012.761700
- Marx-MacDonald, S., Bal, M. (2002). Travelling Concepts in the Humanities: A Rough Guide. United Kingdom: University of Toronto Press.
- Mazzocchi, F. (2015). Could Big Data be the end of theory in science? A few remarks on the epistemology of data-driven science. *EMBO reports*, 16(10), 1250-1255. doi: 10.15252/embr.201541001
- McFarland, D.A., Lewis, K. & Goldberg, A. (2016). Sociology in the Era of Big Data: The Ascent of Forensic Social Science. *The American Sociologist*, 47, 12-35. doi: 10.1007/s12108-015-9291-8

- Miller, H.J. (2010). The data avalanche is here. Shouldn't we be digging? *Journal of Regional Science*, 50(1), 181–201. doi: 10.1111/j.1467-9787.2009.00641.x
- Mirowski, P. (2018). The future(s) of open science. *Social Studies of Science*, 48(2), 171–203. doi:10.1177/0306312718772086
- Norris, M., Oppenheim, C. and Rowland, F. (2008). Finding open access articles using Google, Google Scholar, OAIster and OpenDOAR. *Online Information Review*, 32(6), 709–715. doi: 10.1108/14684520810923881
- Nowotny, H., Scott, P. & Gibbons, M. (2003). Introduction: 'Mode 2' Revisited: The New Production of Knowledge. *Minerva*, 41, 179–194. doi: 10.1023/A:1025505528250
- Nowotny, H., Scott, P. B., & Gibbons, M. T. (2001). *Re-Thinking Science: Knowledge and the Public in an Age of Uncertainty*. Germany: Polity Press.
- Philip Chen, C. L., & Zhang, C.-Y. (2014). Data-intensive applications, challenges, techniques and technologies: A survey on Big Data. *Information Sciences*, 275, 314–347. doi:10.1016/j.ins.2014.01.015
- Ropolyi, L. (2016). Virtuality and Reality—Toward a Representation Ontology. *Philosophies*, 1(1), 40–54. doi: 10.3390/philosophies1010040
- Sætra H. S. (2018). Science as a Vocation in the Era of Big Data: The Philosophy of Science behind Big Data and humanity's Continued Part in Science. *Integrative psychological & behavioral science*, 52(4), 508–522. doi: 10.1007/s12124-018-9447-5
- Schatzki, T. R. (1988). The Nature of Social Reality. *Philosophy and Phenomenological Research*, 49(2), 239–260. doi: 10.2307/2107975
- Sigala, M., Rahimi, R., & Thelwall, M. (Eds.). (2019). *Big Data and Innovation in Tourism, Travel, and Hospitality: Managerial Approaches, Techniques, and Applications*. Germany: Springer Singapore.
- Sloan, L., & Quan-Haase, A. (Eds.). (2017). *The SAGE handbook of social media research methods*. Germany: SAGE Publications.
- Stevens, M., Wehrens, R., & de Bont, A. (2018). Conceptualizations of Big Data and their epistemological claims in healthcare: A discourse analysis. *Big Data & Society*, 5(2), 1–21. doi: 10.1177/2053951718816727
- Succi, S., & Coveney, P. V. (2019). Big data: the end of the scientific method? *Philosophical Transactions of the Royal Society*, 377(2142), 1–15. doi: 10.1098/rsta.2018.0145
- Swan, M. (2015). Philosophy of Big Data: Expanding the Human-Data Relation with Big Data Science Services. In *Proceedings of the 2015 IEEE First International Conference on Big Data Computing Service and Applications*. 468–477. Redwood City, USA: IEEE. doi: 10.1109/BigDataService.2015.29



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۳۲

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳



- Symons, J., & Alvarado, R. (2016). Can we trust Big Data? Applying philosophy of science to software. *Big Data & Society*, 3(2), 1-17. doi: 10.1177/2053951716664747
- Tang, L. (2017). Lament or Expectation: After Theory Revisited. *Comparative Literature: East & West*, 1(1), 140-144, doi: 10.1080/25723618.2017.1339511
- Törnberg, P., & Törnberg, A. (2018). The limits of computation: A philosophical critique of contemporary Big Data research. *Big Data & Society*, 5(2), 1-12. doi: 10.1177/2053951718811843
- Venkatram, K. & Geetha, M. (2017). Review on Big Data & Analytics – Concepts, Philosophy, Process and Applications. *Cybernetics and Information Technologies*, 17(2) 3-27. doi: 10.1515/cait-2017-0013
- Wang, H., Xu, Z., Fujita, H., & Liu, S. (2016). Towards felicitous decision making: An overview on challenges and trends of Big Data. *Information Science*, 367-368(1), 747-765. doi: 10.1016/j.ins.2016.07.007
- Xiao, Y., & Watson, M. (2019). Guidance on Conducting a Systematic Literature Review. *Journal of Planning Education and Research*, 39(1), 93-112. doi: 10.1177/0739456X17723971



چارچوب‌بندی و منابع خبری در پوشش اخبار تغییرات آب‌وهوایی مطبوعات ایران

مریم رحمانیان^{۱*}، حسینعلی افخمی^۲

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

چکیده

پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تغییرات آب‌وهوایی، تمام جنبه‌های زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. این پیامدها اغلب نامحسوس هستند و با گزارش‌های رسانه‌ای برای مردم ملموس می‌شود. رسانه‌ها در گزارش‌های اقلیمی از چارچوب‌های خبری خاصی استفاده می‌کنند تا بر نحوه دریافت و درک مردم از این موضوعات اثر بگذارند. مطالعات پیشین در مورد نحوه قاب‌بندی اخبار اقلیمی در رسانه‌های جهان نشان می‌دهد که چگونه آنها افکار عمومی را پیرامون موضوع تغییرات آب‌وهوایی شکل می‌دهد. با این حال، چنین مطالعاتی چندان در مورد رسانه‌های ایران صورت نگرفته است. این مقاله را می‌توان یکی از اولین گام‌های بررسی نحوه قاب‌بندی اخبار اقلیمی در ایران به حساب آورد که در آن ۳۸۸ خبر اقلیمی از ۱۵ روزنامه سراسری ایران به کمک نرم‌افزارهای SPSS و EXCELL مورد تحلیل محتوای کمی قرار گرفته است. یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد که مطبوعات ایران بیشتر از فریم‌های «برخورد» و «پیامدهای محیط‌زیستی» و کمتر از فریم‌های «عدم قطعیت» و «آب‌وهوای جاری» برای ارائه اخبار آب‌وهوایی استفاده کرده‌اند. همچنین، مطبوعات مورد بررسی در این مقاله جهت تحریر اخبار اقلیمی بیشتر بر «کارشناسان» به عنوان منبع خبری تأکید داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تغییرات آب‌وهوایی، گرمایش جهانی، مطبوعات ایران، چارچوب‌بندی، تغییرات اقلیمی

۱. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، گروه مطالعات ارتباطی، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

rahmanian_m@atu.ac.ir ✉

۲. دانشیار روابط عمومی، گروه روابط عمومی، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۱. مقدمه

تغییرات اقلیمی با متلاشی کردن یخ‌پهنه‌ها، اسیدی‌شدن اقیانوس‌ها، جابه‌جایی زیستگاه‌های جانوران و گیاهان، از بین رفتن تنوع زیستی، شدت یافتن بلایای طبیعی و دگرگونی چرخه‌های هیدرولوژیک، محیط‌زیست جهانی را تحت تأثیر قرار داده است (ریتزر^۱، ۱۳۹۴، ۹۶۴-۶۹۳). برای اکثر مردم تغییرات آب‌وهوایی به دلیل نامرئی بودن انتشار دی‌اکسید کربن و افزایش سطح دریاها موضوعی بسیار انتزاعی و علمی است. اما رسانه‌ها با روش‌های قابل مشاهده و قابل فهمی می‌توانند این موضوعات را به راحتی به مردم ارائه دهند. آنها گزارش‌هایی درباره سیاست دولت‌ها در قبال انرژی‌های پاک، جدال کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بر سر مسئولیت کاهش انتشار کربن و نیز در مورد همکاری‌ها و اقدامات صورت گرفته در کنفرانس‌های بین‌المللی برای مقابله با تغییرات آب‌وهوایی ارائه می‌دهند. این گزارش‌ها نشان می‌دهند که چگونه تغییرات آب‌وهوایی، جهان را تحت تأثیر قرار داده است. این گزارش‌ها نه تنها برای مردم بلکه برای دانشمندان نیز ضروری هستند. زیرا دانشمندان برای ترجمه مطالب علمی خود به زبان عامه مردم به رسانه‌ها نیاز دارند (شی^۲، ۲۰۱۶، ۵-۴).

موضوع تغییرات اقلیمی، اولین بار در سال ۱۹۳۲ با انتشار مطلبی در نیویورک تایمز وارد رسانه‌های جمعی شد. در این مطلب نوشته شده بود که «چهره و آب‌وهوای زمین به ناچار تغییر کرده است. چگونه تغییرات به آرامی اتفاق می‌افتند و چه نتیجه‌ای خواهند داشت...» (بوکوف و رابرتز^۳، ۲۰۰۷، ۴). بعد از آن بود که انتشار اخبار اقلیمی در رسانه‌ها مرسوم شد. یکی از موضوعاتی که در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه و مطالعه محققان قرار گرفته، نحوه پوشش تغییرات اقلیمی در رسانه‌های جدید یا سنتی است.

بخشی از این مطالعات به بررسی نحوه قاب‌بندی اخبار اقلیمی در رسانه‌های جهان اختصاص دارد. اهمیت بررسی قاب‌بندی در رسانه‌ها به این مسئله برمی‌گردد که چارچوب‌های رسانه‌ای، قضاوت‌های اخلاقی را از طریق تعریف مسائل و مشکلات



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۳۶

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳

1. Ritzer

2. Xi

3. Boykoff, Maxwell T. & J. Timmons Roberts



جامعه و تشخیص دلایل آنها منتقل می‌کنند (انتمن^۱، ۲۰۰۸) و از این طریق بر نگرش عمومی در رابطه با جنبه‌های مختلف یک موضوع تأثیر می‌گذارند. به علت اهمیت این تأثیرگذاری، پژوهش‌های متعددی درباره نحوه به‌کارگیری چارچوب‌های خاص و عام در گزارش‌های خبری رسانه‌های مختلف پیرامون مسئله تغییرات آب‌وهوایی صورت گرفته است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهند که چگونه رسانه‌های یک کشور، افکار عمومی را پیرامون موضوعات اقلیمی شکل می‌دهند و در نقل داستان‌های خبری خود بیشتر بر چه منابع خبری تأکید دارند.

هر چند این دست پژوهش‌ها در کشورهای دیگر به وفور یافت می‌شوند، اما تغییرات اقلیمی در رسانه‌های ایران به عنوان هفتمین کشور بزرگ تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای در جهان^۲ به‌ندرت مورد مطالعه قرار گرفته است. این در حالی است که ایران از یک سو دومین عضو اوپک در تولید نفت و یکی از صادرکنندگان کلیدی سوخت‌های فسیلی در جهان به شمار می‌رود (سازمان جهانی انرژی^۳، ۲۰۱۵، ۹۲) و هرگونه تصمیمی برای کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی در جهان می‌تواند اقتصاد نفتی این کشور را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، به لحاظ جغرافیایی، ایران در منطقه‌ای واقع شده که با فشارهای روزافزون اقلیمی و بحران آب مواجه است. این فشارها محیط زیست انسانی را آسیب‌پذیر کرده و تنش‌های محیط‌زیستی با کشورهای همجوار را در پی خواهد داشت. چرا که تغییرات آب‌وهوایی و گرمایش جهانی به خاطر کمبود منابع غذایی و آب، مهاجرت و گسترش فقر و بیماری می‌تواند جامعه را ناامن کند. این تهدیدات غیرنظامی به اندازه تهدیدات نظامی جدی هستند و امنیت ملی کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهند (جلالی، افشاری، و مزینانیان، ۱۳۹۹).

بنابراین اطلاع‌رسانی و آماده‌سازی مردم و زمامداران کشور برای مواجهه با بلایای اقلیمی و نشان دادن ضرورت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در این مورد از وظایف مهم رسانه‌های ایران است. بنابراین باید بدانیم که رسانه‌های این کشور به چه نحوی این

1. Entman

2. <https://www.ucsusa.org/resources/each-countrys-share-co2-emissions>

3. IEA



موضوعات را مطرح کرده و چگونه درک عموم مردم را با استفاده از چارچوب‌بندی رسانه‌ای پیرامون تغییر اقلیم و تأثیرات آن بر زندگی مردم شکل می‌دهند. مقاله حاضر، نخستین تلاش دانشگاهی برای بررسی نحوه پوشش اخبار اقلیمی و چارچوب‌بندی آن در رسانه‌های ایران به حساب می‌آید که با تکیه بر مطالعات قبلی در کشورهای دیگر صورت گرفته است. از آنجایی که تغییرات آب‌وهوایی یک مسئله جهانی است، در این مقاله نحوه قاب‌بندی خبرهایی مورد بررسی قرار گرفته که طی نشست‌های تغییر اقلیم سازمان ملل متحد، که مهم‌ترین مرکز ریزنی جهانی درباره تغییرات اقلیمی است، منتشر شده‌اند.

با توجه به اهمیت و ضرورت این مسئله، جهت بررسی چگونگی چارچوب‌بندی اخبار اقلیمی، تمام مطالب مرتبط با این موضوع در روزنامه‌های سراسری و شناخته‌شده ایران (اطلاعات، همشهری، ابتکار، مردم‌سالاری، آرمان امروز، اعتماد و شرق، جام جم، جمهوری اسلامی، رسالت، جوان، ابرار، سیاست روز، کیهان و ایران) مورد بررسی قرار گرفته است. بازه زمانی این مقاله نیز از دو هفته خبری قبل از برگزاری نشست‌های تغییرات اقلیمی بُن ۲۰۱۷، پاریس ۲۰۱۵، کنه‌هاگ ۲۰۰۹ و مونترال ۲۰۰۵ تا دو هفته خبری بعد از این نشست‌ها بود.

۲. مروری بر مطالعات پیشین

تاکنون مطالعات رسانه‌ای متعددی در جهان بر نحوه چارچوب‌بندی اخبار تغییرات آب‌وهوایی صورت گرفته که بسیاری از این آنها تطبیقی بوده و پوشش فریم‌های خبری را در چندین کشور مورد مقایسه قرار داده‌اند (دیرکس و گلدرز^۱، ۲۰۱۰؛ زامیت، پینتو، و ویلار^۲، ۲۰۱۳؛ شی، ۲۰۱۶؛ کیم و بیشاس^۳، ۲۰۱۷؛ پینتر^۴ و همکاران، ۲۰۲۱؛ و هاس، ماهرل، شافر، و کلر^۵، ۲۰۲۱). نتایج این مطالعات نشان می‌دهند که میزان پوشش چارچوب‌های خبری در هر کشور یا هر روزنامه غالباً متفاوت با کشورها یا روزنامه‌های دیگر بوده است. این

1. Dirikx & Gelders
2. Zamith, Pinto, & Villar
3. Kim & Biswas
4. Painter
5. Hase, Mahl, Schäfer, & Keller

تفاوت بیانگر اختلاف نظر کشورها و رسانه‌های مختلف درباره تغییرات آب‌وهوایی است. لازم به ذکر است که در بیشتر این مطالعات، رسانه‌های کشورهایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که جزء کشورهای پیشرفته (صنعتی) و یا از جمله بزرگ‌ترین انتشاردهندگان گازهای گلخانه‌ای در جهان بوده‌اند.

در برخی از مطالعات دیگر، علاوه بر بررسی چارچوب‌های رسانه‌ای، تغییر در میزان استفاده از هر چارچوب خبری در طول سال‌ها و دهه‌های مختلف نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است (آچونگ و دادز^۱، ۲۰۱۲؛ اسپلوند، هجرپ، و ویک^۲، ۲۰۱۲؛ هالی^۳، ۲۰۱۵؛ شی، ۲۰۱۶؛ بولسن، پالمز، و کینگزلند^۴، ۲۰۱۹؛ و پان، اپگنهافن، و ون‌گورپ^۵، ۲۰۲۱). این مطالعات نشان می‌دهند که هر چند روند پوشش اخبار اقلیمی در طول سال‌های مختلف با نوسانات کاهشی یا افزایشی در این کشورها مواجه بوده است، اما اغلب در سال‌های منتهی به بازه زمانی این پژوهش‌ها، میزان پوشش اخبار اقلیمی روند صعودی داشته است.

منابع نقل قول شده نیز یکی دیگر از مواردی است که در بسیاری از مطالعات رسانه‌ای پیرامون قاب‌بندی خبرهای اقلیمی مورد توجه پژوهشگران بوده است (تاکاهاشی^۶، ۲۰۱۱؛ زامیت و همکاران، ۲۰۱۳؛ آچونگ و دادز، ۲۰۱۲؛ کالدرون، مرکادو، پینوئل، و سوارز-سوکره^۷، ۲۰۱۵؛ پارکز^۸، ۲۰۱۹؛ و پینتر و همکاران، ۲۰۲۱). بررسی منابع نقل قول در این مطالعات بیانگر این است که در ارائه گزارش‌های اقلیمی، رسانه‌ها و کشورهای مختلف بر منبع خبری یکسانی همواره تکیه بیشتر یا کمتر ندارند.

همچنین، نشست‌های اقلیمی سازمان ملل متحد یا دیگر نشست‌های تغییرات آب‌وهوایی در پژوهش‌های متعددی به عنوان بازه زمانی و یا محور مطالعه محققان در نظر گرفته شده‌اند (تاکاهاشی، ۲۰۱۱؛ دیرکس و گلدرز، ۲۰۱۰؛ کالدرون و همکاران، ۲۰۱۵؛

1. Ahchong and Dodds
2. Asplund, Hjerpe, & Wibeck
3. Holley
4. Bolsen, Palm, & Kingsland
5. Pan, Opgenhaffen, & Van Gorp
6. Takahashi
7. Calderón, Mercado, Piñuel, & Suárez-Sucre
8. Parks





کیم و بیشاس، ۲۰۱۷؛ و پان و همکاران، ۲۰۲۱). به طور کلی، یافته‌های مطالعات پیشین درباره قاب‌بندی اخبار اقلیمی بیانگر این مسئله است که در میزان و نحوه پوشش هر یک از این چارچوب‌های خبری تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین کشورها و قاره‌های مختلف و حتی بین رسانه‌های یک کشور وجود دارد.

اما در مورد ایران به عنوان یکی از ۱۰ کشور بزرگ انتشاردهنده کربن تا به حال مطالعات اندکی در مورد پوشش اخبار اقلیمی در رسانه‌های مختلف صورت گرفته است. همان تعداد مطالعات اندک نیز اغلب بر نحوه برجسته‌سازی این خبرها متمرکز بوده‌اند (امیرخانی، ۱۳۹۵؛ خواجه‌نوری و ابوترابی، ۱۳۹۷؛ ورحمانیان، افخمی، و خانیکی، ۱۳۹۹). اما پژوهشی در مورد نحوه قاب‌بندی اخبار اقلیمی و نیز منابع خبری آنها در رسانه‌های ایران توسط نویسندگان این مقاله یافت نشد. تنها کار علمی که در زمینه قاب‌بندی تغییرات اقلیمی در ایران منتشر شده، مقاله‌ای است که در آن نحوه چارچوب‌بندی مسئله آب به عنوان یکی از پیامدهای تغییرات آب‌وهوایی در سینمای مستند ایران تحلیل محتوا شده است (غلامی، ۱۴۰۰). در این مقاله تنها بر مسئله آب تأکید شده و فریم‌های مورد بررسی آن متفاوت با چارچوب‌های خاص یا عام مرسوم است که در پژوهش‌های رسانه‌ای کشورهای دیگر پیرامون این موضوع صورت گرفته است.

در حقیقت، مقاله حاضر، یکی از اولین مقالات در راستای درک نحوه قاب‌بندی اخبار اقلیمی و منابع خبری آنها در رسانه‌های جدید یا سنتی ایران است که در آن منابع خبری، چارچوب‌های خاص (موضوع محور) و عام و نیز تغییر روند پوشش این فریم‌ها طی برگزاری نشست‌های تغییر اقلیم سازمان ملل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱-۲. مبانی نظری

در این مقاله برای تحلیل محتوای اخبار اقلیمی مطبوعات شناخته‌شده ایران از نظریه «چارچوب‌بندی» استفاده شد. چارچوب، قاب یا فریم^۱، مفهومی بین‌رشته‌ای است که ابتدا گافمن^۲ (۱۹۷۴) آن را در حوزه جامعه‌شناسی به کار برد (پن و کوزیکی^۱، ۱۹۹۳، ۵۶). از

1. Frame
2. Goffman

دیدگاه او، ما از «طرح‌های تفسیری» برای سازمان‌دهی و دسته‌بندی تجربه‌های زندگی خود استفاده می‌کنیم تا معنادار شوند. این طرح‌های تفسیری چارچوب نام دارند. این مفهوم را اولین بار گیلتن^۲ (۱۹۷۷ و ۱۹۸۰) و تاچمن^۳ (۱۹۷۸) در حوزه علوم ارتباطات به کار بردند تا نحوه بسته‌بندی اخبار رسانه‌ای توسط روزنامه‌نگاران را بررسی کنند.

چارچوب‌بندی در واقع انتخاب برخی جنبه‌های یک واقعیت درک شده و برجسته کردن آنها در یک متن ارتباطی است، به نحوی که تعریف خاصی از مسئله، تفسیر علی، ارزیابی اخلاقی و راه‌حل‌های پیشنهادی برای آن موضوع را بسط دهد تا قضاوت‌های اخلاقی را از طریق تعریف مسائل و مشکلات جامعه و تشخیص دلایل آنها منتقل کند (انتمن، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۸). فریم‌های خبری به دو نوع موضوع محور (خاص) و عام تقسیم‌بندی می‌شوند. فریم‌های موضوع محور بر رویدادهای خاصی متمرکز می‌شوند، اما فریم‌های عام به طور مفهومی، گسترده‌تر هستند و می‌توان آنها را برای موضوعات خبری مختلف و در زمینه‌های فرهنگی متفاوت به کار گرفت (کاماج^۴، ۲۰۱۰).

براساس مدل چارچوب‌بندی دوریس^۵ (۲۰۰۵)، قاب‌بندی در یک فرایند سه مرحله‌ای اتفاق می‌افتد: در مرحله نخست، که چارچوب‌سازی نام دارد، عوامل بیرونی و درونی روی ویژگی چارچوب‌های خبری تأثیر می‌گذارند. این عوامل عبارت‌اند از دیدگاه روزنامه‌نگاران، روال‌های سازمانی و منابع بیرونی مثل کنشگران سیاسی، نخبگان و افراد ذی‌نفع؛ در مرحله دوم، فریم‌های موضوع محور و یا عام در اخبار ظاهر می‌شوند؛ و در مرحله سوم و آخر، قاب‌بندی اخبار بر تفسیرهای مخاطبان، نگرش و رفتار آنها تأثیر می‌گذارد. مدل دیگری هم شیفل^۶ (۱۹۹۹) برای مراحل چارچوب‌بندی ارائه کرده که شبیه مدل دوریس بوده و شامل چهار مرحله است: ۱. چارچوب‌سازی ۲. تعیین چارچوب ۳. اثرات سطح فردی چارچوب‌بندی (اثرات چارچوب‌دهی رسانه‌ها بر بروندهای رفتاری،



1. Pan & Kosicki
2. Gitlin
3. Tuchman
4. Camaj
5. De Vreese
6. Scheufele



نگرشی و یا شناختی) و ۴. پیوند میان چارچوب‌های فردی و چارچوب‌های رسانه‌ای که تأثیرپذیری روزنامه‌نگاران و نخبگان از فرایندهای چارچوب‌بندی را نشان می‌دهد (زابلی‌زاده و افخمی، ۱۳۹۲).

نگارندگان در این مطالعه به مرحله دوم قاب‌بندی پرداختند تا نشان دهند که چه چارچوب‌های عام و خاص خبری در پوشش تغییرات اقلیمی مطبوعات ایران ظاهر شده‌اند. جهت دستیابی به این هدف، چارچوب‌های عام معرفی شده در مقاله سمِتکو و والکنبرگ^۱ (۲۰۰۰) و نیز چارچوب‌های خاص به‌کاررفته در پژوهش‌های پیشین درباره چارچوب‌بندی اخبار اقلیمی رسانه‌ها که در جدول شماره (۱) به تفصیل شرح داده شده، استخراج شدند. لازم به ذکر است که فریم‌های «اخلاق» و «منافع انسانی» در هم ادغام شدند چون تعداد خبرهایی که با این دو فریم پوشش داده شده بودند، کم تعداد بود. به‌علاوه، «سیاست‌های ملی» و «سیاست‌های بین‌المللی» نیز همانند برخی مقالات دیگر در این زمینه به عنوان یک چارچوب در این مقاله ارائه شدند.

با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، در این مقاله برای بررسی چگونگی چارچوب‌بندی و منابع اخبار اقلیمی سؤالاتی بدین شرح مطرح شدند: (۱) چگونه اخبار اقلیمی در مطبوعات ایران چارچوب‌بندی شده‌اند؟ (۲) پوشش چارچوب‌های خبری طی دوره‌های مورد بررسی چگونه تغییر کرده است؟ (۳) آیا تفاوت معناداری بین پوشش این چارچوب‌ها در بازه‌های زمانی مورد نظر وجود دارد؟ (۴) روزنامه‌های مورد بررسی از چه منابعی برای نقل‌قول مطالب اقلیمی خود استفاده کرده‌اند؟

۳. روش تحقیق

در مقاله حاضر، بررسی نحوه قاب‌بندی اخبار با رویکرد استقرایی و با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی انجام شد. تحلیل محتوای کمی، یک آزمون نظام‌مند (سیستماتیک) و تکرارپذیر نمادهای ارتباطی است که طی آن ارزش‌های عددی بر اساس قوانین معتبر اندازه‌گیری، به متن نسبت داده می‌شود و سپس با استفاده از روش‌های آماری، روابط بین آن

1. Semetko & Valkenburg

ارزش‌ها تحلیل می‌شود (رایف، لیس‌ی و فیکو، ۱۳۸۱). رویکرد استقرایی به معنای پیش‌تعریف چارچوب‌های مشخص به‌عنوان متغیرهای تحلیل محتوایی به‌منظور سنجش میزان استفاده از این چارچوب‌ها در اخبار است. چنین رویکردی به‌سادگی تکرارپذیر بوده و می‌تواند با نمونه‌های بزرگ منطبق شود و تفاوت‌های تعیین چارچوب را چه در بین رسانه‌های مختلف و چه درون خود رسانه‌ها بسنجد (سمتکو و والکنبرگ، ۲۰۰۰).

برای بررسی چگونگی پوشش اخبار تغییرات آب‌وهوایی، از بین روزنامه‌های سراسری ایران، ۱۵ روزنامه شناخته‌شده (اطلاعات، ایران، کیهان، جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری، سیاست روز، همشهری، جام جم، شرق، اعتماد، آرمان امروز، جوان، رسالت، ابرار و ابتکار) که طی سال‌های ۸۴ تا ۹۶ منتشر می‌شدند را انتخاب کردیم. البته در بازه زمانی مورد مطالعه، روزنامه‌های «شرق» و «آرمان امروز» در سال ۱۳۸۸ به دلیل توقیف این دو روزنامه، منتشر نمی‌شدند و به دلیل تشابه آنها با روزنامه «اعتماد»، داده‌های روزنامه اعتماد طی مدت توقیف این دو روزنامه، جایگزین آنها شد. واحد تحلیل نیز کل مطلب (تیترا، لید و کل متن) در نظر گرفته شد.

برای دسترسی به جامعه آماری از آرشیو مجلات و روزنامه‌های کتابخانه ملی ایران استفاده شد و تمام صفحات این روزنامه‌ها به‌جز صفحات اخبار ورزشی، آگهی‌ها، اخبار هواشناسی، نامه‌های مخاطبان، سینما و ادبیات مرور شدند. تمام مطالب اقلیمی که از دو هفته خبری قبل از برگزاری تا دو هفته خبری بعد از برگزاری نشست‌های تغییر اقلیم سازمان ملل در بُن (۲۰۱۷)، پاریس (۲۰۱۵)، کپنهاگ (۲۰۰۹) و مونترال (۲۰۰۵) منتشر شده و حاوی کلمات کلیدی «تغییرات اقلیمی»، «گرمایش جهانی»، «تغییرات آب‌وهوایی»، «کنفرانس تغییر اقلیم»، «گازهای گلخانه‌ای» و «انتشار کربن» بودند، گردآوری شدند.

از بین مطالب سرشماری شده، آنهایی که کمتر از ۳ خط و یا فقط شامل عکس بودند، حذف شدند و در نهایت، ۳۸۸ مطلب اقلیمی به‌عنوان جامعه آماری این مقاله باقی ماند. به دلیل زیاد نبودن اندازه جامعه آماری، نمونه‌گیری به روش سرشماری انجام شد. به دلیل برابر بودن تعداد نمونه با جامعه آماری، طبق دواس^۱ (۱۳۷۶) خطای نمونه‌گیری وجود



نداشت و اختلاف بین متغیرها تفاوت واقعی را نشان می‌داد و ناشی از خطای نمونه‌گیری نبود. در نتیجه، آزمون جامعه آماری لازم نبود و برای آزمون معناداری، تفاوت درصدها کفایت می‌کرد.

برای تحلیل چارچوب‌های خبری از برگه کدگذاری استفاده شد. در تهیه دستورالعمل کدگذاری از چارچوب‌های عام (مسئولیت، اخلاق-منافع انسانی، برخورد، سیاست‌های ملی-بین‌المللی و فریم اقتصادی) و از چارچوب‌های خاص (آب‌وهوای جاری، پیشرفت‌های اجتماعی، عدم قطعیت علمی و فریم پیامدهای محیط‌زیستی) به کار رفته در مطالعات قبلی استفاده شد که به عنوان متغیرهای مقاله حاضر در جدول شماره (۱) توضیح داده شده‌اند.

جدول ۱. نوع‌شناسی چارچوب‌های خبری

چارچوب	توضیحات
مسئولیت	مسئول یا مقصر برای علت و راه حل بر عهده دولت یا افراد یا گروه‌ها (سمتکو و والکنبرگ، ۲۰۰۰)؛ به احزابی اشاره دارد که قادر یا مسئول برای مشارکت در فرایندهای حل مشکل هستند (دیریکس و گلدرز، ۲۰۱۰، ۱۴۵)
اخلاق - منافع انسانی	اخلاق: هرگونه اقدام علیه محیط‌زیست درست است یا غلط؟ احترام‌آمیز است یا بی‌احترامی (نیسبت ^۱ ، ۲۰۰۹، ۱۸). داستان دارای پیام اخلاقی است که به اخلاق، خدا و ادیان بازمی‌گردد (دیریکس و گلدرز، ۲۰۱۰، ۷۳۶؛ سمتکو و والکنبرگ، ۲۰۰۰، ۹۶). منافع انسانی: تمرکز بر شرایط انسان و تأثیرات تغییر اقلیم بر زندگی بشر (دیریکس و گلدرز، ۲۰۱۰، ۱۴۵)؛ داستان‌هایی که سعی می‌کند با فنون شوکه‌کننده مثل زیردریایی انگلستان در خیابان، تغییرات اقلیمی را به زندگی مردم نزدیک کند (اروت و سیگنیت ^۲ ، ۲۰۰۶، ۱۳).
برخورد	اختلاف نظر درباره مسئولیت تأمین مالی اقلیم و میزان تعهد برای کاهش کربن، درباره برنده‌ها و بازنده‌های یک بحث، درگیری و اختلاف بین مشارکت‌کنندگان اجرای برنامه‌ها و سطوح مسئولیت مشکل تغییر اقلیم، پیام‌ها و مانورهای برای جست‌وجوی حمایت یا انتلاف برای موقعیت به دست آوردن با یک حزب یا احزاب دیگر (نیسبت، ۲۰۰۹، ۱۸)؛ برخورد بین افراد/گروه‌ها یا احزاب و تأکید بر نقطه اختلاف عقاید (سمتکو و والکنبرگ، ۲۰۰۰، ۹۵)



1. Nibset
2. Ereatut & Segnit



چارچوب	توضیحات
اقتصادی	هزینه‌های کاهش یا راه‌حل‌های اثرات گرمایش جهانی (بروسارد-شاناهان- مک کامز، ۲۰۰۴، ۳۶۸)؛ گزارش یک رویداد، مشکل یا موضوع با توجه به پیامدهای اقتصادی آن برای افراد، گروه‌ها، نهادها، منطقه یا یک کشور سمتکو و والکنبرگ، ۲۰۰۰، ۹۶)؛ اطلاعاتی درباره جنبه‌های اقتصادی برنامه‌های کاهش اقلیم و تغییر اقلیم و فرصت‌های تلاش‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری جدید، کمک‌های مالی برای کاهش اقلیم در کشورهای فقیر و در حال توسعه، سرمایه‌گذاری برای توسعه انرژی‌های پاک (دیریکس و گلدرز، ۲۰۱۰، ۷۳۶).
پیامدها زیست محیط‌زیستی	تأثیر احتمالی اقدامات مشخص مربوط به کاهش تغییرات یا به علت تغییر اقلیم، از دست دادن یا به دست آوردن پروژه‌هایی از این اقدامات یا اختلالات آب‌وهوایی (دیریکس و گلدرز، ۲۰۱۰، ۱۴۵)؛ پیامدهای خوب یا بد تغییر اقلیم (محیط‌زیستی، اجتماعی، سلامت)، بهترین و بدترین سناریوها، پیش‌بینی‌ها و طرح‌ها (بروسارد، مک کامز، شاناهان، ۲۰۰۴، ۳۶۸).
آب‌وهوای جاری	ناهنجاری‌های الگوهای اقلیمی، کوران، طوفان شدید (بروسارد، شاناهان، مک کامز، ۲۰۰۴، ۳۶۸).
پیشرفت‌های اجتماعی	درباره ابزارهای بهبود کیفیت زندگی، حل مشکلات یا نوآوری‌های دوست‌دار محیط‌زیست (نیسبت، ۲۰۰۹، ۱۸).
عدم قطعیت علمی	اختلاف نظر دانشمندان درباره ادعاهای پیرامون گرمایش جهانی : مدافعان: دانشمندانی که به تغییرات آب‌وهوایی انسان‌شناختی و اقدام فوری معتقدند؛ شکاکان: دانشمندانی که تغییر اقلیم را فرایندی طبیعی می‌دانند که اقدام برای آن باید داوطلبانه باشد (نیسبت، ۲۰۰۹، ۱۸).
سیاست‌های ملی - روابط بین‌المللی	سیاست‌های ملی: بحث درباره سیاست‌های محیط‌زیستی - قوانین - مقررات - سخنرانی‌های سیاسی، کمپین‌ها و ... زمانی این چارچوب ثبت می‌شود که تمرکز بر سیاست باشد نه فروم (بروسارد، شاناهان، مک کامز، ۲۰۰۴، ۳۶۸) روابط بین‌المللی: نشست‌ها، تحقیقات سازمان ملل، جدال‌ها، معاهدات (بروسارد، شاناهان، مک کامز، ۲۰۰۴، ۳۶۸).

برای ارزیابی هر چارچوب، از مقیاس بله (۱) برای وجود چارچوب و خیر (۰) برای عدم وجود چارچوب در پاسخ به سؤالات مطرح‌شده برای هر فریم در برگه کدگذاری استفاده شد. منابع خبری نیز با توجه به کارهای قبلی (بروسارد و دیگران، ۲۰۰۴؛ تاکاهاشی، ۲۰۱۱) و توسعه منابع نقل‌شده توسط نویسندگان این مقاله تعیین شدند. تمام منابع خبری نقل‌شده در واحد تحلیل بررسی و حضور منبع با بله (۱) و عدم حضور آن با خیر (۰) کدگذاری شد. بعد از اتمام کدگذاری تمام روزنامه‌ها، داده‌های این مقاله وارد نرم‌افزارهای SPSS و اکسل شدند تا داده‌های به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در این مقاله از فرمول پی اسکات برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد استفاده کردیم. برای آزمون قابلیت اعتماد، یک ماه بعد از کدگذاری اول، ۱۰ درصد مطالب به طور



تصادفی انتخاب و متغیرهایی که قابل قضاوت ارزشی بودند (تمام چارچوب‌های خبری) مجدداً کدگذاری شدند. سپس درصد توافق مشاهده‌شده بین مرحله اول و مرحله دوم کدگذاری محاسبه شد و درصد توافق مورد انتظار نیز از مجموع مجذور درصد‌های زیرمقوله‌ها به دست آمد. از آنجایی که ضریب قابلیت اعتماد تمام متغیرها بیش از ۸۰ درصد بود، پایایی مقوله‌های موردبررسی تأیید شد. همچنین، به دلیل نمونه‌گیری به روش سرشماری، انجام این تحقیق بر مبنای تحقیقات قبلی و برآمدن مقوله‌ها از چارچوب نظری، این مقاله دارای روایی بیرونی، علمی و اعتبار سازه است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های مقاله حاضر به تفکیک سؤالات مطرح‌شده در این مقاله ارائه شده و به شرح زیر هستند:

۱) درخصوص اینکه چگونه اخبار تغییرات اقلیمی در مطبوعات ایران چارچوب‌بندی شده‌اند، تحلیل محتوای کمی اخبار اقلیمی مطبوعات ایران نشان می‌دهد که مطبوعات ایران در پوشش اخبار اقلیمی، بیشتر از چارچوب برخورد و چارچوب پیامدها استفاده کرده‌اند که میزان استفاده از این چارچوب‌ها به یک اندازه بوده است. همچنین، روزنامه‌های مورد بررسی، در ارائه اخبار تغییرات آب‌وهوایی، کمتر چارچوب‌های عدم قطعیت علمی و آب‌وهوای جاری را پوشش داده‌اند.

جدول ۲. فراوانی چارچوب‌های خبری مطالب تغییرات اقلیمی در ۱۵ روزنامه سراسری ایران

چارچوب‌های خبری	فراوانی	درصد
مسئولیت	۲۱۱	۱۵/۲
اخلاق-منافع انسانی	۷۰	۵
برخورد	۲۴۴	۱۷/۵
اقتصادی	۱۳۷	۹/۸
پیامدهای محیط‌زیستی	۲۴۴	۱۷/۵
آب‌وهوای جاری	۶۶	۴/۷
پیشرفت‌های اجتماعی	۱۲۴	۸/۹
عدم قطعیت علمی	۶۱	۴/۴
سیاست‌های ملی- بین‌المللی	۲۳۴	۱۶/۸



بررسی نحوه پوشش هر یک از چارچوب‌ها نشان می‌دهد که مطبوعات ایران در پوشش فریم مسئولیت بیشتر بر نیاز به اقدام فوری برای حل مشکل تغییر اقلیم تأکید داشته (۲۸/۸ درصد) و کشورهای دیگر را بیشتر مسئول تغییرات آب‌وهوایی یا حل مشکل دانسته‌اند (مسئولیت کشورهای دیگر برابر با ۲۲/۸ درصد؛ مسئولیت ایران برابر با ۹/۳ درصد). در واقع، پوشش این فریم در روزنامه‌های ایران، تکرار و تأکیدی بر همان دیدگاه مطبوعات کشورهای در حال توسعه است که کشورهای توسعه‌یافته را مسئول تغییر اقلیم دانسته و خواهان مسئولیت‌های متفاوت و بیشتر کشورهای توسعه‌یافته در این باره هستند. در فریم مسئولیت نیز، افراد جامعه چندان مسئول تغییر آب‌وهوا یا حل این مشکل نشان داده نشده‌اند (۵/۷ درصد).

در فریم اخلاق-منافع انسانی، مطبوعات بیشتر بر تأثیر تغییر اقلیم بر زندگی انسان در حال یا آینده تأکید (۲۰/۷ درصد) و کمتر به زندگی شخصی بازیگران وارد شده‌اند (۵/۴ درصد). درصد فراوانی این چارچوب در بین چارچوب‌های دیگر ۵ درصد بود که نشان می‌دهد مطبوعات ایران، تغییرات آب‌وهوایی را کمتر به زندگی مردم ربط داده و به تأثیرات آن بر زندگی آنها پرداخته‌اند.

در پوشش فریم برخورد نیز بیشتر به بیش از یک طرف موضوع (کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه، نهادها، مردم و ...) اشاره (۳۴/۲ درصد) و کمتر به سرزنش فرد، حزب یا کشور دیگری تأکید شده بود (۱۷/۵ درصد). در این فریم، ۲۹ درصد از اخبار اقلیمی به برخورد و اختلاف نظرها درباره تغییر اقلیم اختصاص داشتند و این روزنامه‌ها در ۱۹/۳ درصد از گزارش‌های خود، به دنبال حمایت یا کسب موقعیتی خاص مثل دریافت حمایت‌های مالی برای کاهش انتشار کربن در کشورهای در حال توسعه و تقابل با دیدگاه‌های مخالف آن بودند. در پوشش چارچوب اقتصادی نیز بیشتر بر ترویج اقتصاد کم‌کربن، سرمایه‌گذاری یا کمک مالی کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه تأکید (۳۵/۶ درصد) و کمتر به پیامدهای اقتصادی ناشی از تغییر اقلیم پرداخته شده بود (۱۱/۷ درصد).

در پوشش چارچوب پیامدهای محیط‌زیستی، روزنامه‌های مورد بررسی، پیامدهای محیط‌زیستی ناشی از تغییر اقلیم را بیشتر مورد توجه قرار داده (۲۵/۸ درصد) و کمتر به



بهترین یا بدترین سناریوهای تغییر اقلیم پرداخته بودند (۱۴/۲ درصد). با وجود جهانی بودن این مشکل، فقط ۲۰ درصد از مطالب این روزنامه‌ها نشان می‌دادند که پیامدهای تغییر اقلیم یک مشکل جهانی است. در فریم آب‌وهوای جاری نیز این روزنامه‌ها بیشتر بر بلایای طبیعی مثل سیل، طوفان و خشکسالی که ناشی از ناهنجاری در الگوهای اقلیمی هستند، تمرکز کرده (۳۵/۸ درصد) و فقط در ۳۲/۱ درصد از این مطالب، تغییرات اقلیمی را مسئول اصلی رخ دادن چنین بلایایی می‌دانستند.

این روزنامه‌ها در استفاده از چارچوب پیشرفت‌های اجتماعی نیز بیشتر به نتایج برنامه‌های کاهش اقلیم، توسعه انرژی‌های پاک، رشد آگاهی و آموزش مردم اشاره داشتند (۵۲/۲ درصد). آنها کمتر به فناوری‌های دوست‌دار محیط‌زیست (۱۲/۷ درصد) و ابزارهایی که به سازگاری اقلیمی و بهبود کیفیت زندگی مردم کمک می‌کردند (۱۲/۷ درصد)، توجه نشان داده بودند. در پوشش فریم عدم قطعیت نیز مطبوعات ایران تغییرات آب‌وهوایی را بیشتر نتیجه فعالیت‌های بشری و انسان‌ساخت دانسته (۴۴/۱ درصد) و کمتر به این مسئله تأکید داشتند که برای تغییرات آب‌وهوایی لازم نیست اقدام فوری صورت گیرد (۳/۹ درصد).

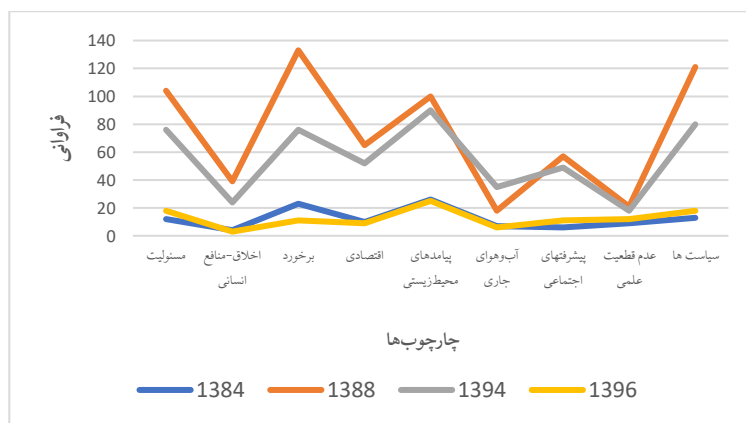
در پوشش چارچوب سیاست‌ها نیز روزنامه‌ها در بازه زمانی مورد مطالعه، بیشتر بر مقوله نشست‌ها و معاهدات جهانی تغییر اقلیم متمرکز شده (۳۲/۱ درصد) و کمتر به گفته‌ها و تحقیقات سازمان‌های بین‌المللی در این مورد پرداخته بودند (۱۲/۱ درصد). در ۱۶/۹ درصد از مطالب اقلیمی به سیاست‌ها و قوانین اقلیمی ایران اشاره شده بود و مطبوعات مورد بررسی ما بیشتر بر دیدارها و سخنان سران کشورهای دیگر بیشتر از گفته‌ها و دیدارهای مقامات ایرانی تأکید داشتند (به ترتیب ۲۴/۳ درصد؛ ۱۴/۵ درصد). در واقع، در پوشش فریم سیاست‌ها، این روزنامه‌ها بیشتر به سیاست‌های بین‌المللی در حوزه تغییرات اقلیمی تأکید داشتند تا بر سیاست‌های ملی. طبق این یافته‌ها می‌توان گفت که احتمالاً سیاست‌گذاری خاصی درباره تغییرات اقلیمی در ایران در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ هجری شمسی وجود نداشته است که در مطبوعات مورد بررسی ما انعکاس نیافته‌اند.

۲) درخصوص این سؤال که پوشش چارچوب‌های خبری طی دوره‌های مورد بررسی چگونه تغییر کرده‌اند یافته‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۴ (نشست اقلیمی مونترال،



(۲۰۰۵) فریم اخلاق و منافع انسانی با ۳/۶ درصد دارای کمترین و فریم پیامدهای محیط‌زیستی با ۲۳/۶ درصد دارای بیشترین فراوانی در پوشش این چارچوب بوده است. در سال ۱۳۸۸ (نشست اقلیمی کپنهاگ، ۲۰۰۹) کمترین پوشش مربوط به فریم آب‌وهوای جاری (۲/۷ درصد) و فریم برخورد (۲۰/۲ درصد) دارای بیشترین پوشش در بین سایر فریم‌ها بوده است. در سال ۱۳۹۴ و همزمان با نشست اقلیمی پاریس (۲۰۱۵) نیز چارچوب عدم قطعیت علمی (۳/۶ درصد) کمترین و فریم پیامدهای محیط‌زیستی (۱۸ درصد) بیشترین پوشش را داشتند. در سال ۱۳۹۶ (نشست بُن، ۲۰۱۷) فریم اخلاق و منافع انسانی کمتر (۲/۷ درصد) و فریم پیامدهای محیط‌زیستی بیشتر (۲۲/۱ درصد) از بقیه فریم‌ها مورد استفاده مطبوعات مورد بررسی بودند.

مقایسه پوشش چارچوب‌ها در بازه زمانی و نشست‌های اقلیمی مورد بررسی نشان می‌دهد که فراوانی چارچوب‌های مقاله حاضر در سال ۱۳۸۸ (نشست اقلیمی کپنهاگ، ۲۰۰۹) بیشتر از سال‌های دیگر بوده است. به جز در فریم آب‌وهوای جاری که پوشش آن در سال ۱۳۸۸ برابر با ۲۷/۳ درصد بود که این مقدار کمتر از پوشش این فریم در سال ۱۳۹۴ (۵۳ درصد) است. در نمودار شماره (۱) تغییرات پوشش هر یک از این چارچوب‌ها، در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۸، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ نشان داده شده است.



۱۳۸۴: نشست اقلیمی سازمان ملل (UNCCC) مونتreal-کانادا (۲۰۰۵) ۱۳۸۸: نشست اقلیمی سازمان ملل (UNCCC) کپنهاگ-دانمارک (۲۰۰۹)
۱۳۹۴: نشست اقلیمی سازمان ملل (UNCCC) پاریس-فرانسه (۲۰۱۵) ۱۳۹۶: نشست اقلیمی سازمان ملل (UNCCC) بُن-آلمان (۲۰۱۷)

نمودار ۱. فراوانی چارچوب‌های خبری تغییرات اقلیمی در ۱۵ روزنامه ایران، طی سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۸، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶



۳) درخصوص این سؤال که آیا تفاوت معناداری بین پوشش این چارچوب‌ها در بازه زمانی مورد نظر وجود دارد یافته‌ها نشان می‌دهند که پوشش چارچوب مسئولیت در مونترال (۲۰۰۵) کمترین درصد (۵/۷ درصد) و در کپنهاگ (۲۰۰۹) بیشترین درصد (۴۹/۵ درصد) را داشته و به ترتیب در نشست پاریس و بُن پوشش این فریم کاهش یافته است. چارچوب اخلاق-منافع انسانی نیز در بن (۲۰۱۷) دارای کمترین (۴/۳ درصد) و در کپنهاگ (۲۰۰۹) دارای بیشترین (۵۵/۷ درصد) درصد فراوانی بوده و پوشش این فریم از بعد از سال ۱۳۸۸ (نشست کپنهاگ) همواره با یک روند کاهشی مواجه شده است. چارچوب برخورد در سال ۱۳۹۶ (نشست اقلیمی بن) کمترین و در سال ۱۳۸۸ با ۵۴/۷ درصد بیشترین میزان پوشش را داشته است.

چارچوب اقتصادی در سال ۱۳۹۶ کمترین (۶/۶ درصد) و در سال ۱۳۸۸ بیشترین درصد پوشش (۴۷/۸ درصد) را نشان می‌دهد. چارچوب پیامدهای محیط‌زیستی نیز، در سال ۱۳۸۸ با بیشترین (۴۱/۵ درصد) و در سال ۱۳۹۶ با کمترین درصد پوشش (۱۰/۴ درصد) طی سال‌های مورد بررسی همراه بوده است. کمترین پوشش فریم آب‌وهوای جاری در سال ۱۳۹۶ (۹/۱ درصد) و بیشترین پوشش آن در سال ۱۳۹۴ (۵۳ درصد) بوده است. پوشش این فریم طی سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۴ روند افزایشی داشته اما در سال ۱۳۹۶ پوشش آن با کاهش مواجه شده است. چارچوب پیشرفت‌های اجتماعی نیز در سال ۱۳۸۴ دارای کمترین (۴/۹ درصد) و در ۱۳۸۸ دارای بیشترین (۴۶/۳ درصد) پوشش بوده و از سال ۱۳۸۸ به بعد پوشش یان فریم به‌طور مداوم یک روند نزولی را نشان می‌دهد. همین روند در پوشش چارچوب عدم قطعیت علمی نیز دیده می‌شود. این فریم نیز در سال ۱۳۸۴ کمترین (۱۵ درصد) و در سال ۱۳۸۸ بیشترین (۳۵ درصد) درصد پوشش را داشته است.

در مورد فریم سیاست‌های ملی-روابط بین‌المللی نیز می‌توان گفت که از سال ۱۳۸۸ به بعد، پیوسته پوشش آن در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ روند نزولی داشته و کمترین میزان پوشش این چارچوب در سال ۱۳۸۴ و برابر با ۵/۶ درصد است. بیشترین درصد پوشش فریم سیاست‌ها نیز در سال ۱۳۸۸ دیده می‌شود (۵۲/۲ درصد). با توجه به تفاوت بین

درصد‌های به دست آمده برای هر چارچوب در سال‌های مورد بررسی در این مقاله، می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین پوشش چارچوب‌های خبری تغییرات آب‌وهوایی طی این بازه زمانی وجود دارد.

۴) درخصوص اینکه روزنامه‌های مورد بررسی از چه منابعی برای نقل قول مطالب اقلیمی استفاده کرده‌اند، یافته‌های حاصل از بررسی منابع نقل شده در مطالب اقلیمی نشان می‌دهند که کارشناسان با ۱۷/۲ درصد بیشترین فراوانی را در بین منابع خبری مطبوعات ایران داشتند و شاهدان/قربانیان (۰/۱ درصد) و گروه‌های صنعتی (۰/۴ درصد) نیز کمترین منبع خبری در روزنامه‌های مورد بررسی بوده‌اند. این در حالی است که شاهدان/قربانیان بیشترین آسیب را از پیامدهای تغییر اقلیم متحمل می‌شوند؛ از طرف دیگر فعالیت گروه‌های صنعتی که از بزرگ‌ترین عوامل انسان‌ساخت تغییرات آب‌وهوایی هستند، کمتر مورد توجه روزنامه‌های ایران بوده‌اند. یافته‌های مقاله حاضر درباره منابع خبری مطالب اقلیمی در روزنامه‌های ایران در جدول شماره (۳) آمده است.



جدول ۳. فراوانی منابع خبری نقل قول شده در مطالب تغییرات اقلیمی

منابع خبری	فراوانی	درصد
خبرنگار/ تحریریه روزنامه	۴۸	۶/۲
روزنامه‌ها/ خبرگزاری داخلی	۱۰۲	۱۳/۲
روزنامه‌ها/ خبرگزاری‌های خارجی	۹۹	۱۲/۸
گروه‌های طرفدار محیط‌زیستی	۴۲	۵/۴
منابع دولتی	۶۲	۸
سیاست‌مداران خارجی	۱۰۸	۱۳/۹
سازمان‌های بین‌المللی	۹۸	۱۲/۶
شاهدان/ قربانیان	۱	۰/۱
کارشناسان	۱۳۳	۱۷/۲
سازمان حفاظت محیط‌زیست	۴۶	۵/۹
گروه‌های صنعتی	۳	۰/۴
نامعلوم	۳۳	۴/۳

بر اساس نتایج این مقاله حدود ۴۰ درصد از اخبار تغییرات اقلیمی در این روزنامه‌ها با تکیه بر منابع خارجی (سیاست‌مداران خارجی، روزنامه‌ها/ خبرگزاری‌های خارجی و

سازمان‌های بین‌المللی) ارائه شده و منابع دولتی و سازمان محیط‌زیست بر روی هم منبع خبری ۱۳/۹ درصد از مطالب اقلیمی بوده‌اند. علاوه بر این، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که مطالب اقلیمی روزنامه‌های ایران کمتر در تحریریه روزنامه نوشته شده و بیشتر مطالب این روزنامه‌ها به نقل از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های داخلی (۱۳/۲ درصد) یا منابع دیگر بوده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مانند بسیاری از مطالعات دیگر (هالی، ۲۰۱۵؛ تاکاهاشی، ۲۰۱۱؛ دیرکس و گلدرز، ۲۰۱۰؛ و کیم و بیشاس، ۲۰۱۷) در این مقاله نیز پوشش فریم برخورد و پیامدهای محیط‌زیستی در مطبوعات ایران بیش از سایر چارچوب‌های مورد بحث بوده و پوشش فریم‌های منافع انسانی-اخلاق، آب‌وهوای جاری و عدم قطعیت علمی کمترین پوشش را داشته‌اند. در واقع فریم‌هایی که می‌توانند تأثیر مستقیم تغییرات اقلیمی را بر زندگی مردم نشان دهند، مثل فریم آب‌وهوای جاری و منافع-اخلاق انسانی کمتر مورد توجه روزنامه‌های سراسری ایران بوده‌اند. با چنین درصد پوششی، نمی‌توان مشکل تغییرات اقلیمی و تأثیر آن بر زندگی روزمره مردم را ملموس کرد و درک آنها را پیرامون پیامدهای تغییرات آب‌وهوایی بر زندگی روزانه مردم شکل داد. چنین پوششی می‌تواند باعث شد که مخاطبان این روزنامه‌ها در برابر پیامدهای تغییر اقلیم احساس مسئولیت یا خطر نکرده و نتوانند وقوع سیل در نقطه‌ای دیگر از جهان را به دلیل تغییرات اقلیمی به زندگی خود پیوند دهند.

این مشکلی است که در پوشش فریم پیامدهای محیط‌زیستی نیز دیده می‌شود. در این فریم نیز به ندرت بر جهانی بودن پیامدهای تغییر اقلیم تأکید شده و ممکن است باعث شود مخاطب این موضوع را فراملی دانسته و تصور کند تغییرات آب‌وهوایی تأثیر جدی بر ایران ندارد. حتی در فریم آب‌وهوای جاری، روزنامه‌های ایران کمتر سعی کرده‌اند بلایای طبیعی را ناشی از تغییرات اقلیمی نشان دهند و در فریم اقتصادی نیز به خسارت‌هایی که این بلایا به اقتصاد محلی یا ملی ایران وارد کرده، اشاره‌ای نکرده‌اند. از سوی دیگر، نحوه استفاده از فریم اقتصادی در ایران به گونه‌ای است که مخاطبان درک درستی از پیامدهای اقتصادی تغییرات



آب‌وهوایی پیدا نمی‌کنند. برخلاف نتایج پژوهش اسپلوند و همکارانش (۲۰۱۲)، در این مقاله مطبوعات ایران در پوشش فریم اقتصادی کمتر به موضوعاتی مثل خسارات مالی کشورها، افراد یا گروه‌ها در اثر پیامدهای تغییر اقلیمی پرداخته‌اند. به جای آن در فریم اقتصادی، مطبوعات ایران نیز مانند روزنامه‌های هندی (کیم و بیشاس، ۲۰۱۷) بیشتر به موضوعاتی مثل کمک مالی کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای فقیر یا در حال توسعه و برآورده نشدن تعهدات مالی کشورهای توسعه‌یافته توجه کرده‌اند. مطرح شدن چنین موضوعاتی در فریم برخورد، بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دیده می‌شود. به نظر می‌رسد چنین پوششی نتواند اثرات اقتصادی تغییر اقلیم را نشان دهد و بیشتر، مسئولیت ایجاد و حل مشکل تغییر اقلیم را متوجه کشورهای توسعه‌یافته کند.

مطبوعات ایران در حالی به پیامدهای اقتصادی ناشی از تصمیم‌گیری جهانی در نشست‌های تغییرات اقلیمی در نشر مطالب خود پرداخته‌اند که غالباً در این فریم دو موضوع مهم اقتصادی برای ایران مطرح است: ۱) خسارت‌های اقتصادی ناشی از تغییر اقلیم در اثر سیل، طوفان و خشکسالی که متوجه مردم و دولت ایران است؛ ۲) تحدید مصرف سوخت‌های فسیلی که همواره در نشست‌های اقلیمی سازمان ملل متحد بر آن تأکید می‌شود و این مسئله برای ایران به عنوان یکی از مصرف‌کنندگان و صادرکنندگان بزرگ سوخت‌های فسیلی در جهان حائز اهمیت است. بنابراین، هر تصمیم ملزومی در این رابطه می‌تواند اقتصاد نفتی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. اما مطبوعات ایران در فریم اقتصادی چنین موضوعاتی را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند.

در فریم مسئولیت نیز تقابل کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه‌یافته به وضوح دیده می‌شود. کشورهای در حال توسعه همواره مسئولیت کشورهای توسعه‌یافته را در ایجاد و حل مشکل تغییرات آب‌وهوایی بیشتر از مسئولیت خود دانسته‌اند. این نتیجه را در پژوهش کیم و بیشاس (۲۰۱۷) نیز می‌توان دید. برخلاف پژوهش آچونگ و دادز (۲۰۱۲) که مسئولیت پوشش تغییرات اقلیمی را در مطبوعات ملی و منطقه‌ای کانادا بررسی و یافته‌های متفاوتی ارئه کرده‌اند. پژوهش آنها نشان می‌دهد که در پوشش فریم مسئولیت، روزنامه‌های کانادایی اغلب حل مسئله تغییر اقلیم را یک مسئولیت دولتی ترسیم کرده‌اند. در فریم





پیشرفت‌های اجتماعی نیز برخلاف یافته‌های کیم و بیشاس (۲۰۱۷) که نشان می‌دهد راهکارهای کاهش یا سازگاری با تغییر اقلیم از موضوعات مورد توجه روزنامه‌های هند و آمریکا بوده‌اند، مطبوعات ایران کمتر به معرفی نوآوری‌های دوست‌دار محیط‌زیست پرداخته و در این باره اطلاع‌رسانی چندانی نکرده‌اند.

همانند مطالعات قبلی (آچونگ و دادز، ۲۰۱۲؛ آسپلوند و همکاران، ۲۰۱۲؛ هالی، ۲۰۱۵ و شی، ۲۰۱۶، پینتر و همکاران، ۲۰۲۱؛ و هاس و همکاران، ۲۰۲۱) پوشش تغییرات اقلیمی در مطبوعات ایران نیز طی سال‌های مختلف با نوسانات کاهشی و افزایشی مواجه بوده، با این تفاوت که در پژوهش‌های ذکر شده، برخلاف نتایج به دست آمده در مقاله حاضر، پوشش فریم‌های خبری در سال‌های انتهایی بازه زمانی مورد نظر افزایش یافته است. در حالی که، در مطبوعات ایران بیشترین تعداد مقالات مرتبط با تغییرات آب‌وهوایی در سال ۱۳۸۸ و هم‌زمان با اجلاس تغییرات اقلیمی کپنهاگ (۲۰۰۹) بوده و پس از آن پوشش اغلب فریم‌های رسانه‌ای در مطبوعات مورد بررسی ما، به‌طور مداوم با روند کاهشی مواجه بوده‌اند. در واقع، نشست کپنهاگ به لحاظ اینکه برای اولین بار، نشست‌های تغییر اقلیم سازمان ملل متحد با حضور بالاترین مقامات سیاسی کشورهای جهان برگزار شد، پوشش گسترده‌ای در ایران و در مقایسه با دیگر نشست‌های تغییر اقلیمی سازمان ملل متحد داشته است.

هر چند تعداد خبرهای اقلیمی در سال ۱۳۹۴ (اجلاس پاریس ۲۰۱۵) با کاهش همراه بوده، اما نسبت به نشست مونترال و بُن همچنان بیشتر است. نکته حائز اهمیت در مورد روند کاهشی پوشش اخبار اقلیمی این است که برخلاف ارزش‌های خبری مهمی که در نشست بن ۲۰۱۷ وجود داشت (اولین نشست بعد از توافق مهم پاریس ۲۰۱۵ و خروج آمریکا از این توافق در ۲۰۱۶)، پوشش اخبار این نشست کاهش چشمگیری را در مطبوعات ایران نشان می‌دهد. از طرف دیگر، برخلاف گرم‌تر شدن زمین در سال ۲۰۱۷ نسبت به سال‌های قبل از آن، مطبوعات ایران پوشش اخبار اقلیمی را بیشتر نادیده گرفته‌اند که می‌توان علت آن را در پژوهش‌های دیگری بررسی کرد.

کارشناسان و منابع علمی بیشترین منبع خبری مطالب اقلیمی در مطبوعات ایران بوده‌اند که این تکرار نتایج برخی از پژوهش‌های مشابه دیگر (آچونگ و دادز، ۲۰۱۲؛ و

پینتر و همکاران، ۲۰۲۱) است. به علاوه، نقش تحریریه روزنامه‌ها در تولید اخبار اقلیمی در ایران بسیار اندک و کمی بیش از ۶ درصد است که نشان می‌دهد مطبوعات ایران سهم اندکی در تولید خبرهای محیط‌زیستی دارند و بیشتر انتشاردهنده این نوع خبرها هستند.

همچنین، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که روزنامه‌های ایران در نقل مطالب اقلیمی خود بیشتر بر منابع خارجی تأکید کرده‌اند. البته این مسئله می‌تواند به علت انتخاب بازه زمانی انتشار اخبار اقلیمی باشد که طی هفته‌های قبل و بعد از رویدادهای جهانی تغییر اقلیم سازمان ملل متحد بوده‌اند. از طرف دیگر، تأکید بیشتر مطبوعات ایران بر منابع خارجی در نقل قول‌ها به این مسئله برمی‌گردد که مطبوعات ایران کمتر به مسائل اقلیمی کشور توجه کرده و بیشتر به بازتاب مسائل بین‌المللی پیرامون این موضوع پرداخته‌اند.

یافته‌های مقاله حاضر تأییدی بر نتایج تحقیق خواجه نوری و ابوترابی (۱۳۹۷) نیست که سهم منابع خارجی در اخبار آب‌وهوایی وب‌سایت‌های فارسی زبان را ۳۴ درصد و سهم منابع داخلی (ایران) را ۶۶ درصد گزارش کرده‌اند. شاید سهم منابع داخلی و خارجی در اخبار اقلیمی بین خبرگزاری‌های آن‌لاین و روزنامه‌های ایران با هم متفاوت باشد. به علاوه، طبق یافته‌های این مقاله، سهم منابع رسمی (دولت‌های نهم تا دوازدهم و سازمان حفاظت محیط‌زیست این دولت‌ها که متولی اصلی مسائل تغییرات اقلیمی) در روزنامه‌های مورد بررسی ما چندان قابل توجه نبود. از طرف دیگر، بیشترین اخبار اقلیمی که منبع آنها سازمان محیط‌زیست و دولت بوده، در روزنامه «ایران» که ارگان خبری وابسته به دولت‌های وقت است، منتشر شده و روزنامه‌های دیگر کمتر از این منابع خبری رسمی و دولتی نقل قول کرده‌اند.

۵-۱. محدودیت‌ها

به دلیل کم بودن تعداد اخبار اقلیمی امکان مقایسه فریم اقتصادی بین روزنامه‌های اقتصادی و غیراقتصادی در ایران وجود نداشت. همچنین کم بودن تعداد این نوع خبرها در مطبوعات ایران باعث شد که تعداد سال‌های مورد بررسی و تعداد روزنامه‌ها بسیار افزایش پیدا کند که از نظر زمانی و هزینه نویسندگان این مقاله را دچار مشکل کرد.

مشکل دیگر در دسترس نبودن آرشیو آن‌لاین روزنامه‌ها در دهه‌های مختلف است که گردآوری جامعه آماری و نمونه را بسیار دشوار می‌کند. برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر،



هیچ سامانه آن لاینی برای جست و جوی کلمات کلیدی و خبرهای مورد نظر در ایران وجود ندارد و چاره‌ای جز مراجعه به کتابخانه ملی و تحمیل شرایط سخت قسمت منابع و مراجع برای دسترسی به نسخه‌های چاپی آرشیوی مطبوعات و یا مراجعه به دفتر روزنامه‌ها و خرید روزنامه‌های آرشیوی باقی نمی‌گذارد. در نتیجه، زمان استخراج داده‌ها به جای چند دقیقه به یک ماه افزایش یافت.

۵-۲. پیشنهادها

- با توجه به یافته‌های مقاله حاضر، موضوعات زیر برای مطالعات بیشتر پیشنهاد می‌شوند:
- (۱) علت سهم اندک دولت و سازمان محیط‌زیست به عنوان منابع خبری روزنامه‌ها بررسی شود؛
 - (۲) میزان پوشش چارچوب‌های خبری عام و خاص در سایت‌های خبری یا اخبار تلویزیونی نیز مطالعه و با این مقاله مقایسه شوند؛
 - (۳) سهم بیشترین و کمترین فریم‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی مثل توییتر در مورد موضوعات تغییرات اقلیمی به زبان فارسی وجود دارد، بررسی شود؛
 - (۴) چگونگی بازتاب اخبار اقلیمی در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های اقتصادی ایران نیز مورد مطالعه قرار گیرد؛
 - (۵) مطالعات مشابه در بازه زمانی خارج از زمان برگزاری رویدادهای جهانی تغییرات اقلیمی و یا در زمان مبارزات انتخاباتی در سطح ملی بر قاب‌بندی اخبار اقلیمی انجام شود.

۶. سپاس‌گزاری

از زحمات و راهنمایی‌های استاد گرامی، جناب آقای دکتر هادی خانیکی که در نوشتن این مقاله ما را یاری کردند، صمیمانه سپاس‌گزاریم.



منابع

- امیرخانی، فرهاد (۱۳۹۵). نقش رسانه‌های مکتوب در آگاهی بخشی تغییرات اقلیم در ایران با تأکید بر بحران آب: بررسی موردی روزنامه‌های همشهری و ایران در بازه زمانی سه ماه پایانی سال ۱۳۹۴ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد روزنامه نگاری). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
- جلالی، محمد؛ افشاری، مریم؛ و مزینیان، زینب (۱۳۹۹). تأثیر ابعاد زیست محیطی تغییرات اقلیمی بر امنیت ملی. علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۲ (۹)، ۱۷۹-۱۹۰. doi: 10.22034/jest.2021.31956.4005
- خواجه‌نوری، نسترن؛ و ابوترابی، آیدا (۱۳۹۷). تحلیل محتوای اخبار مربوط به تغییرات آب‌وهوایی در وبسایت‌های فارسی زبان. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۴ (۵۱)، ۲۶۳-۲۲۷.
- دواس، دی‌ای (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی (مترجم: هوشنگ نایی). تهران: نشر نی.
- رایف، دانیل؛ استفن، لیزی؛ و فیکو، فریدریک جی (۱۳۸۱). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای: کاربرد تحلیل محتوای کتی (مترجم: مهدخت بروجردی علوی). تهران: سروش (انتشارات صداوسیما)، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات.
- رحمانیان، مریم؛ افخمی، حسینعلی؛ و خانیکی، هادی (۱۳۹۹). برجسته‌سازی اخبار اقلیمی در مطبوعات ایران. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات (در نوبت چاپ). doi: 10.22034/jcsc.2020.116692.2030
- ریتزر، جورج (سر ویراستار). (۱۳۹۴). دانشنامه جهانی شدن (جلد ۱-۳) (مترجم: نوراله مرادی و محبوبه مهاجر). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- زابلی‌زاده، اردشیر؛ و افخمی، حسینعلی (۱۳۹۲). استفاده از نظریه چارچوب‌بندی در تبیین اثرات اخبار (مفاهیم و پژوهش‌ها). فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۲ (۷۴)، ۱۴۴-۱۲۱. doi: 10.22082/cr.2013.23518
- غلامی، فرزاد (۱۴۰۰). ارتباطات زیست محیطی و آب: تحلیل محتوای مستندهای دهه هشتاد و نود سینمای ایران. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۷ (۶۳)، ۳۴-۱۱. doi: 10.22034/jcsc.2021.534374.2432
- Ahchong, K., & Dodds, R. (2012). Anthropogenic climate change coverage in two Canadian newspapers, the Toronto Star and the Globe and Mail, from 1988 to 2007. *Environmental Science & Policy*, 15 (1), 48-59. doi: 10.1016/j.envsci.2011.09.008
- Asplund, T., Hjerpe, M. & Wibeck, V. (2012). Framings and coverage of climate change in Swedish specialized farming magazines. *Climatic Change*, 117(1-2), 197-209. doi: 10.1007/s10584-012-0535-0
- Biswas, M.K. & Kim, N.Y. (2017). Framing of climate issues and "COP21": U.S. -Newspaper coverage vs Indian Newspaper coverage. *Environment and Social Psychology*, 2(1), 142-152. doi: 10.18063/ESP.2016.02.002



- Bolsen, T., Palm, R. & Kingsland, J.T. (2019). Counteracting climate science politicization with effective frames and omagery. *Science Communication*, 41 (2), 147-171. Doi: 10.1177/1075547019834565
- Boykoff, M.T. & Roberts. J.T. (2007). Media coverage of climate change: Current trends, strengths, weaknesses. *United Nations Development Programme (Human Development Report 2007)*, background paper, 1-54.
- Brossard, D., Shanahan, J., & Mccomas, K. (2004). Are Issue-Cycles Culturally Constructed? A Comparison of French and American Coverage of Global Climate Change. *Mass Communication & Society*, 7(3), 359-377. doi: 10.1207/s15327825mcs0703_6
- Calderón, C.A., Mercado, M., Piñuel, J.L. & Suárez-Sucre, E.D. (2015). Media coverage of climate change in Spanish-speaking online media. *Convergencia Revista de Ciencias Sociales*, 22(68), 71-95. doi: 10.29101/crcs.v0i68.2952
- Camaj, L. (2010). Media framing through stages of a political discourse: international news agencies coverage of Kosovo's status negotiations. *International Communication Gazette*, 72(7), 635-653. doi: 10.1177/1748048510378147
- De Vreese, C.H. (2005). News framing: Theory and typology. *Information Design Journal*, 13(1), 51-62. doi: 10.1075/idjdd.13.1.06vre
- Dirix A. & D. Gelders (2010). To frame is to explain: A deductive frame-analysis of Dutch and French climate change coverage during the Annual UN Conferences of the Parties. *Public Understanding of Science*, 19(6), 732-742. doi: 10.1177/0963662509352044
- Entman, R.M. (2008). Theorizing mediated public diplomacy: The U.S. case. *International Journal of Press/Politics*, 13(2), 87-102. doi: 10.1177/1940161208314657
- Entman, R. M. (1993). Framing: Toward clarification of a fractured paradigm. *Journal of Communication*, 43 (4), 51-58. doi: 10.1111/j.1460-2466.1993.tb01304.x
- Ereaut, G. & N. Segnit (2006). Warm words: How are we telling the climate story and can we tell it better? London, England: Institute for Public Policy Research.
- Gitlin, T. (1980). *The whole world is watching: Mass media and the making and unmaking of the new left*. Berkeley: University of California Press.
- Goffman, E. (1974). *Frame analysis: An essay on the organization of experience*. Massachusetts: Harvard University Press.
- Hase, V., Mahl, D., Schäfer, M.S. & Keller, T.R. (2021). Climate change in news media across the globe: An automated analysis of issue attention and themes in climate change coverage in 10 countries (2006-2018). *Global Environmental Change*, 70 (2021), 1-12. doi: 10.1016/j.gloenvcha.2021.102353
- Holley, J.R. (2015). *Framing reality: Portrayals of climate change in the Las Vegas Review Journal 1977-2014* (Unpublished MA Thesis). Nevada University.
- International Energy Agency (IEA) (2015). Energy and Climate Change. IEA, Paris.





- Nisbet, M.C. (2009). Communicating climate change: Why frames matter for public engagement. *Environment: Science and Policy for Sustainable Development*, 51(2), 12–23. doi: doi.org/10.3200/ENVT.51.2.12-23
- Painter, J., Ettinger, J., Doutreix, M.N., Strauß, N., Wonneberger, A. & Walton, P. (2021). "Is it climate change? Coverage by online news sites of the 2019 European summer heatwaves in France, Germany, the Netherlands, and the UK". *Climatic Change*, 169(1-2), 1-28. doi: 10.1007/s10584-021-03222-w
- Pan, Y., Opgenhaffen, M. & Van Gorp, B. (2021). China's pathway to climate sustainability: A diachronic framing analysis of people's daily's coverage of climate change (1995–2018). *Environmental Communication*, 15 (2), 189-202. doi: 10.1080/17524032.2020.1817766
- Pan, Z. P. & Kosicki, G. M. (1993). Framing analysis: An approach to news discourse. *Political Communication*, 10(1), 55–75. doi: 10.1080/10584609.1993.9962963
- Parks, P. (2020). Is climate change a crisis – and who says so? An analysis of climate characterization in major U.S. news media. *Environmental Communication*, 14(1), 82-96. doi: 10.1080/17524032.2019.1611614
- Scheufele, D.A. (1999). Framing as a theory of media effects. *Journal of Communication*, 49 (1), 103-122. doi: 10.1111/j.1460-2466.1999.tb02784.x
- Semetko, H. A., & P. M. Valkenburg (2000). Framing European politics: A content analysis of press and Television news. *Journal of Communication*, 50 (2), 93-109. doi: 10.1111/j.1460-2466.2000.tb02843.x
- Takahashi, B. (2011). Framing and sources: A study of mass media coverage of climate change in Peru during the V ALCUE. *Public Understanding of Science*, 20 (4), 543-557. doi: 10.1177/0963662509356502
- Tuchman, G. (1978). *Making news. A study in the construction of reality*. New York: Free Press.
- Xi, J. (2016). *Climate change and the media: A comparative study of China and the United States 2009-2015* (Unpublished MA Thesis). Dartmouth College.
- Zamith, R., Pinto, J., & Villar, M.E. (2013). Constructing climate change in the Americas: An analysis of news coverage in U.S. and South American Newspapers. *Science Communication*, 35 (3), 334-357. doi: 10.1177/1075547012457470



تأثیر خصوصی‌سازی آب بر تکلیف دولت‌ها در مورد حق بر آب با تأکید بر نظریه تفسیری شماره ۱۵

احمد خسروی^۱

دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

چکیده

آب، نقش بنیادینی در زیست انسان دارد؛ به‌گونه‌ای که نه‌تنها عملکرد درست بدن به آن وابسته است، بلکه حقی تأثیرگذار بر حق‌های دیگر انسان است. با تصویب نظریه تفسیری شماره ۱۵ از سوی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، حقوق‌دانان، دسترسی به آب را، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، به‌عنوان یک حق بشری شناسایی کرده‌اند. علم اقتصاد، به دلایلی از جمله محدودیت منابع، دورازدسترس بودن، هزینه‌بر بودن خدمات جمع‌آوری، و سرانجام، ناتوانی دولت‌ها در تأمین، آب را به‌عنوان یک کالا در نظر گرفته و بحث خصوصی‌سازی آن را مطرح کرده است. با توجه به اینکه خصوصی‌سازی به تجاری‌سازی و اقتصادی‌شدن آب می‌انجامد، آیا می‌تواند ویژگی‌ها و الزامات حق بر آب را اجرایی کند؟ به‌منظور پاسخ به این پرسش در این پژوهش سعی شده در قالب روش کیفی و بصورت کتابخانه‌ای، با مطالعه میان‌رشته‌ای حقوق و اقتصاد، ماهیت، ویژگی‌ها، و الزامات حق بر آب از منظر اسناد بین‌المللی بررسی و سپس، با توجه به این ویژگی‌ها و ماهیت خصوصی‌سازی، جنبه اقتصادی این مسئله واکاوی شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی آب، بدون توجه به بعد حقوق بشری آب، با تجاری تلقی کردن آن حق بر آب انسان‌ها و به تبع آن سایر حق‌های انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ضرورت دارد تا خصوصی‌سازی آب تا بدانجا باشد که باعث نادیده انگاشتن حق‌های بشری نشود.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، حق بر آب، نظریه تفسیری شماره ۱۵، خصوصی‌سازی

۱. استادیار حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، ایران

a.khosravi@birjand.ac.ir ✉

۱. مقدمه

آب، نقش حیاتی‌ای در زندگی انسان دارد. تقریباً تمام عملکرد بدن، به آب وابسته است و بر بخش‌های گوناگون زندگی بشر نیز بسیار تأثیرگذار است؛ برای نمونه، بهداشت، استراحت، مسائل فرهنگی و اجتماعی، و... متأثر از آب است. نبود آب سالم، موجب بروز بیماری‌های جدی‌ای می‌شود. هر سال، نزدیک دو میلیارد نفر، دچار بیماری‌های ناشی از مصرف آب ناسالم می‌شوند (کمیسیون سازمان ملل درباره توسعه پایدار^۱، ۱۹۹۲، ۳۱)؛ به گونه‌ای که هر سال، دو میلیون نفر — که بیشتر آن‌ها کودکان هستند — به دلیل نبود آب سالم، جان خود را از دست می‌دهند (برونتلند^۲، ۲۰۰۳، ۶). نزدیک یک میلیارد نفر در کره زمین، به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند (دفتر کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل، برنامه اسکان بشر ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۰، ۳۵). در این میان، زنان و کودکان — که بیشتر آن‌ها فقیر و در حاشیه و روستا نشین هستند (۸۰ درصد محرومان از آب شرب سالم در روستاها ساکن هستند) — مجبورند، بیشتر وقت خود را صرف جمع‌آوری آب کرده و از کارهای دیگری مانند آموزش، بازمی‌مانند.

دشواری‌های تأمین آب توسط دولت و متصدیان دیگر این حوزه و ساختار ناکافی و فاسد برای تأمین آب، به ویژه در مناطق محروم و روستایی، به نابرابری و فقر دامن می‌زند و در مقابل، فقر و نابرابری و مناسبات نابرابر قدرت نیز سبب افزایش این نوع تبعیض و نابرابری می‌شود. مهاجرت و اخراج‌های اجباری، به ویژه از روستاها و مناطق کم‌آب و هجوم به شهر و در نتیجه، سرعت گرفتن شهرسازی، جنگل‌زدایی، سیل، افزایش آلودگی، تنش و جنگ بر سر آب، تغییرات زیست‌محیطی‌ای مانند گرم شدن کره زمین — که سبب خشک‌تر شدن مناطق خشک و بارانی‌تر شدن مناطق تر و به تبع آن دسترسی نابرابر به آب و فجایع پس از آن خواهد شد — را نیز باید به آن افزود.

متأسفانه، مسئله به همین جا ختم نخواهد یافت؛ در پی مسائل و مصائب یادشده، مناطق مستعد کشاورزی و در نتیجه، محصولات کشاورزی، کاهش خواهد یافت و این امر



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۶۲

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳

1. UN Commission on Sustainable Development

2. Brundtland

به نوبه خود، امنیت غذایی را به خطر انداخته و سوء تغذیه را برای بسیاری از افراد، در پی خواهد داشت.

مسائل یادشده، موجب طرح بحث‌های حقوق بشری در زمینه آب شده و حتی تاجایی پیش رفته است که می‌توان گفت، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، پیش شرط اصلی بهره‌مندی از چندین حق انسانی، از حق حیات گرفته تا حق بر آموزش، مسکن، سلامتی، زندگی، کار، حفاظت در برابر هرگونه رفتار یا مجازات ظالمانه و غیرانسانی و تحقیرکننده، تبعیض و بسیاری از حقوق دیگر به‌شمار می‌آید. این مسئله، پیامدهای سیاسی‌ای نیز داشته است که تشکیل حکومت‌های آب‌سالار، آوارگان آب، نام‌گذاری قرن بیست و یکم به نام قرن آب، و ظهور نظریه‌های آب‌سیاست، از مهم‌ترین این پیامدها هستند (مرادی طادی، ۱۳۹۶، ۷۶-۷۴).

با توجه به اهمیت آب و آثاری که ایجاد می‌کند و اینکه آب شیرین، منبعی محدود است (آب شیرین، تنها ۳ درصد از آب جهان را تشکیل می‌دهد که ۷۰ درصد آن نیز به صورت کوه‌های یخ بوده و در دسترس مستقیم بشر نیست) (کوک^۱، ۲۰۱۲، ۲)، آیا تلقی آن به عنوان یک کالای تجاری از منظر اقتصاد و واگذاری آن به بخش خصوصی می‌تواند الزامات حقوق بشری آب را تأمین کند؟ اگرچه از منظر علم اقتصاد، اقتصاد کینزی موفق نبوده و خصوصی سازی در بسیاری از زمینه‌ها، موفقیت‌هایی را به دنبال داشته است، اما همیشه و در همه زمینه‌ها، کارساز نبوده و گاهی زمینه ساز بروز فسادهایی شده است؛ یکی از این مسائل که گرفتار نگاه تک بعدی شده است، مسئله خصوصی سازی آب است. با توجه به جنبش‌های اخیر که آن را به عنوان حق در نظر گرفته‌اند، به نظر می‌رسد که واگذاری آن به بخش خصوصی موجب فرار دولت از زیر بار تکالیف خود و در نتیجه، ضایع شدن این حق می‌شود. در این راستا، لازم است که ابعاد گوناگون حق بر آب، به‌ویژه از دیدگاه نظریه تفسیری شماره ۱۵، روشن شود. برای این کار ابتدا دیدگاه‌های گوناگون درباره مسئله آب بررسی می‌شود، سپس اسناد شناسایی حق بر آب، رابطه این حق با حق‌های دیگر و مکلف و تکلیف‌هایی که برای مکلف آن، به‌ویژه دولت ایجاد می‌کند، واکاوی خواهد شد و سپس، با توجه به این موارد، بحث خصوصی سازی و آثار آن در این زمینه، تحلیل و بررسی می‌شود.



۲. رویکردهای گوناگون به مسئله آب

نظریه پردازان و سیاستمداران، در واکنش به بحران‌ها و مشکلات ناشی از آب، رویکردهای پرشماری دارند که می‌توان آن‌ها را به پنج دسته تقسیم کرد:

رویکرد مال: بررسی تاریخ نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۸۰، پارادایم غالب در بخش آب، عمدتاً مبتنی بر رویکرد اقتصادی و تجاری بوده است. بیشتر مقررات وضع شده در این زمینه، حاکی از استفاده از ابزار اقتصادی و بازار برای اثربخش کردن خدمات آب است که سازمان‌هایی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و شرکت‌های چندملیتی آب اروپایی، به شدت از آن حمایت می‌کنند (کالین^۱، ۲۰۱۰، ۱). این رویکرد، سه ویژگی دارد؛ نخست اینکه، آب باید قیمت‌گذاری شود؛ در بیشتر کشورها، آب آشامیدنی افراد با فرایند پیچیده‌ای به دست می‌آید که هزینه‌بر است؛ از این رو، هزینه فراهم کردن آب باید بازیابی شود. اگرچه به نظر می‌رسد که کشورهای ثروتمند، مشکلی برای پرداخت هزینه تأمین آب آشامیدنی تمیز ندارند، اما این امر، به دلیل نبود سرمایه، هم دولت و هم خود شهروندان کشورهای فقیر را با مشکل روبه‌رو می‌کند (کالین، ۲۰۱۰، ۲)؛ دوم اینکه باید به بازار اجازه تأمین آب داده شود؛ خصوصی‌سازی، اثربخشی خدمات آب را افزایش می‌دهد. البته بخش خصوصی، در صورتی به سرمایه‌گذاری در این زمینه تمایل خواهد داشت که برایش سودده باشد و شرط نخست سودده بودن آن نیز این است که آب را یک کالای تجاری به‌شمار آوریم؛ سوم اینکه، منابع آب، تحت مالکیت خصوصی باشد. این درحالی است که این نظریه، به دلیل کم‌بازده بودن آب — دست‌کم تا امروز — چندان مورد استقبال بخش خصوصی نبوده و هنوز ۹۰ درصد آب جهان به‌صورت دولتی (عمومی) تأمین می‌شود (وندل^۲ و دیگران، ۱۹۰۸، ۲۷۵-۲۷۳)؛

رویکرد دولتی (عمومی): طرفداران این رویکرد، بیشتر فعالان اجتماعی‌ای هستند که بر این نظرند که همه ابعاد آب، می‌بایست در کنترل دولت باشد (هال^۳ و دیگران، ۲۰۱۱، ۴)؛ بنابراین، از تصمیم‌گیری درباره نحوه کاربرد آب گرفته تا قیمت‌گذاری آن باید در کنترل



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۶۴

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

1. Coline
2. Wendell
3. Hall



دولت بوده و این بخش، از مالکیت دولت خارج نشود و لازم است که تلاش‌ها برای خصوصی‌سازی آب متوقف شود، زیرا خصوصی‌سازی سبب می‌شود که منتفذان در حوزه آب، آن را به کنترل خود درآورند و مافیای آب تشکیل دهند و به این ترتیب، نبض زیست مردم را به دست می‌گیرند. همچنین، توزیع آب برپایه توان مالی افراد خواهد بود و این امر، اصل برابری و عدم تبعیض را زیر سؤال خواهد برد (کالین و دیگران، ۲۰۱۰، ۳)؛

رویکرد محلی بودن آب (عدم تمرکز): برخی دیگر از نظریه‌پردازان، نه بر نقش بخش خصوصی و نه بر بخش دولتی، بلکه بر نقش حکومت‌های محلی و سازمان‌های غیردولتی در تأمین آب تأکید دارند، زیرا این افراد و نهادها، بهتر از هرکسی، نیازها و مقتضیات محل را تشخیص می‌دهند و در مورد آن احساس تعهد دارند (لنگفورد^۱، ۲۰۰۵، ۲۵۸)؛

رویکرد اجتماعی و حقوق بشری: این رویکرد در چارچوب حقوق بشر شکل گرفته و طرفداران آن، بر این نظرند که کرامت انسانی، اولویت نخست برای انجام هر کاری است. دسترسی جهانی به آب کافی برای رفع نیازهای اساسی، اولویت مطلق و مذاکره‌ناپذیر است. در کنفرانس ماردل‌پلاتا در سال ۱۹۷۷، دولت‌های عضو سازمان ملل تأکید کردند: «همه افراد در هر سطح از توسعه و شرایط اجتماعی و اقتصادی، حق دسترسی به آب آشامیدنی در کمیت و کیفیت برابر با نیازهای اساسی‌شان را دارند» (بخش دوم قطعنامه شماره ۲ کنفرانس ماردل‌پلاتا، مصوب^۲ ۱۹۷۷).

از آنجا که مکلف حق‌های بشری، دولت‌ها هستند، مسئول تضمین آب شرب افراد بر مبنای حق بر آب، چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم —ولی با هزینه دولت— نیز دولت‌ها می‌باشند. همچنین، رویکرد مبتنی بر حق، منوط به اصل رهایی از تبعیض و برابری است (برونتلند، ۲۰۰۳، ۴). برپایه رویکرد حقوق بشری به آب، هیچ گروهی نباید از جامعه حذف شود و اولویت تخصیص باید به آن‌هایی داده شود که به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند، یا در دسترسی به آن با تبعیض روبه‌رو هستند (راپل^۳، ۲۰۰۸، ۱۹).

1. Langford

2. Resolution 2, Mar del Plata, Chapter 1, 1977

3. Ruppel



رویکرد ترکیبی: برپایه این نظریه، ورای تلقی آب به‌عنوان حق بشری، می‌بایست به‌عنوان کالا نیز در نظر گرفته شود؛ بنابراین، افزون بر اینکه آب به‌عنوان یک حق، تکالیفی را برای دولت‌ها ایجاد می‌کند، باید کالا به‌شمار آید تا دولت بتواند با تشویق بخش خصوصی (هنگامی که به‌لحاظ مالی، نمی‌تواند آن را تأمین کند) این حق را برآورده کند (کوک، ۲۰۱۲، ۴)، زیرا تعهد دولت‌ها به حق‌ها (به‌جز حق‌های مطلق) تعهد به وسیله است و اسناد حقوق بشری، دولت‌ها را به‌ویژه در مورد حق‌های نسل دوم—مکلف به تلاش در حد امکانات موجود، برای تأمین بیشینه حقوق به‌رسمیت شناخته‌شده می‌دانند (ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی^۱)؛ بنابراین، دولت‌ها نیز در این مورد، تعهدی به نتیجه ندارند و مکلف به تأمین خدمات آب در حد امکانات موجود هستند؛ البته نمی‌توانند با سپردن مالکیت مطلق آن به بخش خصوصی نیز به آن بی‌توجه باشند. این رویکرد با قیمت‌گذاری آب، ضمن اینکه بخش خصوصی را تشویق به سرمایه‌گذاری می‌کند، از هدررفت آن نیز جلوگیری می‌کند، زیرا به‌گفته برخی اقتصاددانان، هزینه‌های تصنیعی پایین آب، مانع تشویق برای ذخیره آب می‌شود (بوری^۲، ۲۰۱۵، ۳). به‌نظر می‌رسد که نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نیز همین است. این کمیته در نظریه تفسیری شماره ۱۵ بیان نکرده است که آب باید رایگان باشد، بلکه تأکید کرده است که باید مقرون به‌صرفه باشد (نظریه تفسیری شماره ۱۵، بند سوم پاراگراف ۱۲^۳).

با بررسی رویه کشورهای گوناگون—که از این پس به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد—می‌توان گفت، الگوی جهانی یا منطقه‌ای مشترکی وجود ندارد و هر کشوری از روش متناسب با مقتضیات داخلی خود استفاده می‌کند؛ بنابراین، نقد و انتقاد از این دیدگاه‌ها، کاری بیهوده خواهد بود.

1. Covenant on Economic, Social and Cultural Rights
2. Bouree
3. General Comment No.15

۲. جایگاه حق بر آب در اسناد بین‌المللی

اگرچه حق بر آب، در اسناد مهم حقوق بشری‌ای مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق، به روشنی شناسایی نشده است، اما نمی‌توان گفت که به‌طور کلی به آن بی‌توجه بوده یا آن را بی‌اهمیت به‌شمار آورده‌اند. ماده (۱) ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، به حق ذاتی زندگی اشاره دارد و کمیته حقوق بشر سازمان ملل، در سال ۱۹۸۲ در نظریه تفسیری شماره ۶ میثاق، اشاره کرده است که دولت‌ها باید تدابیر مثبت (ایجابی) را برای حمایت از حق حیات پذیرفته (پاراگراف ۶ نظریه تفسیری شماره ۶ کمیسیون حقوق بشر^۱) و دسترسی به ابزار بقا را تضمین کنند. آب نیز به‌عنوان مایه حیات، ابزاری برای حفظ بقا است. کمیته رفع تمام شکل‌های تبعیض نیز حق بر آب را به‌عنوان بخشی از حق سکونت و حق بر بهداشت به رسمیت شناخته است (اتحاد آب ایمن^۲، ۲۰۱۴، ۳). کنوانسیون حقوق کودک تأکید دارد که کودک، حق دارد که به بالاترین سطح استاندارد بهداشت، دسترسی داشته باشد و دولت‌های عضو باید گام‌هایی را در راستای مبارزه با بیماری و سوء تغذیه، از جمله از طریق فراهم کردن آب آشامیدنی سالم، بردارند (ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق کودک، ۱۹۸۹^۳).

مفهوم مقتضیات اولیه آب برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشری، برای نخستین بار در کنفرانس آب ملل متحد (۱۹۹۷) در شهر ماردل پلاتا^۴ در آرژانتین مطرح شد. برنامه اجرایی این کنفرانس تأکید می‌کند که همه مردم، صرف‌نظر از میزان توسعه و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، حق دارند به آب آشامیدنی، با کیفیت و کمیت متناسب با نیازهای اولیه‌شان دسترسی داشته باشند. دستورکار شماره ۲۱^۵ مصوب کنفرانس ملل متحد در حوزه محیط زیست و توسعه (۱۹۹۲) (فصل سوم) و برنامه اجرایی همایش بین‌المللی جمعیت و توسعه (۱۹۹۳) نیز تأکید کرده‌اند که همه مردم، حق دارند که از استانداردهای لازم برای زندگی، از جمله آب و تأسیسات بهداشتی برخوردار باشند. دستورکار اسکان بشر، مصوب

1. Human Rights Commission, General Comment No.6, (1982)

2. Safe Water Alliance

3. Child Rights Declaration

4. Mar del Plata Action Plan of the United Nation Water Conference

5. Agenda 21, Charter for Future, Rio (1992)





کنفرانس ملل متحد درباره اسکان بشر^۱ در سال ۱۹۹۶ نیز آب و تأسیسات بهداشتی را به‌عنوان بخشی از حق دسترسی به استاندارد مناسب برای زندگی، شناسایی کرده است.

در سال ۲۰۰۲، کمیته اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، نظریه تفسیری شماره ۱۵ را در مورد حق بر آب صادر کرد و ضمن شناسایی حق بر آب، آن را حق همگانی بر «داشتن آب کافی، سالم، قابل قبول، به لحاظ فیزیکی قابل دسترس و مقرون به صرفه برای کاربردهای شخصی و خانگی» تعریف کرد (پاراگراف ۲ نظریه تفسیری شماره ۱۵). چهار سال بعد، کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر سازمان ملل^۲، دستورکارهایی را برای تحقق حق بر آب آشامیدنی و دسترسی به تأسیسات بهداشتی ارائه کرد. همچنین، برنامه توسعه سازمان ملل تأکید کرد که نقطه شروع و اصل متحدکننده برای اقدام جمعی در حوزه آب و فاضلاب، شناسایی حق بر آب به‌عنوان یک حق اولیه بشری است (کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، گزاره برگ ۳۵، ۳) و در سال ۲۰۰۸ نیز به منظور شفاف کردن چارچوب و محتوای این الزامات، مأموریتی را با عنوان «کارشناس مستقل درباره الزامات حقوق بشری مربوط به دسترسی به آب آشامیدنی سالم و تأسیسات بهداشتی»^۳ تأسیس کرد.

گفتنی است، در قوانین داخلی بسیاری از کشورها، از جمله قانون اساسی ایران، به این حق اشاره نشده است. شاید علت اصلی آن این باشد که حق یادشده، به تازگی در اسناد بین‌المللی (آن هم نه اسناد الزام‌آور) به رسمیت شناخته شده است. هرچند، عوامل دیگری نیز در این مورد نقش داشته‌اند؛ از جمله اینکه، کشورهای پیشرفته، تاکنون چندان با معضل بی‌آبی روبه‌رو نبوده‌اند و حتی اگر هم روبه‌رو بوده‌اند، به لحاظ اقتصادی، مشکلی در تأمین آن نداشته‌اند. افزون‌براین، بیشترین استفاده از آب را کشورهای صنعتی دارند که از آن در بخش‌های صنعت و کشاورزی استفاده می‌کنند و شناسایی این حق، محدودیت‌هایی را برای این کشورها ایجاد خواهد کرد؛ برای نمونه، جلوگیری از استفاده بی‌رویه از آب و مقابله با آلوده کردن آن و به تبع آن، تأثیرگذاری بر سرنوشت مشترک بشریت و تعهداتی که

1. Habitat

2. U.N Sub-commission on the Promotion and Protection of Human Rights, 2002

3. Independent Expert on the Issue of Human Rightd Obligation Related to Safe Drinking Water and Sanitation, U.N, Water Conference, 2008



این حق برای این کشورها در قبال کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کند، باعث شده است که آن‌ها تمایلی به شناسایی این حق نداشته باشند (موری و کامینرز^۱، ۲۰۱۴، ۱۱-۱۰).

به لحاظ عملی نیز تبعیض در ارائه خدمات آب در برخی کشورها، از جمله کشورهای فقیر و در حال توسعه^۲ (بالتز و گاستیر^۲، ۲۰۱۱، ۳۸۶)، هزینه بر بودن فرایند خدمات آب، و تحمیل بار اقتصادی آن به دولت و دریافت هزینه بالاتر از توان افراد در برخی کشورها، سبب شده است که به جای اینکه به عنوان حق در نظر گرفته شود و تکلیف برای دولت ایجاد کند، تنها یک کالای تجاری به شمار آید (پاتریسیا و مولتن^۳، ۲۰۱۶، ۸۶). بی توجهی به حق بودن آب و تجاری تلقی کردن آن، تاجایی پیش رفته است که حتی در برخی کشورها، مقامات محلی آب قدرت پیدا کرده‌اند که دسترسی افراد به آب را، در مواردی که هزینه آن را پرداخت نکرده‌اند، قطع کنند. چنان‌که در شهرهایی از ایالات متحده، مانند دیترویت و بالتیمور، مقامات شهر از این اختیار در سطح گسترده‌ای استفاده، و ده‌ها هزار خانواده را از این حق محروم می‌کنند (موری و کامینرز، ۲۰۱۴، ۱۱). به همین سبب، برخی بر این نظرند که تمرکز بر این امر که آب یک کالای تجاری است و بی توجهی به بعد حق بودن آن، سبب تلاش برای واگذاری این وظیفه به بخش خصوصی و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کردن دولت‌ها شده است؛ در حالی که سازمان‌های مدنی - اجتماعی در سرتاسر جهان، بر پایه مبانی حقوق بشری آب، مخالف خصوصی سازی خدمات آب هستند (موری و کامینرز، ۲۰۱۴، ۱۳-۱۲).

۳. محتوای حق بر آب

پس از شناسایی یک حق بشری، لازم است که آن حق، تعریف و تبیین شود. یکی از موضوع‌هایی که اخیراً در فرایند تهیه پیش‌نویس نظریه تفسیری شماره ۱۵ مطرح شد، ماهیت جمعی حق بر آب است. برخی از اعضای کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و

1. Murray and Kominers

2. Balts and Gasteyer

3. Patricia and Moulton



فرهنگی، در جلسه علنی بیان کرده‌اند که آب، نه تنها حق فردی (حقوق اقتصادی، اجتماعی) است، بلکه یک نفع عمومی نیز به‌شمار می‌آید. این موضوع، در متن نظریه تفسیری این‌گونه بیان شده است؛ «آب، یک منبع طبیعی پایان‌پذیر است و نفع عمومی بنیادینی برای حیات و سلامت به‌شمار می‌آید» (پاراگراف ۱ نظریه تفسیری شماره ۱۵). جمعی بودن حق بر آب، اقتضا می‌کند که همه کشورها، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته و ثروتمند، به تعهدات بین‌المللی خود برای کمک به کشورهای دیگر، در راستای تضمین و تأمین حق بر آب برای همه افراد، عمل کنند. افزون‌براین، همه کشورها باید تضمین کنند که اعمالشان، افراد را از حق بر آب در نقاط دیگر جهان محروم نخواهد کرد که نمونه‌هایی از اقدامات لازم در این راستا عبارت‌اند از: جلوگیری از بهره‌برداری بی‌رویه از آب، جلوگیری از آلوده شدن آب، خودداری از اعمال تحریم‌ها بر کالاها و خدماتی که حق بر آب را تضمین می‌کنند، و واگذاری کمک‌ها و تسهیلات به کشورهای در حال توسعه و ناتوان در عرصه تأمین آب شهروندانشان.

موضوع دیگر این است که «آب برای چه؟» نظریه تفسیری شماره ۱۵ مقرر می‌دارد که دولت‌ها، ملزم به تضمین این اصل هستند که هر فردی به آب سالم، قابل قبول، در دسترس برای کاربردهای شخصی و خانوادگی، دسترسی داشته باشد. این اصل، استفاده ضروری برای جلوگیری از مرگ و میر ناشی از کم شدن آب، کاهش خطر بیماری‌های مربوط به آب و تأمین مصرف، استفاده برای تهیه غذا، شست‌وشو و الزامات بهداشتی، شخصی و خانگی را نیز دربر می‌گیرد (پاراگراف ۳ نظریه تفسیری شماره ۱۵). نظریه تفسیری یادشده، حتی از این نیز فراتر رفته و استفاده‌های دیگر از آب که از الزامات دیگر حق‌های بشری است را نیز دربر می‌گیرد که برای نمونه می‌توان به تأمین آب لازم برای تولید غذا، آب ضروری برای بهداشت محیط، آب لازم برای تضمین حیات (مثل حق بر کار) و... نیز اشاره کرد؛ هرچند، اولویت باید به استفاده‌های شخصی و خانگی داده شود (منابع حقوقی برای حق بر آب و بهداشت^۱، ۲۰۰۸، ۹-۱۰).



حق بر آب از دیدگاه نظریه تفسیری شماره ۱۵ (ماده ۱۲) و اصول راهنمای کمیسیون
فرعی حق بر آب و بهداشت، دارای عناصری به شرح زیر است:

آب کافی: هر فردی حق دارد که برای استفاده‌های شخصی و خانوادگی از جمله برای
آشامیدن، شست‌وشوی لباس‌ها، تهیه غذا، و بهداشت فردی و منزل، پیوسته به آب کافی
دسترسی داشته باشد. برپایه اصول راهنمای کمیسیون فرعی حق بر آب و بهداشت، این
میزان، روزانه حدود ۵۰ تا ۱۰۰ لیتر برای هر فرد است و کمترین میزان آن نیز، ۲۰ لیتر در
روز است (هوارد و بارتام^۱، ۲۰۰۳):

کیفیت: برپایه نظریه تفسیری یادشده، آب مصرفی برای شخص و منزل باید سالم باشد؛
ازاین‌رو، لازم است که فاقد میکروارگانیسم‌ها، مواد شیمیایی، و مسموم و خطرات
رادیولوژیکی باشد. افزون‌براین، باید از رنگ، رایحه، و طعم قابل قبولی برخوردار باشد (بند
ب ماده ۱۲ نظریه تفسیری شماره ۱۵):

قابلیت دسترسی: آب مصرفی فرد و خانواده‌اش باید به لحاظ فیزیکی، به‌سادگی در دسترس
باشد؛ برای نمونه، لازم است که در داخل خانه یا نزدیک به خانه و در یک مکان امن باشد؛
به‌گونه‌ای که افراد، هنگام تهیه آن اذیت نشوند و مهم‌تر اینکه، امنیت فردی اعضای خانواده،
به‌ویژه زنان و کودکان، هنگام تهیه آن به‌خطر نیفتد. این فاصله برای تهیه آب، در قوانین برخی
از کشورها مشخص شده است؛ برای نمونه، در آفریقای جنوبی، نباید از یک کیلومتر یا از
حدود ۳۰ دقیقه بیشتر باشد (ماده ۶۳ قانون خدمات آب آفریقای جنوبی^۲):

مقرون‌به‌صرفه بودن: دستیابی به خدمات آب باید برای همه، مقرون‌به‌صرفه باشد.
هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تأمین آب نباید توان فرد برای بهره‌مندی از حق بر آب و
حق‌های دیگری مانند حق بر غذا، منزل، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی را کاهش دهد
(قسمت سوم بند سوم نظریه تفسیری شماره ۱۵). برای تضمین این شرایط، لازم است که
هنگامی که هزینه‌های آب، بالاتر از توان افراد جامعه است، دولت اقداماتی را برای جبران
این کاستی انجام دهد؛ برای نمونه، وضع یارانه برای گروه‌های فقیر و حتی در مواردی که

1. Howard and Bartam

2. South Africa Water Services Act, 1997



مردم جوامع، خیلی فقیر هستند، مقرون به صرفه بودن، به معنای تأمین آب به صورت رایگان است. روی هم رفته، چنانچه خدمات آب رایگان نیست، هدف از بازیابی هزینه‌ها در زمینه آب نباید مانع دسترسی افراد فقیر به آب شود (بخش فرعی ۴/۵ برنامه اجرای اجلاس جهانی توسعه پایدار^۱، ۲۰۰۲)؛ بنابراین، این استنباط نیز وجود دارد که هنگامی که فردی به دلایل خارج از اختیار خود، قادر به پرداخت قیمت آب نیست، نمی‌توان خدمات آب را بر روی او قطع کرد، زیرا دسترسی به آب، یک حق به‌شمار می‌آید و همچنین، از الزامات حق حیات است که خود، حقی مطلق است؛

اولویت نیازهای شخصی و خانوار: اگرچه مصارف خانگی آب، کمتر از ۱۰ درصد از کل مصرف آن در سطح جهان است و کاربردهای دیگر، مربوط به تأمین نیازهای کشاورزی و صنعت است، اما در مناطقی که با کم‌آبی روبه‌رو هستند، چنانچه منابع آب موجود برای رفع تمام نیازهای شهروندان کافی نباشد، برپایه اصل حق بر آب، مصارف خانگی و شخصی، همیشه نسبت به موارد مصرف دیگر، در اولویت هستند؛

عدم تبعیض: حق بر آب، مانند حق‌های بشری دیگر، متعلق به انسان استعلایی — یعنی انسان غیر معطوف به مجموعه‌ای از امور عرضی چون رنگ، نژاد، زبان، جنسیت، مذهب، موقعیت اجتماعی و موارد دیگر — بدون دلیل قانونی است؛ بنابراین، مهم‌ترین اصل تمام حق‌های بشری، اصل عدم تبعیض است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ۳۱). البته این به معنای ممنوعیت تبعیض مثبت برای گروه‌های خاص، از جمله زنان و کودکان، بیماران، اقلیت‌های محروم، سالمندان، معلولان و به‌ویژه فقرا نخواهد بود (لانگفورد، ۲۰۰۵، ۲۷۷)؛

مشارکت در تصمیم‌گیری و حق دسترسی به اطلاعات: هر فردی از حق و مسئولیت مشارکت در تصمیم‌گیری برای تحقق حق بر آب برخوردار است. با وجود این، افراد فقیر و آسیب‌پذیر یا گروه‌های در حاشیه و محروم، از تصمیم‌گیری درباره مسئله آب نیز محروم‌اند. خود این عامل، باعث می‌شود که نیازهایشان به‌ندرت در اولویت قرار گیرد (پاراگراف ۴۸ نظریه تفسیری شماره ۱۵). این امر، به نوبه خود، عدم برابری و تبعیض در دسترسی به آب را در پی دارد.

1. the Plan of Implementation of the 2002 world summit on sustainable development

۴. مکلف حق بر آب و تکالیف مربوطه

لازمه وجود و برآورده شدن حق‌های بشری، تکلیف یا تعهد دیگری است. حقوق بشر معاصر، نظامی هنجاری است که متضمن حق‌های افراد در برابر دولت است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ۵۳). حق بر آب، با توجه به اینکه هم جنبه اقتصادی-اجتماعی دارد و هم یک حق جمعی است، به تنهایی توسط خود فرد قابل بهره‌مندی نیست و هم خود شخص و هم دولت و نهادهای اجتماعی و محلی و حتی نهادهای بین‌المللی، در این باره تکالیفی دارند. البته، دولت‌ها مسئولیت اصلی را به عهده دارند که این تکالیف هم سلبی (عدم دخالت) و هم ایجابی (فعل مثبت) است. روی هم رفته، تکالیف دولت به سه بعد «احترام» و حفظ دسترسی به منابع موجود، «حمایت»، و «انجام» (اجرا) تقسیم می‌شود:

حق احترام: به عنوان نخستین تکلیف سلبی، به معنای عدم دخالت و محدود یا سلب نکردن این حق است. ممکن است، نهادهای حکومتی، یک رودخانه تأمین‌کننده آب آشامیدنی افراد را آلوده کنند، یک مقام عمومی به گونه‌ای ناعادلانه، تأمین آب ساکنان را قطع کند، یا حتی یک قانون، از دسترسی گروهی به منابع آب جلوگیری کند. در اینجا، تکلیف دولت، سلبی بوده و مکلف است، عملکرد سازمان‌هایش را به گونه‌ای کنترل کند که در دسترسی افراد دخالت نکنند و قوانین باید به گونه‌ای تصویب شوند که بر حق بر آب افراد تأثیر نگذارد و به طور کلی، فرد نباید در وضعیت بی‌آبی قرار گیرد؛

تکلیف حمایت: تنها دولت نیست که ممکن است حق بر آب افراد را نقض کند و دیگران نیز به گونه‌ای بالقوه در این امر دخالت می‌کنند؛ برای نمونه، آلودگی ناشی از پسماند کارخانه‌ها، کشاورزی، یا فاضلاب، یا مصرف بی‌رویه آب در بخش‌های دیگر نیز می‌تواند دسترسی افراد به آب آشامیدنی سالم را محدود یا به طور کامل، سلب کنند. در اینجا دولت مکلف است، تمام کارهای لازم را برای جلوگیری از دخالت دیگران در تأمین حق بر آب، انجام دهد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، مقرر می‌دارد که یک رژیم مقررات‌گذاری قوی، شامل کنترل مستقل، مشارکت عمومی واقعی، و اعمال مجازات برای ناهماهنگی با استانداردها از یک سو و مقررات مربوط به آلودگی آب، قطع خدمات آب، دسترسی به آب ضروری، و... (پاراگراف ۲۳ و ۲۴ نظریه تفسیری شماره ۱۵) از سوی دیگر، وجود داشته باشد. قاعداً اجرای این تکالیف، از دست بخش خصوصی برنخواهد آمد؛





وظیفه اجرا (اقدامات): افزون بر تکالیف پیشین، دولت باید به سرعت کارهای دیگری را برای تضمین حق بر آب افراد انجام دهد. این تکالیف، شامل تسهیل، ارتقا، و تأمین آب می‌شود. تعهد تسهیل ایجاب می‌کند که دولت، گام‌های مثبتی را برای کمک به افراد و جوامع، در راستای بهره‌مندی از این حق بردارد. تعهد ارتقا، دولت را مکلف می‌کند تا کارهایی مانند تضمین آموزش مناسب درباره استفاده بهداشتی از آب، حمایت از منابع آب، و روش‌های کاهش فاضلاب را انجام دهد. تعهد تأمین نیز اقتضا می‌کند که دولت‌ها تعهد کنند، زمانی که فرد یا گروهی به دلایل خارج از اراده و توانش، قادر به بهره‌مندی از آب نیست، با هزینه خود، برای تحقق این حق اقدام کنند (پاراگراف ۲۵ نظریه تفسیری شماره ۱۵). تعهد به اجرا، اقتضا می‌کند که دولت‌ها، کارهای لازم را برای تحقق کامل این حق انجام دهند که برخی از این کارها عبارت‌اند از: اقدام به شناسایی این حق در نظام حقوقی و سیاسی در سطح ملی؛ وضع قانون؛ طراحی برنامه‌ها و راهبردهای لازم برای تحقق حق بر آب؛ تضمین اینکه تأمین آب برای هر فردی به لحاظ مالی امکان‌پذیر است؛ تسهیل دسترسی پایدار و بهبود یافته به آب به‌ویژه در مناطق روستایی و شهری محروم، آن‌هم نه تنها برای نسل کنونی، بلکه برای نسل‌های آینده.

نظریه تفسیری شماره ۱۵، تأکید می‌کند که دولت‌ها، دست‌کم باید نشان دهند که با توجه به منابع موجود، از هیچ تلاشی برای بهبود، حمایت، و ارتقای این حق فروگذار نکرده‌اند. همچنین، تأکید دارد که انجام کارهای ملموس، حساب‌شده، و هدفمند در راستای تحقق حق بر آب، الزامی فوری است (پاراگراف ۲۶ نظریه تفسیری شماره ۱۵).

افزون‌براین، در سطح بین‌المللی نیز تعهداتی در قالب معاهدات بین‌المللی پیش‌بینی شده است؛ از جمله اینکه تضمین کنند که اعمالشان افراد را در نقاط دیگر جهان از حق بر آب محروم نخواهد کرد، احترام به منابع فراملی، جلوگیری از آلودگی، انجام کارهای لازم برای جلوگیری از نقض حق بر آب شهروندان ساکن در کشورهای دیگر توسط شهروندان و شرکت‌های مستقر در سرزمینشان (پاراگراف ۳۳)، تسهیل کمک کافی به کشورهای دیگر (پاراگراف ۳۱) و حتی خودداری از اعمال تحریم‌ها بر کالاها و خدمات مربوط به آب (پاراگراف ۳۲)، توجه به حق بر آب هنگام انعقاد معاهدات بین‌المللی با یکدیگر



(پاراگراف ۳۵)، و.... در طرح ژوهانسبورگ، درباره اجرای برنامه جهانی توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲ که به منظور تعیین تعهداتی برای تهیه منابع مالی و فنی اضافی برای برنامه‌های پرشمار طراحی شده بود، بر دسترسی به آب در کشورهای در حال توسعه تأکید شده است (زیربخش ۴/۳ برنامه اجرای اجلاس جهانی توسعه پایدار).

افزون بر این، بر پایه نظریه تفسیری شماره ۱۵، حکومت‌ها و نهادهای محلی که در بیشتر کشورها در خط مقدم تأمین خدمات آب هستند، باید درباره تأمین منابع کافی برای حفظ و گسترش خدمات آب و تسهیلات آن، اختیار تصمیم‌گیری داشته باشند و در عین حال، به حق بر آب برای هر فردی که در حوزه صلاحیتشان قرار دارد، احترام بگذارند و دولت‌ها نیز باید تضمین کنند که چنین مقاماتی در دسترسی افراد به خدمات آب، تبعیض قائل نشوند (پاراگراف ۵۱ نظریه تفسیری شماره ۱۵). به این روش، تمرکززدایی خدمات آب نیز می‌گویند.

۵. رابطه حق بر آب با حق‌های دیگر

دسترسی یا عدم دسترسی به آب به دلیل اهمیتی که دارد بر حق‌های دیگر، از حق حیات گرفته تا حق‌های فرهنگی، حق به کار، و... تأثیر می‌گذارد.

آب یک منبع تولیدکننده است. از طریق آب یا بخار آب، برق و به تبع آن، کالاهای دیگر تولید می‌شوند. می‌توان گفت، آب، منبع انرژی است، در تولید غذا و کشاورزی نقش بنیادینی دارد و بر حق بر غذا نیز تأثیرگذار است. دسترسی به آب بر حق بر کار افراد نیز تأثیر می‌گذارد، زیرا عدم دسترسی به آب موجب می‌شود که افراد، بیشتر وقت خود را صرف تهیه آب کنند. آب، حق بر مسکن مناسب را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ «هیچ اقامتگاهی نباید از آب محروم شود، زیرا چنین محرومیتی، آن را غیرقابل سکونت خواهد کرد (کوئاری^۱، ۲۰۰۲، پاراگراف ۵۶).

کمبود آب، موجب افزایش بیکاری و تغییر شغل، کاهش تفریحات، تنش‌های جسمی و روانی ای مانند اضطراب، عدم امنیت، افزایش احساس محرومیت، و کاهش درآمد شده (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۶۴) و حتی بر امنیت اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد؛



به‌گونه‌ای که برخی نگرانی‌ها در مورد وقوع جنگ آب در سال‌های آینده وجود دارد. برپایه گزارش‌های سازمان ملل، در نیم قرن اخیر، بیش از ۱۸۳۰ مورد، مناقشه در زمینه آب در جهان رخ داده است که ۳۷ مورد آن، سبب بروز جنگ یا انفجار سدها شده است. کشورهای مصر، سودان، و اتیوپی بر سر تقسیم آب رود نیل با هم در کشمکش هستند و عراق با سوریه و ترکیه بر سر رودهای دجله و فرات تنش دارد (مهکویی و کلی، ۱۳۹۲، ۱۷؛ به نقل از: احمدی و یدیساری، ۱۳۹۵، ۴۵). مهاجرت و اخراج اجباری و بی‌خانمان شدن، به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم، یکی دیگر از مشکلات کمبود آب است که تنها خود فرد را هدف قرار نمی‌دهد، بلکه بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد (نویلا، ۲۰۱۸، ۶).

حق بر آب، برابری افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدتر از آن، پیامدهای تبعیض به همین موارد ختم نمی‌شود، بلکه شرایط فرد و جامعه را وخیم‌تر کرده و به امور دیگر نیز تسری می‌یابد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی در نظریه تفسیری شماره ۱۶ درباره حق برابر زن و مرد در بهره‌مندی از تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی بر اهمیت توجه به تبعیض‌های چندلایه تأکید کرده است؛ به‌عنوان نمونه، زمانی که دسترسی فیزیکی به آب برای اقشار فقیر و به‌لحاظ اقتصادی—به‌حاشیه‌رانده شده دشوار باشد، بیشتر زنان، بار تأمین آب برای خانواده را به‌دوش خواهند کشید که این امر، ضمن اینکه امنیت شخصی‌شان را به‌خطر می‌اندازد، آنان را گرفتار بیماری‌های ناشی از گردآوری آب و استفاده از آب آلوده می‌کند. همین وضعیت، برای کودکان نیز وجود دارد و تلف کردن وقت برای جمع‌آوری آب، آنان را از حق بر آموزش باز می‌دارد (دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل و دیگران، ۲۰۰۳، ۱۸-۱۵) و به تبع آن، بر حق دسترسی به غذای کافی، مسکن، و پوشاک نیز تأثیر می‌گذارد.

استحصال بی‌رویه منابع آب و ورود پسماندهای بخش‌های کشاورزی و صنعتی و شیمیایی به منابع آبی، باعث آلودگی و در نتیجه، به خطر افتادن محیط زیست و سرانجام، نقض حق بر محیط زیست سالم خواهد شد که این خود، حق نسل‌های آینده را نیز به‌خطر خواهد انداخت (برد، ۲۰۰۹، ۱۰).

1. Nuila

2. Bird

حق بر آب، حتی بر حقوق فرهنگی افراد نیز تأثیر می‌گذارد. نظریه تفسیری شماره ۱۵ به روشنی به دسترسی افراد بومی به آب در سرزمین مادری‌شان برای انجام مراسم مذهبی، فرهنگی، و سنتی‌شان اشاره دارد (پاراگراف ۶ نظریه تفسیری شماره ۱۵) مانند مراسم شست‌وشوی هندوها در رودخانه گنگ در هند.

۶. خصوصی سازی آب

اقتصاددانان برای خصوصی سازی، تعریف‌های پرشماری ارائه کرده‌اند. در یک تعریف کلی، خصوصی سازی به معنای «انتقال مسئولیت‌ها به همراه یا بدون انتقال مالکیت دارایی‌ها، از بخش عمومی به بخش خصوصی است» (عرب و دیگران، ۱۳۸۵، ۱). همچنین، می‌توان گفت، خصوصی سازی به مجموعه کارهایی گفته می‌شود که در قالب آن، در سطوح و زمینه‌های گوناگون، کنترل، مالکیت، یا مدیریت، از دست بخش دولتی یا عمومی خارج و به بخش خصوصی سپرده می‌شود (آجری آیسک، ۱۳۹۵، ۱۸۱). خصوصی سازی، وسیله‌ای برای افزایش کارایی عملیات یک مؤسسه است، زیرا چنین به نظر می‌رسد که سازوکار عرضه و تقاضا و بازار در شرایط رقابتی، سبب به کارگیری بیشتر عوامل تولید و در نتیجه، تولید بیشتر و متنوع‌تر کالاها و خدمات و کاهش قیمت‌ها خواهد شد (آذر و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۰). برای خصوصی سازی می‌بایست بین اموال عمومی و دولتی تمایز قائل شد.

آب را نباید یک کالای دولتی (به معنای خاص) به‌شمار آورد. نظریه تفسیری شماره ۱۵ تأکید می‌کند که آب، بیش از آنکه یک کالای تجاری به‌شمار آید، باید یک کالای اجتماعی و فرهنگی محسوب شود (پاراگراف ۱۱ نظریه تفسیری شماره ۱۵)؛ بنابراین، هنگام واگذاری خدمات آب، به‌ویژه آب آشامیدنی، باید با احتیاط عمل کرد و ضمن در نظر گرفتن ویژگی کالای عمومی بودن، این مسئله را در نظر گرفت که آیا خصوصی سازی، بعد حقوق بشری آب را تضمین خواهد کرد یا اینکه دولت قصد دارد با این کار از زیر بار مسئولیت، شانه خالی کند؟

افزون بر این، مهم‌ترین مسئله درباره خصوصی سازی، تجاری تلقی کردن آب است تا بخش خصوصی، به سرمایه‌گذاری در این بخش، تمایل نشان دهد. برخی اسناد بین‌المللی، مانند توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی و بانک جهانی، بیان می‌کنند که





آب باید قیمت‌گذاری شود؛ با این حال، برنامه ۲۱ بیان می‌کند که آب برای تأمین نیازهای ضروری باید رایگان باشد (لانگفورد، ۲۰۰۵، ۲۷۷-۲۷۶). کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی اعلام کرده است که آب باید مقرون به صرفه و ارزشمند باشد و به روشنی مشخص نکرده است که آب باید رایگان باشد. آنچه از نظریه تفسیری کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی استنباط می‌شود، این است که این کمیته، رویکرد بینابینی را درپیش گرفته است. اگرچه این حق، در قالب حق‌های اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد و دولت‌ها در مورد آن تکلیف ایجابی دارند، قیمت‌گذاری آن را نیز منع نکرده است؛ ولی چنانچه قیمت‌گذاری شود، باید به گونه‌ای باشد که افراد، به ویژه فقرا، توان کافی برای خرید آب و کالاها و خدمات ضروری دیگر را برای تحقق حق بشری آب داشته باشند. به هر روی، این حق نباید به دلیل ناتوانی مالی سلب شود.

بررسی نظام کشورها نشان می‌دهد که هریک از آن‌ها، متناسب با مقتضیات داخلی خود، روش‌های متفاوتی را به کار برده‌اند. در کشورهای در حال توسعه، تلاش‌ها بیشتر در راستای تأمین آب به صورت رایگان است، زیرا بیشتر افراد، توان مالی برای پرداخت قیمت آب را ندارند؛ اگرچه خود دولت‌ها نیز توان کافی برای تأمین آب سالم و بهداشتی برای همه شهروندان را ندارند. ناگفته نماند که عوامل دیگری نیز برای موفق نبودن خصوصی‌سازی در این کشورها نقش دارد؛ از جمله اینکه سازوکار قیمت‌ها در این کشورها به خوبی عمل نمی‌کنند و راه‌های مناسبی برای تخصیص بهینه سرمایه نیستند، یا در برخی موارد، اساساً بازار به مفهوم نظامی سازمان‌یافته و مدون، وجود ندارد (نجف‌بیگی و محمودی، ۱۳۹۰، ۳-۲). برخی کشورها، برای بهره‌مندی همه افراد از آب، آن را در سطح حداقل‌های مورد نیاز، به گونه‌ای رایگان تأمین می‌کنند. در آفریقای جنوبی، هر فرد در هر روز، ۲۵ لیتر آب رایگان دریافت می‌کند، اما برای استفاده بیشتر از آن، متعهد به پرداخت هزینه است. متأسفانه در برخی از مناطق محروم، از آنجاکه بودجه کافی برای اجرای این سیاست وجود ندارد و آن میزان آب رایگان نیز بر مبنای خانواده تخصیص می‌یابد و نه فرد، با توجه به جمعیت زیاد خانواده‌های فقیر، این طرح چندان موفق عمل نکرده است (لانگفورد، ۲۰۰۵، ۲۷۷). در شیلی، با دستورالعمل بانک جهانی، آب با قیمت تمام‌شده ارائه



می‌شود، اما به شرکت‌های آب به منظور تأمین آب رایگان برای خانواده‌های کم‌درآمد، یارانه داده می‌شود (لابا و کاترینز^۱، ۲۰۰۳، ۲۶).

اگرچه این رویکرد، به عنوان الگو در کشورهای دیگر نیز به کار گرفته شد، اما از آنجاکه ملاک دقیقی برای شناسایی خانواده‌های کم‌درآمد وجود ندارد، چندان موفق عمل نکرده است؛ به گونه‌ای که تنها ۶۰ درصد از افراد کم‌درآمد از آن بهره می‌برند. در کلمبیا، یارانه آب به همه افرادی که در مرز کم‌درآمدها هستند، تعلق می‌گیرد. در غنا، قیمت آب در طول شب، دوبرابر روز است، زیرا آب در طول شب توسط بخش خصوصی تهیه می‌شود (لابا و کاترینز، ۲۰۰۳، ۲۷).

در کشورهای توسعه‌یافته که افراد از وضعیت اقتصادی مطلوب‌تری برخوردارند، مانع چاندانی در برابر خصوصی سازی وجود ندارد؛ به عنوان نمونه، در فرانسه، این تعهد از طریق تهیه قراردادهای پیمان خدمات با شرکت‌های خصوصی، از حوزه مسئولیت شهرداری‌ها برداشته شده و موفقیت آن به گونه‌ای بوده که مشارکت بخش خصوصی، حتی به خارج از مرزهای فرانسه نیز گسترش یافته است (گلیک و دیگران، ۲۰۰۲، ۸۳).

البته این طرح در همه کشورهای توسعه‌یافته به گونه‌ای یکسان اجرا نشده است. چنان‌که در ایالات متحده، از آغاز قرن ۱۹، بخش خدمات شهری، از جمله آب، توسط شرکت‌های خصوصی اداره می‌شد؛ به گونه‌ای که شرکت‌های خصوصی، بیش از ۹۴ درصد از ارائه خدمات بخش آب را به عهده داشتند، ولی در نیمه دوم قرن، این شرکت‌ها چندان موفق عمل نکردند؛ به گونه‌ای که سهم آن‌ها در سال ۲۰۰۰ به کمتر از ۱۵ درصد کاهش یافت (گلیک و دیگران، ۲۰۰۸، ۸۵). در حال حاضر، در کل جهان، کمتر از ۱۰ درصد کل بخش آب، توسط بخش خصوصی مدیریت می‌شود. نگاهی به آمار میزان سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در زیرساخت‌های گوناگون در طول دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ نیز نشان می‌دهد که طرح‌های مربوط به حوزه آب، تنها توانسته‌اند ۵ درصد از کل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش‌های زیربنایی را جذب کنند.

1. Lobo, Cotreras

2. Gleick



بعد حقوق بشری آب، به‌خودی‌خود، مانع خصوصی‌سازی آب نخواهد بود. و رای اینکه آب را یک کالای عمومی به‌شمار آوریم که تحت مالکیت عمومی است، یا یک کالای تجاری برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، لازم است که به ویژگی‌های حق بودن آن توجه کنیم؛ به‌عنوان نمونه، شرط‌های کلیدی حق بر آب، مانند کافی بودن، در حد مطلوب بودن به‌لحاظ کیفیت، بهداشتی، در دسترس، و مقرون‌به‌صرفه بودن و برابری در بهره‌مندی از آب، باید رعایت شود. برخلاف تجاری بودن آب، هنگامی که بهره‌مندی از آن یک حق به‌شمار می‌آید، با توجه به سلب‌نشدنی بودن حق‌ها از انسان به‌گونه‌ای مطلق و تأثیرهایی که این حق بر حق‌های دیگری مانند حق زیست (که حقی مطلق است)، حق مسکن، حق غذا، و... می‌گذارد، پرداخت نکردن هزینه آن، به‌ویژه هنگامی که شهروندان توان پرداخت آن را ندارند، نباید منجر به قطع این خدمات شود و در ارائه آن نباید قیدهایی چون نژاد، رنگ، زبان، موقعیت اجتماعی و مالی، و... ملاک ارائه خدمات باشد.

تکلیف‌هایی که نظریه تفسیری شماره ۱۵ برای دولت‌ها وضع کرده است، ازجمله وظیفه حمایت و به‌ویژه اجرا، که دولت را مکلف به اجرای سه تعهد تسهیل، ارتقا، و تأمین آب می‌کند و این تعهدات، دولت را مکلف به اتخاذ تصمیم‌ها و کارهای مثبتی در این زمینه می‌کند و همچنین، با توجه به اینکه برپایه نظریه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، حق بر آب، جزو حق‌های بشری نسل دوم نیز به‌شمار می‌آید و حق‌های نسل دوم، حق ادعاهای مثبتی هستند و لازمه این‌گونه حق‌ها تعهد به انجام عملی است، تکلیف دولت، تنها به عدم مداخله محدود نمی‌شود، بلکه تضمین حمایتی آن‌ها در این زمینه اهمیت فراوانی دارد و چون انسان به‌تنهایی قادر به بهره‌مندی از آن نیست، دولت مکلف است، زمینه بهره‌مندی از آن را برای افراد فراهم کند (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ۶۲). نکته مهم‌تر اینکه، با توجه به اینکه آب، مایه حیات بشر است و همان‌گونه که گفته شد، تأثیر بنیادینی بر حق‌های بشری دیگر دارد و از الزامات بهره‌مندی از حق‌های دیگر به‌شمار می‌آید که بسیاری از آن‌ها از حق‌های مثبت هستند (مانند حق بر آموزش، حقوق فرهنگی، مسکن، کار، و...)، دولت نمی‌تواند به آن بی‌توجه باشد. با توجه به این موارد، در اصل، فراهم کردن زمینه بهره‌مندی از حق بر آب، وظیفه دولت است و در صورتی می‌تواند آن را به



بخش خصوصی واگذار کند که آب مورد نیاز، به گونه ای مطلوب تر تأمین شود؛ این در حالی است که با انتقال خدمات آب به بخش خصوصی به طور مطلق (چون بخش خصوصی با هدف کسب سود این وظیفه را انجام می دهد)، عدم پرداخت قیمت آب توسط استفاده کنندگان، سبب قطع این خدمات خواهد شد. همچنین، به دلیل برتری منافع شخصی بر منافع عمومی در بخش خصوصی، همواره احتمال عدم رعایت ویژگی هایی مانند مقرون به صرفه بودن، عدم تبعیض در تأمین آب، و حتی در برخی مواقع، بهداشتی بودن وجود دارد.

البته باید توجه داشت که خصوصی سازی می تواند انواع گوناگونی داشته باشد و از خصوصی سازی جزئی که به مشارکت های عمومی - خصوصی معروف است گرفته تا خصوصی سازی کامل که به حذف کلی مسئولیت دولت در قبال نظام های آبی می انجامد را در بر می گیرد. روی هم رفته، مسئولیت هایی مانند مسئولیت کلی بهره برداری، نگهداری، تأمین منابع مالی، سرمایه گذاری، و ریسک تجاری، در اصل، به عهده دولت است و دولت آن ها را در قالب های زیر به بخش خصوص واگذار می کند:

پیمان خدمات: مالکیت، متعلق به دولت است و انجام برخی وظایف خاص، مانند نصب و قرائت کنتور، پایش تلفات آب، تعمیرات و توزیع قبض ها به بخش خصوصی واگذار می شود؛

پیمان مدیریت: مسئولیت بهره برداری و نگهداری از مشاغل و وظایفی که در مالکیت دولت است، در قالب قراردادهای مدت دار، با نرخ ثابتی به بخش خصوصی واگذار می شود؛

اجاره: شرکت خصوصی، اقدام به اجاره امکانات و دارایی های یک بخش خدماتی از دولت کرده و مسئولیت بهره برداری و نگهداری آن را به عهده می گیرد؛

پیمان واگذاری امتیاز: بخش خصوصی، نه تنها مسئولیت بهره برداری و نگهداری از امکانات و دارایی ها، بلکه مسئولیت تأمین سرمایه های مورد نیاز را نیز به عهده دارد؛

پیمان ساخت، بهره برداری، انتقال: مانند پیمان واگذاری امتیاز است، ولی معمولاً برای طرح های سبز مانند ساختن تصفیه خانه های آب و فاضلاب به کار می رود؛



واگذاری دائم: مسئولیت کامل بهره‌برداری، نگهداری، و سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی منتقل می‌شود و دولت، تنها وظیفه نظام‌بخشی را به‌عهده دارد (عرب و دیگران، ۱۳۸۵، ۳-۶).

در هریک از قراردادهای خصوصی‌سازی یادشده، هرچه به‌سوی واگذاری دائم پیش می‌رویم، از میزان نظارت و دخالت دولت کاسته می‌شود. همچنین، به‌طور معمول، کشورهای ثروتمند که دارای نظام مقررات‌گذاری قوی‌ای نیز هستند، از واگذاری دائم و واگذاری امتیاز استفاده می‌کنند، ولی در کشورهای درحال‌توسعه، به‌دلیل ناتوانی مالی شهروندان و فساد اداری و مالی حاکم بر اداره‌ها و حتی شرکت‌های متصدی امر آب، این روش، حق بر آب افراد را نادیده خواهد گرفت و کارآمد نخواهد بود، مگر اینکه ابزارهای نظارتی قوی‌ای وضع شود.

در ایران، به‌لحاظ حقوقی، انتقال مالکیت اموال عمومی به مالکیت خصوصی موضوعی مورد بحث و مناقشه است. برخی، آن‌دسته از اموال عمومی که برپایه قانون اساسی در حوزه مالکیت عمومی قرار دارد را غیرقابل انتقال به بخش خصوصی می‌دانند، زیرا تبدیل عرصه‌های یادشده به مالکیت خصوصی، برخلاف قانون اساسی است (کنعانی، ۱۳۸۷، ۲۰۵). برخی دیگر نیز مالکیت عمومی را به‌معنای مالکیت دولتی دانسته و بر این نظرند که از آنجا که نمایندگان ملت به نمایندگی و وکالت از مردم حق اعمال مالکیت دارند، برپایه مصلحت موکل، آن‌دسته از اموال عمومی‌ای که براساس مصالح عمومی مورد استفاده مستقیم و بی‌واسطه مردم نیست، یا تغییر ماهیت می‌دهند، براساس حکم قانون‌گذار، قابل واگذاری اند (آجری‌آیسک، ۱۳۹۵، ۱۹۷-۱۹۳).

برپایه اصل ۴۵ قانون اساسی و ماده ۱ و ۲ قانون توزیع عادلانه آب، مصوب ۱۳۶۱، منابع آب، جزو اموال عمومی هستند که از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است که برپایه مصالح عامه از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود و دولت، تنها به‌لحاظ ولایتی که بر عموم دارد، مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از آن‌ها را به‌عهده دارد. همچنین، ماده ۱ قانون آب و نحوه ملی شدن آن، کلیه آب‌های جاری و زیرزمینی را ثروت ملی به‌شمار آورده و صدور پروانه مصرف آب مفید را به‌عهده وزارت نیرو گذاشته است (ماده ۷).

افزون براین، منابع آب، به دلیل اینکه مورد استفاده مستقیم مردم هستند، شرایط اموال عمومی قابل واگذاری — که مطرح شد — را ندارند؛ اگرچه در قوانین ما این امکان پیش‌بینی شده است (مانند ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب). به‌طور کلی، به‌منظور حمایت از اموال عمومی، اصل بر عدم واگذاری و تملک خصوصی اموال عمومی است و دولت، به‌عنوان شخصی حقوقی، حق واگذاری این اموال به بخش خصوصی، ازجمله در قالب امتیاز انحصاری، را ندارد، مگر در قالب پیمان یا اجاره از طرف عموم مردم و بنا به مصلحت آن‌ها؛ به‌گونه‌ای که بتواند، کنترل لازم را بر نحوه تأمین عادلانه آن و رعایت الزامات این حق بشری داشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه از منظر علم اقتصاد، چندین دهه است که موضوع خصوصی‌سازی به‌عنوان یک راهکار برای کاهش بار مسئولیت دولت و بهینه‌سازی امور و خدمات عمومی، در بسیاری از کشورها مطرح شده و موفق نیز بوده است و خدمات آب نیز از این قاعده مستثنا نیست، اما شرط بنیادین خصوصی‌سازی خدمات آب، تجاری‌سازی آن است، تا بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این حوزه تمایل داشته باشد و به‌تبع آن، آنچه در این حیطه در اولویت قرار می‌گیرد، منافع شخصی و کسب سود بیشتر برای ارائه‌دهندگان این خدمات است و این، به‌معنای نگرش تک‌بعدی به این مسئله است. با شناسایی دسترسی به آب به‌عنوان یک حق بشری، حقوقی برای انسان به‌عنوان ذی‌نفع آن شناخته شد. این حقوق در نظریه تفسیری شماره ۱۵ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی مطرح شده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: تأمین آب کافی، قابل دسترسی، با کیفیت و کمیت مطلوب، عدم تبعیض در برخورداری از آن، و... که با واگذاری کامل خدمات آب به بخش خصوصی، بسیاری از این موارد در اولویت بعدی قرار خواهد گرفت. مکلف این حق، مانند سایر حق‌های بشری، دولت‌ها هستند. با توجه به اینکه کمیته یادشده، حق بر آب را جزو حق‌های نسل دوم (حقوق مثبت) به‌شمار آورده است، این دولت‌ها هستند که وظیفه فراهم کردن زمینه بهره‌مندی افراد از این حق را به‌عهده دارند و در اصل، یک کالای عمومی یا ثروت ملی



به‌شمار می‌آید. اما فرایند جمع‌آوری، ذخیره، و ارائه آن به شهروندان، هزینه‌هایی دارد که گاهی واگذاری مدیریت آن به بخش دولتی، مانند سایر اعمال تصدی دولت، چندان موفقیت‌آمیز نبوده و هزینه‌هایی را برای شهروندان در پی دارد. این درحالی است که در برخی کشورها، تأمین آب به‌صورت رایگان نیز پیامدهایی مانند بی‌ارزش تلقی کردن آن و افزایش بی‌رویه مصرف آن با توجه به محدودیت منابع آب شیرین دارد که خود، منابع آب نسل آینده را به‌خطر خواهد انداخت؛ بنابراین، ضروری است که تدبیری بینابین اندیشیده شود که برپایه آن، هم الزامات یادشده رعایت شود و هم جنبه اقتصادی آن، در نظر گرفته شود.



منابع

- آجری آیسک، عاطفه (۱۳۹۵). بررسی حقوقی قابلیت خصوصی سازی اموال عمومی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه). پژوهشنامه بازرگانی، ۷۸، ۱۷۹-۲۰۱.
- احمدی، سیدمحمدصادق؛ بدیساری، سیدناصرالدین (۱۳۹۵). حق بر آب در نظام بین الملل حقوق بشر. حقوق محیط زیست، ۲۱(۲)، ۳۸-۵۰.
- آذر، عادل؛ لشکری، زهرا؛ و امرایی، حافظ (۱۳۹۰). عملکرد، چالش ها و راه کارهای خصوصی سازی در ایران، اقتصاد مالی، ۵(۱۶)، ۸-۲۵.
- دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، برنامه ملل اسکان بشر و سازمان جهانی سلامت (بی تا). حق بر آب، گزاره برگ شماره ۳۵. برگرفته از <https://iran.un.org>
- سجاسی قیداری، حمدالله؛ صادقلو، طاهره؛ حسینی کهنوج، سیدرضا؛ و یزدانی مروی لنگرودی، خدیجه (۱۳۹۷). تحلیل تنش های اجتماعی ناشی از کمبود آب در بین کشاورزان روستایی. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۱۰(۴)، ۱۶۸-۱۴۳. doi: 10.24200/isih.2018.290
- عرب، داودرضا؛ رجبی هشجین، مهدی؛ و فاتحی، مهدیه (۱۳۸۵). خصوصی سازی در بخش آب: مفاهیم راهکارها. دومین دوره کنفرانس مدیریت منابع آب ایران، انجمن علوم مهندسی منابع آب ایران، ۳ بهمن ۱۳۸۵، اصفهان، ایران.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در نظام معاصر. تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- کنعانی، محمدطاهر (۱۳۸۷). تملک اموال عمومی و مباحثات. تهران: نشر میزان.
- مرادی طادی، محمدرضا (۱۳۹۶). آب و سیاست: نگاهی به فرایند سیاسی شدن آب. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۹(۴)، ۷۱-۹۰. doi: 10.22631/isih.2017.198.2512
- مehکویی، حجت؛ و گلی، علی (۱۳۹۳). بحران آب در کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، اولین همایش ملی بحران آب، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- نجف بیگی، رضا؛ و محمودی، علیرضا (۱۳۹۰). موانع و راهکارهای واگذاری شرکت های آب و فاضلاب به بخش خصوصی (براساس قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه کشور) مطالعه موردی: شهر تهران. مطالعات مدیریت شهری، ۳(۸)، ۴۳-۵۸.
- Bird, J., Arriens, W. L., & Dennis, V. C. (2009). *Water rights and water allocation issue and challenges for Asia*. Manila, Philippine: Asian Development Bank.
- United Nations Division for Sustainable Development (1992). *Agenda 21*. In *United Nation Conference on Environment and Development, 3-14 Jun. 1992, Bra (Rio de Janerio)*.



Bouree L. (Mar. 24, 2015). *Finding the Right Price for Water*. AFSCME Information Highway. Retrieved from <http://www.afscmeinfocenter.org/blog/2015/03/finding-the-right-price-for-water.htm>

Brundthland, G. H., Sergio V. M. (2003). *The Right to Water*. France: World Health Organization Press.

Butts, R., & Gasteyer, S. (2011). Environmental reviews & case studies: More most per drop: Water rates, structural inequality, and race in the United States—The case of Michigan. *Environmental Practice*, 13(4), 386–395. doi:10.1017/s1466046611000391

Centre on Housing Rights and Evictions (2008). Legal Resources for the Right to Water and Sanitation. *International and National Standards*, 2th edition, January. Retrieved from https://www.worldwatercouncil.org/fileadmin/wwc/Programs/Right_to_Water/Pdf_doct/RWP-Legal_Res_1st_Draft_web.pdf

Coline C., Giordano M., & Varma S.. (2010). Water: A free public good is a market commodity? International water management institute, Serilanka, 20th September. Retrieved from <https://globalwaterforum.org/2010/09/20/water-a-free-public-good-or-a-market-commodity/>

UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR) (2003). General Comment No. 15: The Right to Water (Arts. 11 and 12 of the Covenant), 20 January 2003, E/C.12/2002/11, Retrieved from <https://www.refworld.org/docid/4538838d11.html>

UN Commission on Sustainable Development (1992). U.N Conference on Environment and Development: Agenda 21, Rio de Janerio, Brazil, 3 to 14 June, retrieved from <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/Agenda21.pdf>

Cuq, M. (2012). Water: Human right or commodity? Reflections on the effectiveness of a human right to water. *SSRN Electronic Journal*. doi:10.2139/ssrn.2363538

Dana, D. A., & Debora T. (2017). After flint: Environmental justice as equal protection. *Northwestern University Law Review*, 897. Retrieved from <https://scholarlycommons.law.northwestern.edu/nulr/vol111/iss3/7/>

Meetings Coverage and Press Releases (2006). 14th Simmit Conference of the Aligned Movement. (2006). Final Document-Disarmament and Internationa Security, purposes and Principles, Statement on the I.R.Iran's Nuclear Issues, Havana, Cuba, 11-12 September.

International Commtttee of the Red Cross (1949). Geneva Convention (IV) Relative to the Protection of Civilian Person in Time War. Retereived from <https://ihl-databases.icrc.org>

Gleick, P.H., Wolff, G., Chalecki, R. (2002). *The new economy of water, the risks and benefits of globalization and prioritization of fresh water*. Oakland: Pacific Institute.

Hall, D., Bayliss, K., & Lobina, E. (2011). *Still fixated with privatization: A critical review of the world banks water resources sector strategy*, *The International Conference on Freshwater*, Greenwich University, PSIRU, 3-7 December, 35-55.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۸۶

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳



- Howard, G., & James, B. (2003). *Domestic water quantity. Service Level and Health*, Geneva: WHO.
- Federal Republic of Germany (May. 4, 2007). Human rights and access to water, Comment by Federal Republic of Germany Pursuant to op.1 of Decision 2/14 of U.N Human Rights, Council, Berlin. Retrieved from <https://www2.ohchr.org>
- General Assembly (1997). Independent expert on the issue of human rights obligation related to access to safe drinking water and sanitation. *Water Conference of United Nation*, Mer Del Plata, Arg.
- Ustanable Development Goals (2002). *Johannesburg plan of implementation of the World Summit on Sustainable Development*, U.N. *Conference on the Human Environmental* (26 August - 4 September 2002). Stockholm, Germany.
- Kothari, M. (2002). Report of the rapporteur on adequate housing as a component of the right to an adequate standard of living, UN. Commission on Human Rights' 1, Mars, Para.56.
- Langford, M. (2005). The United Nations Concept of Water as a Human Right: A New Paradigm for Old Problems? *International Journal of Water Resources Development*, 21(2), 273–282. doi:10.1080/07900620500035887
- Lobo, A. G. and Contreas, D. (2003), Subsidy Policies for the Utility Industries: a Comparison of the Children and Colombian Schemes, Santiago University of Chile. Doi: <https://doi.org/10.1093/wber/lhg028>
- Gomez-Lobo, A., & Contreras, D. (2003). Water subsidy policies: A comparison of the Chilean and Colombian Schemes. *The World Bank Economic Review*, 17(3), 391–407. doi:10.1093/wber/lhg028
- Action Plan United Nation Water Conference (1977). U.N. Department of public information. Divisions of economic and social information, Mar De Plata 14-25 March. Retrieved from <https://digitallibrary.un.org/record/136713?ln=en>
- Miloon K. (2002). *Report by Commission on Human Rights' Special Rapporteur on adequate housing as a component of the right to an adequate standard of living*, UN: Commission on Human Rights. Retrieved from <https://digitallibrary.un.org/record/542138>
- Murray, K., & Kominers, S. (2014). *The human rights to water in the United States, the program on human rights and global economy*. Northeastern: Northeastern University Press.
- Nuila, H. A. (2018). Fian international briefing note, collective rights in the United Nation, Declaration of the rights of peasant and other people working in rural area. Retrieved from <https://www.fian.org>
- Particia, J., & Amber, M. (2016). *The invisible crisis: water unaffordability in the United States*, Cambridge: Unitarian Universalist Services Committee.
- Ruppel O.C. (2008). *Third generation human rights and the protection of the environment in Namibia*. Wind Hock: Macmillan Namibia.

Safe Water Alliance (2014). *United states compliance with the international convention on the elimination of all forms of racial discrimination*. a Report Submitted to the Committee on the Elimination of Racial Discrimination in its 85th Session, August.

United Nation (2002). the Plan of implementation of the world summit on sustainable development (26 Aug to 4 Sep 2002). Johannesburg, South Africa. Retrieved from https://www.un.org/esa/sustdev/documents/WSSD_POI_PD/English/WSSD_PlanImpl.pdf

Wendell, H.O. (1908). Managing water as a public commodity, New direction for a changing future. *California Department of Water Resources*. Retrieved from https://www.ppic.org/content/pubs/report/R_211EHChapter7R.pdf

Phiri, Z. (1999). *Development for International Development. Water Law, Water Rights and Water Supply (Africa)*. Zambia: Study Country Report.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۸۸

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳



صورت‌بندی‌های گفتمانی مسئله آب ایران در روزنامه‌های سراسری دهه ۹۰

هادی خانیکی^{۱*}، زرین زردار^۲، سیده‌ثریا موسوی^۳

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

چکیده

در سال‌های گذشته، شاهد نزاع گفتمانی بر سر معنابخشی به مسئله آب و راه‌حل‌های آن بوده‌ایم و رسانه‌های جمعی از عرصه‌های این نزاع بوده‌اند. اما بر ساخت‌های مختلفی که در این رسانه‌ها از مسئله ارائه شده، نامعلوم است. مقاله پیش رو، به‌طور خاص بر روزنامه‌های سراسری تمرکز کرده و درصدد پاسخ به این پرسش است که گفتمان‌های مسئله آب ایران در روزنامه‌های سراسری دهه ۹۰ چگونه صورت‌بندی شده‌اند. به این منظور با روش تحلیل گفتمان انتقادی مطالب ۴ روزنامه سراسری طی ۹ سال (از ۱۳۹۰/۱/۱ تا ۱۳۹۸/۱۲/۲۹) بررسی شده‌اند. طبق یافته‌ها، در گفتمان غالب روزنامه شرق سیاست‌های کلان و رویکرد نادرست توسعه بحران را ایجاد کرده است. این گفتمان راه‌حل را تغییر سیاست‌ها و ساختارهای تولید و سازگاری با طبیعت قلمداد می‌کند. در گفتمان روزنامه ایران، ساختارهای کلان (اقتصاد سیاسی ایران، فردگرایی) سبب مصرف‌گرایی مردم شده‌اند و به این طریق بحران را ایجاد کرده‌اند. این گفتمان در خدمت رؤیت‌ناپذیر ساختن نقش دولت در ایجاد بحران است. در گفتمان روزنامه دنیای اقتصاد ترکیبی از عوامل (نظام مالکیت دولتی آب، سیاست‌مداران، مردم و مسئولان) بحران را ایجاد کرده است. افزایش قیمت آب راهکاری است که این روزنامه برای حل بحران پیشنهاد می‌دهد. در گفتمان روزنامه کیهان، بحرانی بودن آب، حذف شده است. بنابراین، در صورت‌بندی گفتمانی روزنامه‌های ایران و کیهان، مشکلات مربوط به آب ناشی از سیاست‌ها و اعمال قدرت نیست. این نوع صورت‌بندی گفتمانی را می‌توان محصول روزنامه‌نگاری توسعه‌ای دانست. در مقابل، ابعاد گسترده‌تری از مسئله آب در روزنامه‌های مستقل‌تر شرق و دنیای اقتصاد رؤیت‌پذیر شده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، روزنامه‌نگاری محیط‌زیست، روزنامه‌نگاری توسعه

۱. استاد علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Khaniki@atu.ac.ir ✉

۲. استادیار علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. دکتری علوم ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۱. مقدمه

ایران از گذشته‌ای دور سودای توسعه در سر داشته و امروز با مسائل محیط‌زیستی متعددی نظیر کمبود آب، مواجه است. طبق شاخص‌ها، وضع آب در ایران مساعد نیست. برپایه شاخص فالکن مارک، ایران دچار «تنش آبی» است. شاخص سازمان ملل نیز بیانگر «بحران شدید آبی» ایران است. پیش‌بینی آینده نیز امیدوارکننده نیست. طبق گزارش پژوهشکده اقلیم‌شناسی، تنش آبی ایران، کماکان ادامه خواهد داشت (پژوهشکده اقلیم‌شناسی، ۱۳۹۶، ۲۰-۱۴).

کمبود آب و سیاست‌های اخذ شده در رابطه با آن، تا کنون پیامدهای بسیاری به دنبال داشته است؛ از جمله تنش‌های اجتماعی آب که از نمونه‌های آن می‌توان به تنش‌های سال ۱۳۹۵ در شهر بلداجی، اعتراضات کشاورزان اصفهان در سال ۱۳۹۶ و تنش‌های استان خوزستان در تابستان ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ اشاره کرد. البته، پیامد کمبود آب در تنش‌های اجتماعی خلاصه نمی‌شود و این مسئله پیامدهای اقتصادی اجتماعی دیگری نیز همچون مهاجرت، کاهش درآمد کشاورزان و بیکاری به دنبال دارد. افزون‌براین، به اعتقاد عاملی و همکاران، این احتمال وجود دارد که مسائل محیط‌زیست و به‌طور ویژه مسائل حوزه آب بر مسائل سیاسی منطبق شوند و مشکلات سیاسی اجتماعی متعددی را ایجاد کنند (عاملی، بیچرانلو، بهار و غلامی، ۱۳۹۸، ۱۹۵).

امروز، شمار اندیشمندانی که مسائل محیط‌زیست را صرفاً طبیعی و فنی قلمداد نمی‌کنند، بیش از گذشته است. هانیگان معتقد است در اوایل دهه ۱۹۶۰ بیشتر محققان محیط‌زیست در بررسی مسائل رویکرد «واقع‌گرایانه» را در پیش می‌گرفتند، اما مخالفان این دیدگاه مسائل محیط‌زیست را محصول تعریف و نوعی برساخت اجتماعی می‌دانستند (هانیگان، ۱۳۹۲، مقدمه). وی بر این باور است که مسائل محیط‌زیست صرفاً طبیعی و مهندسی نیستند. به عبارت روشن‌تر، او سیاست‌ها و کنش‌های محیط‌زیست را ناشی از تسلط انگاره‌های گفتمانی قلمداد می‌کند (هانیگان، ۱۳۹۲، ۵۹).

افزون‌براین، اجماع تحقیقات موجود درباره ادراک مسائل محیط‌زیست جهانی بر این است که چنین مشکلاتی، به‌طور عمده انتزاعی تلقی می‌شوند و فهم آنها در سطح فردی



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۹۰

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳



دشوار است. مردم به اطلاعاتی که اساساً از رسانه‌هایی نظیر روزنامه‌ها، تلویزیون و رادیو توزیع می‌شود، وابسته‌اند، اما اطلاعاتی که به آنان می‌رسد، واقعیت ساختاری و مبتنی بر رسانه^۱ است (کسترچینی، و گاردیا-اوه‌موس^۲، ۲۰۱۴، ۲۱۴). در واقع، یکی از کارکردهای رسانه‌ها باید اطلاع‌رسانی وقایع، رویدادها و تحولات جامعه و هشدار مخاطرات باشد. رسانه‌ها باید میانجی افراد، گروه‌ها، جوامع و نهادها باشند، اما با توضیح و تفسیر اطلاعات «واقعیت اجتماعی» را بر ساخت می‌کنند. به این ترتیب که برخی از عناصر را به اطلاعات اصلی می‌افزایند و اطلاعات را مطابق نیازها یا انتظارات مراکز قدرت یا برخی گروه‌ها شکل می‌دهند. بنابراین، می‌توان با پزولو و کاکس^۳ هم‌نظر بود که یکی از کارکردهای ارتباطات محیط‌زیست بر ساخت‌گر بودن آن است. یعنی، زبان و نمادهای دیگر به درک ما از واقعیت و ماهیت مسائل محیط‌زیست شکل می‌دهند (کاکس و پزولو، ۲۰۱۷، ۳۴-۳۵). اهمیت این امر را نمی‌توان نادیده انگاشت. زیرا از این منظر، گفتمان است که چیزهای مهم را بر می‌گزیند و افراد را در روابط سلطه وارد می‌کند.

در سال‌های گذشته شاهد نزاع گفتمانی بر سر معنا بخشی به مسئله آب و راه‌حل‌های آن بوده‌ایم و رسانه‌های جمعی یکی از عرصه‌های این نزاع بوده‌اند. اما بر ساخت‌های مختلفی که در این رسانه‌ها از مسئله ارائه شده، نامعلوم است. لازم است این نکته را در نظر داشت که هر گفتمان کنش‌ها و پیامدهای ویژه‌ای را به دنبال دارد. به‌طور مثال، پیامد احتمالی نسبت دادن مسئله آب به مصرف بیش از حد در بخش شرب، کنترل مصرف آب در این بخش است. بنابراین، می‌توان ادعا کرد کنش‌ها و مطالباتی که گفتمان‌های مختلف ایجاد می‌کنند، بر مسیر حرکت جامعه به سمت انفعال، نزاع و ... تأثیر خواهد گذاشت. از این رو، شناخت صورت‌بندی‌های گفتمانی ارائه شده از مسئله آب در رسانه‌ها ضروری است. با وجود اهمیت مسئله آب، پژوهش‌های بسیار اندکی در حوزه رسانه و آب انجام شده است و هنوز خلأ در این زمینه احساس می‌شود. این موضوع مختص ایران نیست. به‌طور

1. media-based reality
2. Castrechini & Guàrdia-Olmos
3. Pezzullo & Cox



کلی، از دهه ۱۹۶۰ به بعد است که پژوهش‌ها متوجه بازنمایی رسانه‌ای از مسائل محیط‌زیست شده است (هنسن^۱، ۲۰۱۷، ۱). مقاله پیش رو، به طور خاص بر روزنامه‌های سراسری تمرکز کرده و درصدد پاسخ به این پرسش است که گفتمان‌های مسئله آب ایران در روزنامه‌های سراسری دهه ۹۰ چگونه صورت‌بندی شده‌اند. هدف این نوشتار، شناخت تحول گفتمانی مسئله آب در دوره مورد بررسی نیست. افزون‌براین، رویکرد تحلیل گفتمان تاریخی در این پژوهش دنبال نشده است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقات بسیار اندکی درباره نحوه پوشش مسئله آب در رسانه‌ها انجام شده است. بیشتر این پژوهش‌ها در دهه ۱۳۹۰ نگاشته شده‌اند. بنابراین، بررسی نحوه پوشش رسانه‌ها از موضوعات مربوط به آب ایران عمر چندانی ندارد و این خود بیانگر نیاز به تحقیقات بیشتر است. چند پژوهش داخلی به بساخت بحران آب در رسانه‌ها توجه کرده‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.

پژوهش‌های خارجی نزدیک به موضوع این مقاله را در دو گروه می‌توان جای داد. یکی از آنها (حسین^۲، ۲۰۱۶) به طور ویژه به بررسی گفتمان آب می‌پردازد. دسته دیگر نحوه پوشش مسائل مربوط به آب را در مطبوعات بررسی می‌کنند. بیشتر این پژوهش‌ها با روش تحلیل محتوای کمی انجام شده‌اند. در این مقاله، از مرور پژوهش‌های گروه دوم صرف‌نظر و پژوهش مرتبط‌تر به موضوع را بررسی می‌کنیم.

مرور پیشینه نشان می‌دهد تا کنون تحقیقی انجام نشده است که درصدد شناخت گفتمان‌های ارائه شده از آب در روزنامه‌ها باشد. مقاله پیش‌رو درصدد پر کردن این شکاف است. غلامی در رساله دکتری خود با عنوان «اینترنت و ارتباطات محیط‌زیست: مطالعه بساخت مسئله آب ایران در رسانه‌های اجتماعی»، به دنبال پاسخ به این سؤال است که رسانه‌های اجتماعی بحران آب را در چه چارچوب‌هایی تعریف می‌کنند؟ او به این منظور،

1. Hansen

2. Hussein



صفحات توئیت ۳۰ روزنامه‌نگار و کنشگر محیط‌زیست را طی ۱۲ دی ۱۳۹۵ تا ۱۵ خرداد ۱۳۹۸ با روش تحلیل چارچوب و نقد رتوریک‌ی زایشی فوس تحلیل کرده است. همچنین، تصاویر مربوط به بحران آب را در ۱۹ کانال تلگرامی مرتبط، طی فروردین ۱۳۹۶ تا دی ۱۳۹۷ بررسی کرده است. بر پایه یافته‌ها «روزنامه‌نگاران و کنشگران محیط‌زیست در توئیت و تلگرام بحران آب را بر مبنای چارچوب‌های کلان توسعه پدیدار، محیط‌زیست‌گرایی، اقتصاد سیاسی آب، عدالت محیط‌زیست، اکوفمینیسیم، امنیت محیط‌زیست و معنویت‌گرایی محیط‌زیست چارچوب‌بندی کرده‌اند». تحلیل رتوریک نشان می‌دهد «راهبردهای اقناعی انتقالی منفی» نظیر ترس و خشم بیش از راهبردهای دیگر برای اقناع مخاطب به کار رفته‌اند. «راهبردهای اقناعی و رتوریک‌ی دیگر شامل طنز، بیان استعاری، حل مسئله، مقایسه و اعتبار منبع بوده است» (غلامی، ۱۳۹۸).

تحقیقی که بیش از پژوهش‌های دیگر به موضوع این مقاله نزدیک است، پایان‌نامه کارشناسی ارشد نوروزی با عنوان «پوشش آب در برنامه‌های تلویزیون -تحلیل محتوای کیفی برنامه‌های مربوط به آب در شبکه دو سیمای جمهوری اسلامی ایران در سه ماهه تابستان ۱۳۹۶» است. این مقاله به شکل منسجم و عمیق و با رویکردی کیفی برنامه‌های مربوط به آب تلویزیون را واکاوی کرده است. نوروزی روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد نشانه‌شناختی را به کار برده و از الگوی سه‌گانه جان فیسک استفاده کرده تا پیام‌های آشکار و پنهان برنامه‌ها را بازشناسد. طبق نتایج این تحقیق، تلویزیون به‌طور عمیق به بحران آب توجه نکرده و «مسئله بحران آب را حذف کرده است» (نوروزی، ۱۳۹۶، ۸). همچنین، در برنامه‌های مورد بررسی، آب مسئله‌ای فردی در نظر گرفته شده و مصرف خانگی مقصر بحران نشان داده شده است. در این برنامه‌ها طبیعت و اقلیم عامل مسلط پیدایی بحران فرض شده‌اند. افزون‌براین، «محتوای برنامه‌ها محافظه‌کارانه است» (نوروزی، ۱۳۹۶، ۱۵۸-۱۵۹). طبق یافته‌ها، برنامه‌های بررسی شده به‌طور سطحی و مقطعی به بحران پرداخته‌اند. راه‌حل‌های مقابله با بحران نیز به‌طور سطحی بررسی شده است. در نتیجه این برنامه‌ها، علاوه بر اینکه به حل بحران کمک نمی‌کند، بر پیچیدگی و وخامت آن می‌افزاید (نوروزی، ۱۳۹۶، ۱۵۹-۱۵۷).



خانیک‌ی و موسوی در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی مسئله آب ایران در روزنامه‌ها- تحلیل محتوای «ایران»، «شرق»، «دنیای اقتصاد»، و «کیهان» از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷» به دنبال شناخت بازنمایی مسئله آب ایران در روزنامه‌های سراسری‌اند. برای دستیابی به این هدف، با روش تحلیل محتوای کمی، مطالب چهار روزنامه سراسری را طی هفت سال (از ۱۳۹۱/۱/۱ تا ۱۳۹۷/۱۲/۲۹) بررسی کرده‌اند. طبق یافته‌ها «عوامل طبیعی» برجسته‌ترین علت مسئله آب در روزنامه‌های مورد بررسی است، دیدگاه مسئولان بیش از دیدگاه مردم برجسته شده، و «مطالب منتشر شده با دیدگاه‌های دولتی هماهنگ است». همچنین، در مطالب این روزنامه‌ها، وظیفه حل مسئله آب بیشتر بر عهده دولت است و نقش مردم به صرفه جویی محدود شده است. (خانیک‌ی و موسوی، ۱۳۹۸، ۱۶۷).

حسین^۱ (۲۰۱۶، ۲-۱) در رساله دکتری خود با عنوان «تحلیل گفتمان کمبود آب و پویایی هیدروپولیتیک در مورد اردن» گفتمان کمبود آب اردن را بررسی می‌کند. او نخست، در صدد است روایت‌ها و خرده‌روایت‌های گفتمان آب را شناسایی و مشخص کند چه کسی، چه روایتی را می‌سازد و چه کسی آن را بازتولید و اجرا می‌کند. محقق در این رساله بر عناصر تشکیل‌دهنده گفتمان و تأثیرات استقرار گفتمان بر انتخاب‌های خط‌مشی^۲ تمرکز می‌کند. بنابراین، در مرحله دوم پژوهش خود اثرات استقرار گفتمان «کمبود آب» را می‌کاود. همچنین، راه‌حل‌های در نظر گرفته شده و کنار گذاشته شده توسط این گفتمان را در راهبرد ملی آب تحلیل می‌کند. در نهایت، اثرات استقرار گفتمان بر حکمرانی فرامرزی آب را می‌کاود. بر پایه نتایج، گفتمان مسلط کمبود آب از دو روایت تشکیل شده است: ناکافی بودن آب و سوءمدیریت آب. روایت ناکافی بودن آب عواملی مانند طبیعت، مهاجران، کشورهای همسایه را از دلایل کمبود آب برمی‌شمارد. تأکید این روایت بر عوامل خارج از کنترل و مسئولیت دولت اردن است. به نظر محقق کنشگران دولت محور این روایت را ساخته‌اند تا راه‌حل‌های مبتنی بر عرضه و حفظ وضع موجود را پیش بکشند.

1. Hussein

2. Policy

روایت دوم، سوءمدیریت آب است که بر عوامل سوءمدیریت منابع آب به عنوان دلایل کمبود آب تأکید می‌کند. سازمان‌های بین‌المللی این گفتمان را بسط می‌دهند تا راه‌حل‌های تقاضامحور آب را مطرح کنند و وضع موجود و تخصیص منابع آب را که ناکارآمد و ناپایدار است، به چالش بکشند. راه‌حلی که این روایت مطرح می‌کند از نظر سیاسی هزینه زیادی دارد (حسین، ۲۰۱۶، ۲-۱). روایت دوم مسلط نیست، بنابراین تأثیر زیادی بر خط‌مشی‌ها ندارد. اما، روایت مسلط و اصلی ناکافی بودن آب است (حسین، ۲۰۱۶، vi-vii).

۳. مرور نظری و مفهومی

در این بخش نظریه گفتمان فرکلاف و مفاهیم تحلیل گفتمان انتقادی، روزنامه‌نگاری محیط‌زیست و روزنامه‌نگاری توسعه را مرور می‌کنیم.

۳-۱. تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی نسبت بین زبان و قدرت و ایدئولوژی می‌پردازد. فرکلاف در کتاب زبان و قدرت این روش را ترکیبی از سه چیز می‌داند: تحلیل متن؛ تحلیل فرایندهای تولید، مصرف و توزیع متن؛ و تحلیل اجتماعی، فرهنگی رخداد گفتمانی به عنوان یک کل (اعم از مصاحبه، مقاله علمی یا مکالمه). او بر این نظر است که رویکردهای غیرانتقادی به شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی اعمال گفتمانی یا تأثیرات اجتماعی آن‌ها توجهی ندارند و صرفاً ساختار و کارکرد اعمال گفتمانی را توصیف می‌کنند. در مقابل، تحلیل انتقادی به روبربط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی و فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان توجه می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۱۲). بنابراین، تحلیل گفتمان انتقادی، هنگام بررسی متن به روابط و مناسبات قدرت و ایدئولوژی توجه می‌کند و متفاوت از تحلیل‌های کیفی دیگر است. تحلیل گفتمان انتقادی درصدد است تا ارتباط بین زبان و فرایندهای اجتماعی را نشان دهد.

یکی از اهداف تحلیل گفتمان انتقادی بررسی قدرت است. افرادی که به‌طور انحصاری به امکاناتی نظیر ثروت و دانش دسترسی دارند، به جایگاهی ویژه در جامعه دست می‌یابند و بر فرودستان مسلط می‌شوند. هدف تحلیل گفتمان انتقادی نشان دادن روابط اجتماعی





موجود در متن است که قابلیت بازتولید حیات اجتماعی را دارد. این که متن چه جهانی را خلق می‌کند و زبان به کار رفته در آن به دنبال استمرار چه نابرابری و در پی حفظ منافع چه کسانی است. از این منظر، زبان ابزاری ایدئولوژیک است که با هدف کنترل اجتماعی و سلطه به کار می‌رود (میشین و مایر، ۲۰۴، ۲۰۱۲ به نقل از آسابرگر، ۱۳۹۸، ۲۶۲-۲۶۱). بررسی ایدئولوژی نیز در تحلیل گفتمان انتقادی جایگاهی ویژه دارد. در واقع، دیدگاه پژوهشگران تحلیل گفتمان انتقادی به گفتمان متفاوت از دیگران است. این گروه از محققان، به اثرپذیری متون از ایدئولوژی‌ها و باورهای اجتماعی توجه می‌کنند. در تحلیل گفتمان انتقادی «گفتمان شامل انواع سبک‌های کلامی، شیوه‌های فکری نهادینه شده و رسوم اجتماعی است». به این ترتیب، تولیدکنندگان متن افرادی مستقل نیستند، زیرا به طور همزمان بازتاب‌دهنده جامعه گفتمانی خود و متأثر از عوامل اجتماعی‌اند. هدف از تحلیل گفتمان انتقادی کشف تعصبات اعتقادی در متون است. این تحلیل از آن لحاظ فعالیتی انتقادی است که باورهای بدیهی را به چالش می‌کشد (ویدوسن، ۱۳۹۵، ۱۱۲).

پژوهشگران تحلیل گفتمان انتقادی به عناصر زبانی گزینش شده در متن حساس‌اند و می‌خواهند ارتباط آن را با مناسبات قدرت نشان دهند. البته، ممکن است که حتی نویسنده متن مدعی باشد که هیچ هدفی از گزینش عناصر زبانی متن نداشته است. ویدوسن بر این نظر است که در این حالت، شاید بتوان گفت که عبارتی خاص به طور ناخودآگاه انتخاب شده است. یعنی احتمال دارد نویسنده از مقاصد ایدئولوژیکی پنهان متن ناآگاه باشد. احتمالاً خوانندگان نیز از تأثیر تلقینی متونی که می‌خوانند بی‌خبرند. طرفداران تحلیل گفتمان انتقادی، ناآگاهانه بودن این انتخاب‌ها را دلیلی برای نیاز به تحلیل انتقادی می‌دانند. هدف نهایی این تحلیل‌ها نیز آشکار ساختن تأثیرات ایدئولوژیکی متون ناخودآگاه کاربران ناآگاه زبان است (ویدوسن، ۱۳۹۵، ۱۱۳-۱۱۲).

۲-۳. نظریه گفتمان فرکلاف

فرکلاف از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان انتقادی است. او چارچوب مدنظر خود را متأثر از محققانی نظیر آلتوسر، گرامشی، هابرماس و فوکو مطرح می‌کند. در چارچوب مدنظر او، متن را نمی‌توان مجزا از بافت‌های اجتماعی گسترده‌تر آن تحلیل کرد.



فرکلاف بر این نظر است که قدرت را می‌توان از طریق گفتمان و زبان به دست آورد. او ادعا می‌کند که استفاده از رویکردی ایدئولوژیک به مخاطب می‌تواند نوع قدرت را از اجباری به رضایت قدرت تغییر دهد (فرکلاف^۱، ۱۹۸۹، ۳۴-۳۳). فرکلاف به رابطه بین ایدئولوژی و حفظ قدرت توجه می‌کند و در تحلیل رابطه گفتمان با قدرت، نقشی ویژه برای بررسی ایدئولوژی قائل است. او بر این نظر است که گفتمان به‌طور اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین، ایدئولوژی ممکن است با تولید یا بازتولید قدرت اعمال شده بر گروه‌های خاصی از جامعه بر کردارهای گفتمان تأثیر بگذارد. در بیشتر جوامع مدرن، قدرت از طریق ایدئولوژی کسب و اعمال می‌شود. از آنجا که زبان رایج‌ترین شکل رفتار اجتماعی است، با گفتمان پیوند می‌خورد (فرکلاف و وداک^۲، ۱۹۹۷، ۲۰۱).

فرکلاف از گفتمان رسانه‌های جمعی نیز سخن به میان می‌آورد و آن را از دو جنبه، متفاوت از گفتمان رو در رو در نظر می‌گیرد. به نظر او تفاوت نخست این دو گفتمان این است که گفتمان رسانه یک‌طرفه است. تفاوت دوم، نبود امکان بازخورد سریع در گفتمان رسانه‌ای است. با توجه به این ویژگی‌ها، در گفتمان رسانه‌ای قدرت تولیدکننده برای اعمال قدرت بر مصرف‌کننده افزایش می‌یابد. فرکلاف بر این نظر است که روابط قدرت وضع شده در گفتمان رسانه آشکار نیست. در گفتمان رسانه، تولیدکنندگان با قدرت تولیدی که در دست دارند، تعیین می‌کنند چه چیز در پیام گنجانده و چه چیز از آن کنار گذاشته شود و رویدادها چگونه بازنمایی شوند. در واقع، رسانه‌های جمعی به‌طور ضمنی و از طریق گفتمان قدرت را بر مصرف‌کنندگان اعمال می‌کنند (فرکلاف، ۱۹۸۹، ۵۱-۴۲).

۳-۳. روزنامه‌نگاری محیط‌زیست

روزنامه‌نگاری محیط‌زیست شاخه‌ای از ارتباطات محیط‌زیست است که به تولید و توزیع اخبار و اطلاعات مربوط به طبیعت و تعامل انسان با آن می‌پردازد. کاکس و پزولو^۳ بر این نظرند که اگر ارتباطات محیط‌زیست را به تعریفی ساده نظیر «انتقال اطلاعات درباره

1. Fairclough

2. Wodak

3. Cox & Pezzullo



موضوعات گسترده محیط‌زیست» محدود کنیم، گمراه‌کننده است. به همین دلیل، او برای ارتباطات محیط‌زیست دو کارکرد در نظر می‌گیرد. در کارکرد نخست به عمل‌گرا بودن آن اشاره می‌کند. در این کارکرد ارتباطات محیط‌زیست به حل مسائل محیط‌زیست، آموزش، ترغیب، هشدار و نظایر آن می‌پردازد. کارکرد دوم، بر ساخت‌گر^۱ بودن ارتباطات محیط‌زیست است. منظور از آن، نقشی است که زبان و نمادهای دیگر در شکل‌دهی به درک ما از واقعیت و ماهیت مسائل محیط‌زیست دارند. به نظر کاکس، با این دو کارکرد است که ارتباطات محیط‌زیست به درک ما از محیط طبیعی و رابطه ما با آن شکل می‌دهد (کاکس و پزولو، ۲۰۱۷، ۳۵-۳۴). با توجه به این کارکرد است که صاحبان قدرت، اطلاعات را دستکاری می‌کنند تا به اهداف خود دست یابند. به اعتقاد اندرسون^۲، رسانه‌ها و فرایندهای ارتباطی هسته شیوه‌ای‌اند که در آن جریان‌های اطلاعاتی به نفع قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدیریت و دستکاری می‌شوند (اندرسون، ۲۰۱۴، ۳).

مسائل محیط‌زیست با گذر زمان متنوع شده و شیوه پوشش رسانه‌ای این مسائل نیز دگرگون شده است. رد‌میکرز می‌نویسد: «روزنامه‌نگاری محیط‌زیست حوزه‌ای پیچیده شده که چیزی بیش از محیط‌زیست را در بر می‌گیرد. بیشتر، سیاست، اقتصاد، و مسائل اجتماعی [در آن] نقش دارند» (رد‌میکرز^۳، ۲۰۰۴، ۱۵-۱۴).

معمولاً مسائل محیط‌زیست تا زمانی که به مرحله بحرانی نرسند، مغفول می‌مانند. مطالب محیط‌زیست ممکن است چندان بر سیاست‌گذاری‌ها تأثیر نداشته باشند، اما می‌توانند در ایجاد آگاهی مردم نقش داشته باشند. باوآدام^۴ معتقد است روزنامه‌نگاران محیط‌زیست باید از گزارشگری صرف و تعاریف مقبول آن فراتر بروند و وقایع را پیش‌بینی کنند. روزنامه‌نگار محیط‌زیست، باید به موضوع‌هایی بپردازد که به آن‌ها توجه نشده یا نمی‌شود. روزنامه‌نگاری محیط‌زیست، خنثی نیست، بلکه استانداردها و معیارهای خود را دارد؛ روزنامه‌نگاران محیط‌زیست باید مراقب باشند که سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران،

1. constitutive
2. Anderson
3. Rademakers
4. Bavadam

شهروندان و دیگران در حفاظت و بقای محیط‌زیست جدی باشند. به نظر باوادم در حال حاضر روزنامه‌نگاران در مبارزات محیط‌زیست خود به جای آنکه پیش‌گیرانه عمل کنند واکنشی عمل می‌کنند (باوادم، ۲۰۱۰، ۹-۳).

در مجموع، باید در نظر داشت که روزنامه‌نگاری محیط‌زیست، بی‌طرف نیست. یکی از وظایف روزنامه‌نگاران محیط‌زیست توجه به این است که آیا کنشگران مختلف در راستای نگهداری از محیط‌زیست می‌کوشند یا نه. در روزنامه‌نگاری محیط‌زیست پرداختن به مشکلات محیط‌زیستی در حال ظهور مقدم است. افزون‌براین، تأکید بر این است که روزنامه‌نگاران به موضوع‌هایی بپردازند که کمتر به آنها توجه شده است.

۳-۴. روزنامه‌نگاری توسعه

روزنامه‌نگاری توسعه به این نکته اشاره دارد که توسعه هدفی معتبر است و رسانه باید در جهت تحقق آن عمل کند (دماطب و هال^۱، ۱۹۸۹، ۳). روزنامه‌نگاری توسعه جانبدارانه است، یعنی می‌خواهد با حمایت از تغییرات اجتماعی وضع موجود را تغییر دهد. البته، این تغییر باید به سمت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هدایت شود. از این منظر، کارکنان رسانه، در راستای منافع جامعه خدمت می‌کنند و به‌طور فعالانه‌ای در فرایند توسعه دخالت دارند (کالیانگو و همکاران^۲، ۲۰۱۷، ۵۷۹).

روزنامه‌نگاری توسعه بحث‌های بسیاری را برانگیخته و به شیوه‌های متفاوتی به کار گرفته شده است. در واقع، معنا و کاربرد آن در زمینه‌های خاص در نزد واضعان و منتقدان این مفهوم به‌درستی مشخص نیست. اگان بر این نظر است که ترس و بدبینی زیادی دربارهٔ انگیزه‌های کاربرد این روزنامه‌نگاری وجود دارد (اگان^۳، ۱۹۸۲، ۳). در واقع، اندکی پس از گسترش مفهوم روزنامه‌نگاری توسعه، حکومت‌ها آن را برای توجیه کنترل خود بر رسانه‌های جمعی به کار بردند. این اختصاص‌سازی «روزنامه‌نگاری توسعه‌ای»^۴ نامیده می‌شود. روزنامه‌نگاری توسعه‌ای غیرانتقادی است و برای دستیابی به اهداف توسعه از

1. Domatob & Hall
2. Kalyango, et. al.
3. Ogan
4. developmental journalism





حکومت حمایت می‌کند. منتقدان روزنامه‌نگاری توسعه‌ای معتقدند این نوع روزنامه‌نگاری دست حکومت‌ها را برای کنترل مطبوعات باز می‌گذارد (شاه^۱، ۲۰۰۸، ۲). روزنامه‌نگاری توسعه‌ای، عینی و مستقل از دولت نیست، در این حالت، کارکنان رسانه در خدمت دولت‌اند. کالیانگو و همکاران بر این نظرند که در رسانه‌های دولتی که کنترل نهادینه شده است، روزنامه‌نگاران بیشتر محتمل است که در راستای روزنامه‌نگاری توسعه‌ای اجتماعی شوند یا به اجبار در این چارچوب عمل کنند (کالیانگو و همکاران، ۲۰۱۷، ۵۸۹-۵۷۷). بنابراین روزنامه‌نگاری توسعه‌ای بیشتر در جهت تأمین منافع دولت عمل می‌کند.

اگان بر این باور است که روزنامه‌نگاری توسعه شامل ارزیابی انتقادی برنامه‌های توسعه و اثرات آن است. این نوع روزنامه‌نگاری مستلزم مستقل بودن رسانه‌های جمعی از دولت است (اگان، ۱۹۸۹، ۱۰). روزنامه‌نگاری توسعه فقط به معنای پوشش اخبار مثبت مربوط نیست، بلکه گزارش شکست، فعالیت‌ها و برنامه‌های ناموفق نیز خبرهای توسعه محسوب می‌شوند. به عبارت روشن‌تر، خبرهای توسعه نباید مشابه بولتن روابط عمومی سازمان‌های دولتی و غیردولتی باشند (بدیعی و قندی، ۱۳۸۳، ۴۲۵).

به‌طور کلی، در روزنامه‌نگاری توسعه روزنامه‌نگاران به‌طور جانبدارانه از توسعه حمایت می‌کنند. این مفهوم نخست با هدف ارزیابی انتقادی برنامه‌های توسعه و در نظر گرفتن نیازهای مردم شکل گرفت. اما به‌مرور، به دستاویزی برای حکومت‌های اقتدارطلب تبدیل شد تا به این وسیله کنترل خود بر رسانه‌های جمعی را توجیه کنند. برخی از محققان این شیوه از روزنامه‌نگاری را روزنامه‌نگاری توسعه‌ای می‌نامند تا آن را از روزنامه‌نگاری توسعه متمایز کنند.

۴. روش تحقیق

در این مقاله، از روش تحلیل گفتمان انتقادی استفاده شده است. تحلیل گفتمان روشی کیفی است. تحقیق کیفی اصولاً بر پارادایم تفسیرگرایی-برساخت‌گرایی اجتماعی مبتنی است. فلیک ذهنیت محقق و مطالعه‌شوندگان را جزئی از فرایند تحقیق کیفی در نظر می‌گیرد (فلیک، ۱۳۹۲، ۸۱).



برای بررسی مطالب روزنامه‌ها از تلفیق رویکرد فرکلاف و ون‌دایک استفاده شده است. به این ترتیب که طبق الگوی فرکلاف هر یک از نمونه‌های معرف، در سطوح توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل شدند. در مرحله توصیف از جدولی برای استخراج اطلاعات استفاده شد که برخی از عناصر آن (پیش‌فرض، قطب‌بندی، واژگان مثبت و منفی، کنایه و نقل قول) برگرفته از الگوی ون‌دایک و عناصر دیگر (استعاره، جملات معلوم و مجهول) برگرفته از الگوی فرکلاف بود. افزون‌براین، با توجه به موضوع تحقیق مفاهیم مربوط به مسئله آب (علل، راه‌حل‌ها، مقصر) نیز در جدول گنجانده شده بود.

در مرحله تفسیر، با استفاده از الگوی فرکلاف ظاهر و معنای کلام، معانی ضمنی، دلالت‌های متن و انسجام موضوعی آن را بررسی و سپس، معنای محوری متن را مشخص کردیم. مرحله تبیین با توجه به الگوی فرکلاف (عوامل اجتماعی و ایدئولوژی‌ها) انجام شد. در این مرحله، متن‌ها با توجه به اطلاعات حاصل از مراحل توصیف و تفسیر و پاسخ به دو پرسش تحلیل شدند: ۱. عوامل اجتماعی: چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن به این گفتمان مؤثر است. ۲. ایدئولوژی: چه عناصری از دانش زمینه‌ای که مورد استفاده واقع شده‌اند، ویژگی‌های ایدئولوژیک دارند؟

به‌منظور دستیابی به هدف تحقیق، مطالب چهار روزنامه سراسری طی ۹ سال (از ۱۳۹۰/۱/۱ تا ۱۳۹۸/۱۲/۲۹) بررسی شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش تمام مطالبی است که در این دوره زمانی با مضمون مسئله آب ایران در روزنامه‌های دنیای اقتصاد، ایران، شرق و کیهان چاپ شده است.^۱

تحقیقات پیشین نشان می‌دهد بین رویدادهای طبیعی نظیر خشکسالی و پوشش مطالب آب ارتباط وجود دارد. «بر پایه داده‌های بارش ماهانه در دوره ۵۰ ساله (از ۱۹۶۱ تا ۲۰۱۰). در اواخر دهه ۹۰ و کل دهه ۲۰۰۰، شدیدترین و بیشترین توالی خشکسالی» در ایران رخ داده است (دوستان، ۱۳۹۴، ۲). به همین دلیل، دهه ۹۰ را برگزیده‌ایم. دلیل دیگر گزینش بازه زمانی تحقیق این است که به نظر متخصصان توجه رسانه‌ها به مسئله آب در این دوره افزایش یافته است.

۱. روزنامه شرق از ۱۳۹۱/۷/۵ تا ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ توقیف بوده است.



از بین روزنامه‌های سیاسی از هر گرایش یک روزنامه را برگزیده‌ایم. روزنامه «شرق» به این دلیل انتخاب شده که متعلق به اصلاح‌طلبان است، روزنامه کیهان، به دلیل اینکه سرآمد طیف محافظه‌کار است، انتخاب شد و روزنامه ایران به دلیل اینکه متعلق به دولت است. از بین روزنامه‌های اقتصادی نیز روزنامه «دنیای اقتصاد» را برگزیده‌ایم که متعلق به بخش خصوصی است و به‌طور خاص به مسئله آب توجه کرده بود.

در این مقاله، روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند به کار رفته است. برای انتخاب نمونه‌ها در مرحله نخست تمام مطالبی که به‌طور خاص به مسئله آب ایران مربوط بودند، گزینش شدند و مطالب مربوط به مسئله جهانی آب یا مسائل آب در شهرها یا استان‌های خاص، از تحقیق کنار گذاشته شدند. در نهایت، پس از بررسی، دسته‌بندی و مطالعه عمیق تمام مطالب، ۲۲ نمونه معرف، انتخاب و تحلیل شدند. اطلاعات مربوط به نمونه‌های معرف به شرح جدول شماره (۱) است:

جدول ۱. اطلاعات مربوط به نمونه‌های معرف

ردیف	عنوان	نویسنده / منبع خبر	روزنامه	تاریخ
۱	بحران آب و فرصت‌سوزی تاریخی	فاطمه ظفرنژاد	شرق	۱۳۹۳/۵/۲۵
۲	کدام دشمن؛ بحران آب	علی شمس اردکانی	شرق	۱۳۹۷/۵/۲۵
۳	ریشه‌های بحران آب در ایران	امین علیزاده	شرق	۱۳۹۵/۴/۲۳
۴	عبسی کلاتری: آب را به بلای نفت مبتلا کرده‌ایم	وحید صابری	شرق	۱۳۹۴/۲/۷
۵	بحران آب و جامعه کوتاه‌مدت	صادق زیباکلام	شرق	۱۳۹۴/۳/۲۱
۶	برف بارید، کمبود آب باقی است	علی باقری	شرق	۹۶/۱۱/۱۵
۷	آتش بر جان آب	قاسم تقی‌زاده خامسی	شرق	۱۳۹۵/۵/۵
۸	گنج نهفته در صرفه‌جویی مصرف آب	سید حمید احمدی	شرق	۱۳۹۳/۶/۴
۹	کم‌آبی و صرفه‌جویی بی‌هدف	حامد منصوری	شرق	۱۳۹۳/۶/۴
۱۰	داستان اینکه چه شد آب تمام شد، قطره قطره آب می‌شویم از خشکسالی	جبار رحمانی	ایران	۱۳۹۷/۲/۲۶
۱۱	جامعه ایران به آب‌گشی ادامه می‌دهد؛ بحران آب، چشمه جوشان ناهنجاری‌های اجتماعی	رضا فرخی	ایران	۱۳۹۴/۷/۱
۱۲	ارتقای بهره‌وری آب رویکرد دولت در بخش کشاورزی	سهیلا یادگاری	ایران	۱۳۹۵/۱/۴
۱۳	مصرف بی‌رویه آب بقای تمدن ایران را تهدید می‌کند؛ پیام قیمت آب به مردم این است که هر چه می‌توانید بیشتر مصرف کنید!	حمید چیت‌چیان، وزیر نیرو	ایران	۱۳۹۵/۵/۶

ردیف	عنوان	نویسنده/منبع خبر	روزنامه	تاریخ
۱۴	آب طی ۲۰ سال به بحران قرن ایران بدل شد	عطیه لباف	ایران	۱۳۹۶/۷/۱۶
۱۵	از تیول‌داری مدرن تا بحران آب	مرتضی کاظمی	دنیای اقتصاد	۱۳۹۵/۴/۳۱
۱۶	آب بی‌تکرار، تکرار بی‌آبی	گروه گزارش	دنیای اقتصاد	۱۳۹۵/۷/۲۷
۱۷	بحران آب یا بحران مدیریتی	محمدصادق حمیدیان جهرمی	دنیای اقتصاد	۱۳۹۵/۹/۱
۱۸	بحران آب، خطرناک‌تر از مناقشه هسته‌ای	محسن رنانی	دنیای اقتصاد	۱۳۹۴/۷/۷
۱۹	بحران آب به مردم ارتباطی ندارد	بیژن فرهنگ دره‌شوری	دنیای اقتصاد	۱۳۹۳/۱۲/۲۱
۲۰	تأثیر فرهنگ و اخلاق بر مدیریت آب و بحران آبی کشور	محمد علایی	دنیای اقتصاد	۱۳۹۳/۰۵/۱۴
۲۱	بحران کم‌آبی را جدی بگیریم (بخش نخست)-زنگ خطر بحران کمبود آب!	فریده شریفی	روزنامه کیهان	۱۳۹۵/۰۸/۱۴
۲۲	نگاهی به بحران جدی خشکسالی و کمبود آب در ایران؛ سرزمین تشنه باران- بخش اول	گروه گزارش	کیهان	۱۳۹۳/۸/۵



روش‌های متنوعی برای ارزیابی یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های کیفی طراحی شده است. که هریک از آنها با روش تحقیق کیفی ویژه‌ای متناسب است. مفاهیم اعتبار و روایی در پژوهش‌های کیفی به معنایی متفاوت از روش کمی به کار می‌روند. به نظر محمدپور ماهیت پژوهش‌های کیفی غیراثبات‌گرایانه است. به همین دلیل، در این دسته از پژوهش‌ها معمولاً از مفاهیم رایج اعتبار و روایی در تحقیق کمی دوری می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۰، ۷۸-۱۰۷).

پژوهشگر کیفی باید نحوه گردآوری داده‌ها را به خوانندگان توضیح دهد و نشان دهد که داده‌ها ساختگی نیستند و با دقت لازم گردآوری شده‌اند. به عبارت روشن‌تر، باید به خوانندگان نشان دهد که چرا باید به داده‌های پژوهش او اطمینان کنند (محمدی، ۱۳۹۰، ۱۳۹). به این منظور در این جزئیات روش‌شناختی تحقیق جامعه آماری، روش نمونه‌گیری اطلاعات نمونه‌های معرف و الگوی استفاده شده برای تحلیل را بیان کرده‌ایم.

لیندلف^۱ معتقد است که پایایی در پژوهش‌های کیفی دغدغه مهمی نیست. زیرا پیش‌فرض تفسیرگرایان این است که واقعیت متنوع و متغیر است. «اگر معانی و دنیای اجتماعی مدام در حال تغییر است، بنابراین، تکرار نتایج از طریق ارزیابی‌های مستقل نه مفید و نه ممکن خواهد بود» (لیندلف، ۱۳۹۷، ۳۳۰).

1. Lindolf

۵. یافته‌ها

با توجه به حجم زیاد تحلیل‌های ۲۲ نمونه معرف این پژوهش، در این بخش، نخست یک نمونه از تحلیل‌ها (نمونه شماره ۱۵) را به طور کامل، شرح می‌دهیم. در ادامه معانی محوری حاصل از تحلیل نمونه‌های معرف را به تفکیک هر روزنامه بیان می‌کنیم. در نهایت، گفتمان‌های ارائه شده از مسئله آب ایران را توضیح می‌دهیم.

جدول ۲. مشخصات نمونه- از تیول‌داری مدرن تا بحران آب

واژگان مثبت	واقعی
واژگان منفی	غیرواقعی و ارزان، ناچیز، تقریباً رایگان، ارزان‌تر از بهای واقعی، کمتر از هزینه تمام شده
افراد، نهادها و فعالیت‌های مثبت	کارشناسان و متخصصان اقتصادی، کارشناسان
افراد، نهادها و فعالیت‌های منفی	چاه‌ها، تیول‌داری مدرن، دولت (حاکمیت)، قیمت ارزان آب و برق، سیاست‌گذاران، کشاورزان و خرده‌کشاورزان
کنایه	چاه‌های غیر مجاز جان زمین را مکیده‌اند.
استعاره	گشاده‌دستی
جملات مجهول	آب به بهایی غیر واقعی و ارزان به کشاورزان عرضه و مصرف (اسراف) شده است. تصور این بوده اگر برق و آب ارزان در اختیار کشاورزان باشد به عدالت اجتماعی کمک می‌شود.
جملات معلوم	کشاورزان با استفاده از برق با بهایی تقریباً رایگان، محصولاتی ارزان ارائه کرده‌اند. / دولت با کمک کشاورزان با احداث کیلومترها شبکه برق به استحصال آب همت گمارده‌اند، اما آب... را... هدر داده‌اند. / کشاورزان ... آب و برق را تقریباً رایگان استفاده کردند. / کشاورزان از ارزان‌ترین برق در مقایسه با سایر مصرف‌کنندگان استفاده کرده‌اند. / کشاورزان در مقایسه با سایر مصرف‌کنندگان قیمتی ناچیز برای استحصال آب پرداخت کرده‌اند. / کارشناسان اقتصادی در دو دهه بارها تذکر داده‌اند / کارشناسان و متخصصان در این سال‌ها تحلیل‌های زیادی ارائه کرده‌اند / کارشناسان اقتصادی در دو دهه بارها تذکر داده‌اند. / دولت‌ها مالکیت آب و مسئولیت قیمت‌گذاری را برعهده گرفته‌اند. / دولت‌ها پول «دیگری» را برای «دیگری» خرج کرده‌اند. / دولت‌ها خود را مالک محیط‌زیست ندانند وگرنه آن را به بهایی ناچیز می‌فروشد.
استناد	میلتون فریدمن، وزیر نیرو، کارشناسان اقتصادی، کارشناسان و متخصصان
قطب‌بندی	کشاورزان و مصرف‌کنندگان - دولت‌ها



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۰۴

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

واژگان مثبت	واقعی
پیش فرض	نظام اقتصادی حاکم بر ایران بر عملکرد آن اثر گذاشته است. قیمت ارزان آب مصرف آن را افزایش می دهد. علت ارزان بودن بهای آب این است که دولت مسئول قیمت گذاری آن است. اگر دولت خود را مالک آب نداند، آن را ارزان نمی فروشد. قیمت ارزان آب و برق سبب هدر دادن آب شده است. با توجه به کاهش سرانه آب تجدیدپذیر، باید تصمیمی جدی برای افزایش قیمت آب اخذ شود.
مفاهیم مسئله آب علل	چاه ها، دولتی (حاکمیتی) بودن مالکیت و توزیع آب قیمت ارزان آب، قیمت ارزان برق، سیاست گذاران
راه حل ها	مالکیت آب دولتی نباشد. افزایش قیمت آب
مقصر کیست/ چیست؟	نظام اقتصادی تیول داری و قیمت ارزان آب و برق

منبع: مرتضی کاظمی، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵/۴/۳۱

۵-۱. تفسیر نمونه: ظاهر و معنای کلام

کاظمی (۱۳۹۵) واژه مثبت «واقعی» را برای افزایش قیمت آب و برق به کار برده است. بر اساس معنای ضمنی این واژه، قیمت فعلی کاذب است. همچنین، با به کار بردن «واقعی» به جای «افزایش»، افزایش قیمت پنهان می شود. این سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد، مسئله آب را از منظر اقتصادی آن بررسی می کند. به همین دلیل، انبوهی از واژگان اقتصادی در این متن به کار رفته است: «تیول داری، عملکرد مناسب، مرکانتیلیستی، سوداگرانه، تیول داری مدرن، درآمد، تیول دار، ساز و کارهای اقتصادی، هزینه حداقل و منفعت حداکثر، رایگان، عواید، مالک، بها، محصولات، بهره وری، ارزان، گران، قیمت، بازار». به نظر می رسد نویسنده با کاربرد واژگان «طی دو دهه» و «اوایل انقلاب» در پی آن است که افزایش مصرف آب را به قیمت کم آن نسبت دهد. زیرا در اوایل انقلاب است که «قانون توزیع عادلانه آب» به تصویب می رسد. استنادهای متن، در خدمت علمی جلوه دادن گفتمان آن است. همچنین، نویسنده در قسمتی به «بازدیدهای» خود استناد می کند تا هدر رفتن آب در بخش کشاورزی را واقعی جلوه دهد.

۵-۲. انسجام موضوعی

کاظمی (۱۳۹۵) در سرمقاله «منابع آب در حال نابودی است»، در نخستین پاره معنایی وضع موجود منابع آب ایران را بیان می کند. به نظر نویسنده، نابودی منابع در سال های اخیر



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۱۰۵

صورت بندی های گفتمانی
مسئله آب ...



صورت گرفته است. کاظمی این سؤال را مطرح می‌کند که چرا اوضاع آب این طور شده است. در واقع، این سرمقاله به این پرسش پاسخ خواهد داد. کنشگر اصلی برخی از جملات این بخش حذف شده‌اند. با توجه به قرائن متن، حذف کنشگر با هدف ایجاد سؤال است نه پنهان ساختن کنشگران اصلی. او در این سرمقاله اشاره می‌کند که «دولت‌ها مالکیت آب و مسئولیت قیمت‌گذاری را برعهده گرفته‌اند، در نتیجه آب به بهایی ارزان به کشاورزان عرضه و مصرف (اسراف) شده است» به این ترتیب او به پرسش که در بخش‌های آغازین متن مطرح کرده، پاسخ داده است. به نظر نویسنده، گفتمانی «چالش‌برانگیز» نظام اقتصادی ایران را با عنوان «تیول‌داری مدرن» توصیف می‌کند. کاظمی با کمک این گفتمان ادعا می‌کند، دلیل بحران آب این است که حاکمیت، مالکیت و قیمت‌گذاری آن را برعهده گرفته است. در نتیجه، قیمت آب در ایران ارزان شده است. پیش‌فرض او این است که قیمت ارزان آب دلیل اسراف آن است. در واقع، این فرض پنهان که «دلیل بحران آب اسراف و عرضه ارزان آن است» در این استدلال نهفته است.

کاظمی (۱۳۹۵) در قسمتی از این سرمقاله می‌نویسد: «این روزها با توصیف نظام اقتصادی ایران تحت‌عنوان نظام «مرکانتیلیستی» یا «سوداگرانه» یا عنوان جدیدتر «تیول‌داری مدرن»، نکته مهمی درباره ساختار اقتصاد ایران برجسته شده است». اشاره او به سرمقاله «عبور از اقتصاد تیول‌داری» به سردبیری علی میرزاخانی در روزنامه دنیای اقتصاد است که در ۸ تیر ۱۳۹۵ منتشر شده است.

مفاهیم تیول و تیول‌دار در این بخش از متن، معنا می‌شوند. همچنین، نویسنده مفهوم دولت را معادل تمام بخش‌های حاکمیت در نظر می‌گیرد. به نظر او، دلیل عمیق‌تر شدن روزافزون بحران آب در ایران مالکیت دولتی آن است. بر اساس پیش‌فرض نویسنده، آب ارزان است و در بخش کشاورزی اسراف می‌شود. کاظمی در این پاره معنایی «در تیول‌داری مدرن دولت نه دل‌نگران پولی است که خرج می‌شود و نه نگران چیزی که کسب می‌شود» شیوه‌های خرج کردن پول را از نظر فریدمن توضیح می‌دهد. به نظر نویسنده در تیول‌داری مدرن دولت نگران از دست رفتن منابع و بازده اقتصادی آنها نیست و باید این شیوه را تغییر داد. طبق یکی از معانی ضمنی این پاره معنایی، دولت محیط‌زیست را به بهایی ناچیز می‌فروشد.



پاره معنایی پیشین به منزله مقدمه‌ای است که نویسنده با کمک آن می‌خواهد این بخش از متن را بیان کند: «چاه‌های آب کشاورزان با تشویق سیاست‌گذاران آب را مکیده‌اند». طبق این بخش از متن، کشاورزان به دلیل قیمت ارزان برق، آب را با قیمت کمی از چاه بیرون می‌کشند، اما با آبیاری غرقابی آب را هدر می‌دهند. معنای ضمنی این پاره معنایی این است که کشاورزان از کار خود آگاهی ندارند و سیاست‌گذاران این وضع را ایجاد کرده‌اند.

منظور کاظمی از این پاره معنایی «برق برای کشاورزان و صنعتگران» «بسیار ارزان‌تر از بهای واقعی آن بوده است» این است که مصرف برق یک حلقه چاه بیشتر از یک کارخانه است، اما قیمت آب برای کشاورزی ارزان‌تر است. او به یارانه‌ای که به کشاورزان تعلق می‌گیرد اعتراض دارد. به همین دلیل قیمت برق را در بخش کشاورزی، با بخش صنعتی و خانگی و تجاری مقایسه می‌کند. به نظر می‌رسد با این مقایسه در پی آن است که قیمت برق کشاورزان اندک و غیرمنصفانه به نظر برسد.

بر اساس این جمله از متن «آب و برق ارزانی که دولت در اختیار مصرف‌کنندگان قرار داده، مصرف را افزایش داده است»، هدف دولت از عرضه ارزان برق و آب به کشاورزان کمک به عدالت بوده است، اما این تصور اشتباه، استحصال آب را افزایش داده است. طبق معنای ضمنی این بخش، قیمت‌گذاری سیاسی آب و سیاست خودکفایی اشتباه بوده است. نویسنده با ارائه آماری که وزیر نیرو ارائه داده، روند کاهش سرانه آب تجدیدپذیر را بیان می‌کند. پیش‌فرض او این است که دولت با کاهش سرانه تجدیدپذیر باید برای «جلوگیری از گشاده‌دستی و اسراف» تصمیمی جدی اتخاذ می‌کرد، اما چنین نشده است. منظور او از گشاده‌دستی قیمت ارزان آب و برق مصرف‌کنندگان است.

کاظمی (۱۳۹۵) در این قسمت با استناد به وزیر نیرو، سرانه آب تجدیدپذیر را در اوایل انقلاب با سال ۱۳۹۳ مقایسه می‌کند. این مقایسه حاوی این معنای ضمنی است که تنش آبی ایران نتیجه افزایش مصرف است و این افزایش مصرف بعد از انقلاب رخ داده است. برای بهبود اوضاع محیط‌زیست، قیمت آب و برق باید افزایش یابد: کاظمی در پایان سرمقاله، بحث خود را جمع‌بندی می‌کند. جان کلام متن در این اپیزود بیان می‌شود «افزایش قیمت آب تنها راه حل است».



کازمی در این سرمقاله نابودی منابع آب را به نظام اقتصادی ایران ارتباط می‌دهد و با بیان نظر فریدمن درباره شیوه‌های خرج کردن، می‌کوشد ادعای خود را علمی جلوه دهد. به نظر او، دولت آب را که مال خودش نیست، برای دیگری خرج می‌کند و نگران بهره‌وری آن نیست. طبق جملات معلوم این متن، دولت‌ها در مالکیت و قیمت‌گذاری آب نقش دارند و کشاورزان از مزایای این قیمت‌گذاری بهره‌جسته‌اند.

کازمی در قسمتی از متن، مفهوم دولت را معادل تمام بخش‌های حاکمیت در نظر می‌گیرد، اما در بخش‌های مختلف متن از واژه «دولت» استفاده می‌کند. با این‌گزینه و جایگزینی، نقش قوه مجریه و دولت‌های مختلف در قیمت‌گذاری آب و «گشاده‌دستی و دست و دلبازی» آن بیشتر از بخش‌های دیگر حاکمیت (مجلس، سیاست‌های کلان و ...) به چشم می‌آید و بخش‌های حاکمیتی دیگر کمتر رؤیت‌پذیر می‌شوند.

افزون‌براین، طبق تعریف تیول‌داری در متن، حکومت به دلیل نظام اقتصادی مالکیت را به دست می‌گیرد، اما در قسمت‌های مختلف متن، نقش «نظام اقتصادی» در قیمت‌گذاری آب حذف و نقش دولت در این زمینه برجسته شده است.

یکی از تناقض‌های این متن این است که قیمت‌گذاری آب را ناشی از نظام اقتصادی یا تیول‌داری مدرن جلوه می‌دهد، اما هنگام ارائه راهکار از بیان مستقیم تغییر نظام اقتصادی می‌پرهیزد و به این جمله اکتفا می‌کند «بنابراین باید به مکانیسمی فکر کرد که دولت‌ها خود را مالک محیط زیست ندانند وگرنه آن را به بهایی ناچیز می‌فروشند». می‌توان یکی از انگیزه‌های پنهان متن را تغییر نظام اقتصادی دانست.

آب در گفتمان این متن، نوعی سرمایه و کالاست. یکی از ایدئولوژی‌های پنهان در متن را می‌توان اقتصاد آزاد دانست. افزون‌براین، چاپ این مطلب را در روزنامه دنیای اقتصاد که روزنامه‌ای متعلق به بخش خصوصی است، می‌توان تلاشی برای ایجاد مطالبه برای تغییر نظام اقتصادی و حرکت آن به سمت بازار آزاد تلقی کرد.

این متن در سال ۱۳۹۵ و در زمان دولت یازدهم منتشر شده است. پیش‌فرض اصلی این سرمقاله (قیمت ارزان آب مصرف آن را افزایش می‌دهد) و درخواست آن مبنی بر «واقعی» شدن قیمت آب مطابق با بخش‌هایی از برنامه دولت یازدهم است:



با وجود محدودیت منابع، مصارف با شتاب زیادی در حال گسترش است. این نبود تعادل، منجر به فرسایش و تخریب منابع ارزشمند و راهبردی آب، خاک و انرژی و تخریب زیست‌بوم شده است. یکی از دلایل این مصرف بی‌رویه (که رکورددار جهانی است) ارزانی منابع و قیمت‌های ارزان داخلی است. اگر بهره‌برداران قیمت‌های واقعی آب مصرفی یا خاک تخریبی را بپردازند، ضمن رقابتی شدن تولید با کاهش مصرف و مهار تخریب پاسخ می‌دهند. حرکت هوشمندانه به طرف بازار آب و حرکت به سوی واقعی‌سازی قیمت آب در کشور قدم اول است (ایسنا، ۱۳۹۲).

طبق این برنامه است که «واقعی‌سازی قیمت حامل‌های انرژی ... باید در دستور کار قرار گیرد». به دنبال آن، در مرداد سال ۹۵، حدود یک ماه پس از انتشار این مطلب، مراحل از فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها عملی می‌شود و قیمت برق افزایش می‌یابد: محمودی قائم مقام وزیر نیرو ... معتقد است مطابق قانون هدفمندی افزایش تعرفه برق می‌بایست سالانه ۲۰ درصد باشد. درحالی‌که، سال گذشته این افزایش تعرفه اصلاً اتفاق نیفتاد و امسال هم از میانه‌های سال و در حدود نصف افزایش مجاز تعرفه یعنی در حدود ۱۰ درصد اعمال شده است (روزنامه ایران، ۱۳۹۵، ۵).

بنابراین، می‌توان این متن را در راستای تسهیل سیاست افزایش قیمت برق دانست. شاید به همین دلیل است که کاظمی از میان علل مختلفی که برای بحران آب برشمرده می‌شود، «چاه» را برگزیده تا بتواند نقش پایین بودن قیمت آب و برق را در افزایش مصرف آب نشان دهد. او می‌نویسد: «قیمت ارزان برق کشاورزان، بهره‌وری را کاهش و مصرف آب را افزایش داده است». همچنین، در قسمتی از متن با این ایده که آب و برق ارزان به خودکفایی و توسعه کمک می‌کند، مخالف است.

کاظمی در قسمت‌های پایانی متن، به نقل از وزیر نیرو، آمار سرانه آب تجدیدشونده در اوایل انقلاب را با سال ۱۳۹۳ مقایسه می‌کند تا تنش آبی کشور را نشان دهد. اما هنگام اشاره به بهای برق کشاورزی، قیمت‌های سال ۱۳۷۳ را بیان می‌کند که طبق آن بهای آب کشاورزی «فقط عدد دو و نیم ریال به ازای هر کیلووات ساعت» بوده است. به این ترتیب قیمت آب بسیار ناچیز به نظر می‌رسد. اما در هیچ قسمتی از متن، قیمت‌های آب و برق در



گذشته با قیمت فعلی آن مقایسه نمی‌شود. در نتیجه این آمارها «مصرف (اسراف)» بیشتر از «گشاده‌دستی» رؤیت‌پذیر می‌شود. در نهایت، افزایش قیمت آب راه‌حل انحصاری بحران آب جلوه داده می‌شود.

معانی محوری متون روزنامه شرق را در چهار مضمون کلی می‌توان جای داد: تغییر سیاست‌گذاری‌ها، تغییر نظام اقتصادی، صرفه‌جویی، توسعه پایدار. این معانی بدین شرح است: «بحران آب از ۶۰ سال پیش و با نگاه غلط به توسعه شکل گرفت، اشتباهات گذشته نباید تکرار شوند. باید راه‌حلی بوم‌سازگار برای برون‌رفت از بحران یافت. همه چیز در گرو تغییر سیاست‌گذاری‌های کلان کشور است. کمبود آب ناشی از کاربری غیر اقتصادی آن و رعایت نشدن حقابه‌های داخلی و بین‌المللی است. باید باور کنیم که در بحث نیازهای اساسی کشاورزی نمی‌توانیم به خودکفایی برسیم. بزرگ‌ترین مسئله امروز ما آب است، اما هنوز هیچ سیاستی در زمینه آب نداریم. راهبرد اساسی کاهش مصرف آب تغییر در ساختارهای تولید اقتصادی کشور است. / اوضاع آب در ۸ سال ریاست جمهوری احمدی‌نژاد بحرانی شد، صرفه‌جویی کنید. / برای برون‌رفت از بحران آب باید فرهنگ غنی و اصیل صرفه‌جویی را احیا کرد. / راه‌حل بحران صرفه‌جویی در بخش کشاورزی است و نه شرب که به این منظور باید دستگاه‌های ذی‌ربط راندمان کشاورزی را افزایش دهند».

معانی محوری متون روزنامه ایران را در سه دسته کلی می‌توان جای داد: ۱. نسبت دادن مسئولیت ایجاد و حل مسئله آب به مردم؛ ۲. تبلیغ اقدامات دولت در زمینه کاهش مصرف آب؛ ۳. زمان‌بر دانستن حل بحران. این معانی بدین شرح است: اقتصاد سیاسی ایران شخصیت نوکسیه را ایجاد کرده که به غارت منابع مشغول است، جامعه باید به فکر نجات خود باشد، مردم باید حرکت را آغاز کنند و به تغییر سیاست‌گذاران امیدی نداشته باشند/ فردگرایی نسل جوان جانی آب است و صرفه‌جویی مشکل کم‌آبی را حل می‌کند/ اقدامات دولت یازدهم برای استفاده بهینه از آب بی‌نظیر است و به این منظور از روش‌های آبیاری نوین و بالا بردن راندمان مصرف آب استفاده می‌کند. / برای حل بحران آب باید قیمت آب را افزایش داد/ بحران آب طی دهه‌های اخیر شکل گرفته و یک شبه حل نخواهد شد.



معانی محوری متون روزنامه دنیای اقتصاد بدین شرح است: افزایش قیمت آب تنها راه‌حل است. / بحران بی‌آبی را خود ما [مردم و مسئولان] ایجاد کرده‌ایم. / ضایعات کشاورزی به دلیل ضعف مدیریتی، آب را می‌بلعد. / سیاستمداران با خطاهای فاحش ما را به بحران رسانده‌اند و حالا هم انگشت اتهام را به سوی جامعه گرفته‌اند، به جای آنکه بر اصلاحات در سطوح بنیادین و زیرین فرهنگی تأکید کنیم که بسیار زمان‌بر و دیر اثر است، باید اصلاحات را به سرعت از سطوح بالاتر یعنی از مدیریت و از تخصیص منابع آغاز کنیم. [افزایش قیمت آب] / سیستم فاسد مدیریت آب مسئول بحران است. / انحصار دولت در مدیریت و مالکیت آب، بحران آب و هزاران فساد و تباهی در پی دارد و پایین نگه داشتن بهای آن با یارانه، تشویق برای اسراف بیشتر آب است. این موارد را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: مدیریت، سیاستمداران و مالکیت دولتی آب بحران را ایجاد کرده است.

معانی محوری مطالب روزنامه کیهان در دو دسته جای می‌گیرد: ۱. اشاره به نقش صرفه‌جویی و اقدامات فنی در جلوگیری از ایجاد بحران؛ و ۲. نقد کارکرد وزارت نیرو. این معانی محوری بدین شرح است: با صرفه‌جویی، احداث سد و آبخیزداری می‌توان از بحرانی شدن اوضاع جلوگیری کرد. / خشکسالی امسال بسیار شدید است و وزارت نیرو اقدام مفیدی برای آن انجام نداده است.

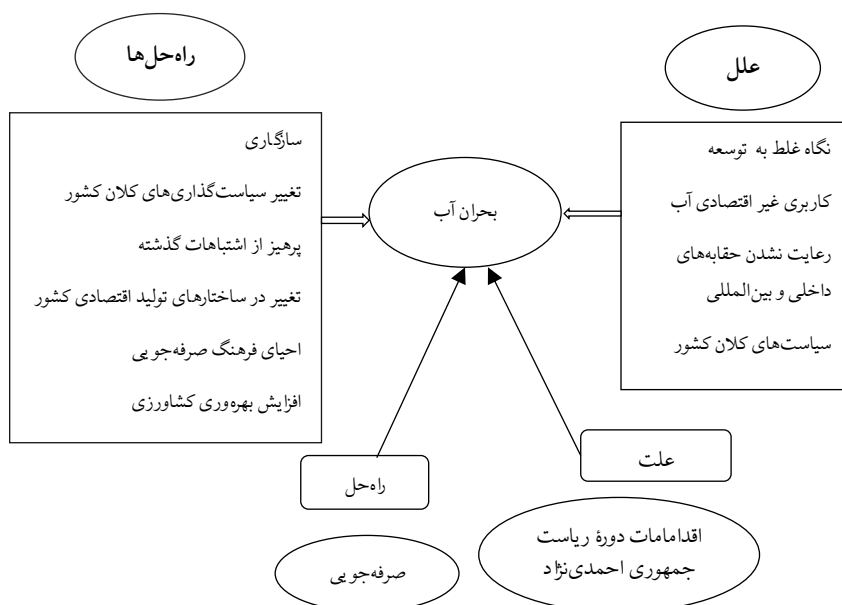
نحوه صورت‌بندی گفتمانی مسئله آب ایران در روزنامه‌های بررسی شده به تفکیک روزنامه به شرح زیر است:

روزنامه شرق: شکل شماره (۱) نحوه صورت‌بندی گفتمان مسئله آب را در روزنامه شرق نشان می‌دهد. به طور کلی، این روزنامه دو گفتمان از مسئله آب ارائه می‌دهد. گفتمان اول کلان است و جوانب بیشتری از مسئله آب را در بر می‌گیرد. در حالی که گفتمان دوم، در حاشیه و محدود است و علت مسئله آب را به ۸ سال ریاست‌جمهوری تقلیل می‌دهد. طبق گفتمان اول، که گفتمان غالب روزنامه شرق است و با رنگ سبز نشان داده شده، سیاست‌های کلان و رویکرد نادرست به توسعه بحران را ایجاد کرده است. این گفتمان راه‌حل مسئله را تغییر سیاست‌ها، تغییر ساختارهای تولید و سازگاری با طبیعت قلمداد می‌کند. در گفتمان روزنامه شرق فرامرزی بودن مسئله آب نیز دیده می‌شود. بنابراین،



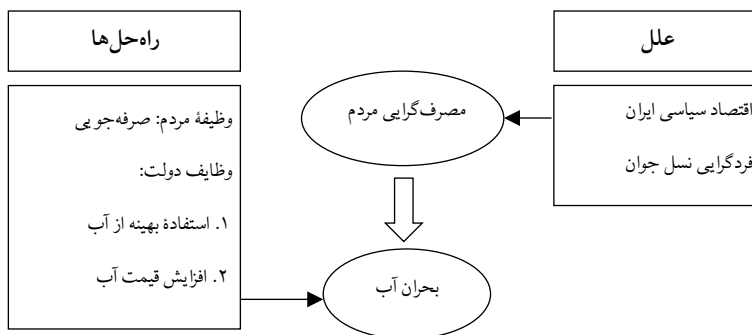
گفتمان غالب این روزنامه، مسئله آب را مسئله‌ای صرفاً جناحی قلمداد نمی‌کند و ابعاد گسترده‌تری از این مسئله را رؤیت‌پذیر می‌کند. افزون‌بر این، در این روزنامه هم نقش مردم در ایجاد سیاست‌های پوپولیستی مخرب محیط‌زیست رؤیت‌پذیر می‌شود و هم منافع مسئولان (کسب رأی).

گفتمان دوم، دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد را علت ایجاد بحران محسوب می‌کند. در این خرده‌گفتمان راه‌حل مسئله صرفه‌جویی است. شرق متعلق به اصلاح‌طلبان است و اصلاح‌طلبان حامی دولت یازدهم و دوازدهم بودند. بیشتر متون شرق با هدف پنهان زمینه‌سازی برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت یازدهم و دوازدهم (نظیر طرح تعادل‌بخشی آب‌های زیرزمینی) منتشر شده است. شرق با ارائه این خرده‌گفتمان از نقد عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم می‌پرهیزد و وظیفه مسئولان دولت روحانی را به درخواست صرفه‌جویی از مردم محدود می‌کنند.



شکل ۱. صورت‌بندی‌های گفتمانی مسئله آب در روزنامه شرق

روزنامه ایران: در گفتمان روزنامه ایران، ساختارهای کلان (اقتصاد سیاسی ایران، فردگرایی) سبب مصرف‌گرایی مردم شده‌اند و به این طریق بحران را ایجاد کرده‌اند و دولت با ایجاد این ساختارها هیچ ارتباطی ندارد. در گفتمان این روزنامه مردم باید برای حل مسئله آب «صرفه‌جویی» کنند. وظیفه دولت نیز «استفاده بهینه از آب» و «افزایش قیمت آب» است. روزنامه ایران، متعلق به دولت است و این گفتمان در راستای مسئولیت‌زدایی از دولت و رؤیت‌ناپذیر ساختن نقش آن در ایجاد بحران است. این روزنامه جامعه را ناجی آب جلوه می‌دهد و آنان را از تغییر سیاست‌گذاری‌های دولتی دلسرد می‌کند. در واقع، با سپردن وظیفه حل بحران آب به مردم، نقش و وظایف مسئولان را به حاشیه می‌راند. با توجه به اینکه دولت روحانی با وعده‌های محیط‌زیستی روی کار آمده بود، گفتمان روزنامه دولتی ایران را می‌توان در راستای کاهش مطالبات از دولت روحانی دانست. نسبت دادن سدسازی‌ها به امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در این روزنامه نیز نوعی مبرا کردن مسئولان و سیاست‌گذاران بعد از انقلاب و به حاشیه راندن نقش منافع شرکت‌های سدسازی است.

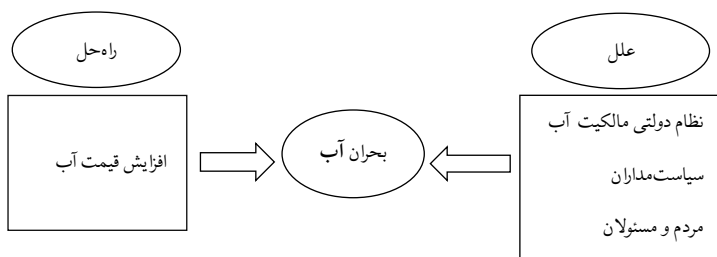


شکل ۲. صورت‌بندی گفتمانی مسئله آب در روزنامه ایران

روزنامه دنیای اقتصاد: در گفتمان روزنامه دنیای اقتصاد ترکیبی از عوامل (نظام مالکیت دولتی آب، سیاست‌مداران، مردم و مسئولان) بحران را ایجاد کرده است و افزایش قیمت آب راهکاری است که برای حل بحران پیشنهاد می‌شود. این روزنامه، خصوصی و حامی «اقتصاد رقابتی» است. نحوه صورت‌بندی مسئله آب در این روزنامه، هم‌راستا با خط‌مشی آن است.



به نظر می‌رسد تغییر نظام اقتصادی و ایجاد بازار آب، زمینه‌سازی برای افزایش قیمت آب انگیزه پنهانی این روزنامه از انتشار مطالب مربوط به بحران آب است. گفتمانی که این روزنامه از آب ارائه می‌دهد حامی ایدئولوژی بازار آب است و آن را طبیعی جلوه می‌دهد. این روزنامه، تغییرات نظام مالکیت آب، ناگزیر جلوه داده می‌شود و عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌ای که در ایجاد این رویدادها نقش داشته‌اند، رؤیت‌ناپذیر می‌شوند.



شکل ۳. صورت‌بندی گفتمانی مسئله آب در روزنامه دنیای اقتصاد



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۱۴

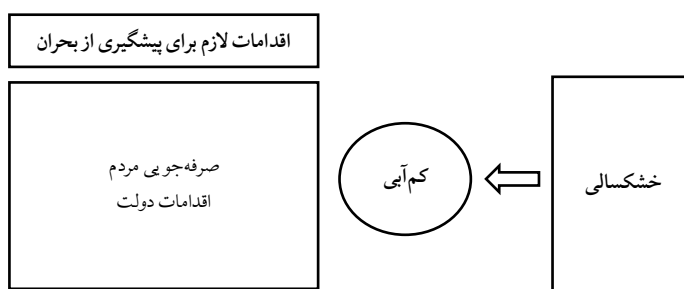
دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

روزنامه کیهان: در گفتمان روزنامه کیهان، کم‌آبی ناشی از خشکسالی است و وزارت نیرو باید آن را با اقدامات خود حل کند. افزون‌براین، بحران آب حذف شده و اقداماتی نظیر صرفه‌جویی، احداث سد و آبخیزداری از بحرانی شدن اوضاع جلوگیری می‌کند. کیهان کم‌آبی را به خشکسالی تقلیل می‌دهد. به این ترتیب، مشکلات اجتماعی، اعمال قدرت و سیاست‌ها رؤیت‌ناپذیر می‌شوند. در این شرایط کنشگری و تغییر وضع موجود بی‌معنا می‌شود و کاری که افراد می‌توانند انجام دهند، انتظار برای باران است و دعا و نماز، یعنی همان اموری که کیهان مردم را در حال انجام دادن آن نشان می‌دهد.

این روزنامه، سرآمد طیف محافظه‌کار و نماینده بخش انتصابی حاکمیت است. با توجه به اینکه در بازه زمانی تحقیق مناقشه هسته‌ای به مسئله اصلی کشور تبدیل شده بود، حذف بحران آب در گفتمان این روزنامه را می‌توان این‌طور تفسیر کرد که در این دوران، توجه بخشی از حاکمیت که روزنامه کیهان آن را نمایندگی می‌کند، به دشمن خارجی و مسائل امنیتی معطوف شده است و به این دلیل، کم‌آبی در مقایسه با این موضوعات

کم اهمیت قلمداد شده و حتی مسئله آب نیز در این روزنامه با دیدی امنیتی و در سایه این مسائل بررسی شده است. به همین دلیل است که در این روزنامه بر حفظ آب های شیرین و پرهیز از آلودگی آن و تهدید دشمن خارجی به واسطه کمبود آب شیرین تأکید می شود. مسئله ای که در روزنامه های دیگر چندان مورد تأکید نیست.

همچنین، فروکاست مسئله آب به کمبود ناشی از خشکسالی در این روزنامه، نشان می دهد بخشی از حاکمیت، مسئله بودن آب را چنان که باید به رسمیت شناخته است.



شکل ۴. صورت بندی گفتمانی مسئله آب در روزنامه کیهان

۶. نتیجه گیری

در این پژوهش مطالب مربوط به مسئله آب ایران در روزنامه های شرق، ایران، کیهان و دنیای اقتصاد طی ۹ سال (از ۱۳۹۰/۱/۱ تا ۱۳۹۸/۱۲/۲۹) با روش تحلیل گفتمان انتقادی بررسی شدند. طبق نتایج، گفتمانی که مسئله آب را فراجناحی در نظر می گیرد، به روزنامه های شرق و دنیای اقتصاد راه یافته است. حضور گفتمان فراجناحی در این روزنامه ها که در مقایسه با روزنامه ایران و کیهان وابستگی حاکمیتی ندارند، نشان می دهد روزنامه های مستقل تر گفتمان متکثرتری از مسئله آب ارائه می دهند و به ابعاد گسترده تری از این موضوع توجه می کنند. همان طور که باندا^۱ اشاره می کند کشورهایی که با مخاطرات شدید مواجه اند، می توانند با کارآمد کردن رسانه های آزاد، مستقل و کثرت گرا به ثبات

1. Banda





برسند. به‌ویژه اکنون که با ظهور رسانه‌های اجتماعی، دسترسی به رسانه‌ها بیش از قبل تسهیل شده است (باند، ۲۰۱۵، ۱۲-۱۰). با در نظر گرفتن این موضوع و با توجه به مسائل محیط‌زیستی که ایران با آن مواجه است، تقویت روزنامه‌نگاری توسعه که برنامه‌ها را با دید انتقادی و ارزیابانه بررسی کند، بیش از گذشته احساس می‌شود. همانطور که آگان اذغان می‌کند این نوع روزنامه‌نگاری مستلزم مستقل بودن رسانه‌های جمعی از دولت است (آگان، ۱۹۸۲، ۱۰).

نحوه صورت‌بندی گفتمان مسئله آب در روزنامه‌های ایران و کیهان را می‌توان به حضور روزنامه‌نگاری توسعه‌ای (و نه روزنامه‌نگاری توسعه) در این رسانه‌ها نسبت داد. روزنامه‌نگاری توسعه‌ای، مستقل نیست. در این نوع روزنامه‌نگاری، رسانه در خدمت حکومت است. در صورت‌بندی گفتمانی روزنامه ایران از مسئله آب، دولت به دنبال اجرای بهترین راهکارها برای رفع بحران آب است. افزون‌براین، نقش دولت در ایجاد بحران رویت‌ناپذیر نشده است. در گفتمان روزنامه کیهان نیز، بحرانی بودن آب حذف می‌شود و مسئله در حد کم‌آبی ناشی از خشکسالی تقلیل می‌یابد. گفتمان این روزنامه‌ها، نوعی حمایت از پارادایم نوسازی است که با تأکید بر رشد اقتصادی و توسعه فناوری پیامدهایی نظیر کمبود آب را به دنبال داشته است. در صورت‌بندی گفتمانی این روزنامه‌ها، مشکلات مربوط به آب ناشی از سیاست‌ها و اعمال قدرت نیستند، به‌ویژه در روزنامه کیهان که کم‌آبی به خشکسالی نسبت داده می‌شود. در پارادایم نوسازی توسعه است که مشکلات اجتماعی تاریخی قلمداد می‌شوند تا طبیعی به نظر برسند. به این ترتیب، سیاست‌ها، اعمال قدرت و مدیریت نادرستی که در ایجاد مشکلات نقش داشته‌اند، رویت‌ناپذیر می‌شوند. همچنین، گفتمان روزنامه‌های ایران و کیهان، مردم و فرهنگ آنان را مسبب کم‌آبی قلمداد می‌کنند. درحالی‌که، ملکات و استیوز معتقدند که اجتماعات به دلیل شعار توسعه‌گرایی، کنترل خود را بر سبک زندگی و منابع طبیعی از دست داده‌اند و در پی آن، ارزش فرهنگ محلی و روال‌های اجتماعی از بین رفته است (ملکات و استیوز، ۱۳۸۸، ۴۰۲). نگاهی به گذشته ایران بیانگر فرهنگ غنی در زمینه آب است. فرزانه و همکاران می‌نویسند در گذشته، قواعد غیررسمی مبتنی بر عرف و روابط بین مردم برداشت آب را تعیین می‌کرد. در این دوران

«باورها» نقش برجسته‌ای داشتند و بهره‌برداری اندک بود (فرزانه، باقری و رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶، ۷۰).

کیهان، سرآمد طیف محافظه‌کار و نماینده بخش انتصابی حاکمیت است. در گفتمان این روزنامه بحرانی بودن آب حذف شده و کم‌آبی ناشی از خشکسالی است. گویی اذعان به بحرانی بودن آب، نوعی شکست در سیاست‌های داخلی قلمداد می‌شود. شاید به همین دلیل است که این روزنامه از نقد سیاست‌های کلان مربوط به آب می‌پرهیزد. حذف بحران آب در روزنامه کیهان با نتایج پژوهش نوروزی مشابه است که «رسانه ملی ... مسئله بحران آب را به حاشیه رانده است و... مسئله بحرانی بودن آب حذف شده است» (نوروزی، ۱۳۹۶، ۱۵۹-۱۵۸). شباهت بین گفتمان ارائه‌شده از مسئله آب در روزنامه کیهان و تلویزیون ایران، بیانگر نحوه نگاه بخش انتصابی حاکمیت به مسئله آب است.

افزون‌براین، فروکاست مسئله آب به کمبود ناشی از خشکسالی در گفتمان کیهان، نشان می‌دهد بخشی از حاکمیت، مسئله بودن آب را چنان‌که باید به رسمیت نشناخته است. درحالی‌که، برای حل هر مشکلی نخست باید وجود آن را تصدیق کرد. در واقع، این مسئله ممکن است مانع بزرگی بر سر راه حل مشکل آب باشد و افکار عمومی را بیش‌ازپیش مغشوش کند. به عبارت روشن‌تر، اطلاعات متناقض درباره مسئله آب، در شرایطی که هم‌صدایی رسانه‌ها مورد نیاز است، حل مسئله را دشوار می‌کند. مشارکت و هم‌رأی بودن نهادهای مختلف می‌تواند گامی برای حل مسئله باشد. همان‌طور که در گزارش ملی سیلاب‌ها عنوان شده است «نهاد دولت و حاکمیت، نهاد دانشگاه و علم و نهاد جامعه و جامعه مدنی در برابر همه مسائل و بحران‌های طبیعی و اجتماعی ناگزیر از هم‌رأیی و هم‌راهی‌اند» (خانیکی، ۱۳۹۸).

در گفتمان این روزنامه‌ها، نقش شرکت‌هایی که به رانت وابسته‌اند و منافع آنان در طرح‌های فنی مربوط به آب است، رؤیت‌ناپذیر است. افزون‌براین، قوه مجریه و دولت‌های مختلف بیش از نهادهای حکومتی دیگر (نمایندگان مجلس، شورای نگهبان و...) نقد می‌شود، اما سهم نهادهای دیگر حکومتی در ایجاد بحران آب و وظایف آنان در حل این مسئله، به حاشیه رانده می‌شود. فقط روزنامه شرق است که تا حدی به این موضوعات توجه





کرده است. این مسئله را بیشتر می‌توان در مواردی به محافظه‌کاری روزنامه‌ها و کنترل آنها نسبت داد. در مواردی نیز این امر، بیانگر نگاه سطحی نویسندگان به مسئله آب است. افزایش قیمت آب یکی از راهکارهایی است که در گفتمان روزنامه‌های ایران و دنیای اقتصاد برای مسئله آب در نظر گرفته می‌شود.

این راهکار بیانگر کالانگاری از آب، حمایت این روزنامه‌ها از ایدئولوژی بازار و طبیعی‌سازی آن است. برخی محققان نظیر لیتون^۱ بر این نظرند که در رژیم نوین جهانی آب، ایده افزایش بهره‌وری آب و انتزاع^۲ آن به «کالایی اقتصادی»، نقشی اساسی بر عهده دارد (لیتون، ۲۰۰۷). باید در نظر داشت که اگر آب را کالا یا منبع در نظر بگیریم، عده‌ای این امکان را خواهند داشت تا آن را برای اهداف فناورانه و اقتصادی به کار ببرند. یکی از پیامدهای فروکاست ارزش آب به کالا، این است که در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های مختلف فقط شکل کاربری آن تغییر خواهد کرد. به این ترتیب، زمانی آب برای کشاورزی صرف خواهد شد و زمانی دیگر برای صنعت و نظایر آن. به نظر نمی‌رسد این راهکار، برای حل مسئله مصرف زیاد آب کافی باشد. یکی از وظایف روزنامه‌نگاری محیط‌زیست پیش‌بینی وقایع است. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود روزنامه‌نگاران محیط‌زیست بر مواردی نظیر این موضوع بیشتر توجه داشته باشند تا با واکاوی و نقد آن، به جای واکنشی عمل کردن، پیش‌گیرانه عمل کنند.

1. Linton

2. abstracting

منابع

- ایسنا (۱۳۹۲). متن کامل برنامه، اصول کلی و خط مشی دولت روحانی. خبرگزاری ایسنا. برگرفته از: <https://www.isna.ir/print/92051408247/%D9%85%D8%AA%D9%86->
- آسابرگر، آرتور (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان کاربردی (مترجم حسین پاینده). تهران: مروارید. (تاریخ اصل اثر ۲۰۱۶)
- بدیعی، نعیم؛ و قندی، حسین (۱۳۸۳). روزنامه‌نگاری نوین. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- پژوهشکده اقلیم‌شناسی (۱۳۹۶). آشکارسازی، ارزیابی اثرات و چشم‌انداز تغییر اقلیم در ایران طی قرن بیست و یکم. مشهد: پژوهشکده اقلیم‌شناسی.
- خانیکی، هادی (۱۳۹۸). سخن اول. در مطالعه و ارزیابی ابعاد اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای و روان‌شناختی سیلاب‌های ۱۳۹۸. تهران: هیئت ویژه گزارش ملی سیلاب‌ها. برگرفته از <https://nfr.ut.ac.ir/file/download/page/1618661384-social-working-group.pdf>
- خانیکی، هادی؛ و موسوی، سیده‌ثریا (۱۳۹۸). بازنمایی مسئله آب ایران در روزنامه‌ها؛ تحلیل محتوای روزنامه‌های ایران، شرق، دنیای اقتصاد و کیهان از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۴)، ۱۹۹-۱۶۷. doi: 10.22035/isih.2020.3654.3835
- دوستان، رضا (۱۳۹۴). تحلیلی بر خشکسالی‌های ایران در نیم قرن گذشته. پژوهش‌های اقلیم‌شناسی، ۶(۲۳ و ۲۴)، ۱-۱۸.
- روزنامه ایران (۲ آذر ۱۳۹۵). قائم مقام وزیر نیرو خبر داد: افزایش ۱۰ درصدی تعرفه برق خانگی از مرداد ۹۵. روزنامه ایران. شماره ۶۳۶۵، برگرفته از <https://www.magiran.com/article/3469314>
- عاملی، سیدسعیدرضا؛ بیچرانلو، عبدالله؛ بهار، مهری؛ و غلامی، فرزاد (۱۳۹۸). تدوین الگوی مفهومی ارتباطات آب؛ ظرفیت‌های ارتباطات برای مدیریت بحران آب در ایران. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۳)، ۱۷۱-۱۹۹. doi: 10.22035/isih.2020.3515.3719
- فرزانه، محمدرضا؛ باقری، علی؛ و رضایی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۶). بنیان‌های نهادی بحران در مدیریت منابع آب زیرزمینی ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۹، ۵۷-۹۴. doi: 10.22054/JOER.2017.7668
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان (مترجم: گروه مترجمان). تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
- فلیک، اووه (۱۳۹۲). درآمدی بر تحقیق کیفی (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نشر نی
- کاشی، غلامرضا (۱۳۸۷). تحلیل گفتمان - بیرون از هزارتوی تئوری‌ها. فصلنامه رسانه، ۱۹(۱)، ۱۹۴-۱۸۷.
- لیندلف، تامس، آر. (۱۳۹۷). روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات (مترجم: عبدالله گیویان). تهران: همشهری.





- محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی، ضد روش (جلد ۱). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمودی، بیوک (۱۳۹۰). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ملکات و استیوز (۱۳۸۸). ارتباطات توسعه در جهان سوم (مترجم: شعبانعلی بهرام‌پور). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نوروزی، لیلا (۱۳۹۶). پوشش آب در برنامه‌های تلویزیون: تحلیل محتوای کیفی برنامه‌های مربوط به آب در شبکه دو سیما جمهوری اسلامی ایران در سه ماهه تابستان ۱۳۹۶ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارتباطات اجتماعی). دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- ویدوسن، اچ.جی (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان (مترجم: نگار ایل‌غمی و نگار داوری اردکانی). تهران: جامعه‌شناسان.
- هانیکان، جان (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی محیط‌زیست (مترجم: موسی عنبری و همکاران). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- Anderson, A. G. (2014). *Media, environment and the network society*. London: Palgrave Macmillan.
- Banda, F. (2015). Introduction: A conceptual framework for media as sustainable development in *Teaching journalism for sustainable development*, France: UNESCO Retried from <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000233878>
- Bavadam, L. (2010). Environmental stories among the most challenging. In *The Green Pen: Environmental Journalism in India and South Asia*. India: SAGE Publishing
- Castrechini, A., Pol, E., & Guàrdia-Olmos, J. (2014). Media representations of environmental issues: From scientific to political discourse. *European Review of Applied Psychology*, 64(5), 213–220. doi:10.1016/j.erap.2014.08.003
- Cox, R., & Pezzullo, Ph C. (2017). *Environmental communication and the public sphere (Forth Edition)*. SAGE Publications
- Domatob, J. K., & Hall, S. W. (1983). Development journalism in black Africa. *Gazette (Leiden, Netherlands)*, 31(1), 9–33. doi:10.1177/001654928303100102
- Fairclough, N., & Wodak, R. (1997). Critical discourse analysis. In *Discourse as Social Interaction: Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*, T. A. Van Dijk (Ed.) Vol. 2. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Friedman, S, M. (2015). The changing face of environmental journalism in the United States in *The Routledge Handbook of Environment and Communication*, Hansen, A, and Cox, R, (Eds). Routledge.
- Hansen, A. (2017). Media Representation: Environment. *The International Encyclopedia of Media Effects*, 1–12. doi:10.1002/9781118783764.wbieme0148



- Hussein, H. (2016). *An analysis of the discourse of water scarcity and hydropolitical dynamics in the case of Jordan*. (Unpublished doctoral dissertation), School of International Development, University of East Anglia (UEA), Norwich, England.
- Kalyango, Y., Hanusch, F., Ramaprasad, J., Skjerdal, T., Hasim, M. S., Muchtar, N., ... Kamara, S. B. (2016). Journalists' development journalism role perceptions. *Journalism Studies*, 18(5), 576–594. doi:10.1080/1461670x.2016.1254060
- Linton, J.I. (2007). *What is Water? The History and Crisis of a Modern Abstraction* (Unpublished doctoral dissertation). Department of Geography and Environmental Studies, Carleton University, Ottawa, Canada.
- Ogan, C. L. (1982). Development Journalism/Communication: The Status of the Concept. *Gazette* (Leiden, Netherlands), 29(1-2), 3–13. doi:10.1177/001654928202900101
- Rademakers, L. (2004). *Examining the handbooks on environmental journalism: A qualitative document analysis and response to the Literature*. (Master thesis), University of South Florida, Florida, United States.
- Radhika, M. (2015). Journalism and sustainable development. In *Teaching journalism for sustainable development*, France: UNESCO. Retrived from: <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000233878>
- Shah, H. (2008). Development Journalism. In *The International Encyclopedia of Communication*. doi:10.1002/9781405186407.wbiecd031



تأملی بر حکمرانی مشترکات در ایران: مطالعه موردی حکمرانی آب رودخانه محلی

محمد مهدی کمال^۱، هادی امیری^{۲*}، وحید مقدم^۳، داریوش رحیمی^۴

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

چکیده

بهره‌برداری و مالکیت مشترکات از مباحث فقهی است که نظرات متنوعی را شامل می‌شود. مطالعه حاضر با این فرض که در حکمرانی مشترکات، همچون سایر ابواب معاملات، عرف و دانش تجربی نقش مهمی دارد، شواهدی از حکمرانی و مشکلات آن در یکی از نظام‌های آبیاری خردمقیاس ایران، ارائه شده است. در این مقاله داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق، کانونی، مشاهدات میدانی و اسناد فراهم آمده و با چارچوب تحلیل و توسعه نهادی (IAD) تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد، بهره‌برداران در طول زمان، با استفاده از ویژگی‌های منبع، نوعی نظام بهره‌برداری را سامان داده بودند که در آن بهره‌برداران بالادست قدرتی در بهره‌برداری نسبت به پایین دست نداشتند. اما پس از آن که دولت با قانون ملی کردن منابع طبیعی نقش اصلی را در حکمرانی این حوزه بر عهده گرفت، با صدور مجوزهای حفر چاه، ترتیبات نهادی بهره‌برداران در سطح کنش جمعی را به حاشیه رانده و به دلیل عدم آگاهی از دانش بومی موجب ایجاد نزاع بین بهره‌برداران شد. بنابراین، هم تاب‌آوری سیستم اقتصادی و اجتماعی کاهش یافته و هم موجب برون‌رانی مردم از حکمرانی محلی شده است. این یافته‌ها حاکی از آن است که رویکرد حکمرانی مشترکات مبتنی بر خوانش فعلی از قواعد فقهی مربوطه، امکان انطباق با شرایط محیطی را ندارد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل نهادی، خودحکمرانی، مشترکات، نظام آبیاری، مداخله دولت

۱. دانش‌آموخته دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، ایران

۲. استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

✉ h.amiri@ase.ui.ac.ir

۳. استادیار معارف، گروه مطالعات اهل بیت(ع)، دانشگاه اصفهان، ایران

۴. دانشیار جغرافیای طبیعی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشگاه اصفهان، ایران

۱. مقدمه

هر چند نقش دین در تنظیم قواعد مالکیت و بهره‌برداری ایران سابقه طولانی دارد اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش شد تا قواعد اسلامی وضع شود و یا حداقل مغایرتی با فقه اسلامی نداشته باشد. در برخی حوزه‌ها از جمله حکمرانی مشترکات، بخشی از آنها به صورت انفال در اختیار حاکم جامعه اسلامی تعریف شد (اصل ۴۵ قانون اساسی، ۱۳۵۸). اما از آنجاکه در ساختار حکمرانی ایران، دولت به عنوان بازوی اجرایی حکومت اسلامی تعریف شده است، قاعده‌گذاری و دخالت دولت در حکمرانی مشترکات پررنگ‌تر شده است. تجربه نشان می‌دهد، با پیشرفت‌های سریع فناوری‌های استحصال آب، منابع مشترکی مانند شیلات، جنگل‌ها، مراتع و آب‌های سطحی و زیرزمینی در معرض تخلیه کامل قرار گرفته‌اند. مقاله معروف هاردین^۱ (۱۹۶۸) با عنوان «تراژدی منابع مشترک» که در نشریه معروف ساینس^۲ منتشر شد، نتیجه فاجعه‌بار دسترسی آزاد عموم به چنین منابعی و برداشت بی‌رویه را ذکر می‌کند. هر چند هاردین راه‌حل قانون‌گذاری دولتی و اجبار بهره‌برداران به تبعیت از آنها را مطرح می‌کند، اما در سابقه تاریخی روش‌های دیگری مانند خصوصی‌سازی نیز مطرح بوده که مورد حمایت اقتصاددانان قرار گرفته است (مارتین و فورتون^۳، ۲۰۱۹، ۲۰۰). چرا که از نظر آنها، مالکان خصوصی انگیزه بهره‌برداری پایدار از منابع را دارند. به علاوه خصوصی‌سازی می‌تواند به تقویت انگیزه سرمایه‌گذاری و نوآوری منجر شود (اکیسون^۴، ۲۰۰۸، ۱۲۰).

تخریب مشترکات در طول زمان نشان داد که دولت‌ها نه تنها نتوانسته‌اند شکست‌های بازار را برطرف کنند بلکه شکست دولت می‌تواند آثار بدتری نیز به همراه داشته باشد. خصوصی‌سازی منابع مشترک نیز راه‌گشا نبوده است. استروم و همکاران^۵ در طول دهه‌های هفتاد تا ۹۰ در کارگاه «توسعه و تحلیل نهادی در دانشگاه ایندیانا»، مطالعات میدانی گسترده‌ای را در زمینه نمونه‌های موفق مدیریت منابع طبیعی انجام دادند. این مطالعات موجب شد تا جریان علمی اقتصاد متعارف به سمت پذیرش نوع دیگری از حکمرانی حرکت کرده و در کنار



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۲۴

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳

1. Hardin
2. Science
3. Furton & Martin
4. Acheson
5. Ostrom



دوگانه معروف دولت و بازار، قالب حکمرانی دیگری تحت عنوان «خودسازماندهی بر مبنای کنش جمعی» نیز به رسمیت شناخته شود (ویلمایر توماس و همکاران، ۲۰۱۹، ۴۵-۴۴).

خودحکمرانی به معنای ساختارهای حکمرانی متشکل از خودبهره‌برداران برای قاعده‌گذاری در زمینه افراد مجاز به بهره‌برداری از منبع، شیوه مجاز بهره‌برداری از منبع، نظارت بر اجرای قواعد و مجازات متخلفان است. هرچند که ساختارهای حکمرانی خودسازمان‌یافته در موارد مختلفی توانسته‌اند با استفاده از کنش جمعی مسائل متعدد زیست‌محیطی به‌ویژه مشترکات را حل نمایند، با این وجود، این نوع حکمرانی نیز به عنوان راه‌حل جامع تمامی مسائل زیست‌محیطی و حتی جایگزین ساختارهای بازار و دولت مطرح نیست؛ زیرا در کنار شکست دولت و شکست بازار، خودسازماندهی نیز در موارد مختلفی دچار شکست می‌شود (اکیسون، ۲۰۰۸، ۱۲۰).

از آنجا که مسائل حکمرانی ناهمگن است، حل آنها نیز ناهمگن خواهد بود (استروم، ۱۹۹۰). شناخت این پاسخ‌ها ضمن اینکه نیازمند نگاه بین‌رشته‌ای است، از منظر کشف دانش‌بومی بهره‌برداران به‌عنوان یک میراث فرهنگی جالب توجه بوده و مطالعات زیادی در دنیا و ایران در این زمینه انجام شده است. به‌عنوان مثال، در زمینه دانش‌بومی آبیاری می‌توان به سعیدی‌گراغانی و ارزانی و رزاقی (۱۳۹۵)، یوسفی و وثوقی (۱۳۹۲)، رستگاری (۱۳۹۰)، رضایی و اسحاقی (۱۳۹۰)، سپهری، ابراهیم‌پور، و زارعی (۱۳۹۰)، صدرالساداتی و خادمی (۱۳۹۰)، یوسفی و همکاران (۱۳۹۰) اشاره نمود. بیشتر این مطالعات بیشتر دارای جنبه‌های قوم‌نگارانه است و با رویکرد نهادگرایی صورت نگرفته است.

حکمرانی آب حداقل به دو دلیل، پیچیده است: نخست، معیشت بخش زیادی از جمعیت روبه‌رشد به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه برای کشاورزی، دامداری، گرمایش، ماهیگیری و... به بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک بستگی دارد که بهره‌برداری در نرخ‌های اندک گذشته را غیرممکن می‌سازد (باربیر^۱، ۲۰۰۵، ۴۷-۴۰)؛ دوم، در کنار رشد جمعیت و رشد اقتصادی، تغییر الگوهای بهره‌برداری و برداشت از منابع که به لطف توسعه فناوری ممکن شده، موجب فشار در جهت تغییر الگوهای حکمرانی سابق شده است (اکیسون،



۲۰۰۸، ۱۱۸-۱۲۱). این دلایل، تحول در حکمرانی‌های بومی را ناگزیر ساخته است؛ بنابراین، مسئله نه انتخاب بین حکمرانی‌های سابق و جدید، بلکه چگونگی تحول کارآمد در حکمرانی است. بر همین اساس دولت‌ها برای افزایش تاب‌آوری و پایداری در زمان مواجهه با تغییرات برون‌زا و به‌دنبال جلوگیری از بهره‌برداری بی‌رویه، در ساختارهای خودحکمرانی ورود کرده و در صورت امکان تعدیل لازم در قواعد حاکم را تسهیل می‌کنند و یا با استفاده از سازوکارهای رسمی و قانونی از حقوق مالکیت مورد نظر بهره‌برداران حمایت می‌کنند.

حکمرانی مشترکات از جمله آب در ایران متأثر از احکام فقهی است. مطالعات متعددی به مباحث فقهی درخصوص بهره‌برداری و مالکیت مشترکات پرداخته‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان به این موارد اشاره کرد: فراهانی‌فرد (۱۳۸۵ و ۱۳۹۴)؛ فراهانی‌فرد و صادقی (۱۳۸۵)؛ فیاضی (۱۳۹۲)؛ ملایی و رجایی (۱۳۹۴)؛ عربی، رضایی و طاهرنیا (۱۳۹۵). از جمع‌بندی آیات و روایات مربوطه، یک استنباط این است که در حکمرانی مشترکات، همچون سایر ابواب معاملات، عرف و دانش تجربی نقش مهمی دارد (مقدم و همکاران، ۱۳۹۷).

مطالعه حاضر تلاش می‌کند تا برای بررسی یکی از مسائلی که از دیرباز در زمینه آبیاری با استفاده از آب‌های سطحی مطرح بوده، ابتدا ویژگی‌های حکمرانی نظام آبیاری اولیه را استخراج نموده و سپس تحولات آن در طول زمان به‌ویژه ورود دولت را ارزیابی نماید. این ارزیابی به‌عنوان ورودی مسئله فقهی در حکمرانی آب تعریف شده است.

این مقاله به‌طور مشخص به سه سؤال می‌پردازد: ۱) حکمرانی آب در جامعه محلی چگونه بوده و چه نسبتی با ویژگی‌های منطقه داشته است؟ ۲) ورود دولت چه تغییراتی را در ترتیبات نهادی و رابطه بین بهره‌برداران ایجاد نموده است؟ ۳) چنین مطالعاتی در ایجاد تحول در نگاه فقهی به حکمرانی مشترکات چه اهمیتی دارد؟ برای پاسخ به سؤال اول و دوم، از ابزار تحلیل و توسعه نهادی استروم (IAD) استفاده شد. در ادامه، ابتدا این دستگاه به‌صورت مختصر معرفی شده و سپس روش جمع‌آوری داده‌ها بیان شده است. ویژگی‌های فیزیکی منطقه و ویژگی‌های اجتماعی بهره‌برداران نیز در ادامه مطرح خواهد شد. پس از آن به عنوان مهم‌ترین بخش مقاله که به تحلیل نهادی اختصاص دارد، ابتدا به ترسیم ترتیبات نهادی نظام سنتی بهره‌برداری با تمرکز بر تأمین آب کشاورزی پرداخته، سپس تغییرات

حاصله در متغیرهای کلیدی این ترتیبات و تأثیر آن بر بازیگران، الگوی تعاملات و پیامدها را نشان داده و در نهایت به ارزیابی پیامدهای تغییر یافته از منظر شاخص‌های تاب‌آوری و پایداری می‌پردازد. در انتها یک جمع‌بندی از نگاه فقهی در حوزه حق مالکیت آب آورده شده است و با توجه به دریافت‌های تجربی بخش‌های قبلی، پیشنهادی برای کار حدیثی و فقهی در این زمینه ارائه شده است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. چارچوب تحلیل و توسعه نهادی

چارچوب تحلیل و توسعه نهادی (IAD)، ابزاری برای درک نحوه عملکرد نهادها و تغییرات آن در طول زمان است. این چارچوب ضمن شناسایی و طبقه‌بندی عوامل و متغیرهای مؤثر در یک محیط کنش، آن‌ها را با استفاده از منطقی خاص به یکدیگر ارتباط می‌دهد (استروم، ۲۰۱۱، ۹-۱۱؛ مک‌گینس^۱، ۲۰۱۱، ۱۲-۱۱). این چارچوب به صورت خلاصه به مفهوم روش صحیح تقسیم و تفکیک سیستم‌های پیچیده به اجزای آن است. چارچوب IAD راه را برای انجام تحلیل «محیط‌های کنش تودرتو» باز می‌کند (تارکو^۲، ۲۰۱۷، ۱۱۶).

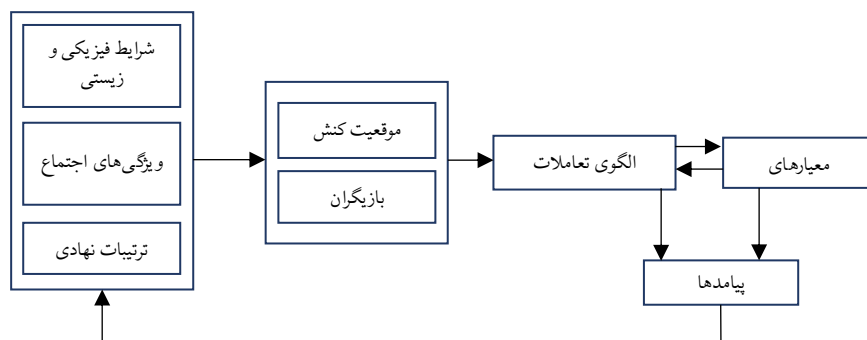
چارچوب تحلیل و توسعه نهادی اولین بار توسط استروم طراحی شد. هدف از طراحی این چارچوب ادغام روش مطالعات صورت گرفته در مطالعات علوم انسانی پیرامون تأثیر نهادها بر انگیزه‌ها و رفتار حاصل از آن صورت گرفته است. این چارچوب در مطالعات متعدد و موضوعات مختلفی از جمله موضوعات محیط زیستی مانند مطالعات صورت گرفته توسط چاپلا^۳ (۲۰۱۵)، رحیم^۴ (۲۰۱۴)، باستاکورتی، شیواکوتی و گانش^۵ (۲۰۱۲)، اندرسون^۶ (۲۰۰۶)، ایمپریال و تریسی^۷ (۲۰۰۵) و در موضوعات سیاسی مانند گراسمن^۸ (۲۰۱۸) و آرال^۹ (۲۰۱۷) و حتی موضوعات نظامی مانند بنگ (۲۰۱۸) مورد استفاده قرار

1. McGinnis
2. Tarko
3. Chapela
4. Raheem
5. Bastakoti, Shivakoti & Ganesh
6. Andersson
7. Imperial & Tracy
8. Grossman
9. Araral



گرفته است. اعتبار این چارچوب در مطالعات متعدد در طول چند دهه به اثبات رسیده است. یکی از دلایل جذابیت این چارچوب امکان شناسایی متغیرهای کلیدی اثرگذار در یک تحلیل نهادی نظام‌مند است؛ زیرا تعدد متغیرها، انتخاب، ترکیب و سازماندهی آن‌ها همچنان از چالش‌های مطالعات نهادی محسوب می‌شود (استروم، ۲۰۰۵، ۲۹-۳).

هسته اصلی تحلیل در چارچوب IAD موقعیت کنش است. در موقعیت کنش بازیکنان پس از دریافت اطلاعات، اقدامی را اتخاذ می‌کنند و در یک الگوی تعاملاتی وارد می‌شوند که در نهایت برآمد آن را دریافت خواهند کرد. هر موقعیت کنش تحت تأثیر سه دسته متغیر بیرونی است: ویژگی‌های منبع، ویژگی‌های افراد جامعه و قواعد حاکم بر محیط کنش (مک‌گینس، ۲۰۱۱). به عنوان مثال در یک موقعیت کنش مرتبط با موضوع آب، میزان کم‌آبی، طول کانال‌ها، ظرفیت ذخیره آب از نمونه ویژگی‌های منبع، و تعداد خانوار، اندازه گروه، میزان وابستگی به آب از ویژگی‌های افراد جامعه به شمار می‌رود (وانگ، ۲۰۱۱، ۱۴-۱۲). منظور از قواعد و یا ترتیبات نهادی نیز درک مشترک افراد از اقدامات لازم، مجاز و ممنوع در یک موقعیت کنش است که در نهایت در کنار ویژگی‌های محیط و ویژگی‌های افراد، منجر به شکل‌گیری موقعیت کنش خواهد شد (استروم، ۲۰۱۱). در ادامه و در شکل شماره (۱) این چارچوب به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱. چارچوب تحلیل و توسعه نهادی (استروم، ۲۰۰۵).



در این چارچوب افراد به عنوان بازیگرانی هستند که نقش‌ها و موقعیت‌های مختلف را تصاحب می‌کنند. به عنوان مثال نقش‌های نهادی مهم در موضوع استفاده از منابع آبی، بهره‌برداران منابع آبی و دولت‌هایی هستند که قواعد استفاده از منابع آبی را مشخص می‌کنند (تارکو، ۲۰۱۷). به طور معمول دولت‌ها پس از مشاهده نحوه تعاملات در موقعیت کنش، با هدف اصلاح تعاملات و یا نتایج حاصل از آن اقدام به ایجاد تغییراتی در ساختار قواعد می‌نمایند. پس از ورود دولت، موقعیت کنش از حالت اولیه خود - که در آن یا قاعده‌ای وجود ندارد و یا اینکه قواعد ساده‌ای برقرار است - خارج می‌شود و موقعیت کنش جدیدی شکل می‌گیرد (ویلیمایر، ۲۰۱۹).

در این مقاله تحلیل داده‌ها بر مبنای چارچوب تحلیل و توسعه نهادی استوار است. بر همین اساس، متغیرها و مؤلفه‌های مهم بر اساس چارچوب تحلیل و توسعه نهادی است. برای مرتبط کردن اجزای این چارچوب، از نظریه بازی‌ها استفاده شده است. در این مقاله، کمی‌سازی و مدل‌سازی انجام نشده است.

داده‌ها با استفاده از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. در واقع، داده‌های مربوط به ویژگی‌های فیزیکی منطقه به طور عمده به صورت میدانی، و داده‌های مربوط به سایر ویژگی‌های منطقه به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. به دلیل ویژگی خاص منطقه مورد مطالعه در تخصیص آب رودخانه در شرایط دسترسی نامتقارن، رودخانه گرگک شهرکرد انتخاب شده است. در واقع اهالی روستاهای این منطقه توانسته‌اند با ایجاد قواعد غیررسمی در کنار ایجاد زیرساخت سخت سازوکاری پایدار در تخصیص منابع آب رودخانه طراحی نمایند. چنین ترتیبی در اکثر مناطق ایران، قابل مشاهده است.

۲-۲. جایگاه مطالعات موردی در حکمرانی منابع مشترک

در مطالعات مربوط به حکمرانی منابع مشترک از انواع روش‌ها استفاده می‌شود که هر کدام نقاط قوت و محدودیت‌های خاص خود را دارند. اما همه را می‌توان در دو دسته عمده روش‌های استقرایی و قیاسی جای داد که در روش تحقیق کیفی و کمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در روش کمی ابتدا بر اساس یک نظریه موجود فرضیاتی ساخته می‌شود و پس از آن با تعیین جامعه آماری داده‌ها به وسیله اسناد، پیمایش، و ... از نمونه معرف برداشت

شده و به کمک فنون آماری، فرضیات مورد آزمون قرار می‌گیرند. این روش زمانی کارایی بیشتری دارد که حجم جامعه بالا و یک نظریه قوی یا مورد توجه جامعه علمی از قبل موجود باشد.

در مقابل، زمانی که نظریه‌ای با مخالفت روبرو شود یا برای توضیح یک پدیده موجود نباشد و یا نظریه‌های موجود در توضیح پدیده عملکرد مناسبی نداشته باشند، روش تحقیق استقرائی (کیفی) مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر این پدیده وابسته به بستر بوده و بسته به زمینه شکل‌گیری خود، ویژگی‌های متفاوتی از خود بروز دهد، قبل از تلاش برای نظریه‌پردازی به منظور توضیح پدیده، باید از تحقیق اکتشافی استفاده کرد که بهترین نمونه آن مطالعه موردی است. بر این اساس روش مطالعه موردی با هدف جمع‌آوری دانش از یک موضوع خاص، اغلب اکتشافی است و ادعایی برای تأیید یا آزمون یک نظریه در مقیاسی وسیع‌تر از خود ندارد و بنابراین، احراز اعتبار برای آن نه ضروری و نه قابل انجام است (گرینگ ۲۰۱۷، ۲۳).

این گفته در زمینه مطالعات کنونی حکمرانی منابع مشترک در جهان و به‌خصوص ایران نیز برقرار است. گرت هاردین (۱۹۶۸) در مقاله بسیار معروف خود با عنوان «تراژدی منابع مشترک»، گریزناپذیر بودن تراژدی منابع مشترک را با استفاده از مثال یک چراگاه مشترک مطرح نمود. مطالعات موردی بسیاری که در سراسر جهان در مناطق، سیستم‌های منابع و رشته‌های مختلف و متنوع صورت گرفت، نشان داد که به جز دو راه حل پیشنهادی عمده در ادبیات منابع مشترک، یعنی مالکیت خصوصی یا مقررات گذاری دولتی، راه حل سوم خودسازماندهی نیز امکان‌پذیر است؛ چراکه این مطالعات نشان داد بهره‌برداران یک منبع دارای مالکیت مشترک (مثل مرتع، سفره آب زیرزمینی، جنگل، شیلات) موفق به بهره‌برداری پایدار طی زمان‌های طولانی شده‌اند. درک این موضوع که می‌توان از تراژدی منابع مشترک اجتناب نمود، سؤالاتی را در مورد چپستی شرایط منجر به کنش جمعی موفق ایجاد کرد.

این سؤالات در مطالعات موردی بعدی و پژوهش‌های تطبیقی گسترده‌تر از جمله فراتحلیل مطالعات موردی بررسی شدند و منجر به پیشنهاد فرایندهایی برای مدیریت موفق





منابع مشترک شدند. فرآیندهای پیشنهادی را به نوبه خود می‌توان از طریق مطالعات آزمایشگاهی و میدانی و براساس مدل‌های مبتنی بر عامل (عامل محور) مورد ارزیابی قرار داد (پوتیتی، یانسن و استروم^۱، ۲۰۱۰، xxii). یکی از نمونه‌های قابل توجه مطالعه خط‌شکن آستروم (۱۹۹۰) است که در آن نگارنده بر اساس ۱۴ مطالعه موردی مفصل که توسط سایر محققان در زمینه‌هایی همچون آبیاری، چرا در مراتع، ماهیگیری، و جنگل انجام گرفته بود، اصول طراحی هشت‌گانه خود در زمینه خودسازماندهی موفق منابع مشترک را پایه‌ریزی کرد که خود زمینه‌ای برای مطالعات موردی در جهان و فراتحلیل آنها با هدف ارزیابی این اصول هشت‌گانه را فراهم نمود. برای نمونه، کاکس، استروم و واکر^۲ (۲۰۱۰) با فراتحلیل ۹۱ مطالعه موردی تجربی در انواع مختلف از سراسر جهان نشان دادند این اصول دارای پیش‌بینی‌های تجربی خوبی است.

نتیجه آنکه امروزه محققان از کثرت گرایی روش‌شناختی و روش‌های ترکیبی استقبال بیشتری نسبت به گذشته دارند؛ چرا که هیچ روش واحدی برای غلبه بر همه چالش‌ها وجود ندارد. مطالعات موردی و طرح‌ها و پژوهش‌های تطبیقی و مقایسه‌ای کوچک‌مقیاس، مزیت‌هایی برای توسعه مفاهیم و نظریه‌ها و نیز ارزیابی ترتیبات و مکانیسم‌های علی و فرضیه‌ای فراهم می‌کنند. توضیحات غنی مستخرج از مطالعات موردی اغلب به لحاظ نظری و ماهوی ارزشمند هستند اما به‌تنهایی برای ارائه یک نظریه یا ارزیابی نظریه‌های عمومی ناکافی هستند مگر آن که با سایر روش‌ها ترکیب شوند.

با این وجود، همچنان برخی در برخی از کشورها، از جمله ایران، به دلیل غلبه رویکرد دولت‌محور در مدیریت منابع مشترک، این مطالعات موردی می‌توانند کارکرد ابتدایی خود یعنی به چالش کشیدن ایده هاردین (۱۹۶۸) را داشته باشند تا هم موفقیت خودسازماندهی‌های محلی و هم نتایج مداخله بدون مطالعه پیشین دولت در زمینه ویژگی‌های خاص یک منبع و بهره‌برداران آن را نشان دهند. علاوه بر آن از آنجا که احداث سد بیدکان، به‌نوعی موجب مداخله در خودسازماندهی موفق بهره‌برداران از رودخانه

1. Poteete, Janssen & Ostrom

2. Cox, Ostrom & Walker



می‌شود، این مطالعه کمک می‌کند تا مداخله دولت به گونه‌ای باشد که کمترین تأثیر منفی بر این خودسازماندهی موفق را داشته باشد و از غلبه انگیزه منفعت‌طلبانه برخی از بهره‌برداران در طراحی جدید، که می‌تواند پایداری کل سیستم و در نتیجه سرمایه‌گذاری دولت را با مخاطره مواجه کند، جلوگیری کند. این چنین محیط‌هایی مانند رودخانه گرگک به عنوان سرشاخه‌های رودخانه‌های بزرگ در زاگرس و حتی رشته کوه البرز به وفور یافت می‌شوند. مطالعه موردی در سایر سرشاخه‌ها و فراتحلیل آنها و ترکیب آنها با سایر روش‌های مطالعاتی همچون مطالعات آزمایش‌های آزمایشگاهی و میدانی و مدل‌های مبتنی بر عامل می‌تواند زمینه مناسبی را برای ارائه نظریات مناسب با بوم جغرافیایی-اجتماعی کشور فراهم کند.

۴. روش جمع‌آوری داده‌ها

داده‌های این پژوهش در طول تابستان و پاییز ۱۳۹۸ جمع‌آوری شده است. ابزارهای مختلف استفاده‌شده برای جمع‌آوری داده و همچنین میزان استفاده از هر روش در جدول شماره (۱) مشخص شده است.

جدول ۱. روش‌های جمع‌آوری داده‌ها

روش مورد استفاده	مورد استفاده از روش	میزان استفاده
مصاحبه با گروه‌های کانونی	مشاغل مختلف روستایی	۵
مصاحبه شخصی	ساکنین روستا	۸
مصاحبه با مسئولین روستا	کارمندان دولتی منطقه	۵
مصاحبه با متخصصین	افراد متخصص و آشنا با منطقه	۳
مشاهده مستقیم	مشاهده جریان‌ات آبی	۳ مرتبه به صورت گروهی
داده‌های ثانویه	مرکز آمار ایران و سند اشتغال روستا	-

۴-۱. ویژگی‌های بیوفیزیکی منطقه

حوضه آبخیز گرگک با مساحتی در حدود ۲۹۰ کیلومتر مربع در بخش لاران شهرستان شهرکرد استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد (شکل شماره ۱). از لحاظ زمین‌شناختی،

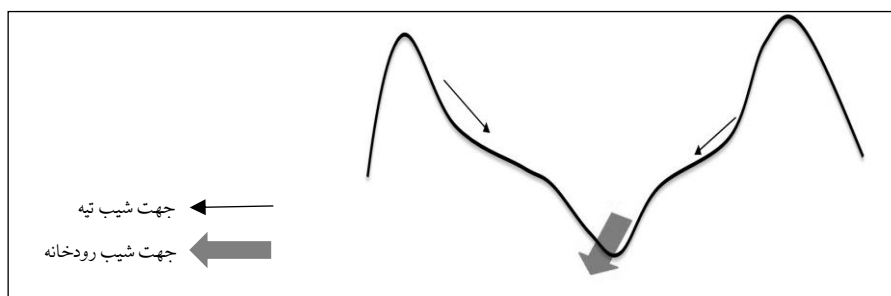


حوضه آبخیز گرگک در بستر داخلی سلسله جبال زاگرس است. زاگرس در این منطقه دارای روند عمومی شمال غربی - جنوب شرقی بوده و متشکل از دره‌های موازی است. از ویژگی‌ها این منطقه می‌توان به کوه‌های بلند، دره‌های عمیق و دشت‌های آبرفتی کوچک میان‌کوهی اشاره نمود (نوروزی^۱، ۱۳۸۸).

با توجه به اینکه این منطقه کوهستانی است، بیشتر حوضه آبخیز گرگک نیز در مناطق کوهستانی و دارای پستی و بلندی زیاد تا متوسط قرار دارد. عمده اراضی این منطقه در کلاس شیب ۱۴ تا ۴۰ درصد است. این منطقه در حوزه آبریز کارون شمالی قرار دارد که این رودخانه نیز یکی از سرشاخه‌های این رودخانه است. از ویژگی‌های این حوضه می‌توان به دره‌های اصلی و فرعی با منابع فراوان آب دائم و فصلی اشاره نمود. به صورت متوسط بارش این منطقه بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیمتر است. در فصل تابستان میزان بارندگی به طور متوسط ۲/۳ و در فصل زمستان ۳۲۱ میلیمتر است.

جریان رودخانه گرگک به صورت ثقلی است؛ به این صورت که از ارتفاع ۲۲۳۴ متری سطح زمین شروع شده و تا ارتفاع ۲۰۳۵ متری جریان پیدا می‌کند. جریان این رودخانه دائمی است و با داشتن چشمه‌های فراوان در طول مسیر تغذیه می‌شود. هرچند حجم آب رودخانه به میزان بارندگی و ترسالی بودن یا نبودن سال آبی وابسته است اما می‌توان گفت که حجم آب این رودخانه در بیشترین حد خود به حدود ۷۲۸ لیتر بر ثانیه می‌رسد (سالنامه آماری آب کشور، ۹۱-۱۳۹۰).

مسیر حرکت رودخانه گرگک از درون یک گسل فرعی و بین دو عارضه شبیه تپه است. این موضوع باعث شده است که علاوه بر جریان شیب طبیعی بستر رودخانه، شیبی نیز عمود بر رودخانه ایجاد شود (شکل ۳). با توجه به همین موضوع اراضی اطراف رودخانه نیز دارای دارای پستی‌بلندی‌هایی هستند. این اراضی با توجه به وجود شیب و همچنین سنگی بودن بستر، دارای خاک کم‌عمقی است. این ویژگی‌ها در مجموع باعث شده است جریان آب رودخانه برای مصرف کشاورزی و در مقیاس روستاهای این منطقه به صورت یک کالای عمومی شمرده شود.



شکل ۳. جهت شیب رودخانه و تپه‌های اطراف آن

۲-۴. ویژگی‌های اجتماعی

سورشجان و هارونی دو شهر منطقه مورد مطالعه بوده و اسدآباد، وانان و خوی روستاهای آن هستند. دو شهر این منطقه کوچک بوده و بعضاً واحدهای اداری شهری را ندارند. برای ساده‌شدن تحلیل‌ها و از آنجاکه تأثیری بر تحلیل‌های مقاله ندارد، آنها را مشابه روستاها فرض می‌کنیم.

سکونتگاه‌های منطقه مورد مطالعه به صورت الگوی استقرار خطی در طول رودخانه واقع شده‌اند. فاصله بین منطقه سکونتگاهی بالادست تا آخرین منطقه سکونتگاهی پایین‌دست در حدود ۱۸ کیلومتر است. مقایسه میزان رشد جمعیت این منطقه با متوسط رشد کشوری، گویای مهاجرفرست بودن منطقه است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۸۵). عمده ساکنین منطقه از لرهای بختیاری و با گویش لری هستند.

با وجود اینکه بیشتر اهالی روستاها یکدیگر را می‌شناسند، بیشتر ارتباطات اجتماعی در درون روستاها محدود می‌شود. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند شیوه تقسیم آب رودخانه گرگ باشد که نیازمند تعامل اجتماعی بین روستایی نیست. اما با این حال نمونه‌هایی از کنش‌های جمعی موفق در این منطقه وجود دارد که می‌توان به ساخت ابنیه‌های عمومی و یا ساختار دادن به مراسمات اشاره نمود. در زمینه کشاورزی نیز نمونه‌هایی از همکاری‌های موفق مانند لایروبی کانال‌های آبرسانی، سیمانی کردن بستر کانال‌ها و یکپارچه‌سازی اراضی در طول زمان رخ داده است. برخی از این کنش‌های جمعی نیز مانند سیمانی کردن کانال‌های خاک با کمک دولت صورت گرفته است



۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. نظام بهره‌برداری کشاورزی با تمرکز بر تأمین آب کشاورزی

در این قسمت به نظام تولیدی و بهره‌برداری کشاورزی مورد مطالعاتی پرداخته خواهد شد. نظام بهره‌برداری سنتی این منطقه نوع خاص از نظام ارباب‌رعیتی بوده که تحولات رخ داده شده، به ویژه اصلاحات ارضی، موجب تغییراتی در آن شده است. در ابتدا به استخراج نظام بهره‌برداری سنتی با تمرکز بر تأمین آب کشاورزی پرداخته و سپس آن را بر اساس چارچوب IAD سامان داده و عناصر مهم را دسته‌بندی می‌نماییم. در قسمت آخر به تغییرات صورت گرفته در این عناصر و تأثیر آنها بر تحول این نظام می‌پردازیم.

۵-۲. نظام بهره‌برداری سنتی

همان‌طور که بیان شد نوع خاص از نظام ارباب رعیتی در گذشته در منطقه برقرار بوده و مالکیت این اراضی در اختیار خوانین بختیاری بوده است. در این نظام بیشتر تولیدات به وسیله نیروی کار صورت می‌گرفته است. ابزار تولید در این نظام ساده و به وسیله پیشه‌وران همان روستا تولید می‌شد. محصول اصلی تولیدی گندم بود که مایه اصلی معاش اهالی بود. در این نظام پس از جدا کردن سهم ارباب، دستمزد پیشه‌وران و قوت سال کشاورز از خرمن، در عمل محصول زیادی برای تجارت باقی نمی‌ماند. به همین دلیل، افراد در این نظام به صورت خودمعیشتی زندگی کرده و تمام زندگی آن‌ها به وابسته به کشاورزی بود.

با توجه به قابل پیش‌بینی نبودن ترسالی و خشکسالی، اهالی این منطقه با ابداعی کشت خود را به دو دسته کشت قابل اطمینان و غیرقابل اطمینان تقسیم کرده و از این طریق ریسک کشت خود را کاهش می‌دادند. به این صورت که آب قابل اطمینان را به کشت محصول راهبردی گندم، به عنوان کشت پاییزه، و در صورت ترسالی، بخش دیگر زمین‌های خود را به کشت بهاره اختصاص می‌دادند. در زمینه نوع محصول نیز با توجه به تر بودن یا نبودن سال آبی انتخاب صورت می‌گرفته است. به عنوان مثال، در صورت ترسالی کشت سبزی و صیفی جات و محصولات جالیزی صورت نمی‌گرفت.

با توجه به نزدیک بودن روستاها به هم و عدم امکان انتقال آب به مناطق دوردست، نظام خرید و فروش آب در این منطقه رایج نبوده است. البته قبل از اصلاحات ارضی نیز نظام





خرید و فروش آب مفهومی نداشت زیرا آب هر زمینی به همان زمین تعلق داشته که همگی در تملک خان قرار داشته است. سهم ناچیز کشاورز از زمین، محدودیت فصول کشت و هزینه زیاد حمل محصول به بازار موجب شده بود که کشاورزی در نظام سنتی در مقیاس خود معیشتی صورت بگیرد.

بهره‌برداران رودخانه در گذشته توانستند با استفاده از ویژگی‌های توپوگرافیک منطقه نظام آبیاری متناسب با آن ایجاد نمایند. نظام آبیاری مورد استفاده که بر مبنای رودخانه گرگ طراحی شده بود، می‌توانست آب را با استفاده از کانال‌های منشعب‌شده از بالادست رودخانه تا ارتفاع ۳ متر بالاتر از سطح رودخانه و براساس خط تراز اراضی به صورت ثقلی هدایت نماید. پس از ورود آب هر کانال به روستای مربوطه، این آب بر اساس قواعد محلی و با توجه به اندازه زمین که به اصطلاح به آن «حبه» گفته می‌شد، بین کشاورزان منطقه توزیع می‌شد.

هر کانال از یک بند منشعب شده است که بر روی رودخانه قرار دارد. تعداد این بندها ۱۴ مورد است که در طول رودخانه و در نقاط مختلف آن ایجاد شده است. هر بند به صورت کامل جلوی جریان آب را می‌گیرد و آب رودخانه را به کانال هدایت می‌کند. بنابراین، بعد از هر بند جریان آب درون رودخانه خشک می‌شود. به صورت منطقی در این شرایط بهره‌برداران بالادست دارای قدرت بیشتری در بهره‌برداری از آب رودخانه نسبت به بهره‌برداران پایین‌دست هستند. اما در عمل این‌گونه نبوده است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که بهره‌برداران چگونه مشکل عدم تقارن قدرت در بهره‌برداری را در بین خود حل نمودند؟

بهره‌برداران با توجه به ویژگی‌های منطقه و ابداعاتی توانستند این مسئله را حل نمایند. خاک منطقه کم‌عمق است و آب زهکشی کشاورزی به عمق زمین نفوذ پیدا نمی‌کند. شیب عمود بر رودخانه نیز کمک می‌کند تا این آب بالادست مجدد به جریان رودخانه بازگردد. در مجموع، این ویژگی‌ها در منطقه موجب شده است که به تخمین اهالی ۷۰ درصد آب استفاده‌شده در حوزه کشاورزی بالادست، به جریان رودخانه برگشت داده شود. همچنین وجود چشمه‌های متعدد در بستر رودخانه موجب شده است که با وجود خشک‌شدن جریان رودخانه پس از هر بند، تا قبل از بند بعدی، آب استفاده شده در بخش بالادست جبران شده و در نهایت رودخانه به حجم قبلی خود برسد.



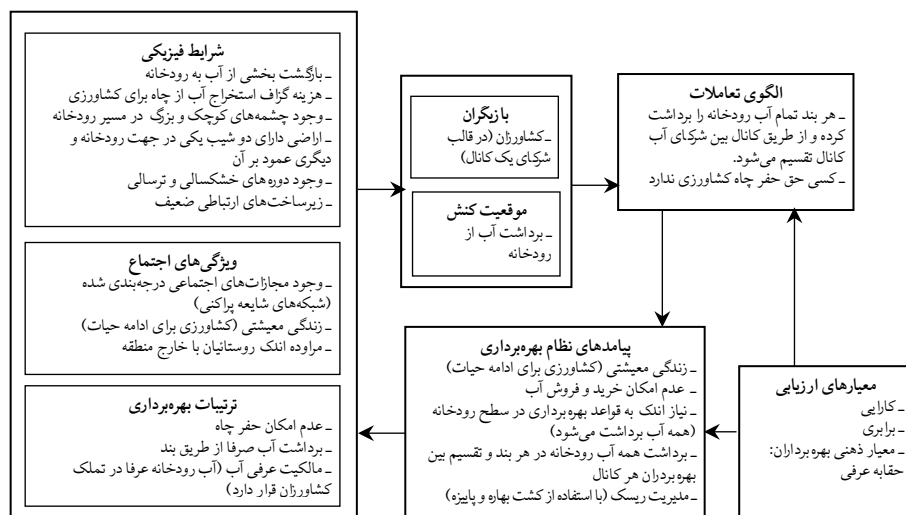
این موضوع را می‌توان به صورت الگوار برای ۵ روستای منطقه در جدول شماره (۲) نشان داد. در صورتی که آب پشت بند اول را X ، آب چشمه‌ها را Y ، درصد آب بازگشتی به رودخانه باشد و همچنین با فرض عدم تغییر حجم آب رودخانه می‌توان بیان داشت که $\alpha X + Y = X$. در واقع تصور کشاورزان بر این است که ۳۰ درصد آب استفاده شده توسط بهره‌برداران بالادست، توسط آب چشمه‌ها جبران می‌شود.

جدول ۲. میزان آب در دسترس هر روستا در شرایط اولیه (پایه)

کل	آب بازگشتی	آب چشمه	روستا
X	-	X	A
$\alpha X + Y = X$	αX	Y	B
$\alpha X + Y = X$	αX	Y	C
$\alpha X + Y = X$	αX	Y	D
$\alpha X + Y = X$	αX	Y	E

۵-۳. تحلیل نهادی نظام بهره‌برداری سنتی

در شکل شماره (۴)، عناصر چارچوب IAD نظام بهره‌برداری سنتی با تأکید بر آب مشخص شده‌اند. با ترسیم الگوی کنش در این نمودار، می‌توان تغییراتی که در طول چند دهه گذشته در این نظام به وقوع پیوسته و اثرات آن بر نظام بهره‌برداری را تحلیل کرد.



شکل ۴. الگوی تحلیل و توسعه نهادی برای بهره‌برداری سنتی در منطقه لاران



موارد زیر تغییرات حاصل شده در الگوی کنش نمایش داده شده در قسمت قبل را توصیف می‌نماید.

بروز فناوری‌های نوین برداشت آب از چاه. ورود فناوری‌های ارزان قیمت برداشت آب از چاه از مهم‌ترین تغییرات محسوب می‌شود. در گذشته در بیشتر موارد با تکیه بر جریان ثقلی آب و یا قنات اقدام به آبیاری زمین‌های کشاورزی می‌شد. اما با توجه به دشواری استفاده از آب چاه، از حفر چاه برای آبیاری کمتر استفاده می‌شد. با ورود فناوری موتورپمپ، هزینه بهره‌برداری از آب چاه به شدت کاهش و تمایل به حفر چاه به شدت افزایش پیدا کرد.

تغییر شیوه زندگی روستائیان. پس از جنگ تحمیلی ذائقه مردم تغییر کرد و به سبک زندگی اشرافی تمایل پیدا کردند. رسانه‌ها به ویژه تلویزیون نقش پر رنگی در این تغییر داشت. با توسعه دسترسی به برق و فرستنده‌های امواج، روستائیان نیز در بین مخاطبین رسانه‌ها قرار گرفتند. این موضوع در کنار دسترسی بهتر به مناطق شهری موجب شد تا ذائقه روستائیان نیز دچار تغییراتی شود و آن‌ها نیز خود را نیازمند به کالاهای جدید شهری مانند یخچال، تلفن همراه، مسکن شهری و ... بدانند. دولت‌های پنجم و ششم نیز این‌گونه سبک زندگی را تبلیغ می‌نمودند. تأمین این خواسته‌ها، نیازمند به منبع درآمدی بزرگتری نسبت به کشاورزی سنتی بود. نظر به اینکه منبعی برای تأمین درآمد جدید روستائیان وجود نداشت، این فشار بر کشاورزی وارد شد و دولت تمایل شدید به توسعه کشاورزی پیدا کرد. **تغییرات ایجاد شده در ترتیبات نهادی.** دولت‌های گذشته ایران کمترین دخالت را در نظام اقتصادی داشتند. به‌ویژه اینکه حکام محلی از قدرت نسبتاً بالایی برخوردار بودند. اما به مرور زمان و مداخلات دولتی در نظام اقتصادی رو به افزایش رفت که نمونه بارز آن را در حکمرانی آب و ایجاد قوانین در این زمینه می‌توان مشاهده نمود.

قانون اصلاحات ارضی یکی از مصادیق آن است. این قانون در سال ۱۳۴۰ موجب تغییراتی در مالکیت اراضی شد. این قانون به دنبال توزیع مجدد زمین بین رعایا و البته حذف مالکین بود. در مورد مطالعاتی این پژوهش نیز این قانون باعث شد تا بازیگران

زیادی به این موقعیت کنش اضافه شود. البته ایجاد این قانون تغییر ویژه‌ای در نظام بهره‌برداری سابق ایجاد نکرد.

تغییر دیگر در این زمینه تدوین قانون مدنی بود. تا قبل از آن حکمرانی آب با استفاده از توافقات عرفی ایجاد شده بر سر مالکیت، به‌ویژه حقابه، صورت می‌گرفت. پس از این قانون، در عمل ورود دولت به عرصه آب زمینه قانونی پیدا کرد. «قانون آب و نحوه ملی شدن آن»، مصوب ۱۳۴۷ نیز آب را جزء ثروت‌های ملی و در مالکیت دولت قرار داد. طبیعی است که پس از تصویب این قانون تصمیم‌گیری در مورد حقابه‌داران و ذی‌نفعان به عهده دولت قرار گرفت و در نهایت فضای بیشتری برای ورود دولت در این عرصه فراهم شد. یکی از نتایج این نوع ورود دولتی به حکمرانی آب صدور مجوزهای حفر چاه در مناطق مختلف بود.

ورود بازیگران جدید. دولت که در نظام‌های بهره‌برداری گذشته در حاشیه قرار داشت، در شرایط جدید به عنوان بازیگری مهم در کنار بهره‌برداران قرار گرفت. البته ورود دولت در سطح کنش جمعی و نه در سطح عملیاتی صورت گرفت. به این مفهوم که تصمیماتی که قبلاً توسط بهره‌برداران محلی اتخاذ می‌شد، در نظم جدید توسط دولت گرفته می‌شود.

شیوه تعاملات جدید روستائیان با دولت. پس از مطرح شدن دولت به عنوان بازیگر بی‌بدیل این موقعیت کنش، کشاورزان منطقه مورد مطالعه با توجه به محدودیت‌های زمین و خشکسالی‌های رخ داده شده، راه حل برون رفت از این موقعیت را ایجاد فشار بر مسئولین منطقه و چانه‌زنی با آن‌ها دانستند. با توجه به هزینه ایجاد سد و زمان‌بر بودن آن، راه حل ساده برای حل این چالش حفر چاه بود. در ابتدا کشاورزان روستای سوم توانستند مجوز حفر چاه را از دولت محلی اخذ نمایند. تصور دولت محلی بر این بود که این چاه از سفره زیرزمینی دیگری غیر از منابع آبی منطقه تغذیه می‌کند و در نتیجه نه تنها بر جریان آب رودخانه اثر نخواهد گذاشت بلکه با توجه به جریان آب بازگشتی موجب افزایش جریان رودخانه خواهد شد. در جدول شماره (۳) به صورت نمادین این موضوع نشان داده شده است.



جدول ۳. آب در دسترس هر روستا با فرض حفر چاه در روستای C و تأمین آب آن از خارج از نظام آب رودخانه

روستا	آب چشمه	آب بازگشتی (α نرخ بازگشت آب)	آب چاه	کل
A	X	-	-	X
B	Y	αX	-	$\alpha X + Y = X$
C*	Y	αX	Z	$X + Z$
D	Y	$\alpha(X + Z)$	-	$X + \alpha Z$
E	Y	$\alpha X + \alpha^2 Z$	-	$X + \alpha^2 Z$

همان طور که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است، با توجه به این فرض که آب چاه از منبعی غیر از منابع قبلی تأمین می شود (Z)، نه تنها تأثیر منفی بر جریان آب رودخانه نخواهد گذاشت، بلکه می تواند موجب افزایش جریان آبی پایین دست شود. اما واقعیت چیزی دیگری بود. زیرا این چاه نیز از زهکشی آب های کشاورزی تغذیه می شد. هر چند که در آن زمان مطالعه کارشناسی ویژه ای برای این کار صورت نگرفت، اما وجود ترسالی موجب شد که در سال های ابتدایی اثر حفر چاه مشخص نشود. اما پس از مدتی احداث این چاه سرمنشأ نزاع محلی در این زمینه شد. این تغییرات را می توان در جدول شماره (۴) نشان داد. آب چاه از آب بازگشتی روستاهای بالادست تأمین می شد. بنابراین، بر حجم آب در دسترس روستاهای بالادست اثر نگذاشت. حفر چاه همچنین موجب شد تا آب بازگشتی به رودخانه نیز کاهش پیدا کند یعنی $\alpha > \beta$.

جدول ۴. آب در دسترس هر روستا با فرض تأسیس چاه در روستای C و تأمین آب آن از داخل از حوضه

روستا	آب چشمه	آب بازگشتی	آب چاه	کل
A	X	-	-	X
B	Y	αX	-	$\alpha X + Y = X$
C	Y	αX	Z	$X + Z$
D	Y	$\beta(X - Z)$	-	$X + (\beta - \alpha)X + (-\beta)Z$
E	Y	$\alpha X + \alpha(\beta - \alpha)X - \alpha\beta Z$	-	$X + \alpha(\beta - \alpha)X - \alpha\beta Z$

به عنوان مثال در صورتی که $X=100$ ، $Y=30$ ، $Z=50$ ، $\alpha=0.7$ و $\beta=0.5$ باشد و آب چاه از خارج از جریان رودخانه تأمین شود، مقدار آب در دسترس روستاها، بر اساس



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۱۴۰

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳



محاسبات جدول شماره (۴) به ترتیب برابر با ۱۰۰، ۱۰۰، ۱۵۰، ۱۳۵ و ۱۲۵ واحد خواهد بود. اما اگر فرض شود که آب چاه از جریان رودخانه تأمین شود، این مقادیر به ترتیب برابر با ۱۰۰، ۱۰۰، ۱۵۰، ۵۵ و ۶۸/۵ خواهد بود. همان‌طور که مشخص است، اعطای مجوز چاه در فرض اول، هر چند نابرابری را بین روستائیان افزایش می‌دهد و عدم تقارن قدرت را بیش از پیش مشخص می‌کند، اما تأثیر منفی بر جریان پایین دست نمی‌گذارد. اما در فرض دوم، جریان آب پایین دست کاهش پیدا می‌کند، در حالی که آب روستاهای بالادست تغییری نمی‌کند، بنابراین عدم تقارن به صورت ویژه نمایان می‌شود.

همان‌طور که بیان شد، تا قبل از وقوع خشکسالی مسئله عدم تقارن قدرت در بین بهره‌برداران نمود چندانی نداشت. اما با وقوع خشکسالی زمینه‌های اختلاف شکل گرفت. باتوجه به اینکه در گذشته بهره‌برداران ناقضان قواعد را با استفاده از مجازات‌های اجتماعی و به صورت محلی تنبیه می‌کردند، در ابتدا نیز سعی کردند تا به صورت مستقیم و با برخورد با روستائیان روستای مورد نظر مشکل را حل نمایند. اما این راه حل به جز تشدید تنش‌های اجتماعی نتیجه دیگری در پی نداشت. به همین دلیل روستائیان مجدداً راه حل این موضوع را در دستان دولت دیدند. اما دولت محلی نیز راه حل بهتری غیر اعطای مجوز حفر چاه برای روستای چهارم معرفی نکرد. مشخص است که با حفر چاه در روستای چهارم، منابع آبی روستای پنجم نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در نهایت، چانه‌زنی روستائیان نزد دولت محلی به عنوان رویه تبدیل گشت.

یا توجه به نبود فناوری اندازه‌گیری آب، بخشی از کاهش آب منتج شده از خشکسالی نیز به حفر چاه و صادرکننده مجوز حفر چاه نسبت داده می‌شود که خود او نیز باید ارائه‌دهنده راه حل باشد. این موضوع در نهایت منجر به برون‌رانی انگیزه‌های اجتماعی (مانند نوع دوستی، مقابله به مثل، ...) و تقویت انگیزه نفع طلبی شخصی در حل معضلات می‌شود و ظرفیت جامعه محلی برای حل و فصل درونی دوراهی‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد که خود می‌تواند منشأ مراجعات بعدی به دولت برای مداخله‌های جدید شود.

تغییرات صورت گرفته در پیامدها. تغییرات ایجاد شده در زمینه‌های فیزیکی، اجتماعی و قواعد در مجموع منجر به این شد که کشاورزی سنتی به سمت کشاورزی



تجاری حرکت کند. کشاورزی تجاری نیازمند زمین‌های بیشتر و در نهایت تعریف‌شدن نیازهای آبی جدید بود. همان‌طور که بیان شد دولت راه‌حل این مسئله را مجوز چاه می‌دانست. اما حفر چاه نابرابری را در منطقه تشدید کرد و موجب شد تا مجدد شرایط عدم‌تفان قدرت در بهره‌برداری ایجاد شود.

معیارهای ارزیابی و سنجش پیامدها. معیارهای زیادی در زمینه بهره‌برداری از منابع آبی مطرح است، اما در بین این معیارها، کارایی، برابری و مقایسه با حقابه عرفی نسبت به سایر معیارها از اهمیت بیشتری در این منطقه برخوردار است. در واقع بهره‌برداران به معیار برابری و حقابه عرفی و دولت به معیار کارایی اهمیت بیشتری می‌دهد. معیار برابری به این مفهوم است که کشاورزان آب در دسترس خود را در قیاس با میزان آب در دسترس دیگران قرار می‌دهند. حس نابرابری موجب می‌شود تا امکان حل مسالمت‌آمیز تغییرات محیطی کاهش یافته و تاب‌آوری این نظام اجتماعی و اقتصادی کاهش پیدا کند.

همان‌طور که بیان شد، ترتیبات نهادی جدید موجب افزایش نابرابری بین روستائیان شد. زیرا که با احداث چاه، آب برای روستائیان بالادست افزایش و برای روستائیان پایین‌دست کاهش پیدا کرد. در نهایت این موضوع در کنار برقرار نشدن حقابه‌های عرفی گذشته موجب شد تا حس نارضایتی در بین روستائیان ایجاد شود. همچنین در شرایط جدید دولت نیز نارضایتی بود زیرا حتی اگر کارایی کاهش پیدا نکرده باشد، آب این سیستم نیز افزایش پیدا نکرده است. این واقعیات موجب ایجاد درگیری و نزاع و در گام بعد رواج درخواست مجوز حفر چاه از طرف سایر روستاها گردید.

۴-۶. **حق مالکیت آب رودخانه محلی در فقه شیعی.** حق مالکیت آب در پنج حوزه، حق دسترسی^۱، حق بهره‌مندی^۲، حق مدیریت^۳، حق انحصار^۴ و حق انتقال^۵ قابل تعریف است (وثوقی و محمدی، ۱۳۹۰). آب انواع متفاوتی دارد و بدیهی است احکام

1. Access
2. Withdrawal
3. managment
4. Exclusion
5. Alienation



فقهی آنها متفاوت است. دریا، رودخانه عمومی، رودخانه محلی، چاه و قنوات برخی از انواع آب هستند که احکام فقهی متفاوتی دارند.

نقطه اشتراک اغلب قواعد فقهی، تضمین دسترسی عمومی و کم‌هزینه به آب است. به نظر می‌رسد شارع مقدس با عمومی کردن مالکیت آب به‌عنوان یک مایه حیات، دسترسی همگانی به آن را ممکن ساخته است. از همین رو، برخی از فقها به‌طور کلی مالکیت در آب را نمی‌پذیرند و برای خرید و فروش آن حرمت قائل هستند. برخی دیگر حيازت در آب را مطرح می‌کنند و اقسامی از آن را قابل مالکیت تعریف می‌دانند (رجایی، ۱۳۷۶).

همان‌طور که اشاره شد، آب به‌عنوان یک منبع مشترک، با تراژدی مشترکات مواجه می‌شود. بنابراین، فقها برای جلوگیری از تراحم قواعدی را استخراج کرده‌اند. برخی از فقها قاعده «سبق» را معیار قرار داده‌اند. به این معنی که هر کس در بهره‌برداری سبقت جوید، اولویت با اوست. البته این قاعده تراژدی مشترکات را رفع نمی‌کند و تشدید نیز خواهد کرد. بنابراین، با بهره‌گیری از قاعده لاضرار، در حوزه مشترکات کاربرد عام ندارد. بعضی از فقها قرعه را به‌عنوان راه‌حل پیشنهاد کرده‌اند. این روش نیز رافع تراژدی مشترکات نخواهد بود.

معیار دیگر قاعده «الاقرب فالاقرب» است. بر این مبنا، کسانی که به رودخانه آب نزدیک‌تر باشند، بر دیگران مقدم‌اند. همان‌طور که در بندهای قبلی اشاره شد، این قاعده، عدم توازن قدرت در بهره‌برداری ایجاد می‌کند که لازم است به‌نحوی مرتفع گردد.

نکته مغفول در مباحث فقهی، عدم تصریح پنج بعد حق مالکیت آب است که در ابتدای این بخش آورده شد. برداشت فقهی فعلی که در قوانین بخش آب نیز نمایان است، نوعی دولتی‌سازی حق مدیریت، انتقال، انحصار، بهره‌مندی و دسترسی آب است. حال آنکه مطالعه موردی نشان می‌دهد که این شیوه حکمرانی توان انطباق با شرایط را ندارد و مسئله آب را پیچیده‌تر کرده است. شواهد فراوان از عدم دخالت حاکم اسلامی در ترتیبات و عرف محلی در بهره‌برداری از مشترکات، وجود دارد.

۶-۶- وضعیت موجود رودخانه گرگک از نگاه فقهی

سامانه آبیاری رودخانه گرگک ترکیبی از رودخانه یا نهر طبیعی (بدون دخالت انسان) و نهر سنتی (ساخته دست انسان) است. این انهار سنتی (یا به اصطلاح محلی جوی)، برای



حیازت آب رودخانه گرگک احداث شده است که بدون آن بهره‌برداری امکان‌پذیر نیست و واضح است که تحت تملک کشاورزان قرار دارد.

نهر طبیعی از مشترکات (مباحات عام) بوده (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ۲۷۴) و در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عام از آن‌ها بهره‌برداری کند (ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب، ۱۳۶۱). چنین اموالی از مباحات عام بوده که با حیازت، حق مالکیت برای حیازت‌کننده ایجاد می‌شود. پس از قانون توزیع عادلانه و بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی، آب از مباح بودن مطلق خارج شد اما همچنان قابلیت تملک جزئی دارند. سیستم آبیاری رودخانه گرگک در تملک اهالی قرار دارد. به‌ویژه سابقه این سامانه حداقل چند صد ساله است. بنابراین، حق تصرف بر عهده مالکان نهرهای سنتی است. هرچند نظارت آن بر عهده وزرات نیرو به عنوان نماینده قانونی دولت است.

۷. نتیجه‌گیری

کشاورزان حوضه رودخانه گرگک در مدت بسیار طولانی توانسته بودند با ایجاد ترتیبات نهادی متناسب با شرایط فیزیکی و اجتماعی، نظام بهره‌برداری ویژه حوضه خود را برای حل مسئله عدم تقارن قدرت بین روستاهای بالادست و پایین‌دست طراحی و مورد استفاده قرار دهند. مهم‌ترین بستر حل این مشکل، ویژگی‌های بیوفیزیکی این حوضه شامل عمق کم خاک، شیب تند بستر اراضی به سمت رودخانه، شیب تند رودخانه، وجود چشمه‌های کوچک و بزرگ در مسیر رودخانه و پهنای کم اراضی حاشیه رودخانه (حداکثر ۲۰۰ متر) بوده است. بدین ترتیب که آب پشت اولین بند بالا آمده و روی اولین کانال سوار می‌شود. این کانال‌های طولانی که بعضاً ممکن است از دو روستا بالاتر آب را انتقال دهند، آب مشاع تعدادی از کشاورزان را انتقال می‌دهند که بر حسب سهم آنها از زمین روستا (حبه) تقسیم می‌شد. زهکشی آب آبیاری به دلیل شیب تند اراضی به سمت بستر رودخانه جریان یافته و از نقطه‌ای پایین‌تر بار دیگر به سطح آمده و در بستر رودخانه جریان می‌یافت. مقدار آبی که بازنگشته بود نیز توسط چشمه‌های واقع بین دو کانال جبران می‌شد. بدین ترتیب، بدون نیاز به قاعده‌گذاری نرم در سطح رودخانه، تقسیم آب صورت می‌گرفت.



این نظام بهره‌برداری سنتی از طریق خودحکمرانی و یا به عبارتی دیگر حکمرانی مردم، تا مدت‌ها پایدار بود، زیرا کشاورزان به وسیله تقسیم زمین خود به دو بخش و کشت پاییزه گندم با استفاده از آب مطمئن و کشت بهاره محصولات خود را، چون صیفی‌جات در صورت بارش مناسب، با شرایط ترسالی و خشکسالی وفق داده بودند.

با تحولات اجتماعی صورت گرفته پس از اصلاحات ارضی و رشد طبقه متوسط در شهرها و روستاها، تقاضا برای کشت تجاری پس از انقلاب اسلامی به‌ویژه پس از اتمام جنگ ایران و عراق و با برخوردارشدن روستاها از زیرساخت‌ها افزایش یافت. قواعد کلانی همچون قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن در سال ۱۳۴۷، زمینه را برای تغییر نظام بهره‌برداری و ورود پرقدرت بازیگری به نام دولت هموار ساخت. دولت که دو هدف افزایش محصولات کشاورزی و پاسخ به مطالبات روستائیان را در سر داشت، در کشور خشک و نیمه‌خشکی مانند ایران چاره را افزایش منابع آبی کشاورزی از طریق احداث سد و صدور مجوزهای حفر چاه عمیق دید. در این مورد مطالعاتی نیز صدور مجوز چاه به یک روستا، موجب کاهش آب بازگشتی و فعال‌شدن عدم تقارن قدرت بین بازیگران شد، چرا که حفر چاه در یک روستا موجب کاهش آب در روستاهای پایین‌دست می‌شود.

این کار موجب برهم خوردن ترتیبات نهادی سابق و لزوم دخالت بیشتر دولت در دادن مجوز به سایر روستاها چه بالادست و چه پایین‌دست و ناپایداری نظام بهره‌برداری شد. نتیجه چنین نظامی افزایش نابرابری بین آب برداشتی روستاها، کاهش آب برداشتی روستاهای پایین‌دست نسبت به نظام سنتی بدون افزایش محسوس کارایی ترتیبات نهادی جدید شد. بازخورد چنین پیامدهایی ایجاد یک وضعیت ناپایدار و لزوم وارد کردن آب از خارج حوزه به درون آن برای کاهش نارضایتی حاصل از ورود نادرست قبلی دولت است.

یافته‌های میدانی به‌عنوان ورودی مسئله حدیثی و فقهی، توجه مجدد به حکمرانی مشترکات را نشان می‌دهد. حداقل می‌توان نتیجه گرفت، قراعت فعلی، در انطباق با شرایط زمان و مکان، ناکارآمد است. به همین خاطر لازم است در کنار نگاه غالب در فقه که توجه به حکمرانی دولتی است، به گونه‌های دیگر حکمرانی مخصوصاً ساختارهای خودسازمان‌یافته نیز توجه شود.

منابع

- تقدسی، رعنا؛ شریف‌زادگان، محمدحسین (۱۳۹۹). واکاوی جایگاه برنامه ریزی توسعه شهری مشارکتی و چالش‌های فراروی آن در اندیشه نهادگرا. نشریه دانش شهرسازی، ۴(۴)، ۶۲-۳۷. doi: 10.22124/upk.2020.16334.1457
- چیت‌سازیان، علیرضا؛ باقری نصرآبادی، محسن (۱۳۹۷). واکاوی سازوکارهای حکمرانی منابع مشاع و ارائه دلالت‌هایی نهادی برای خط‌مشی‌گذاری؛ مطالعه موردی استحصال گیاهان دارویی مرتعی ایران. بهبود مدیریت، ۱۲(۴)، ۹۶-۱۱۷.
- حسینی، سیدجعفر؛ مهدوی، محمدحسین؛ رزمی، محمدجواد (۱۳۹۳). خوانشی نهادی از نظام مسانل سیاست‌گذاری در حقوق مالکیت؛ مطالعه موردی صنعت نفت ایران. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۵(۴۰)، ۲۹-۶۵. doi: 10.30497/LAW.2015.1666
- حسینی، سیدحسن (۱۳۸۸). رابطه طومار شیخ‌بهایی با تقسیم آب زاینده‌رود؟. فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۱(۲)، ۵-۱۴.
- خباز رحیمی، پگاه (۱۳۹۴). کنش جمعی در مدیریت منابع طبیعی: مطالعه اصول استروم در شرکت آبیاری مجن و تعاونی آبریان مهیار اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- رستگاری، امیرحسین؛ و رستگاری یزدی، ثمینه (۱۳۹۰). دانش‌بومی مدیریت حوزه‌های آبخیز در مناطق خشک و نیمه خشک (مطالعه موردی: استان فارس). همایش بین‌المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب، یزد، مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی.
- رضایی، روح‌اله؛ اسحاقی، سیدرضا؛ و صفا، لیلا (۱۳۹۰). روش‌های سنتی در مدیریت منابع آب جهت مقابله با خشکسالی با تأکید بر دانش‌بومی کشاورزی، همایش بین‌المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب، یزد، مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی.
- سپهری، جعفر؛ ابراهیم‌پور، محمدحسین؛ و پریسازاری، زهرا (۱۳۹۰). دانش آب در ایران باستان. همایش بین‌المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب، یزد، مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی.
- سعیدی‌گراغانی، حمیدرضا؛ ارزانی، حسین؛ و رزاقی، فاطمه (۱۳۹۵). بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش‌بومی زنان عشایر ایل سلیمانی در فرایند توسعه پایدار مراتع. دانش‌های بومی ایران، ۳(۵)، ۱۹۹-۱۷۳. doi: 10.22054/qjik.2017.17969.1045
- شاهوردی، فهمیه (۱۳۹۷). تحلیل نهادی کنش جمعی کم‌آبی در منطقه محمود اباد شهرکیان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه اصفهان، ایران.
- صدرالساداتی، سیدعلی؛ و خادمی، حسین (۱۳۹۰). مدیریت سنتی منابع آب در استان هرمزگان، همایش بین‌المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب، یزد، مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی، ایران.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۴۶

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳



عربی، سیدهادی؛ رضایی صدرآبادی، محسن؛ و طاهرنیا، رضا (۱۳۹۵). اصول و معیارهای بهره‌برداری عدالت محور از منابع طبیعی (تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر) در نظام اقتصادی اسلام. دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران.

فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۵). بهره‌برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام، اقتصاد اسلامی. ۶(۲۱)، ۴۴-۱۳.

فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۹). اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام (اصول و مبانی). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فراهانی فرد، سعید (۱۳۹۵). فقه منابع طبیعی. قم: مرکز المصطفی (ص).

فیاضی، سیدمحمد رضا (۱۳۹۳). بررسی فقهی مالکیت مردم بر ثروت‌های عمومی. تهران: سمت.

مسیبی، سمانه؛ برقی، حمید؛ رحیمی، داریوش؛ و قنبری، یوسف (۱۳۹۶). کنش جمعی در مدیریت گردشگری: بررسی اصول استروم در روستای گردشگری متین آباد. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. ۱۵ (۲)، ۲۶۷-۲۴۱. doi: 10.22067/geography.v15i2.68577

مقدم، وحید؛ امیری، هادی؛ صالحی‌خواه، مطهره؛ و معینی، مریم (۱۳۹۷). مدل‌سازی نظام الهی مردمی در حوزه حکمرانی منابع مشترک با رویکرد نهادی. مجموعه مقالات دومین همایش ملی انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی، دانشگاه اصفهان، ایران.

نریمانی، میثم؛ کریمیان، زهره؛ حسینی، سیدجعفر (۱۳۹۱). ارائه چارچوب نهادی برای تنظیم‌گری مدل‌های جدید کسب‌وکار در ایران؛ مطالعه موردی: ارائه‌دهندگان خدمات برخط جابجایی درون‌شهری. سیاستگذاری عمومی، ۶ (۱)، ۳۵-۱۱. doi: 10.22059/jppolicy.2020.76998

نوروزی، علی (۱۳۸۸). مطالعات باستان‌شناسی در حوضه آبخیز کارون شمالی - استان چهارمحال و بختیاری. دوفصلنامه مطالعات باستان‌شناسی، ۱(۲)، ۱۷۵-۱۶۱.

وثوقی، منصور؛ و محمدی، احمد (۱۳۹۰). حقوق دارایی و کنش جمعی برای استفاده از مشاعات. مطالعات توسعه اجتماعی ایران. ۴(۳)، ۵۱-۶۳.

یوسفی، علی؛ امینی، امیرمظفر؛ و ابراهیمی محمدصادق (۱۳۹۰). نظام‌های مدیریت منابع آب: پایداری گذشته و مشکلات کنونی. همایش بین‌المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب، یزد، مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی.

یوسفی، محمد مهدی؛ و وثوقی، منصور (۱۳۹۲). دانش بومی استفاده از جنگل و مرتع در شهرستان رستم. مطالعات جامعه‌شناسی. ۱۹(۶)، ۷۱-۸۹.

Acheson, J. M. (2006). Institutional failure in resource management. *Annual Review of Anthropology*, 35(1), 117-134. doi: 10.1146/annurev.anthro.35.081705.123238

- Andersson, K. (2006). Understanding decentralized forest governance: An application of the institutional analysis and development framework. *Sustainability: Science, Practice and Policy*, 2(1), 25–35. doi: 10.1080/15487733.2006.11907975
- Araral, E. (2017). Privatization and regulation of public services: A framework for institutional analysis. *Policy and Society*, 27(3), 175–180. doi: 10.1016/j.polsoc.2008.10.008
- Bang, M. (2018). Institutional influence on assessments: The institutional analysis and development framework applied to military intelligence. *The International Journal of Intelligence, Security, and Public Affairs*, 20(1), 47–70. doi: 10.1080/23800992.2018.1436391
- Barbier, E. (2005). *Natural resources and economic development*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bastakoti, R.C.A.M., & Shivakoti, G.P. (2012). Rules and collective action: An institutional analysis of the performance of irrigation systems in Nepal. *Journal of Institutional Economics*, 8(02), 225–246. doi: 10.1017/S1744137411000452
- Biggs, R., Schlüter, M., & Schoon, M. L. (Eds.) (2015). *Principles for building resilience: Sustaining ecosystem services in social-ecological systems*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cardenas, J. C., Ahn, T. K., & Ostrom, E. (2004). Communication and Co-operation in a Common-Pool Resource Dilemma: A Field Experiment. In W. Güth & S. Huck (Eds.), *Advances in understanding strategic behaviour: Game theory, experiments, and bounded rationality: essay in honour of Werner Güth / edited by Steffen Huck* (pp. 258–286). Basingstoke: Palgrave Macmillan. doi: 10.1057/9780230523371_12
- Cárdenas, J.-C., & Ostrom, E. (2004). What do people bring into the game? Experiments in the field about cooperation in the commons. *Agricultural Systems*, 82(3), 307–326. doi: 10.1016/j.agsy.2004.07.008
- Chapela, F. (2015). The challenge of crafting institutions for the commons: The case of community forestry support programs in Mexico 2003-2008. *Journal of Agricultural Science and Technology B*, 5(5), 347-356. doi: 10.17265/2161-6264/2015.05.006
- Cox, M., Arnold, G., & Villamayor Tomás, S. (2010). A review of design principles for community-based natural resource management. *Ecology and Society*, 15(4), 38-58. doi: 10.5751/ES-03704-150438
- Furton, G., & Martin, A. (2019). Beyond market failure and government failure. *Public Choice*, 178(1-2), 197–216. doi: 10.1007/s11127-018-0623-4
- Gerring, J. (2017). *Case study research: Principles and practices (Strategies for social inquiry)* (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Ghorbani, A., Dechesne, F., Dignum, V., & Jonker, C. (2014). Enhancing ABM into an Inevitable Tool for Policy Analysis. *Journal on Policy and Complex Systems*, 1(1), 61–76. doi: 10.18278/jpcs.1.1.3





- Grossman, P. Z. (2018). Utilizing Ostrom's institutional analysis and development framework toward an understanding of crisis-driven policy. *Policy Sciences*, 17, 71. doi: 10.1007/s11077-018-9331-7
- haley, L., & Weatherhead, E. K. (2015). Using the politicized institutional analysis and development framework to analyze (adaptive) comanagement: farming and water resources in England. *Ecology and Society*, 20(3), 43-59. doi: 10.5751/ES-07769-200343
- Hardin, G. (1968). The tragedy of the commons. *Science*, 162(3859), 1243-1248.
- Imperial, M. T., & Yandle, T. (2005). Taking institutions seriously: Using the IAD framework to analyze fisheries policy. *Society & Natural Resources*, 18(6), 493-509. doi: 10.1080/08941920590947922
- Kadirbeyoglu, Z., & Özertan, G. (2015). Power in the governance of common-pool resources: A comparative analysis of irrigation management decentralization in Turkey. *Environmental Policy and Governance*, 25(3), 157-171. doi: 10.1002/eet.1673
- McGinnis, M. D. (2011). An introduction to IAD and the language of the Ostrom workshop: A simple guide to a complex framework. *Policy Studies Journal*. 39(1), 169-183. doi: 10.1111/j.1541-0072.2010.00401.x
- Molenveld, A., & Van Buuren, A. (2019). Flood risk and resilience in the Netherlands: In search of an adaptive governance approach. *Water*, 11(12), 2563. doi: 10.3390/w11122563
- Nigussie, Z., Tsunekawa, A., Haregeweyn, N., Adgo, E., & Cochrane, L. (2018). Applying Ostrom's institutional analysis and development framework to soil and water conservation activities in north-western Ethiopia. *Land Use Policy*. 71, 1-10. doi: 10.1016/j.landusepol.2017.11.039
- Ostrom, E. (1990). *Governing the commons: The evolution of institutions for collective action*. Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- Ostrom, E. (2005). *Understanding institutional diversity*. United Kingdom: Princeton University Press.
- Ostrom, E. (2011). Background on the institutional analysis and development framework. *Policy Studies Journal*, 39(1), 7-27. doi: 10.1111/j.1541-0072.2010.00394.x
- Peinhardt, C., & Sandler, T. (2015). *Transnational cooperation: An issue-based approach / Clint Peinhardt and Todd Sandler*. New York, NY: Oxford University Press.
- Polski, M.M., and Ostrom, E. An institutional framework for policy analysis and design, Paper on Workshop in Political Theory and Policy Analysis Department of Political Science, Indiana University, 1999. <http://mason.gmu.edu>
- Raheem, N. (2014). Using the institutional analysis and development (IAD) framework to analyze the acequias of El Río de las Gallinas, New Mexico. *The Social Science Journal*, 51(3), 447-454. doi: 10.1016/j.soscij.2014.02.004

- Rahman, H. M. T., Sarker, S. K., Hickey, G. M., Mohasinul Haque, M., & Das, N. (2014). Informal institutional responses to government interventions: lessons from Madhupur National Park, Bangladesh. *Environmental Management*, 54(5), 1175–1189. doi: 10.1007/s00267-014-0325-8
- Tarko, V. (2017). Elinor Ostrom: An Intellectual Biography: Rowman & Littlefield.
- Villamayor-Tomas, S., Thiel, A., Amblard, L., Zikos, D., & Blanco, E. (2019). Diagnosing the role of the state for local collective action: Types of action situations and policy instruments. *Environmental Science & Policy*, 97, 44–57. doi: 10.1016/j.envsci.2019.03.009
- Wang X. (2011). An Institutional Analysis of Water Governance in the Qiyi Irrigation District, North China. Master of Science, Humboldt-Universität zu Berlin, Berlin.
- Whaley, L. (2018). The critical institutional analysis and development (CIAD) framework. *International Journal of the Commons*, 12(2), 137-161. doi: 10.18352/ijc.848
- Whaley, L., & Cleaver, F. (2017). Can ‘functionality’ save the community management model of rural water supply? *Water Resources and Rural Development*, 9, 56–66. doi: 10.1016/j.wrr.2017.04.001
- Whaley, L., & Weatherhead, E. (2016). Managing water through change and uncertainty: comparing lessons from the adaptive co-management literature to recent policy developments in England. *Journal of Environmental Planning and Management*, 59(10), 1775–1794. doi: 10.1080/09640568.2015.1090959
- Xie, Y., Wen, Y., & Cirella, G. T. (2019). Application of Ostrom’s social-ecological systems framework in nature reserves: Hybrid psycho-economic model of collective forest management. *Sustainability*, 11(24), 6929. doi: 10.3390/su11246929



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۵۰

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳



سیر تحولات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آب در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران

مهشید طالبی صومعه‌سرای^{۱*}، محمد جواد زارعیان^۲، اشکان فرخ‌نیا^۳، رضا روزبهبانی^۴

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

چکیده

تدوین برنامه‌های میان‌دستی برای توسعه و پیشرفت، مبتنی بر سیاست‌هایی هستند که به شکلی انضمامی در قالب اهداف معین و مواد قانونی و طرح‌های اجرایی بروز می‌کنند. چنانچه در بسیاری از موارد ضعف در اجرا را می‌توان از طریق بررسی سیاست‌گذاری‌ها دنبال کرد. یکی از دلایل برهم خوردن تعادل بین مصرف و تقاضا در مدیریت منابع آب کشور را در شکل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌توان جست‌وجو کرد. با این وجود این سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آب در ایران شکل ثابتی نداشته و از دوره‌ای به بعد برحسب تغییر در بستر اجتماعی و سیاسی، تحولات زیادی داشته است. بیشترین تحولات در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آب بین برنامه‌های آب در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران است؛ تحولات در میان‌مدت و کوتاه‌مدت نیز مشهود است. برای شناسایی این تحولات از طریق رویکرد کیفی و با روش تحلیل مضمون استقرایی متن برنامه‌ها و اسناد توسعه بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان داد تحولات در سیاست‌گذاری آب ایران در دوران قبل از انقلاب اسلامی بیشتر متأثر از تحولات و سیاست‌های بین‌المللی بوده و در دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران، این تحولات اغلب متأثر از گفتمان سیاسی دولت وقت بوده است. همچنین نتایج نشان داد که برنامه‌های توسعه‌ای در ایران از انسجام کافی برای پایداری منابع آب برخوردار نیست. در واقع تغییر در سیاست‌های مربوط به بهره‌برداری از منابع آب طی این دوران منجر به گسست برنامه‌های مختلف توسعه کشور از منظر مدیریت آب شده است.

کلیدواژه‌ها: توسعه، آب، سیاست‌گذاری، ایران، برنامه‌های عمرانی، برنامه‌های توسعه

۱. دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات آب، مؤسسه تحقیقات آب و وزارت نیرو، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

✉ m.talebi@wri.ac.ir

۲. استادیار مهندسی منابع آب، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات آب، مؤسسه تحقیقات آب و وزارت نیرو، تهران، ایران

۳. دکتری مهندسی منابع آب، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات آب، مؤسسه تحقیقات آب و وزارت نیرو، تهران، ایران

۴. استادیار مهندسی منابع آب، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات آب، مؤسسه تحقیقات آب و وزارت نیرو، تهران، ایران

۱. مقدمه

نظریه پردازان بسیاری مسائل آب را در زمره مسائل پیچیده‌ای دانستند که تنها از منظر یک رشته و تخصص قابل بررسی نیست (مولینگا^۱، ۲۰۰۸). برای شناخت مسائل آب نیاز به بررسی مسئله در سطوح مختلف و حوزه‌های مختلف دانش است.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های دانش در شناخت مسائل آب، عرصه سیاست‌گذاری آب است. قدمت برنامه‌ریزی برای مدیریت آب در ایران به دوران بعد از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، یکی از ابزارهای سیاست خارجی کمک‌های توسعه‌ای بود که با هدف بازسازی کشورهای آسیب‌دیده و ممانعت از در غلتیدن آن‌ها به دامن کمونیست دهقانی انجام می‌شد (طالبی، ۱۳۹۹، ۱۳۲). بنابراین، از همان ابتدا توسعه اقتصادی در ایران از مجرای توسعه کشاورزی و توسعه منابع آب کشاورزی تعریف شد. با ظهور پیامدهای توسعه آب و کشاورزی در ایران و ورود مفاهیم جدید توسعه پایدار و حکمرانی خوب در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، سیاست‌های توسعه‌ای جدیدی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی جهان تعریف شدند. این رویه هم از سوی نظریه‌پردازان غربی که به پژوهش درباره کاستی‌های مدل‌های پیشین توسعه در جهان سوم و کشورهای توسعه‌نیافته پرداخته بودند و هم از سوی متولیان و پژوهشگران این جوامع در پیش گرفته شد (کلاتری، روشنگر و حسنی، ۱۳۹۲، ۶). نقد به سیاست‌های توسعه منابع آب و کشاورزی در ایران از دهه ۱۳۳۰ و در قالب ارزیابی برنامه دوم عمرانی مطرح شده و منجر به تغییرات مختلفی در ایران شده است. هدف اصلی مقاله حاضر نیز بررسی این موضوع است که، سیاست‌گذاری منابع آب چگونه بوده و چه تغییراتی داشته است؟

۲. آب، محور سیاست‌گذاری توسعه جهان سوم

دوره بعد از جنگ جهانی دوم مقارن با تغییرات اساسی در جهان بود. مهم‌ترین تغییرات رقابت بر سر ارائه الگوهای توسعه برای جهان سوم توسط آمریکا و شوروی بود. موله، مولینگا و وستر (۲۰۰۹، ۳۳۳) مولینگا (۲۰۱۰، ۵۱۵) یکی از مهم‌ترین میدان‌های رقابت



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۵۲

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳



بین این دو ابرقدرت را نمایش مقهورسازی طبیعت به‌خصوص مهار منابع آب عنوان کرد. در این دوران، شوروی راه‌اندازی پروژه بزرگ ولتا، طرح‌های بزرگ برق‌آبی، کانال دریای بالتیک و سدسازی‌های عظیم بر روی رودخانه ولگا و معکوس کردن جریان رودخانه سیبری را انجام داد. پروژه انتقال آب از آلاسکا به مکزیک نیز همانند تغییر مسیر رودخانه سیبری شوروی در دوران جنگ سرد، نمایشی از مهار طبیعت بود.

در کشورهای جهان سوم نیز با الگوگیری از دو ابرقدرت، انتقال «ماحصل توسعه» در دستور کار قرار گرفت. این نخبگان با حمایت بلوک شرق و غرب، برنامه‌های توسعه منابع آب را به‌عنوان نماد مدرنیته، در مقیاس گسترده ترویج می‌کردند. این دیدگاه در آمریکا وجود داشت که سرمایه‌گذاری‌های عظیم، در موضوع سدها و سیستم‌های آبیاری در کشورهای جهان سوم، بهترین دفاع در برابر نفوذ کمونیسم است (مولینگا، ۲۰۱۰، ۳۳۶). بنابراین، ترومن در اصل چهارم از اصول خود که در سخنرانی افتتاحیه ریاست جمهوری، مصادف با سال ۱۳۲۸ شمسی ایراد نمود، به کمک‌های فنی به کشورهای توسعه‌نیافته جهت مقابله با نفوذ کمونیست در آن‌ها تأکید کرد (مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۲). ایران از جمله اولین کشورهایی بود که موافقت خود را با اصل چهار اعلام کرد و سیاست‌های آمریکا بر مبنای سیاست توسعه منابع آب کشاورزی در ایران اعمال شد. تاجایی که تداوم این سیاست‌گذاری با دادن وجه اخلاقی و ارزشی به توسعه منابع آب در ایران صورت گرفت. موله، مولینگا و وستر^۱ (۲۰۰۹، ۳۳۲) معتقد بودند توسعه منابع آبی همچون یک ایدئولوژی با خوشبختی و سعادت‌مندی جوامع جهان سوم گره خورده بود. چنانچه توسعه منابع آب به مثابه امری اخلاقی در نظر گرفته شده بود که باعث خیر جمعی افراد، از طریق بیابان‌زدایی و تبدیل بیابان به گلستان می‌شود. رویه‌ای که نامتناسب با اقلیم بسیاری از این کشورها بوده و در میان مدت تبعات این شکل از توسعه نمایان شد و منجر به تغییر در گفتمان توسعه اقتصادی در سطح بین‌المللی شد.

۳. روش تحقیق

در این مقاله، از روش کیفی و رویکرد تحلیل مضمونی استقرایی بهره برده شده است. تحلیل مضمون هم به عنوان یک روش مستقل تحقیق و هم به عنوان یک روش تحلیل داده‌ها کاربرد دارد و آن را می‌توان هم به شکل قیاسی و هم به شکل استقرایی انجام داد (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ۸۳). داده‌ها، برنامه‌های هفت‌ساله عمرانی و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه هستند و این مقاله جزو سنج‌های غیرواکنشی^۱ قرار می‌گیرد. برای بررسی محتوای برنامه‌ها و اسناد بالادستی، در ابتدا خوانشی مقدماتی از تمام بندهای مرتبط با آب و کشاورزی انجام شد. سپس با تحلیل مضامین مندرج در هر برنامه، متناسب با بستر اجتماعی و سیاسی دوران، تحولات در این اسناد تحلیل شد.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۵۴

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

۴. مروری بر سیاست‌های توسعه منابع آب در برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب

بررسی ارتباط توسعه منابع آب با سیاست‌گذاری‌های توسعه در ایران، می‌تواند راهگشای تبیین بسیاری از مسائل موجود در وضعیت منابع آب کشور باشد. از این رو، برنامه‌های مختلف در زمینه توسعه منابع آب به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴. سیاست‌های توسعه منابع آب در برنامه عمرانی اول

تدوین برنامه اقتصادی برای ایران با تشکیل «شورای اقتصاد» در سال ۱۳۱۶ و همچنین تصویب «کمیسیون دائمی تهیه برنامه» آغاز شد. این برنامه با هدف اصلاح وضع کشاورزی برای «تولید محصولات» در دستور کار قرار گرفت. اما یک سال بعد، جلسات این شورا متوقف شد.

ابوالحسن ابتهاج، مدیرعامل سازمان برنامه و بودجه وقت در نامه‌ای به وزیر کشاورزی وقت در تاریخ دوم آذر ۱۳۱۸ در نقد انحلال این شورا، به لزوم ازسرگیری مجدد شورا برای تدوین برنامه یا نقشه در جهت «توسعه کشت محصولات کشاورزی استراتژیک» چون چغندر قند اشاره داشته است (تاریخچه تنظیم برنامه هفت‌ساله عمران و آبادی ایران، ۱۳۲۷).



در نهایت با دستور ابتهاج کمیسیونی در وزارت دارایی جهت تهیه برنامه اقتصادی کشور تشکیل شد و اولین جلسه آن در دهم فروردین ۱۳۲۵ برگزار گردید (بانک ملی، سند شماره ۲۴۱۳، ۱۲-۱۷). در این جلسه قوام السلطنه (نخست‌وزیر وقت) بر توسعه منابع آب کشاورزی برای افزایش تولید محصولات زراعی چون چغندر قند تأکید کرد. چنانچه برای این منظور بر حفر قنوات، ایجاد تسهیلات فنی برای اجرای آن، کندن چاه‌های آب، استفاده از موتورهای برقی و چاه آرتزین ایجاد سد و آبیاری‌های بزرگ‌تر و دامنه‌دار تأکید شد (بانک ملی، سند شماره ۲۴۱۳، ۱۹). در ۱۷ فروردین ۱۳۲۵ سرانجام «نقشه عمرانی» هفت ساله یا همان نخستین برنامه عمرانی کشور با اولویت قرار دادن عملیات عمرانی از جمله سدسازی و اصلاح و توسعه کشاورزی تصویب شد. با این وجود، عدم توانایی مالی کشور برای اجرای این برنامه مهم‌ترین مشکل بود. بنابراین، ایران با بانک جهانی (به نام بانک بین‌المللی ترمیمی و توسعه) برای گرفتن وام ۲۵۰ میلیون دلاری وارد مذاکره شد. به دنبال درخواست بانک جهانی، جهت شرح هزینه‌کرد و تخصیص مالی این وام در ایران شد، هیئتی از متخصصان از شرکت موريس نودسن آمریکایی توسط ایران دعوت شدند تا بودجه عمرانی موردنظر را مورد بررسی، راستی‌آزمایی و بازنگری کنند. ابتهاج در معرفی این متخصصان، در نشست انجمن روزنامه‌نگاران در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۲۵ گفت که این متخصصان آمریکایی در زمینه آبیاری، سدسازی، کشاورزی و صنایع، راه‌آهن و سایر راه‌ها تخصص دارند (بانک ملی، سند شماره ۲۴۱۳، ۳۵).

در گزارش ارائه شده توسط این شرکت در مردادماه ۱۳۲۶ با عنوان «برنامه توسعه و عمران ایران»، بر برنامه‌های اجرایی مختلفی جهت توسعه ایران تأکید شده است. بخش زیادی از این برنامه‌های پیشنهادی مبتنی بر لزوم توسعه منابع آب در ایران بود. از جمله این پیشنهادات عبارت بود از به سدسازی، توسعه کشاورزی، به خصوص توسعه کاشت نیشکر، و همچنین احداث مراکز صنعتی چون کارخانجات سیمان، و توسعه راه‌ها و راه‌آهن. آن‌ها در نهایت جمع هزینه‌ها برای اجرای ۲۳۴ طرح را ۲۵۰/۱ میلیون دلار پیش‌بینی کردند. با وجود تهیه گزارش تفصیلی برای برنامه عمرانی کشور، پرداخت وام مورد تأیید بانک جهانی قرار نگرفت. با این وجود در بهمن‌ماه سال ۱۳۲۷ با برآورد بودجه ۲۱ میلیارد ریال این



برنامه تصویب شد (زیاری، ۱۳۹۳، ۲۳۶). بیشترین بودجه پیشنهادی در این برنامه به توسعه منابع آب کشاورزی تعلق داشت که معادل با ۶۵۰۰ میلیون ریال از مجموع اعتبارات بود و برای سدسازی و کشاورزی بخش خصوصی واگذار شده بود (قدیری معصوم، علیقلی‌زاده فیروزجایی، ۱۳۸۲، ۱۱۸). برنامه اول عمرانی بعد از دو سال با آغاز ملی‌شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ و تحریم ایران و قطع درآمد نفت متوقف شد و از مجموع اعتبار برنامه، حدود ۲۰ درصد آن تأمین شد (قدیری معصوم و علیقلی‌زاده فیروزجایی، ۱۳۸۲، ۹۷).

در مجموع مهم‌ترین سیاست‌گذاری عمران و توسعه کشور در برنامه اول، که تمرکز را بر توسعه منابع آب کشاورزی قرار داده بود، عبارت است از: ۱) استفاده از متخصصان آمریکایی با تخصص آبیاری و کشاورزی برای طراحی برنامه عمرانی در کشور؛ ۲) اختصاص بیشترین حجم از بودجه به بخش آب و کشاورزی؛ ۳) تأکید و تمرکز وزیر دارایی و رئیس بودجه وقت بر توسعه منابع آب در برنامه اول عمرانی.

آنچه در این برنامه نشان داده شده است، مبنی بر این اصل است که تمرکز بر توسعه اقتصاد کشاورزی و به دنبال آن توسعه منابع آب کشاورزی برای اقلیم خشک و نیمه‌خشک ایران، به عنوان مهم‌ترین اهرم توسعه اقتصادی در نظر گرفته شد. اگرچه اهمیت توسعه منابع آب نه تنها برای ایران، بلکه به زعم موله و مولینگا (۲۰۰۹) به عنوان مهم‌ترین وجه توسعه در همه جهان به ویژه در آمریکا و شوروی برای مقابله اقتصادی و سیاسی طی جنگ سرد در نظر گرفته شده بود.

۲-۴. سیاست‌های توسعه منابع آب در برنامه دوم عمرانی

برنامه دوم عمرانی کشور در چهار حوزه تعریف شد که عبارت بود از کشاورزی، ارتباطات و مخابرات، صنایع و معادن و خدمات اجتماعی و شهری. با توجه به اعمال سیاست‌های مبتنی بر اصل ۴ ترومن در ایران، کشاورزی و توسعه منابع آبی از مهم‌ترین سرفصل‌های برنامه بود. بیش از ۶۰ درصد از اعتبارات تخصیص داده شده به بخش کشاورزی و آبیاری متعلق و به سدسازی و آبیاری بوده است. با توجه به سهم زیاد توسعه کشاورزی در قانون دوم برنامه عمرانی، بر احداث سد‌های بزرگ مخزنی تأکید شد. بنابراین، سد کرج، سفیدرود و دز در این برنامه تعریف شد. علاوه بر این ۲۲۵۰۰ هکتار شبکه آبیاری آزمایشی

برای دز، تعریف کانال‌های رودخانه کرخه، تدوین و توسعه طرح نیشکر هفت‌تپه، مطالعات طرح جامع خوزستان جهت احداث ۱۳ سد، همچنین تکمیل سدهای گلپایگان، بمپور و کانال‌های رودخانه کرخه مورد تأکید در این برنامه بوده است (سازمان برنامه و بودجه کشور، قانون برنامه عمرانی هفت‌ساله دوم کشور، ۱۳۳۴).

با وجود اهمیت توسعه منابع آب در برنامه دوم، برای اولین بار در گزارشی تحت‌عنوان «سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه عمرانی هفت‌ساله دوم ایران» که در اواخر سال ۱۳۳۸ توسط سازمان برنامه و بودجه ارائه شد، انتقادات زیادی بر توسعه منابع آب و توسعه سدهای ایران وارد شد. طبق این گزارش، برای افزایش تولید بلید به اصلاح و بهبود اراضی زیر کشت تأکید شود نه افزایش سطح اراضی و توسعه منابع آب. همچنین این گزارش روش افزایش تولید را از طریق توسعه روش‌های نوین آبیاری و کشاورزی و حفاظت از منابع آب قابل‌توجه می‌دانند (گزارش سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه عمرانی هفت‌ساله دوم ایران، ۲۸-۲۹). در این گزارش بیان شده است که علت تمایل به توسعه اراضی زیر کشت و عدم کیفی‌سازی کشاورزی، بین‌رشته‌ای بودن آن تخصص‌ها و دیربازده بودن آنهاست و نیاز به تعلیم و تربیت مروجین کشاورزی و انجام مطالعات در این زمینه دارد.

این گزارش چنین سدهای با هدف توسعه منابع آب کشاورزی را تنها نمایشی معجزه‌آسا می‌دانست که مقرون به‌صرفه نبوده و تنها حدود ۵ درصد به افزایش تولید کمک خواهد کرد. بنابراین، تنها سدهایی با هدف تأمین برق و آب شرب دارای ارزش اقتصادی بوده و برای توسعه کشاورزی، سدهای بزرگ نباید در درجه اول تقدم باشد (همان، ۳۹). این موضوع در گزارش مؤسسه مشاورین ماوراء بحار آمریکایی در سال ۱۳۲۸ نیز مطرح شده بود.

در حقیقت اگرچه چشم‌نوازی سازه‌های عظیم سد در آن دوران نه تنها در ایران بلکه در جهان نمادی از مدرنیته و رشد اقتصادی دولت‌ها بود و استقبال بسیاری از این دستاورد اولیه توسعه در کشور شده بود، با این وجود مخاطرات آن به سرعت پیش‌بینی شد. مخاطراتی که نشان از این امر دارد که پیامدهای توسعه منابع آب کشاورزی (خارج از توان حوضه‌ها) که در شرایط کنونی گریبان‌گیر ایران است، امری ناشناخته نبوده و ناآگاهی از پیامدها توجیه تاریخی ندارد.



۳-۴. سیاست‌های توسعه منابع آب در برنامه سوم عمرانی

برنامه سوم عمرانی کشور (۱۳۴۶-۱۳۴۱)، هم‌زمان با اصلاحات ارضی در ایران تدوین شد. برای اولین بار مفاد برنامه در قالب «هسته، غیرهسته» تعریف شد و اولویت طرح‌های «هسته» یعنی طرح‌های مهم و «غیرهسته» یعنی طرح‌های با اهمیت کمتر برای مجریان و مسئولان روشن شد (اکبری و لیلانز مهرآبادی، ۱۳۸۹، ۳).

در برنامه سوم عمرانی بخش کشاورزی و آبیاری بیش از ۲۰ درصد از بودجه را به خود اختصاص داد. این برنامه در اهداف کلی خود در بخش کشاورزی و آبیاری، بر افزایش تولید محصولات کشاورزی و همچنین ارتقای سطح زندگی کشاورزان از طریق توزیع عادلانه‌تر درآمد کشاورزی اشاره داشته است (سازمان برنامه و بودجه، گزارش ارزشیابی عملکرد برنامه سوم عمرانی، ۱۳۴۵، ۱). اگرچه تأکید بر حفر چاه‌های عمیق، اصلاح قنوات و سدهای کوچک به جای سدهای بزرگ مورد اشاره این برنامه بوده است، اما در عمل پروژه‌های بزرگ پرهزینه در دستور اجرایی کار قرار گرفت.

در ارزیابی این برنامه نیز نقدهایی به توسعه منابع آب مطرح شد. چنانچه معاون وزارت کشاورزی در تابستان ۱۳۴۴ در جلسه ۳۳ بانک مرکزی بیان داشت که افزایش سطح زیر کشت بدون توجه به عملکرد آن به دلیل شرایط اقلیمی به صلاح کشور نیست. وی با نقد تمرکزگرایی سیاست‌های توسعه کشاورزی و آبیاری بر عدم تعمیم برنامه توسعه کشاورزی به همه کشور تأکید کرد. وی به عنوان راهکار بهبود وضعیت کشاورزی ایران «کشاورزی فشرده» و افزایش بهره‌وری در واحد سطح را پیشنهاد داد. همچنین تأکید داشت که توسعه کشاورزی بایستی با دوراندیشی و صرفه‌جویی در بهره‌برداری از منابع آب و خاک انجام شود (سازمان برنامه و بودجه، گزارش ارزشیابی عملکرد برنامه سوم عمرانی، ۱۳۴۵، ۶).

بنابراین، با وجود اینکه در این برنامه بخش کشاورزی جایگاه ویژه‌ای داشت، اما مطابق گزارش مقدماتی برنامه سوم عمرانی ایران، باید از حجم جمعیت روستانشین کم شده و لازمه این کار دست‌کشیدن گروه‌های بزرگی از جمعیت روستایی از کشاورزی و رفتن به‌سوی سایر مشاغل فرض شده بود. افزایش قدرت تولید در زمین (کشاورزی فشرده) به‌جای افزایش سطح زیر کشت اصلی‌ترین راه‌حل این موضوع بود (سازمان برنامه و بودجه،



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۵۸

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳



گزارش ارزشیابی عملکرد برنامه سوم عمرانی، ۵۲-۵۰). با این وجود اعتبارات بخش کشاورزی و آبیاری نیز در این برنامه رشدی ۱۶۰ درصدی داشت. اما با وجود همه این برنامه‌ریزی‌ها، اما در عمل کمترین رشد نصیب بخش کشاورزی شد و رشد ارزش افزوده سالانه ۲/۵ درصد به جای ۴ درصد هدف‌گذاری شده تحقق یافت (سازمان برنامه و بودجه، گزارش ارزشیابی عملکرد برنامه سوم عمرانی، ۱۳۴۵، ۲۹).

از مهم‌ترین موارد در برنامه سوم، توجه به ارزیابی انتقادی توسعه سده‌سازی در برنامه دوم و نقد بر توسعه منابع آب کشاورزی از طریق افزایش سطح زیر کشت بوده است (اگرچه بخش زیادی از بودجه به تکمیل طرح‌های قبلی اختصاص یافت). یکی از موارد قابل توجه دیگر در این دوران انتقاد معاون وزیر کشاورزی به افزایش سطح زیر کشت بوده است. این در حالی است که وزیر کشاورزی به‌عنوان ذی‌مدخل اصلی برای افزایش تولیدات کشاورزی، دغدغه پایداری را بر شرح وظایف اولویت داده است. در مجموع با ارزیابی تبعات توسعه منابع آب کشاورزی در این برنامه، تأکید بر طرح‌های کوچک و آغاز گذار از توسعه آب کشاورزی به سمت آب صنعت بوده است. این موضوع در برنامه چهارم و پنجم عمرانی بیشتر منعکس شده است.

۴-۴. سیاست‌های توسعه منابع آب در برنامه چهارم عمرانی

برنامه چهارم عمرانی پیشرفت محتوایی زیادی نسبت به برنامه‌های قبل داشت. ارزیابی برنامه‌های پیشین و استفاده از نظرات کارشناسان داخلی و خارجی موجب شد تا برنامه چهارم عمرانی نسبت به گذشته علمی و جامع‌تر باشد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲). اجرای این برنامه در سال ۱۳۴۷ و هم‌زمان با تصویب قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن، با اعتبار مصوب اولیه ۴۸۰ میلیارد ریال آغاز گردید و بعدها در سال ۱۳۵۰ اعتبار آن به ۵۶۸ میلیارد ریال افزایش یافت (قدیری معصوم و علیقلی‌زاده فیروزجایی، ۱۳۸۲، ۱۲۲).

بعد از اصلاحات ارضی در ایران و برهم خوردن نظام سنتی مدیریت قنات و هم‌زمانی آن با ورود تجهیزات حفر چاه و پمپ‌های برداشت آب، برهم خوردن چرخه تعادل منابع و مصارف آب نمایان شد. ارزیابی‌های انتقادی از برنامه‌های پیشین درخصوص توسعه منابع آب و برهم خوردن تعادل منابع آب زیرزمینی، با تصویب قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن در



سال ۱۳۴۷ هم‌زمان گردید و زمینه‌های اعمال گسترده مدیریت دولتی آب را رقم زد. نقد به توسعه سدسازی و همچنین توسعه منابع آب کشاورزی در برنامه‌های پیشین، همچنین افزایش درآمد نفتی و تجویز الگوی توسعه برای کشورهای جهان سوم چون ایران توسط روستو مشاور رئیس‌جمهور وقت آمریکا، زمینه‌ساز حرکت از توسعه کشاورزی به توسعه صنعتی شد. برخلاف برنامه‌های قبلی برای اولین بار در این برنامه، بخش آب و کشاورزی کمترین میزان اعتبارات را نسبت به سایر بخش‌ها به‌سوی خود جذب کرد (طالبی، ۱۳۹۹، ۱۲۲). به همین دلیل بخش کشاورزی در برنامه چهارم به لحاظ عملکردی دارای ضعف بود. در این برنامه، بخش صنعت با رشد سالانه ۱۴ درصد و بخش خدمات با رشد ۱۴/۸ درصدی مواجه شد. این در حالی است که بخش کشاورزی رشد سالانه ۳/۸ درصدی را داشت (قدیری معصوم و علیقلی‌زاده فیروزجایی، ۱۳۸۲، ۱۲۲). در مقابل، واردات کشاورزی از ۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۱ به ۱۵/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰ افزایش یافت (مدنی، ۱۳۷۴، ۳۴). در جدول شماره (۱) به تشریح این برنامه پرداخته شده است.

جدول ۱. آب و کشاورزی در برنامه عمرانی چهارم

فصل	ماده	شرح مواد قانونی	مهم‌ترین موارد
آب	اهداف کلی بخش آب	افزایش ۱۵ درصد آب زراعت آبی، آب صنایع با اولویت کشاورزی، آب شهر و روستا، مطالعات آب، تنظیم ترانزنامه، نقشه آب کشور، بهره‌برداری معقول از آب زیرزمینی	کیفیت و مطالعات در کنار توسعه آب
	خط و مشی‌های اساسی و سیاست‌های اجرایی	تجدیدنظر در بهره‌برداری آب براساس اصل ملی‌کردن، نظارت بر مصرف معقول آب، سیاست علمی و انجام تحقیقات برای استفاده بهتر از آب، استفاده از آب در زمین‌های با حداکثر بهره‌وری، اولویت تکمیل شبکه‌های سدهای آبیاری و اصلاح نهرهای فعلی و شبکه‌های قدیمی، تأسیس سازمان آب منطقه‌ای	افزایش مطالعات و نظارت بیشتر بر مصرف آب
	برنامه‌های توسعه بهره‌برداری	تحقیق در حوزه کمی و کیفی آب زیرزمینی و سطحی، تأمین نیازمندی‌های کشاورز آب، مطالعه طرح‌های آبیاری و سدسازی، شیرین کردن آب‌های شور	تمرکز بر مطالعات آب
		تکمیل طرح‌های بهره‌برداری آب‌های زیرزمینی محدوده قطب‌های کشاورزی، تأمین هزینه نگهداری قنات از اعتبارات کشاورزی و شرکت‌های تعاونی و خصوصی	تعریف طرح توسعه آب در قطب‌های کشاورزی
		تکمیل شبکه‌های آبیاری سدهای ساخته شده و تکمیل ۶ طرح سدسازی و آبیاری، اجرای طرح‌های بهره‌برداری از رودخانه‌ها	تکمیل طرح‌های قبلی

1. Walt Whitman Rostow

ارائه مدل پنج مرحله‌ای رشد اقتصادی با حرکت از توسعه کشاورزی به توسعه صنعتی توسط روستو

فصل	ماده	شرح مواد قانونی	مهم ترین موارد
	نظارت بر آب	نظارت بر بهره برداری از آب به عنوان یک ثروت ملی یا توجه به اصل ملی کردن	نظارت بر بهره برداری
	آب منطقه ای	اداره سازمان آب به طور انتفاعی و بازرگانی، تأمین هزینه آن ها از درآمد و اعتبار عمرانی	استقلال مالی آب منطقه ای
کشاورزی	خط و مشی های اساسی	سرمایه گذاری در توسعه ذخایر آب، سرمایه گذاری در منابع آب کشاورزی و دام پروری	توسعه ذخایر به جای توسعه منابع
	عمران ناحیه ای	تعیین قطب های کشاورزی بر اساس ظرفیت منابع طبیعی، ایجاد مؤسسات بزرگ کشاورزی مجاور سدها و استفاده از تکنیک های جدید آبیاری	قطبی سازی کشاورزی و روش های نوین آبیاری

منبع: (طالبی، ۱۳۹۹، ۱۴۸)

همان طور که در جدول شماره (۱) مشهود است، تمرکز بر کاهش سدسازی و کاهش توسعه منابع آب، منجر به چرخش توسعه آب از کشاورزی به صنعت شد. بنابراین، برنامه های عمرانی مبتنی بر ناحیه ای کردن زراعت و تعیین دشت ممنوعه در مناطق نامساعد متمرکز شد. بنابراین، قطب بندی های مستعد کشاورزی شناسایی شد تا به مرور موجب کاهش کشاورزی در مناطق کم آب شود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۱، ۲۵-۱۵). توجه به شاخص های کیفی مدیریت منابع آب و تمرکز بر پژوهش و انجام مطالعات آب یکی دیگر از مفاهیم جدید این برنامه بود. بنابراین، این برنامه را می توان چرخش گفتمانی از توسعه منابع آب کشاورزی به توسعه آب صنعتی دانست.

۴-۵. سیاست های توسعه منابع آب در برنامه پنجم عمرانی

افزایش درآمدهای نفتی در اوایل دهه ۱۳۵۰، توسعه صنعتی و محدودیت توسعه کشاورزی را مورد توجه قرار داد. برنامه پنجم عمرانی با وجود حمایت از کشاورزی، اما در زمینه سازه ای رویکرد تقلیلی داشت. این برنامه به صراحت بر توقف احداث سدهای مخزنی و توسعه شبکه های آبیاری و زهکشی پایین دست سدها تأکید دارد. احداث مراکز آماربرداری آب، تحقیقات بر روی شرایط کمی و کیفی منابع آب سطحی و زیرزمینی و تأسیس مؤسسه تحقیقات آب از دیگر بخش های مهم برنامه های مدیریت آب در برنامه عمرانی پنجم بوده است. همچنین در این برنامه بر هیدروپلیتیک و مهار آب های مرزی، مدیریت یکپارچه آب، جلوگیری از شور شدن آب ها و ایجاد تشکل های آب بران تأکید شده است. جزئیات بیشتری از این موضوع در جدول شماره (۲) ارائه شده است.



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۱۶۱

سیر تحولات برنامه ریزی و سیاست گذاری آب ...

جدول ۲. آب و کشاورزی در برنامه پنجم عمرانی

ماده	بند	شرح مواد قانونی	خلاصه بندها
خط و مشی ها	مقدمه	محدودیت احداث سدهای مخزنی و افزایش شبکه های آبیاری و زهکشی	ممانعت با سدسازی
		بهره برداری از آب های مهار شده قبلی نه تنظیم آب جدید، متوقف کردن احداث سدهای مخزنی و انحصار احداث آن به مناطق ویژه، تکمیل سدهای مخزنی قبلی، تکمیل ساختمان سدهای مخزنی که مطالعات آن ها انجام شده	ممانعت از توسعه آب جدید و سدسازی
		بهره برداری از رودخانه های مرزی و حقا به ها بین المللی ایران	حقا به بین المللی
		خط مشی های اساسی و سیاست ها اجرایی تأمین آب	استفاده از تأسیسات آبی جهت جلوگیری از هدر رفتن آب هایی که به دریاها، باتلاق ها و کویرها جاری می شود
			اجرای انتقال بیش از ۴۰۰ میلیون متر مکعب آب به مناطق کم آب
			بهره برداری هماهنگ از آب های سطحی و زیرزمینی
			اخذ آب بها متناسب با هزینه سرمایه گذاری و شرایط مختلف کشور
			جلوگیری از شور شدن آب
			ایجاد شبکه های آبیاری و زهکشی
			ایجاد نیروگاه برقابی
			کنترل کردن سیلاب
			تحقیق و بررسی
			نظارت بر منابع آب



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۱۶۲

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

منبع: (طالبی، ۱۳۹۹، ۱۵۸)

در مجموع، مهم ترین اصول در برنامه پنجم عمرانی در زمینه آب عبارت است از: (۱) محدودیت شدید در احداث سد؛ (۲) توسعه مطالعات و تحقیقات در حوزه کمی و کیفی آب؛ و (۳) افزایش نظارت بر بهره برداری از منابع آب سطحی و زیرزمینی. به توجه به اصول ذکر شده، می توان گفت گذار اصلی از مدیریت آب کشاورزی به مدیریت آب صنعتی و محدود کردن توسعه کشاورزی در ایران در برنامه پنجم عمرانی مشهود است. با این حال، به دلیل محدودیت سدسازی، برای تأمین تولیدات کشاورزی بهره برداری از منابع آب زیرزمینی فزونی یافته و طی این دوران حفر چاه افزایش یافت.

در مجموع گذار از توسعه منابع آب کشاورزی به صنعت طی سال‌های سیاست‌گذاری قبل از انقلاب اسلامی ایران مشهود است. این تحولات در ادامه تشریح شده است.

۴-۵. جمع‌بندی سیاست‌های مدیریت منابع آب در برنامه‌های عمرانی

سیاست‌گذاری آب در دوران قبل از انقلاب اسلامی ایران نشان داد تمرکز بر توسعه کشاورزی تا برنامه سوم عمرانی بوده است. با این وجود به موازات سیاست‌های توسعه منابع آب از برنامه دوم عمرانی، انتقادات به آن همواره وجود داشته است. این انتقادات باعث تجدیدنظر در توسعه منابع آب در برنامه‌های بعدی شد. شایان ذکر است که این تحولات تنها برحسب ارزیابی برنامه‌ها و انتقادات مطرح شده نبوده، بلکه سیاست‌های بین‌المللی چون اصل چهار ترومن و سیاست‌گذاری توسعه برای ایران برحسب مدل روستو (که توسعه کشاورزی را مقدمه بر توسعه صنعت در ایران تعریف کرده بود) و همچنین افزایش قیمت نفت و بلندپروازی برای صنعتی‌سازی ایران از جمله دلایل اثرگذار بوده است.

در مجموع، با اعمال سیاست‌های ذکر شده، بهره‌برداری از منابع آب سطحی و زیرزمینی از برنامه چهارم عمرانی به بعد با کاهش بودجه بخش کشاورزی محدودتر شد. چنانچه در همین دوران با تدوین قانون آب و نحوه ملی شدن آن (۱۳۴۷)، برای کمک به حفظ منابع آب و محدودسازی کشاورزی، برخی از دشت‌ها ممنوعه اعلام شده و پلیس مسلح برای حفاظت از آب تشکیل شد. اوج محدودسازی توسعه منابع آب کشاورزی از برنامه پنجم عمرانی در اوایل دهه ۱۳۵۰ آغاز شد. برای اولین بار کمترین بودجه در تاریخ سیاست‌گذاری ایران به بخش کشاورزی تعلق گرفت و ممنوعیت ساخت سد مخزنی در این برنامه اعلام شد و با تمرکز بر بحث آمایش سرزمینی و قطبی‌سازی کشاورزی، توسعه منابع آب کشاورزی تنها در خطه شمال و غرب ایران مجاز اعلام شد.

در این دوران همسویی قوانین و سیاست‌های آب در برنامه عمرانی تا حد قابل قبولی وجود داشته است. چنانچه با قانون‌گذاری حفاظت از منابع آب در قانون آب و نحوه ملی شدن آن در سال ۱۳۴۷، سیاست‌های حفاظتی و محدودیت توسعه منابع آب در برنامه‌های عمرانی نیز اعمال شد. با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، انقلاب در سیاست‌ها به خصوص سیاست توسعه منابع آب نیز ایجاد شد که در ادامه به تشریح آن پرداخته شده است.





۵. سیاست‌های توسعه منابع آب در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران

در ادامه همچون بررسی سیاست‌گذاری آب در دوران قبل از انقلاب اسلامی، به تشریح این امر در دوران بعد از انقلاب برحسب هر برنامه پرداخته شده و در انتهای هر برنامه نیز جمع‌بندی و تحلیلی برای آن ذکر شده است.

۵-۱. سیاست‌های توسعه منابع آب در برنامه اول توسعه

در سومین سال پس از وقوع انقلاب اسلامی، شورای عالی اقتصاد کشور جهت تدوین و تصویب طرح پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه به منظور ایجاد ساختار نظام برنامه‌ریزی کشور اقدام به برنامه‌ریزی کرد. در اولین گام، برنامه‌ای برای دوره ۱۳۶۶-۱۳۶۲ تهیه شد ولی این برنامه در مجلس مورد اقبال قرار نگرفت و کشور بیش از یک دهه (از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸) فاقد برنامه برای توسعه بوده است.

اولین برنامه در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسید. در زمان تصویب آن در مجلس، تغییراتی در متن برنامه‌ای که در دولت قبل تدوین شده بود، ایجاد شد. از جمله مهمترین تغییرات از زمان تدوین تا تصویب برنامه مرتبط با تصویب تبصره ۲۹ از این قانون بوده است که به بحث استقراض خارجی برای برقراری توسعه مربوط بود. تبصره‌ای که با مخالفت‌های جدی در مجلس روبرو شد. موافقان این تبصره در استدلال خود جهت تصویب این ماده بیان داشتند که تبصره ۲۹ مهمترین اصل برنامه اول بوده و حذف آن باعث بی‌محتوای شدن برنامه خواهد شد (شرح مذاکرات مجلس در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۴). با وجود همه مخالفت‌ها و چالش‌های موجود در تصویب این برنامه، در نهایت سند برنامه اول توسعه در بهمن ۱۳۶۸ در قالب یک ماده واحده با ۵۲ تبصره برای دوران ۱۳۷۲-۱۳۶۸ به تصویب رسید که بعدها تا سال ۱۳۷۴ تمدید شد.

در این برنامه سیاست‌های دولت هاشمی با رویکرد تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی در برابر دولت‌گرایی اقتصادی و نظام یارانه‌ای دولت پیشین (موسوی) قرار داشت. هاشمی بر این نظر بود که تعریف عدالت مبتنی از توزیع برابر، علاوه بر اینکه مخرب اکوسیستم و محیط است، بلکه منجر به بی‌عدالتی فاحشی خواهد شد (طالبی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۴۵).

در برنامه اول، توسعه اقتصادی و افزایش تولید بر مبنای توسعه زیرساخت‌ها در نظر گرفته شده و هیچ شاخصی برای ارزیابی توسعه پایدار و توان اکولوژیکی مطرح نشد.

سرمایه‌گذاری‌های عظیم در زمینه سدسازی پیش‌بینی شد و همچنین برداشت سالانه از منابع آب سطحی و زیرزمینی برنامه‌ریزی شد. همچنین میزان شبکه‌های آبیاری احداث‌شده تا پایان دوره رئیس‌جمهور وقت (هاشمی رفسنجانی) به چندین برابر رسید (گزارش ۵۱۰۲۵۱۸ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۶، ۴-۲). در جدول شماره (۳) مهمترین موارد آب و کشاورزی در برنامه اول توسعه ارائه شده است.

جدول ۳. آب و کشاورزی در برنامه اول توسعه (ماده واحده)

بند	شرح مواد قانونی	خلاصه مواد قانونی
تبصره ۶ بند الف	تقلیل کارمزد وام‌های کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
تبصره ۲۱	واگذاری اراضی ملی توسط جهاد کشاورزی	توسعه اراضی کشاورزی
تبصره ۲۹ بند ه	توسعه کشت و صنعت نیشکر در قالب هفت واحد	خودکفایی کشاورزی
تبصره ۲۹ بند ز	توسعه سدسازی با احداث سدهای کارون ۳ و ۴، کرخه، گاویشان	توسعه سدسازی
تبصره ۴۹	افزایش اعتبارات بانک کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
۱۳-۴	تکمیل شبکه‌های آبیاری و زهکشی و تجهیز و نوسازی اراضی و اجرای پوشش نهرها	توسعه شبکه آبیاری
۱۴-۴	ساماندهی و ایجاد تشکلهای آب‌بران برای نگهداری و بهره‌برداری شبکه	توسعه تشکلهای آب‌بران
۱۵-۴	مدیریت اقتصاد بخش‌های آب و کشاورزی، هماهنگی نهادی و استفاده صحیح و معقول از آب	مدیریت اقتصاد کشاورزی و آب
۱۷-۴	سیاست‌های حمایتی جهت افزایش تولیدات کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
۱۸-۴	افزایش آگاهی و مهارت و بهره‌وری نیروی انسانی در کشاورزی	توسعه کیفی کشاورزی
۱۹-۴	توسعه آموزش علمی و عملی کشاورزی	توسعه کیفی کشاورزی
۲۰-۴	بهره‌برداری حقایق ایران از رودخانه‌های مرزی	حقایق بین‌المللی
۲۱-۴	سیاست‌های الگوی کشت بر اساس اولویت‌های برنامه	مدیریت اقتصاد کشاورزی
۲۲-۴	یکپارچه‌سازی قطعات و جلوگیری از خرد شدن و تفرق کشت	مدیریت اقتصاد کشاورزی
۲۶-۴	یکپارچگی کشت و زراعت مشاع	مدیریت اقتصاد کشاورزی

منبع: (طالبی، ۱۳۹۹، ۲۰۴)

همان‌طور که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، حمایت از افزایش کشاورزی و توسعه سطح زیر کشت در برنامه اول توسعه مشهود است. بنابراین، توسعه منابع آب در هر سال رو به فزونی بوده و در سال ۱۳۶۹ نسبت به سال ۱۳۶۸، با رشد بیش از ۸۰ درصد مواجه شد. در سال ۱۳۷۰ آب تنظیمی توسط سدهای مخزنی جدید برای مصرف کشاورزی نسبت به سال ۱۳۶۹، ۳۸۰ درصد رشد داشت. همچنین در طی برنامه اول توسعه، حدود ۱۶۶ هزار هکتار از اراضی کشاورزی تحت پوشش شبکه‌های آبیاری و زهکشی قرار گرفت (گزارش مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳، ۴).





همچنین در این برنامه از تسهیلات بین‌المللی برای توسعه منابع آب استفاده شده است. تا پایان سال ۱۳۷۱ این تسهیلات در سه پروژه کنترل سیل سیستان، شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی تهران و بهسازی آبیاری مورد استفاده قرار گرفت (گزارش مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳، ۵).

آنچه از بررسی مفاد برنامه اول توسعه نمایان است، خط فاصل سیاست‌گذاری برای توسعه اقتصادی با دهه قبل از خود است. چنانچه در آخرین برنامه عمرانی قبل از انقلاب بر محدودسازی توسعه سدها و منابع آب برای گذر از کشاورزی به صنعتی شدن تمرکز شده بود، اما در یک گسست گفتمان از دوران قبل در برنامه اول توسعه، سدها و توسعه منابع آب به عنوان محور توسعه اقتصادی (به بیان دقیق‌تر، رشد اقتصادی) تعریف شد. در این برنامه، در نظر گرفتن آب به عنوان ابزاری در خدمت توسعه با تصویب اخذ کمک مالی بین‌المللی به‌ویژه در رابطه با توسعه منابع آب بوده است. این رویه که در این دوران بدون لحاظ توان پایداری آب برای آینده تعریف شد، دولت وقت را تحت عنوان دولت سدها و رئیس‌جمهور وقت را به سردار سدها معروف کرد. این در حالی است که در همین ایام (۱۳۷۱)، کنفرانس ریو برگزار شد و ایران به عنوان یکی از اعضای آن کنفرانس، به حفظ پایداری و توجه به توسعه پایدار و برنامه‌های زیست‌محیطی ملزم شد (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۳).

۵-۲. سیاست‌های توسعه منابع آب در برنامه دوم توسعه

برنامه پنج‌ساله دوم در سال ۱۳۷۳ با نرخ رشد سالانه بیش از پنج درصد به طور کل و نرخ رشد سه درصدی برای کشاورزی تصویب شد (سازمان برنامه و بودجه کشور، قانون برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۸-۱۳۷۴). یکی از دلایلی که کشاورزی در این برنامه به عنوان محور توسعه تعریف شد، این بود که صنعت به دلیل جنگ تحمیلی دچار ضعف شده و کشور با کمبود مواد غذایی برای جمعیت روبه‌رشد مواجه بود (رحیمی، ۱۳۷۷، ۲۰۳). در این برنامه علاوه بر سیاست‌های برنامه اول، دو هدف دیگر در زمینه ساماندهی رودخانه‌ها و حفاظت از منابع آب به این برنامه اضافه شد. لیکن، در برنامه دوم اثرات حضور ایران در کنفرانس ریو (۱۹۹۲) نمایان شد. بنابراین، استفاده از مزیت‌های نسبی مناطق در اتخاذ

سیاست‌های کشاورزی، جلوگیری از تخریب بی‌رویه منابع طبیعی و بهره‌برداری مناسب از منابع تجدیدشونده مورد توجه قرار گرفت (آقاسی، دشتی و اعتمادزاده، ۱۳۸۷، ۲۱).

با وجود این در برنامه دوم توسعه، توسعه منابع آب بیش از برنامه اول مورد توجه واقع شد. تاجایی که طبق تبصره ۷۸ این قانون، ۳ درصد از مجموع اعتبارات عمرانی کشور به وزارت نیرو تعلق بگیرد. بر این اساس اعتبارات آب به میزان زیادی افزایش یافت. در جدول شماره (۴) قوانین مرتبط با آب و کشاورزی در برنامه دوم توسعه تشریح شده است.

جدول ۴. آب و کشاورزی در برنامه دوم توسعه (ماده واحده)

بند	شرح مواد قانونی	خلاصه مواد قانونی
تبصره ۱ بند ب	کاهش اعتبارات به غیر از آب و کشاورزی در صورت عدم تحقق درآمدهای دولت	تسهیلات کشاورزی
تبصره ۱۱ بند الف	پرداخت مابه‌التفاوت کارمزد و سود بانک در امور آب، کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
تبصره ۱۴ بند الف	تخصیص اعتبارات به مناطق جنگ‌زده برای کشاورزی و طرح‌های آب و خاک	تسهیلات کشاورزی
تبصره ۱۵ بند و	صرفه جویی و مصرف منطقی انرژی و حفاظت از محیط‌زیست	حفاظت از محیط‌زیست
تبصره ۱۹ بند ج	تعرفه تصاعدی فروش آب شرب	افزایش قیمت آب شرب
تبصره ۷۴ بند الف	استقلال اقتصادی کشور با توجه به نقش محوری بخش‌های آب و کشاورزی	آب و کشاورزی برای توسعه
تبصره ۷۴ بند ب	تأمین بودجه اعتبارات جذب نشده کشور برای طرح‌های جدید آب و کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
تبصره ۷۵ بند الف	در اولویت قرار گرفتن اعتبار بخش آب و کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
تبصره ۷۵ بند ب	خودکفایی تأمین مواد غذایی و فراورده‌های دامی	خودکفایی در کشاورزی
تبصره ۷۶	تخصیص ۳۰ درصد اعتبارات آب‌و خاک به بانک کشاورزی برای اعطای تسهیلات	تسهیلات کشاورزی
تبصره ۷۷	تخصیص ۲۵ درصد از تسهیلات کلیه بانک‌ها به طرح‌های آب و کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
تبصره ۷۸	تخصیص ۳ درصد اعتبارات کشور به وزارت نیرو جهت تأمین آب و آب‌رسانی	تسهیلات کشاورزی
تبصره ۸۲	ارزیابی زیست‌محیطی طرح‌های عمرانی، لحاظ کردن ضوابط توسعه پایدار برای طرح‌ها	حفاظت از محیط‌زیست
تبصره ۸۳	رفع آلودگی آب از فاضلاب صنعتی، با ایجاد شبکه‌های تصفیه فاضلاب صنعتی	حفاظت از محیط‌زیست

منبع: (طالبی، ۱۳۹۹، ۲۱۴)





همان‌طور که در جدول شماره (۴) قابل مشاهده است، جایگاه توسعه آب کشاورزی در برنامه دوم توسعه دارای چنان اهمیتی بوده است که بر تأمین اعتبارات بخش آب و کشاورزی از بخش‌های دیگر نیز تأکید شده است. با این وجود عدم اجرای کامل تبصره ۷۶ و همچنین عدم اجرای شبکه‌های آبیاری و زهکشی، منجر به اعمال تغییراتی در برنامه تأمین آب شد. همچنین با توجه به برنامه‌های تسریعی منابع آب (نظیر ساخت ۲۰ سد) و بنابراین، کاهش اعتبارات موردنیاز سایر طرح‌های برنامه، هدف قابل دسترسی منجر به کاهش تأمین آب شد (آقاسی، دشتی و اعتمادزاده، ۱۳۸۷، ۷). اگرچه برنامه اول و دوم توسعه نشانگر این بود که یکی از روش‌های افزایش تولید کشاورزی از طریق توسعه سدها بوده است با این وجود تا سال‌ها پس از بهره‌برداری از سد، شبکه و خطوط انتقال آب ایجاد نگردید. بنابراین، تولیدات کشاورزی کشور علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه، افزایش مناسبی نیافته است.

۳-۵. سیاست‌های توسعه منابع آب در برنامه سوم توسعه

نگاه اجتماعی و توجه به پایداری در توسعه اقتصادی یکی از اصلی‌ترین جوانب برنامه سوم توسعه کشور بود؛ چنانچه بر اساس نظر رئیس جمهور وقت، توسعه متوازن و همه‌جانبه مبتنی بر آمایش سرزمین مهم‌ترین ویژگی برنامه سوم توسعه بوده است (طالبی، ۱۳۹۹، ۲۳۱). این برنامه با راهبرد گذار به سوی آزادسازی اقتصادی از طریق شکل‌گیری نظام جامع تأمین اجتماعی و اصلاحات قانونی و نهادی و لغو انحصارات برای فراهم‌شدن زمینه‌های مشارکت بخش خصوصی در کنار کاهش تصدی‌گری دولت طراحی و تدوین شد (زاهدی، غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۹۱، ۶۵). احکام مرتبط با بخش آب در این برنامه در قالب سه فصل و هفت ماده، تعریف شده است. در جدول شماره (۵) موارد مرتبط با تکالیف و سیاست‌های بخش آب در برنامه سوم توسعه، ارائه شده است.

جدول ۵. آب و کشاورزی در برنامه سوم توسعه

ماده	بند	شرح مواد قانونی	خلاصه مواد قانونی
۵۲	-	منطقی نمودن هزینه آب و فاضلاب، تقسیط انشعاب واحدهای تولیدی، حفر چاه و هزینه اشتراک	سیاست‌های آب‌ها
۱۰۶	الف	تسهیلات بانک کشاورزی برای طرح‌های توسعه آب	تسهیلات توسعه آب
	ب	حمایت از صندوق‌های غیردولتی کشاورزی	تسهیلات کشاورزی

ماده	بند	شرح مواد قانونی	خلاصه مواد قانونی
	ج	اختصاص ۲۵ درصد از تسهیلات بلندک‌های کشور به بخش آب و کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
	د	اولویت تأمین اعتبارات آب کشاورزی بدون توجه به وصول درآمدها	تسهیلات کشاورزی
	تبصره ۱ بند د	تطبیق الگوی کشت با ظرفیت آبی و افزایش کارایی آب با محصولات کم‌آب‌بر	مدیریت اقتصاد کشاورزی
	تبصره ۲ بند د	آماربرداری، شبکه اندازه‌گیری آلوده‌کننده‌ها و مصرف آب، بازار محلی، حقوق و مدیریت محلی آب	مدیریت اقتصاد کشاورزی
۱۰۷	-	تدوین نظام بهره‌برداری و مشارکت حقابه‌داران، و تشکلات	مدیریت مشارکتی آب
	تبصره	صدور اسناد حقابه‌داران و مالکان، بهره‌برداری اصولی و حفظ ارزش واقعی آب	حقابه
	ب	واگذاری اراضی ملی برای توسعه کشاورزی و مرتع‌داری	تسهیلات توسعه کشاورزی
۱۰۹	ب	توسعه رانده‌مان آبیاری و بهره‌وری و افزایش سطح زیرکشت زراعت آبی	مدیریت اقتصاد کشاورزی
	تبصره ب	جلوگیری خروج آب از کشور، ساخت سد مخزنی و تونل انحرافی و شبکه توزیع و ایستگاه پمپاژ اصولی	سدسازی برای حقابه بین‌المللی
	ه	حمایت از تعاونی تولید کشاورزی و تشکلات‌های بهره‌برداری آب‌و خاک	مدیریت مشارکتی آب
	الف	واگذاری حق مالکیت تأسیسات آب و فاضلاب به شرکت‌ها	تبدیل ادارات به شرکت‌ها
۱۳۳	ج	تعیین تعرفه آب‌بها، حق انشعاب و دفع فاضلاب	آب‌بها
	-	صدور مجوز بهره‌برداری منابع آب منوط به دفع بهداشتی پساب	وجه زیست محیطی آب
۱۳۴	-		

منبع: (طالبی، ۱۳۹۹، ۲۳۲)

همان‌طور که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، مفاهیم جدیدی مبتنی بر توسعه اجتماعی و پایداری منابع آب در برنامه سوم اهمیت یافت. چنانچه صدور اسناد حقابه‌داران، تقویت حقوق آب و صنایع تبدیلی کشاورزی، تطبیق الگوی کشت با ظرفیت‌های منابع آب و توجه به کارایی اقتصادی آب، اقدامات زیربنایی برای حفاظت و ساماندهی نظام‌های بهره‌برداری از منابع آب کشور، در نظر گرفتن مفاهیم توسعه متوازن و افزایش روند رشد تولیدات با در نظر گرفتن پایداری منابع آب و همچنین آمایش سرزمینی از جمله مواردی است که برای اولین بار در برنامه سوم توسعه مطرح شد.

باوجود تمام نقاط مثبت، اما برنامه سوم توسعه بر انتقال مالکیت تأسیسات آب و فاضلاب در قالب شرکت‌ها تأکید شده است که زمینه‌ساز اختلافات اجتماعی بر سر منابع آب در حوضه‌های مشترک شد. بر اساس این بند قانونی در برنامه سوم، لایحه تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان و تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان به شرکت آب منطقه‌ای استانی از سوی دولت وقت به مجلس شورای





اسلامی تقدیم شد. این قانون باعث تفکیک مدیریت حوضه‌ای آب به مدیریت استانی شد. رویه‌ای که در نهایت باعث توسعه منابع آبی در هر استان بدون لحاظ توان حوضه و حقابه‌های استان‌های مشترک در حوضه آبریز گردید.

در مجموع، مهم‌ترین مسائل مطرح‌شده در برنامه سوم توسعه را عبارت است از: (۱) تأکید بر مدیریت مشارکتی آب و کاهش تصدی‌گری دولت در مدیریت منابع آب؛ (۲) تبدیل ادارات آب منطقه و آب و فاضلاب به شرکت جهت کاهش تصدی‌گری دولت؛ (۳) تبدیل مدیریت حوضه‌ای به مدیریت استانی آب؛ (۴) تمرکز بر توسعه متوازن و اهمیت بندهای زیست‌محیطی؛ (۵) تأکید بر خودکفایی کشاورزی.

۴-۵. سیاست‌های توسعه منابع آب در برنامه چهارم توسعه

اهمیت برنامه چهارم توسعه، به دلیل تدوین هم‌زمان آن با چشم‌انداز بیست‌ساله کشور بوده و براین اساس دارای اهمیت مضاعفی است (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۳). در برنامه چهارم توسعه همچون برنامه‌های قبلی، توجه به توسعه کشاورزی و منابع آب کشاورزی برای رسیدن به خودکفایی در رأس برنامه‌ها است (سازمان برنامه و بودجه کشور، قانون برنامه چهارم توسعه، ماده ۱۸، فصل ۱). چنانچه در حمایت از توسعه کشاورزی در این برنامه مقرر شد تا ۱۰ درصد از میزان منابع صندوق ذخیره ارزی برای طرح‌های موجه کشاورزی در نظر گرفته شود (سازمان برنامه و بودجه کشور، قانون برنامه چهارم توسعه، بند ۲ بخش ج ماده ۱۰).

در این برنامه، دولت مکلف شد که طی دوره پنج‌ساله تراز منفی سفره‌های آب زیرزمینی را تا ۲۵ درصد بهبود دهد. امری که نشان از بلندپروازی داشت. تعبیر کمی برنامه تصویر شده برای احیای آبخوان در طی دوره پنج‌ساله، این خواهد بود که طی پنج سال نه تنها شش میلیارد مترمکعب از برداشت‌ها کسر شود (برای رسیدن به بیلان صفر)، بلکه حداقل ۲۵ میلیارد مترمکعب (برای احیای حداقل ۲۵ درصد از بیلان منفی کل) به آبخوان تزریق گردد (یعنی رقمی معادل یک چهارم کل منابع آب تجدیدپذیر کشور) (میرنظامی و باقری، ۱۳۹۶، ۴۴). در جدول شماره (۶) به تشریح کامل جایگاه آب و مدیریت منابع آب در برنامه چهارم پرداخته شده است.

جدول ۶. آب و کشاورزی در برنامه چهارم توسعه

ماده	بند	شرح مواد قانونی	خلاصه بندهای قانونی
۱۰	-	تدوین میزان اعتبار لازم برای پیشگیری از حوادث چون سیل و خشکسالی	مدیریت بحران حوادث
	ج	اعطای ۲۵ درصد از تسهیلات کلیه بانک‌ها به بخش آب و کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
۱۷	الف	اصلاح ساختار آب از طریق استقرار نظام بهره‌برداری مناسب جهت افزایش راندمان آبیاری	اقتصاد آب و کشاورزی
	ب	اصلاح مجوزهای بهره‌برداری در دشت‌های با تراز منفی بر اساس مصرف معقول برای تعادل بین تغذیه و برداشت آب زیرزمینی/ بهبود تراز منفی سفره‌های زیرزمینی تا ۲۵ درصد	تعادل بخشی
	ج	تعیین ارزش اقتصادی آب در هر یک از حوضه‌های آبریز	سیاست‌گذاری اقتصادی آب
	د	اجرای طرح‌های استحصال، تنظیم، انتقال و استفاده از آب‌های رودخانه‌های مرزی و منابع آب مشترک	حقابه بین‌المللی
	هـ	انتقال آب بین حوضه‌ای از منظر توسعه پایدار، با رعایت حقوق ذی‌نفعان	توسعه آب مبتنی بر پایداری
	و	مبادله آب با کشورهای مجاور از طریق رعایت اصل ۷۷ قانون اساسی	مبادله بین‌المللی آب
	ز	اصلاح الگوی مصرف آب، اصلاح تعرفه‌ها مشترکین پر مصرف، نصب کنتورهای جداگانه واحدهای مسکونی و اجرای طرح‌های مدیریت مصرف آب در شهرها و روستاها.	مدیریت مصرف آب
	ح	هم‌زمانی طرح‌های تأمین آب و طرح‌های مکمل	توازن تأمین و مصرف آب
	ط	گسترش طرح‌های شبکه‌های آبیاری، زهکشی و طرح‌های تأمین آب	تسهیلات آب و کشاورزی
	ی	تهیه و تدوین برنامه‌های اجرایی مدیریت خشکسالی	مدیریت خشکسالی
۱۸		توسعه کشاورزی و منابع طبیعی با محوریت خودکفایی محصولات اساسی	خودکفایی کشاورزی
	الف	سرمایه‌گذاری عملیات زیربنایی آب و خاک و توسعه شبکه‌های آبیاری و زهکشی	توسعه کشاورزی
	ب	پرداخت تسهیلات به سرمایه‌گذاران کشاورزی و صنایع تبدیلی و تکمیلی	تسهیلات کشاورزی
	ج	پوشش پنجاه درصدی بیمه کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
	د	افزایش سرمایه صندوق حمایت از توسعه کشاورزی	تسهیلات کشاورزی
	هـ	حمایت از صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی برای افزایش تولید	تسهیلات کشاورزی
	ط	نوسازی و توسعه باغات با اولویت اراضی شیب‌دار و مستعد	توسعه کشاورزی
۶۳		الحاق یک تبصره به ماده (۲۴) «قانون توزیع عادلانه آب: دریافت حق اشتراک از آب از طرح تأمین و انتقال آب	آب‌بها
۷۵		مهار آب‌ها، اصلاح روش‌های آبیاری و تقویت بیمه کشاورزی،	مدیریت خشکسالی
۱۳۴		صدور مجوز بهره‌برداری منابع آب منوط به دفع بهداشتی پساب	وجه زیست محیطی آب

منبع: (طالبی، ۱۳۹۹، ۲۳۹)



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۷۱

سیر تحولات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آب ...

همان‌طور که جدول شماره (۶) نشان می‌دهد مواردی چون پیش‌بینی بحران خشکسالی، لحاظ‌کردن شاخص‌های اقتصاد کشاورزی و آب و تمرکز بر تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی، نشان از افزایش رویکردهای ارزش‌گرایی نسبت به آب دارد. چنانچه در نظر گرفتن مباحث مرتبط با آمایش سرزمین با تمرکز بر توان اکولوژیکی در توسعه نیز در برنامه چهارم حائز اهمیت بود. با این وجود به دلیل بلندپروازانه بودن این بندها، در عمل قابلیت اجرایی نداشتند. یکی دیگر از انتقادات بر بندهای حفاظت از منابع آب در برنامه چهارم توسعه، کم‌رنگ بودن نقش تشکلهای و تعاونی‌ها است. همچنین بسیاری از دستورالعمل‌ها و مواد قانونی ارزشمند در برنامه سوم مانند تهیه و صدور اسناد حقابه‌داران و تدقیق حقوق آب در برنامه چهارم حذف شد.

در مجموع مهم‌ترین وجوه سیاست‌گذاری آب در برنامه چهارم توسعه عبارت است از: (۱) تأکید بر آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای؛ (۲) تأکید بر تعادل بخشی آب زیرزمینی؛ (۳) تمرکز بر حفظ ارزش آب؛ (۴) تأکید بر تدوین سیاست‌های مقابله با خشکسالی؛ (۵) توجه محدود به تشکلهای و مدیریت مشارکتی آب؛ (۶) نقش کم حقوق آب در برنامه چهارم (حقابه و ...).

۵-۵. برنامه پنجم توسعه ضد آمایش سرزمین (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

قانون برنامه پنجم توسعه دربردارنده سه بخش و سیزده فصل بود که سال ۱۳۸۹ تصویب و در سال ۱۳۹۰ اجرایی شد. جدول شماره (۷) کلیات موارد مطرح‌شده درخصوص بخش آب و کشاورزی را در قانون برنامه پنجم توسعه ارائه داده است.

جدول ۷. آب و کشاورزی برنامه پنجم توسعه

ماده	بند	شرح مواد قانونی	خلاصه بندهای قانونی
۱۴۰ مدیریت جامع و توسعه پایدار منابع آب در کشور	الف	برقراری تعادل بین تغذیه و برداشت از سفره‌های آب زیرزمینی از طریق اقدامات حفاظتی	سیاست تعادل بخشی
	ب	طرح‌های تعادل بخشی در دشتهای ممنوعه	سیاست تعادل بخشی
	ج	واردات و صادرات آب به کشورهای منطقه	سیاست اقتصاد آب
	د	تأسیسات جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب واحدهای تولیدی، صنعتی، دامداری، خدماتی	سیاست زیست‌محیطی آب
	ه	تخصیص اعتبارات حقابه رودخانه‌های مرزی کشور و منابع مشترک آب	حقابه بین‌المللی

ماده	بند	شرح مواد قانونی	خلاصه بندهای قانونی
۱۴۱	الف	اصلاح تخصیص و پروانه آب و تحویل حجمی آب به تشکل های آبران	سیاست مدیریت مشارکتی
	ب	صدور سند بهره برداری آب برای حقایقه داران و دارندگان مجوز	حقایقه
	ج	طرح های تأمین آب و شبکه های آبیاری و زهکشی و طرح های حفاظت خاک و آبخیزداری	توازن تأمین و مصرف آب
	د	توسعه شبکه های اصلی و فرعی آبیاری و زهکشی اراضی سدها	توسعه شبکه
۱۴۲	الف	خرید پساب تصفیه شده، آب مازاد ناشی از صرفه جویی	سیاست اقتصاد آب
	ب	مدیریت و بهره برداری سدها و شبکه ها با حفظ حقوق حقایقه داران از طریق تعاونی و بخش خصوصی	تصدی گری بخش خصوصی
	ج	تأسیس آب بندها برای جمع آوری آب و هرز آب در فصل غیر زراعی برای بهبود کشاورزی	حفاظت از آب
۱۴۳	الف	ارتقای راندمان آبیاری به چهل درصد با طرح های نوین آبیاری و کشاورزی	اقتصاد آب و کشاورزی
	ب	تحویل حجمی آب کشاورزی بر حسب نوع الگوی کشت و مشارکت بخش غیر دولتی	تحویل حجمی آب
	ج	ارتقاء شاخص بهره وری مصرف آب در بخش کشاورزی و افزایش تولید محصول	سیاست اقتصادی آب

منبع: (طالبی، ۱۳۹۹، ۲۵۰)

نتایج جدول شماره (۷) نشان می دهد که اهداف کیفی در جهت ارتقای کارایی اقتصادی آب و حفظ منابع آب مورد توجه این برنامه بوده است. اما با وجود رویکرد توسعه کیفی برنامه آمایش سرزمین نیز با انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی کارایی خود را از دست داد. در مقابل همچون برنامه قبلی، اهداف غیر قابل دسترس برای حفظ تعادل در منابع آب زیرزمینی مدنظر قرار گرفت. این در حالی است که به دلیل الحاق بندهای قانونی چون تعیین تکلیف چاه های غیر مجاز، کسری منابع آب زیرزمینی کشور تشدید گردید. در حقیقت با وجود تمرکز رویکرد کیفی آب در برنامه پنجم توسعه، عمده متمرکز بر بخش سازه های بود و کمتر به طرح های مکمل توجه شد (مرکز پژوهش های مجلس، ۲۳-۲۲). در حقیقت اگرچه در این برنامه نیز گذار به سمت آسیب شناسی مدیریت مصرف و حفاظت از منابع آب شدت داشته است، با این وجود حفاظت حداکثری (احیای ۲۵ درصد سفره آب زیرزمینی) در برابر بهره برداری حداکثری از منابع آب (رسیدن به خودکفایی کشاورزی)، منجر به ناهماهنگی در مدیریت آب برای رسیدن به پایداری شده است.



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۱۷۳

سیر تحولات برنامه ریزی و سیاست گذاری آب ...

سیاست‌گذاری در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی ایران، نشان از این دارد که اگرچه در سیر تاریخی برنامه‌های توسعه می‌توان ادعا کرد که مفاهیم و بندهای حفاظت از منابع آب و شاخص‌های کیفی توسعه منابع آب رو به رشد بوده است، با این وجود، انقطاع سیاست‌ها در دوره‌های مختلف مانع از اجرای کیفی‌سازی توسعه منابع آب شده است که رویه‌ای زمان‌بر و دیربازده (گاه بیشتر از عمر یک دولت) اما ضروری است. برنامه‌ریزی غیرواقعی و بلندپروازانه در تعادل‌بخشی منابع آب نیز مانع از تحقق برنامه‌های کیفی در دوره پنج‌ساله شده است.

اگرچه در برنامه اول و دوم توسعه سدسازی محور برنامه بوده است، اما از برنامه سوم توسعه به بعد، توسعه شبکه‌های آبیاری و زهکشی در پایین‌دست سد اهمیت داشته و حتی در برنامه چهارم و پنجم نیز تأکید بر سدسازی تنها در مناطقی است که مانع از خروج حقیقه بین‌المللی ایران از مرز شود. با این وجود از آنجا که خودکفایی در محصولات کشاورزی به عنوان رکن اصلی سیاست آب و کشاورزی پابرجاست، سیاست‌های حفاظتی شعارگونه بوده و منجر به نتیجه مطلوب برای پایداری نشده است. در مجموع، در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب دگرگونی‌ها و تحولات در برنامه نه‌مبتنی بر به سرانجام رسیدن بندهای قانونی برنامه قبلی و یا درس‌آموزی از تجارب اجرایی برنامه قبلی، که مبتنی بر سیاست‌های هر دولت و گفتمان حاکم بر سیاست‌های آن دولت است.

۶. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

همان‌طور که بسیاری دیگر از نظریه‌پردازان اجتماعی آب نیز نشان دادند که سیاست‌های توسعه منابع آب کشاورزی و سدسازی بعد از دوران پایان جنگ جهانی نه‌تنها در ایران بلکه در همه کشورهای در حال توسعه تشدید شده است. چنانچه در این مسیر دو بلوک ابرقدرت شرق و غرب مدیریت بر منابع آب را به مثابه ابزاری برای قدرت‌نمایی ایدئولوژی خود در مهار طبیعت و انجام «کار بزرگ» تعریف کرده و در کشورهای در حال توسعه نیز آب و آبادسازی بیابان‌ها به مثابه ابزاری شکوفاسازی و رسیدن به اوتوپای توسعه تعریف شد.





اگرچه هشدارها نسبت به توسعه منابع آب در ایران از همان ابتدا داده شده بود، اما غیر از برنامه پنجم عمرانی (و تا حدودی برنامه چهارم) تاکنون بازتعریف توسعه کشاورزی برحسب توان آبی و افزایش کیفی سطح زیر کشت کمتر موردتوجه قرار گرفته است. این رویه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی برای توسعه منابع آب و تعریف توسعه در ایران بر مدار توسعه کشاورزی، یک مسئله تاریخی است. چنانچه ایرادات گرفته شده در ارزیابی برنامه دوم عمرانی در دهه ۳۰ همچنان از مسائل امروز مدیریت منابع آب کشور است.

مروری بر برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب، نشان‌دهنده همسویی برنامه‌ریزی بر مدار الگوهای وارداتی برای توسعه کشاورزی و روستایی در کشورهای جهان سوم بعد از جنگ جهانی دوم بوده است. نیاز کشور به وام و استقراض از صندوق‌های بین‌المللی، ایران را در مداری از پیش تعیین‌شده برای توسعه منابع آب و کشاورزی قرار داده بود. چنانچه دریافت وام از طرح اصل ۴ ترومن و همچنین بانک جهانی منوط به بهبود توسعه روستایی و کشاورزی و درنهایت اصلاحات ارضی در ایران شد. اگرچه برخلاف برنامه‌های قبل، در برنامه عمرانی چهارم و پنجم قبل از انقلاب نه تنها کمترین حجم بودجه به توسعه کشاورزی اختصاص داده شد، بلکه ممنوعیت احداث سد مخزنی، ممنوعیت حفر چاه در مناطق ممنوعه، آمایش سرزمین و ناحیه‌ای‌شدن کشاورزی و محدود کردن آن به شمال و غرب ایران در برنامه لحاظ شد. رویه‌ای که در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب تغییر کرد. زیرا به دلیل تحریم بین‌المللی و نیاز به بازسازی کشور بعد از جنگ، توسعه کشاورزی و خودکفایی در محصولات استراتژیک چون گندم در دستور کار دولت‌ها و برنامه‌های توسعه قرار گرفت. اما برداشت بی‌رویه آب‌های سطحی و زیرزمینی، برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب را به سمت برنامه‌های تعادل‌بخشی و پایداری منابع آب سوق داد. بنابراین، این سؤال باید پرسیده شود که چرا مسئله آب در ایران مزمن شده و همچنان مسائل مطرح‌شده در ارزیابی‌های برنامه عمرانی در دهه ۱۳۳۰ باقی مانده است؟

نقش جامعه بین‌الملل در تحول سیاست‌های مدیریت منابع آب ایران هم در دوران قبل از انقلاب اصلاحات ارضی و دولتی کردن مدیریت منابع آب (و هم بعد از انقلاب (همسویی با سیاست‌های جهان برای اخذ وام‌های توسعه) کاملاً مشهود است. در حقیقت حکمرانی و

سیاست‌گذاری آب در ایران بیش از اینکه مبتنی بر اقلیم، جغرافیا، تاریخ، سیاست و اقتصاد بومی و داخلی کشور باشد در تقابل یا همسویی با سیاست بین‌المللی بوده است. در برنامه‌ها توسعه با تغییر دولت‌ها بسیاری از سیاست‌ها که می‌توانست منجر به پایداری شود یا نادیده گرفته شده یا کم‌رنگ شده است. چنانچه سیاست آمایش سرزمین در برنامه سوم توسعه در برنامه پنجم کاملاً حذف شده است. اگرچه تدوین سند چشم‌انداز و همچنین سیاست‌های ابلاغی برای هر برنامه بعد از برنامه چهارم توسعه بر همسویی برنامه‌ها به سمت هدف واحد تأثیرگذار بوده است، با این وجود شکاف‌ها کماکان مشهود است.

۷. تشکر و قدردانی

این مقاله از پروژه تحقیقاتی تحت عنوان «آسیب‌شناسی برنامه‌ها و اسناد بالادستی کشور از منظر مغایرت‌های موجود ایجادکننده چالش‌های اجتماعی در زمینه آب کشاورزی» استخراج شده که در سال ۱۳۹۹ در مؤسسه تحقیقات آب وزارت نیرو خاتمه یافته است. بدین‌وسیله نگارندگان از حمایت‌های مالی و پشتیبانی این مؤسسه کمال تشکر و قدردانی را دارند.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۷۶

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳

منابع

- آقاسی، فتح‌الله؛ دشتی، سعید؛ و اعتمادزاده، امیرحسین (۱۳۸۷). مدل مفهومی و محتوایی برنامه‌های پنج‌ساله جمهوری اسلامی ایران. هفته‌نامه برنامه، ۷(۳۰۱)، ۱۲-۲۲.
- اکبری، محمدعلی؛ و لیلانز مهرآبادی، سعید (۱۳۸۹). تأثیر برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱) در کشاورزی ایران. تاریخ ایران، ۳(۲)، ۱-۲۲.
- رحیمی، عباس (۱۳۷۷). ارزیابی رویکردهای توسعه روستایی ایران. در: مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران (جلد دوم: ۲۰۰-۲۱۵). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- زاهدی، محمدجواد؛ غفاری، غلامرضا؛ و ابراهیمی‌لویه، عادل (۱۳۹۱). کاستی‌های نظری برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. پژوهش‌های روستایی، ۳(۱۲)، ۳۰-۷. doi: 10.22059/jrur.2013.30230
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۹۳). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای (چاپ چهارم). یزد: دانشگاه یزد.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۲۵). اسناد بانک ملی سند شماره ۲۴۱۳. برگرفته از <https://mpb.mporg.ir>
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۵). گزارش ارزشیابی عملکرد برنامه سوم عمرانی، برگرفته از <https://mpb.mporg.ir>
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۲۷). تاریخچه تنظیم برنامه هفت‌ساله عمران و آبادی ایران. برگرفته از <https://mpb.mporg.ir>
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۲۷). قانون برنامه عمرانی هفت‌ساله اول کشور. برگرفته از <https://mpb.mporg.ir>
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۳۴). قانون برنامه عمرانی هفت‌ساله دوم کشور (شماره سند ۸۵۲۹۵). برگرفته از <https://mpb.mporg.ird>
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۱). قانون برنامه عمرانی هفت‌ساله سوم کشور. برگرفته از <https://mpb.mporg.ir>
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۷). قانون برنامه عمرانی هفت‌ساله چهارم کشور. برگرفته از <https://mpb.mporg.ir>
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۳). قانون برنامه عمرانی هفت‌ساله پنجم کشور. برگرفته از <https://mpb.mporg.ir>
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۳۸). سند سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه عمرانی هفت‌ساله دوم ایران. برگرفته از <https://mpb.mporg.ir>
- طالبی صومعه‌سرای، مهشید (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی حکمرانی آب در ۵۰ سال اخیر و تأثیرات اجتماعی و سیاسی آن بر جامعه (با تمرکز بر طرح انتقال بین حوضه‌ای آب) (رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی). دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.





طالبی صومعه‌سرای، مهشید؛ ذکابی، محمدسعید؛ فاضلی، محمد؛ و جمعه‌پور، محمود (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی یک بحران: آسیب‌شناسی اجتماعی بحران آب در حوضه آبریز زاینده‌رود. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۴)، ۱۶۵-۱۳۳. doi: 10.22035/isih.2020.3652.3833

قالیباف. محمدباقر؛ اطاعت، جواد؛ حسین، محمدی؛ و موسوی، زهرا (۱۳۹۶). برنامه‌های توسعه در ایران و مشکلات زیست‌محیطی دریاچه ارومیه. مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۲(۱)، ۲۹-۱.

قدیری معصوم، مجتبی؛ و علیقلی‌زاده فیروزجایی، ناصر (۱۳۸۲). جایگاه روستا و کشاورزی در برنامه‌های عمرانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. مجله پژوهش‌های جغرافیایی، ۴۶، ۱۱۵-۱۳۰.

کلانتری، عبدالحسین؛ روشنگر، پیام؛ و حسینی، حسین (۱۳۹۲). تحلیل سیاست‌های رسانه‌ای در ایران از برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب تا پایان برنامه چهارم توسعه. تحلیل سیاست‌های رسانه‌ای در ایران، ۲۴(۲)، ۵-۳۰.

مدنی، امیر باقر (۱۳۷۴). موانع توسعه اقتصادی ایران مقایسه با ژاپن. تهران: انتشارات شهر آب. مرکز اسناد ریاست جمهوری (۱۳۸۲). اسنادی از اصل چهار ترومن در ایران (۱۳۲۵-۱۳۴۶) (به کوشش بشیر گنبدی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۳). گزارش ارزیابی عملکرد بخش آب در برنامه اول توسعه، شماره گزارش ۹. برگرفته از <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/728043>

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۶). گزارش آب در دو برنامه، شماره گزارش ۵۱۰۲۵۱۸. برگرفته از <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/738966>

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۸). گزارش عملکرد بخش آب در برنامه چهارم و جایگاه آن در برنامه پنجم. شماره گزارش ۹۷۵۰. برگرفته از <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/738966>

میرنظامی، سیدجلال؛ و باقری، علی (۱۳۹۶). ارزیابی سیستم حکمرانی آب در فرایند حفاظت از منابع آب زیرزمینی ایران. مجله تحقیقات منابع آب، ۱۳(۲)، ۵۵-۳۲.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.

Molle, F. Mollinga, P.P. & Wester, P. (2009). Hydraulic bureaucracies and the hydraulic mission: Flows of water, flows of power. *Water Alternatives*, 2(3), 328-349.

Mollinga, P. P. (2008). Water, politics and development: framing a political sociology of water resources management. *Water Alternatives*, 1(1), 7-23.

Mollinga, P. P. (2010). Hot water after the Cold War-Water policy dynamics in (semi) authoritarian states. *Water Alternatives*. 3(3), 512-520.



جایگاه مسائل اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل‌های کشور از منظر میان‌رشته‌ای

بیت‌الله محمودی^۱

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

چکیده

تضاد بین مسائل و نیازهای اجتماعی و اقتصادی در سطوح مختلف به‌ویژه در سطح جوامع محلی و رویکردهای برنامه‌ریزی و مدیریت در عرصه‌های جنگلی، به‌عنوان بزرگترین معضل عدم اجرای موفق برنامه‌ها و طرح‌های مربوط به جنگل‌های کشور مطرح است. تحلیل جایگاه مسائل اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل‌های کشور از چشم‌انداز میان‌رشته‌ای با تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مرتبط با منابع طبیعی و جنگل‌داری کشور، هدف این مقاله بوده است. در همین راستا با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل مضمون، به تحلیل محتوای آثار پژوهشی مرتبط در بازه ۱۰ ساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ اقدام گردید. ۲۱۷ مقاله برای بررسی اولیه و ۳۱ مقاله نهایی برای استخراج مضامین به‌کار رفته در خصوص مسایل اجتماعی و مدیریت جنگل انتخاب گردید. مطابق این بررسی ۳۷۲ مضمون فرعی در قالب ۱۴ مضمون اصلی و دو بعد مدیریتی و ساختار اجتماعی و اقتصادی طبقه‌بندی گردید. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد مسائل و مضامین اصلی و فرعی مرتبط با ساختار اجتماعی و اقتصادی مناطق جنگلی کشور که در خود مسائل اجتماعی را موجب می‌شوند در سطح بسیار کوچک و محصور در حلقه مدیریت اجرایی جنگل‌های کشور واقع شده‌اند. بدین معنی که در فرایند تصمیم‌گیری این مضامین تنها و صرفاً نقش تسهیل‌کنندگی را عهده‌دار هستند. این موضوع عامل اصلی موفق نبودن اجرای طرح‌های جنگل‌داری و مستمر بودن تخریب جنگل در رویشگاه‌های جنگلی شمال و خارج از شمال است. بی‌توجهی و عدم حضور محسوس مسائل اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل‌های کشور نشان می‌دهد که لازم است از چشم‌اندازی فرا/میان رشته‌ای به جنگل و مسائل آن نگاه کرد.

کلیدواژه‌ها: پژوهش‌های جنگل‌داری، ساختار اجتماعی و اقتصادی، مدیریت جنگل، تحلیل مضمون

۱. استادیار، علوم جنگل، منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، چهارمحال و بختیاری، ایران

mahmoudil@sku.ac.ir ✉

۱. مقدمه

نظام بهره‌برداری منابع طبیعی و محیط‌زیست کشور به علت دوری از جامع‌نگری در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت، صدمات و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به بوم‌سازگان‌های طبیعی وارد نموده‌است. به‌طوری‌که میزان مصرف منابع زیستی کشور $\frac{2}{8}$ برابر ظرفیت زیستی آن است (مجبایی، ۱۳۹۶، ۶). اجرای بسیاری از طرح‌های توسعه ملی و منطقه‌ای در کشور باعث از بین رفتن سطح وسیعی از منابع طبیعی و توسعه آلودگی‌های زیست محیطی شده‌است. کاهش ۴۰۰ هزار هکتاری جنگل‌های هیرکانی طی ۶۰ سال اخیر و نرخ کاهش سالانه $\frac{2}{5}$ درصدی جنگل‌های زاگرس بخشی از تبعات توسعه ناهمگون و ناپایدار در کشور است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۴، ۶؛ مجبایی، ۱۳۹۶، ۲۳). به‌طور مثال برآورد وسعت طبیعی جنگل‌های استان مازندران و مقایسه با وسعت فعلی آن، نشان می‌دهد $\frac{47}{6}$ درصد کاهش سطح جنگل رخ داده‌است (محمودی، مروی مهاجر، دانه کار و فقهی، ۱۳۹۳، ۳۳۳).

مدیریت منابع جنگلی کشور سال‌هاست که اهداف حفاظتی، حمایتی، احیاء، توسعه و در نهایت بهره‌برداری از این منابع را دنبال می‌کند. در این نوع مدیریت، برنامه‌ریزی به معنای چه اقدامی در چه گستره‌ای به مشخص کردن عرصه‌های حمایتی، احیایی، توسعه و بهره‌برداری اشاره دارد (شامخی، ۱۳۹۲، ۳۹). اما آمار و ارقام و بررسی‌ها در مورد تخریب جنگل‌های کشور نشان می‌دهد مدیریت اجرایی منابع طبیعی کشور در حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این منابع موفق نبوده‌است (عواطفی‌همت، شامخی، زبیری، عرب و قاضی طباطبایی، ۱۳۹۲، ۵۲؛ مروی مهاجر، ۱۲، ۱۳۹۰).

در واقع این موضوع نشان می‌دهد به‌رغم گذشت ۱۱۰ سال از تشکیل هسته اولیه مدیریت جنگل‌های کشور تحت نظر وزارت فلاح و تجارت تا به امروز که سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور ذیل مجموعه وزارت جهاد کشاورزی عهده‌دار مدیریت جنگل‌های کشور است، روند تخریب و نابودی جنگل‌ها به‌طور مستمر ادامه داشته‌است. وقتی از تخریب جنگل صحبت به میان می‌آید عمدتاً به کاهش سطح اشاره می‌شود، اما باید توجه داشت که علاوه بر آن، ۱۷ شکل تخریب دیگر در جنگل‌های کشور وجود دارد: تخریب زیستگاه، کاهش زیستگاه، کاهش زادآوری، تغییر پوشش کف جنگل، کاهش بارخیزی خاک، تغییر تیپ جنگل،



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۸۰

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

کاهش کیفیت درختان، کاهش حجم سرپا، تغییر فرم پرورشی، آتش‌سوزی، آلودگی، کاهش تراکم، کاهش تاج پوشش، خشکیدگی، حذف گونه جنگلی، تغییر گونه جنگلی، کاهش اشکوب و کاهش ارتفاع (محمودی، بازگیر، فقهی و جعفری، ۱۳۹۴، ۹۱۹).

سؤالات مهمی که به طور معمول در حوزه تخصصی و عمومی جامعه طرح و مطالبه می‌شود این است که چرا جنگل‌های کشور در طول دوران مدیریت با این حجم از تخریب روبرو بوده‌اند؟ چرا مسئولان و تصمیم‌گیران اقدامات مؤثر و موفقی برای کنترل روند تخریب‌ها نداشتند؟ آیا خود اقدامات و طرح‌های مدیریتی متولیان باعث آسیب رسانی به جنگل‌ها شده‌است؟ به طور کلی عنوان می‌شود که دو کلان علت در فرایند تخریب جنگل‌های کشور نقش دارند، یکی فشار برنامه‌های توسعه‌ای و تغییر کاربری و دوم وابستگی جوامع جنگل‌نشین به عرصه‌های جنگلی است (عوافی‌همت و همکاران، ۱۳۹۲، ۳۹). در کلان علت اول مسائل توسعه عمرانی کشور که ناپایداری را زمینه‌سازی می‌کنند، هسته مرکزی تخریب‌ها را شکل می‌دهد و در کلان علت دوم مسائل اجتماعی جنگل‌نشینان و جوامع محلی زمینه‌ساز تخریب جنگل و عدم اجرای موفق طرح‌های مدیریتی است. در این ارتباط همواره مسئله عدم پذیرش اجتماعی طرح‌های مدیریت جنگل به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ عدم موفقیت طرح‌های جنگل‌داری مطرح بوده‌است (خدری‌زاده، ملک‌نیا، عادل‌ی و هناره‌خلیانی، ۱۳۹۶، ۳۵). اما چرایی و چگونگی شکل‌پذیری و رخداد این مسئله کمتر مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌است.

در این مقاله سعی بر آن شد تا از منظری میان‌رشته‌ای با لحاظ نمودن جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مرتبط با جنگل‌داری جنگل‌های کشور، مطالعات انجام گرفته در زمینه‌های یاد شده در یک بازه ۱۰ ساله مورد تحلیل قرار گیرند. با این هدف که مشخص گردد جایگاه مسائل اجتماعی در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی منابع جنگلی کشور چگونه است. مقاله بر این فرض استوار است که نوع جایگاه مسائل اجتماعی در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی جنگل‌های کشور است که مسئله‌وارگی مسائل اجتماعی جنگل را ممکن کرده‌است. در واقع سؤال تحقیق این است که جایگاه مسائل اجتماعی در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی جنگل در کشور چگونه است؟ و آیا این جایگاه در زمینه‌سازی تخریب جنگل و عدم موفقیت طرح‌های مدیریت جنگل تأثیرگذار است یا خیر؟



۲. ادبیات نظری پژوهش

در این بخش به منظور روشن شدن مفاهیم مورد استفاده در مقاله توضیحاتی آورده شده است.

۲-۱. برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل

مفهوم برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل در ابتدا بیشتر به ارائه الگوهای مدیریتی جنگل در بخش برداشت چوب و مدیریت حیات وحش اختصاص داشت (بسکنت و کلس^۱، ۲۰۰۵، ۱۷۰). مطالعات در این حوزه در چند دهه گذشته رشد چشم‌گیری داشته است و عمدتاً در برگیرنده مسائل و ملاحظات مربوط به چگونگی تنظیم بهره‌گیری از کارکردها و خدمات جنگل و ارزیابی اثرات آن بر ساختار بوم‌سازگان جنگل است (فورست، فرانک، وایت، کوچکه و مکسچین^۲، ۲۰۱۳، ۱۱۴). غالب‌ترین فرایند در مفهوم آمایش منابع جنگلی برنامه‌ریزی جنگل است که در آن الگوها و روندها در توسعه مکانی چشم‌اندازهای جنگلی را مورد بررسی قرار می‌دهد و بر روی فعالیت‌های مدیریت جنگل و ابزارهای خاص مورد استفاده برای توسعه، اقدام و ارزیابی طرح جنگل و سیاست‌های پیشنهادی متمرکز است (فوتاکیس^۳، ۲۰۱۵، ۳). افزایش فشارهای بوم‌شناختی و زیست‌محیطی برای جلوگیری از تکه‌تکه شدن جنگل‌های کهن، حفظ و بازسازی جریان‌های حیاتی حیات وحش، ارزیابی مدیریت‌های مختلف و تحلیل الگوهای مکانی برنامه‌ریزی در جنگل را گسترش داده است. برنامه‌ریزی در جنگل اگر چه برای برداشت چوب در واحدهای مختلف شروع شده اما این روند کم‌کم سایر فعالیت‌های مدیریتی را نیز در بر گرفته و فرایند برنامه‌ریزی را در جنگل پیچیده کرده است (بتینگر و سشنز^۴، ۲۰۰۳، ۲۷). با توجه به نقش‌های متعدد و پیچیده بوم‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی جنگل، بدون توجه به برنامه‌ریزی عرصه‌های جنگلی، برآورده شدن همه اهداف مدیریت جنگل امکان‌پذیر نیست. اهمیت برنامه‌ریزی مکانی جنگل با توجه به رسمیت شناختن عواملی چون حفاظت از



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۸۲

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

1. Baskent and Keles

2. Fürst & Frank & Witt & Koschke & Makeschin

3. Fotakis

1. Bettinger & Sessions

ارزش‌های زیستی، صرفه‌جویی منابع، زیستگاه‌های حیات وحش و به خصوص اثراتی بیرونی مدیریت جنگل‌ها و بسیار مورد توجه قرار گرفته است (کورتیلا^۱، ۲۰۰۱، ۱۳۱).

۲-۲. مسائل اجتماعی جنگل

به طور سنتی، بوم‌شناسان مطالعات خود را بر روی بوم‌سازگان‌های بکر و یا طبیعی، سیستم‌های بدون تأثیر انسان متمرکز کرده‌اند. این در حالی است که تقریباً همه مناطق زمین به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تأثیر فعالیت‌های انسانی قرار دارد. حتی در بسیاری از مناطق تحت حفاظت برای حمایت از منابع طبیعی و تنوع زیستی، انسان‌ها همچنین حضور دارند و فعالیت‌های مختلفی را انجام می‌دهند. با توجه به تأثیرات نفوذ انسان در گستره‌های طبیعی، لازم است رویکردی را مدنظر قرار داد که یکپارچگی بین جمعیت‌شناسی انسانی، رفتار و فاکتورهای اجتماعی - اقتصادی با بوم‌شناسی را محقق سازد (لیو^۲، ۲۰۰۱، ۲). بوم‌شناسی انسانی دانشی است که به روابط بین انسان‌ها با طبیعت از طریق یک رویکرد چند رشته‌ای می‌پردازد (مارتن^۳، ۲۰۱۰، ۱۷). مروری بر سهم روابط مردم-محیط زیست در تفاسیر و رشته‌های مختلف نشان می‌دهد، به ندرت این دو مفهوم به صورت یکپارچه دیده شده است. این تفاسیر منعکس‌کننده و نشأت گرفته از اصول هر دانش در رشته‌های مختلف است که معمولاً مردم را از محیط جدا و یا محیط را به عنوان بستری از تأثیر فعالیت‌های انسانی مورد توجه قرار می‌دهند (بوبولز و سونتگ^۴، ۲۰۰۹، ۴۳۰). پرداختن به مسائل اجتماعی جنگل و در مجموع مسائل اجتماعی حوزه منابع طبیعی و محیط زیست، ذیل مفهوم کلان بوم‌شناسی انسانی قابل طرح است. بوم‌شناسی انسانی چارچوبی را فراهم می‌کند که در درون آن یکپارچگی علوم محیطی و علوم اجتماعی محقق می‌شود. امتیاز اصلی چشم‌انداز بوم‌شناسی انسانی در برنامه‌ریزی، بالابردن امکان تحقق و اجرایی‌سازی طرح‌ها است (موران^۵، ۲۰۱۰، ۲۴۴).

وقتی از مسائل اجتماعی جنگل صحبت به میان می‌آید، سخن از نوع، میزان و ابعاد وابستگی معیشتی و درآمدی جنگل‌نشیان به عرصه‌ها و منابع جنگلی است. این مسائل

2. Kurttila

3. Liu

4. Marten

5. Bubolz & Sontag

1. Moran





شامل دامداری و چرای دام در جنگل، زراعت در زیراشکوب جنگل، استفاده سنتی از چوب برای مصارف سوختی و غیرسوختی، تغییر کاربری جنگل برای توسعه کشاورزی، توسعه مسکن روستایی و توسعه گردشگری است. شرایط زیست‌جغرافیایی و فرهنگی، جنگل‌نشینان را وابسته به جنگل برای امرار معاش خود کرده‌است. در واقع وابستگی و درآمد حاصل از جنگل بخش مهمی از درآمد خانوارهای جنگل‌نشین را تشکیل می‌دهد که میزان این وابستگی بر اساس شرایط محیطی، امکانات موجود، فرهنگ و سبک زندگی آن‌ها متفاوت است (دب^۱، ۲۰۱۳، ۱۵۷). شیوه معیشت ساکنان داخل و حاشیه جنگل در کشور از مهم‌ترین موانع مدیریت صحیح و اصولی جنگل‌های کشور به شمار می‌رود. این وضعیت در دو رویشگاه جنگلی اصلی کشور یعنی جنگل‌های خزری و زاگرس به خوبی نمایان است. ۳۴۰۰ آبادی، هفت‌هزار خانوار جنگل‌نشین با بیش از ۳ میلیون واحد دامی در جنگل‌های خزری و همچنین حضور بیش از ۱/۵ میلیون نفر جمعیت در درون و حاشیه جنگل‌های زاگرس باعث گردیده که ساختار و تجدید حیات جنگل کاملاً در خطر باشد (محمودپور، ۱۳۸۲، ۱۰۴؛ اسلامی، ۱۳۸۷، ۵۳). اینکه وابستگی‌های مردم محلی به جنگل به‌عنوان مسئله شناخته می‌شود به این علت است که از یک طرف مردم برای رفع نیازهای خویش به عناصر جنگلی وابسته هستند و در شرایط کنونی چاره‌ای جز بهره‌برداری سنتی ندارند اما از طرف دیگر این وابستگی به موجودت جنگل و اهداف حفاظتی آن صدمه وارد می‌کند. البته باید توجه داشت که می‌توان دایره مسائل اجتماعی جنگل را فراتر از حوزه معیشتی و درآمدی جنگل‌نشینان نیز دید و آن توجه به کارکردهای اجتماعی جنگل برای کل جامعه و تحمیل برنامه‌های توسعه و عمرانی در سطوح مختلف بر جنگل است.

۳. پیشینه تحقیق

محمد نژاد کیاسری و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی موانع اقتصادی و اجتماعی در اجرای عملیات طرح جنگلداری منطقه کیاسر پرداختند. نتایج نشان داد ۱۰۰ درصد اهالی به دلیل احتمال افزایش خطر سیل گرفتگی در منطقه و بیش از نیمی از آنها به دلیل



تخریب تفرجگاه‌ها و کاهش حفاظت از جنگل‌های طبیعی منطقه و عدم افزایش سطح جنگلکاری‌ها، از اجرای عملیات طرح در منطقه استقبال نمی‌کنند.

سلطانی، شامخی، نوری نایینی و عرب مازیار (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر جنگل و توسعه محلی در توزیع درآمد و سطح فقر (بررسی موردی: حوزه آبخیز تنگ تامرادی)» اثر درآمد حاصل از جنگل بر شاخص‌های فقر و توزیع درآمد در حوزه آبخیز تنگ تامرادی در استان کهگیلویه و بویر احمد مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد کلیه شاخص‌های فقر و نابرابری با حذف درآمد جنگل افزایش می‌یابد.

عوافقی‌همت، شامخی، زبیری، عرب و قاضی طباطبایی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان «دلایل تخریب جنگل: بررسی مدل‌های ذهنی کارشناسان منابع طبیعی و مردم محلی با استفاده از روش پویایی‌های سیستم» مدل‌های ذهنی دو گروه اصلی از ذی‌نفعان جنگل، یعنی کارشناسان سازمان جنگل‌ها و دامداران محلی را در مورد تخریب جنگل تشریح کردند. بررسی مدل‌های ذهنی نشان داد هر یک از این دو گروه دیگری را عامل تخریب جنگل می‌داند و ارتباطی بین فعالیت‌های خود و تخریب جنگل نمی‌بیند.

گیلانی‌پور، عادل، گیلانی‌پور و آریا (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «بررسی وضعیت اقتصادی روستائیان و سنجش میزان وابستگی معیشتی آنها به جنگل (مطالعه موردی: روستای کرچی)» میزان وابستگی جوامع محلی را به جنگل در شهرستان نور در استان مازندران بدست آوردند. مطابق این تحقیق چرای دام، تهیه هیزم و پایه چوبی، برداشت میوه، زنبورداری و تغییر کاربری جنگل از جمله بخش‌های وابستگی مردم به جنگل به شمار می‌رود.

ایمانی راستابی، جلیلوند و زند بصیری (۱۳۹۲) در مطالعه خود با عنوان «بررسی مسائل اجتماعی - اقتصادی جنگل‌های سامان عرفی کلگچی زاگرس در چهارمحال و بختیاری» جنگل‌زدائی به منظور کشاورزی، تغییر کاربری اراضی جنگل و چرای دام را سبب تخریب هرچه بیشتر اراضی جنگل عنوان کردند. دلیل تجاوز به جنگل در این تحقیق به مشکلات اجتماعی - اقتصادی چون پایین بودن سطح درآمد مردم محلی، پایین بودن سطح امکانات زندگی، پایین بودن سطح تحصیلات و پایین بودن سطح فرهنگ زیست‌محیطی مرتبط دانسته شد.



بازگیر، نمیرانیان و عواطفی همت (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «کمی سازی استفاده های چوبی جنگل نشیان از جنگل های زاگرس در دهستان کاکاشرف شهرستان خرم آباد» با استفاده از رویکرد مردم‌نگاری و با تکیه بر ابزار مصاحبه ساختارنیافته و نیمه‌ساختاریافته و همچنین مشاهده مشارکتی به بررسی نقش جنگل های زاگرس در تأمین استفاده سوختی جنگل نشیان پرداختند. نتایج نشان داد که یک خانواده روستایی سالیانه ۲۴/۱۸ مترمکعب هیزم مصرف می‌کند.

حجاریان، حسین زاده، خضری داشکسن و خیاطی نژاد آق گنبد (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل تخریب جنگل های مانگرو» به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل تخریب جنگل های مانگرو پرداختند. مطابق این بررسی وزن عوامل تخریب انسانی بیش از پنج برابر عوامل تخریب طبیعی است. در مورد عوامل مخرب انسانی آلودگی های نفتی به عنوان مهم ترین عامل مطرح است و پس از آن پسماندهای صنعتی و شهری، توسعه اسکله ها و بنادر، عدم ارزیابی زیست محیطی در پروژه‌ها، عملکرد ضعیف در زمینه ترویج، سرشاخه‌زنی برای تأمین علوفه، آبی‌پروری و تأمین سوخت به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

ایمانی راستابی، جلیلوند و زند بصیری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تعیین ارزش های آستانه در سیاست گذاری سامانه عرفی کلگچی استان چهارمحال و بختیاری» به تعیین ارزش های آستانه در سیاست گذاری سامانه عرفی کلگچی استان چهارمحال و بختیاری پرداختند. در این مطالعه شاخص های کاهش تعداد تجاوزات به عرصه های جنگلی، نرخ بهبود معاش جوامع وابسته به جنگل، مشارکت جوامع محلی و تساوی حقوق و شاخص جوامع وابسته به جنگل مورد بررسی قرار گرفتند. بر اساس این مطالعه برای جلب مشارکت جوامع محلی حداقل یک تعاونی متشکل از ترکیب مردان و زنان محلی و برای آگاه سازی و ترویج فرهنگ منابع طبیعی مورد نیاز است.

پال و چاکرابرتی^۱ (۲۰۱۱) در مقاله خود با عنوان «مسائل اجتماعی و اقتصادی در مدیریت جنگل در هند» رژیم های سیاست جنگل های هند را به تفصیل مورد مطالعه قرار دادند و تلاش داشتند تأثیر مسائل اقتصادی و اجتماعی نوظهور را در برای تدوین سیاست های جنگل پایدار



در آینده بررسی کنند. این مطالعه نشان می‌دهد که افراد محلی تمایلی به فعالیتی غیر جنگل‌داری ندارند و تمایل دارند در فرایندهای مدیریت جنگل مشارکت داشته باشند.

آگیولر و ون^۴ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «اثرات اجتماعی-اقتصادی و زیست محیطی سیاست های بخش جنگل چین» اثرات اجتماعی-اقتصادی و زیست محیطی سیاست های بخش جنگل چین را مورد تحلیل قرار دادند. مطابق این بررسی شواهدی وجود دارد که مداخلات سیاستی چین در بخش جنگل های این کشور، شرایط محیطی و بوم‌شناختی ملی را بهبود بخشیده است. در این راه تطبیق شیوه‌های منطبق با شرایط اجتماعی-بوم‌شناختی محلی، مشارکت بیشتر نهادهای محلی و جذب سرمایه‌گذاری های جدید مؤثر شناخته شد.

مطالعات به اهمیت و نقش مسائل اجتماعی در مدیریت و برنامه‌ریزی جنگل اشاره دارند و اینکه چگونه وابستگی معیشتی و درآمدی مردم به جنگل در کنار عدم برخورداری از تسهیلات و تأسیسات رفاهی، موجبات تخریب گسترده جنگل را فراهم کرده است و تأکید دارند برای حفظ ساختار جنگل مردم باید به طور پیوسته در برنامه‌ها و طرح‌های مدیریتی مشارکت داشته باشند تا پذیرش اجتماعی شکل بگیرد. اما اتفاق نظری در مورد چگونگی و سطح مشارکت و دخالت مردم در برنامه‌ها و طرح‌ها وجود ندارد. در واقع قبل از اینکه دستورالعملی برای مشارکت مردم و جوامع محلی تدوین شود باید در ابتدا جایگاه مسائل اجتماعی و درهم تنیدگی آنها در برنامه‌ها و طرح‌های مدیریتی روشن شود. در همین راستا این مقاله این هدف را پیش رو داشته است.

در تحقیقات پیشین، معمولاً به یک یا چند معضل از جنس مسایل اجتماعی و اقتصادی جنگل‌های کشور توجه شده است، اما تاکنون پژوهشی با رویکرد و چشم‌اندازی کل‌نگرانه به جایگاه مسایل اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل‌های کشور نه پرداخته است. در واقع هدف اصلی و نوآوری این تحقیق آن است که تلاش دارد در سایه نوعی فراتحلیل، با کنکاش در مطالعات گذشته و استخراج مضامین به کار رفته در آنها، چگونگی پرداختن و نقش مسایل اجتماعی در لابلای مباحث مدیریتی و برنامه‌ریزی جنگل را عیان سازد.

۴. روش پژوهش

این مقاله از نوع توصیفی است که با روش کیفی تحلیل مضمون، به تحلیل محتوای آثار پژوهشی مرتبط با مسائل اجتماعی جنگل پرداخته است. روش تحلیل مضمون فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. در واقع تحلیل مضمون راهبرد تقلیل و تحلیل داده است که توسط آن داده‌های کیفی طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌گردند (بروان و کلارک^۱، ۲۰۰۶، ۷۸). در این روش بعد از مطالعه اولین مدرک، تحلیل و کدگذاری داده‌ها آغاز و سپس هر مدرک جدید و تحلیل مضامین آن کدگذاری و با مدارک قبلی مقایسه و مضامین جدید به سیاهه افزوده می‌شود. مطالعه و تحلیل مدارک تا زمانی که مضامین جدید وجود دارد ادامه می‌یابد. در این راستا از مجموع ۱۱۵۰ مقاله منتشر شده در مجلات علمی پژوهشی داخلی در ارتباط با علوم جنگل در بازه ۱۰ ساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸، ۲۱۷ مقاله برای بررسی اولیه جهت استخراج مضامین بکار رفته در خصوص مسایل اجتماعی و برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل انتخاب گردید. مقالات مورد استفاده از زوایای مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به مسئله برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل پرداخته‌اند که در مجلات مختلف منتشر شده‌اند و لذا تحلیل مضامین بر رویکرد میان‌رشته‌ای استوار بوده است. روند استخراج مضامین از جدیدترین به قدیمی‌ترین مقالات و حتی الامکان با توجه به پوشش همه رویشگاه‌های جنگلی صورت گرفت. با اینکه بعد از مطالعه و تحلیل ۳۱ مقاله (جدول شماره ۱) نقطه اشباع حاصل گردید بدین معنی که مقالات بعدی حاوی مضمون جدیدی نبودند، اما برای اطمینان از پوشش کافی موضوع، ۵۲ مقاله دیگر نیز مورد بررسی تکمیلی قرار گرفته است. در این مطالعه بر اساس شباهت در ویژگی یا جایگاه موضوعی مضمون‌ها به سه دسته ابعاد، مضمون اصلی که در سطوح بالاتر سلسله مراتب مضامین و مضامین فرعی که در سطوح پایین‌تر سلسله مراتب مضامین قرار می‌گیرند طبقه‌بندی شده‌اند (کمالی، ۱۳۹۷، ۱۹۴). بعد از فرایند طبقه‌بندی، تحلیل و ارتباط مفهومی مضمون‌های شناسایی شده متناسب با هدف مطالعه انجام شد. برای بررسی روایی پژوهش، از تأیید پنج نفر از استادان با سابقه در رشته علوم جنگل و همچنین پنج نفر از نویسندگان مقالات استفاده



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۸۸

دوره ۱۴، شماره ۱
زمستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۳

گردید. در این مقاله برای محاسبه پایایی از روش هولستی استفاده شد (عابدی جعفری، تسلیمی، سعید و شیخزاده، ۱۳۹۰، ۱۸۹). در این روش متون در دو مرحله کدگذاری می‌شوند سپس با استفاده از رابطه زیر درصد توافق مشاهده شده محاسبه می‌شود.

$$PAO = \frac{2M}{n1 + n2}$$

در این فرمول M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری، n1 تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله اول و n2 تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله دوم است. PAO درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی) نیز عددی بین صفر (عدم توافق) و یک (توافق کامل) خواهد بود. ضریب توافق به دست آمده ۰/۸۳ بود که نشان‌دهنده توافق و همخوانی بالا و نیز ضریب پایایی مناسب است.

جدول ۱. منابع مورد استفاده در استخراج مضامین

رویشگاه جنگلی	منابع
هیرکانی	حیدری و کرم‌دوست مریان (۱۳۹۵)، گلیج و همکاران (۱۳۹۵)، احمدزاده و همکاران (۱۳۹۵)، معیری و همکاران (۱۳۹۴)، سالم و همکاران (۱۳۹۴)، حبیبی و همکاران (۱۳۹۳)، مدنی و همکاران (۱۳۹۳)، رضوانی و هاشم زاده (۱۳۹۲)، لیانی و اسماعیلی (۱۳۹۲)، عوافی همت و همکاران (۱۳۹۲)، گیلانی پور و همکاران (۱۳۹۰)،
	شامی و همکاران (۱۳۹۷)، افروغ و همکاران (۱۳۹۷)، فلاح و همکاران (۱۳۹۷)، رحیمیان و همکاران (۱۳۹۷)، حیدری و همکاران (۱۳۹۶)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۶)، قربانی و همکاران (۱۳۹۶)، حسینی و همکاران (۱۳۹۶)، بازگیر و همکاران (۱۳۹۶)، صادقی کاجی و همکاران (۱۳۹۴)، ایرانمنش و جهانبازی گوجانی (۱۳۹۴)،
	مالمیر و همکاران (۱۳۹۱)، سلطانی و همکاران (۱۳۸۹)،
ارسباران	قنبری و همکاران (۱۳۹۷)، قنبری و همکاران (۱۳۹۴)، پیری و همکاران (۱۳۸۹)
مانگرو	حجاریان و همکاران (۱۳۹۷)، مشایخی و همکاران (۱۳۹۶)
کلیه رویشگاه‌ها	قاسمی قوچقار و همکاران (۱۳۹۵)، محمودی و همکاران (۱۳۹۴)

۵. یافته‌ها

۵-۱. استخراج مضامین

در جدول شماره (۲) ابعاد، مضامین اصلی و تعداد مضامین فرعی استخراج شده آمده است. مطابق این جدول در مجموع ۳۷۲ مضمون فرعی در قالب ۱۴ مضمون اصلی و دو بعد مدیریتی و ساختار اجتماعی و اقتصادی تقسیم‌بندی گردید. بر این اساس مضمون اصلی



مدیریت اجرایی جنگل بیشترین تعداد مضامین فرعی را به خود اختصاص داده است. به طور نمونه به تعدادی از مضامین فرعی در هر بعد در جداول ۳ و ۴ اشاره شده است.

جدول ۲. ابعاد، مضامین اصلی و فرعی

ابعاد	مضامین اصلی	مضامین فرعی	
		فراوانی	درصد
مدیریتی	مدیریت فراسازمانی	۱۴	۳/۸
	مدیریت سازمانی	۱۷	۴/۶
	قوانین و مقررات	۹	۲/۴
	مدیریت اجرایی جنگل	۸۹	۲۳/۹
	برنامه ها و طرح های مدیریتی	۳۷	۹/۹
ساختار اجتماعی و اقتصادی	ویژگی های اجتماعی	۳۶	۹/۷
	ویژگی های اقتصادی	۱۸	۴/۸
	ویژگی های فرهنگی	۱۰	۲/۷
	تعاونی ها و سازمان های مردم نهاد	۱۳	۳/۵
	بخش خصوصی	۷	۱/۹
	مشارکت جوامع محلی	۳۳	۸/۹
	آموزش و ترویج	۱۴	۳/۸
	تأثیر جوامع محلی بر ساختار جنگل	۴۳	۱۱/۵
	وابستگی جنگل نشینان به جنگل	۳۲	۸/۶
	جمع	۳۷۲	۱۰۰



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۱۹۰

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳

جدول ۳. نمونه ای از مضامین فرعی بعد مدیریتی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
مدیریت فراسازمانی	ناهماهنگی در برنامه ریزی کلان سرزمین - عدم وجود و اجرای آمایش سرزمین - اختلافات بین سازمانی و نهادهای مختلف - لزوم تشکیل وزارت منابع طبیعی و ...
مدیریت سازمانی	سیستم بروکراسی اداری - تصمیم گیری بالا به پایین - عدم توزیع مناسب کارشناسان بین ادارات - عدم ثبات مدیریتی در سطوح مختلف - هرم مدیریتی و کارشناسی سازمان و ...
قوانین و مقررات	عدم وجود قانون جامع منابع طبیعی - عدم تناسب جرمه و تخلفات منابع طبیعی - عدم انطباق قوانین توسعه ای با قوانین منابع طبیعی - عدم التزام به معاهدات بین المللی و ...
مدیریت اجرایی جنگل	اجرای مؤثر و جامع طرح مدیریت جنگل - عدم کنترل ورود دام به جنگل - اعطای زمین به ازای خروج از جنگل - صدور پروانه بهره برداری از جنگل و ...
برنامه ها و طرح های مدیریتی	طرح های جنگل داری چند منظوره - برنامه جامع طرح صیانت از جنگل ها - طرح توسعه جنگل کاری اقتصادی - عدم وجود راهبرد منسجم مدیریت جنگل و ...

جدول ۴. نمونه‌ای از مضامین فرعی بعد ساختار اجتماعی و اقتصادی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
ویژگی‌های اجتماعی	عدم توسعه اجتماعی - کاهش حس همکاری بین مردم - کاهش انسجام اجتماعی - عدم پذیرش اجتماعی جوامع محلی و ...
ویژگی‌های اقتصادی	عدم توسعه یافتگی اقتصادی - درآمد پایین جوامع محلی - متنوع نمودن معیشت ساکنین محلی - فقر جوامع محلی - افزایش سهم جنگل در اشتغال پایدار و ...
ویژگی‌های فرهنگی	تولید محصولات فرهنگی - توسعه گردشگری فرهنگی - خرده فرهنگ‌های روستایی - آثار باستانی و تاریخی در جنگل - صنایع دستی روستائیان و ...
تعاونی‌ها و سازمان‌های مردم نهاد	عملکرد تعاونی در افزایش تولید محصولات فرعی - توسعه همیاران طبیعت - کاهش تمایل برای عضویت در تعاونی‌ها - نقش تعاونی در بهره‌برداری پایدار از جنگل و ...
بخش خصوصی	استفاده از امکانات مالی و فنی بخش خصوصی - مشارکت خیرین در امور منابع طبیعی - سرمایه‌گذاری در صنایع جانبی جنگلی - واگذاری مدیریت منابع جنگلی به بخش خصوصی و ...
مشارکت جوامع محلی	عدم تمایل به مشارکت در طرح‌های جنگل‌داری - دیر بازده بودن طرح‌های مشارکتی - ارتباط ضعیف سازمان با جنگل‌نشینان - عدم استفاده از تجارب محلی و ...
آموزش و ترویج	کم بودن سطح آگاهی از فواید حفاظت جنگل - کم توجهی به فواید خدمات زیست‌محیطی جنگل - کمبود مروجین - توجه به آموزش‌های رسمی در مدارس و ...
تأثیر جوامع محلی بر ساختار جنگل	تخریب جنگل - کاهش امکان استقرار زادآوری - کاهش تراکم در هکتار - حذف تدریجی جنگل - ورود آفات زراعی به جنگل - آتش سوزی جنگل و ...
وابستگی جنگل‌نشینان به جنگل	وابستگی معیشتی مردم به جنگل - مصرف چوب برای تأمین انرژی - مصرف چوب در بخش کشاورزی - مصرف چوب در بخش دامداری و ...

۵-۲. تحلیل مضامین

همان‌طور که در مقدمه نیز عنوان شد سؤال اصلی مقاله این است که در مطالعات موجود نقش مسائل اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل‌های کشور چگونه است. در این راستا مضامینی که ارتباط بین عوامل اجتماعی و مدیریت جنگل را ممکن می‌کنند باید مورد تحلیل باشند. شامی و همکاران (۱۳۹۷) بیان می‌دارند که مدیریت در عرصه منابع طبیعی نیازمند یک دید کلی و همه جانبه مجموعه برنامه‌ریزان است. بدین منظور که در اولویت اول باید خواسته‌ها و انتظارات جوامع محلی را در نظر گرفت و جوامع محلی باید از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در وضعیت مطلوب قرار گیرند تا در مدیریت پایدار جنگل‌ها مشارکت مؤثری داشته باشند. در اولویت‌های بعدی دیدگاه مقامات دولتی و حمایت‌های جدی آنها را باید در نظر گرفت و با اجرای قوانین و سیاست‌های مناسب، از تخریب جنگل‌ها جلوگیری شود. این تحلیل نشان می‌دهد که با عدم جامع‌نگری و دخالت





مؤثر خواسته‌ها و انتظارات جوامع محلی در مدیریت که در وضعیت کنونی مرسوم نیست، مدیریت پایدار جنگل‌ها در عمل امکانپذیر نخواهد بود و به تعبیر دیگر در وضعیت کنونی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی نقش جدی در مدیریت جنگل ندارند.

در بعد ساختار اجتماعی و اقتصادی، فراوانی مضامین فرعی تأثیر جوامع محلی بر ساختار جنگل از دیگر مضامین بیشتر است، این موضوع نشان می‌دهد از نگاه بسیاری از مقالات، اثر فعالیت‌های معیشتی جوامع محلی بر ساختار زیستی جنگل آنقدر تأثیرگذار است که خود در قامت یکی از اصلی‌ترین علل تخریب و تضعیف جنگل‌های کشور مطرح است. از این رو در این مقالات رویکرد مشارکت جوامع محلی در برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل، به‌عنوان محرکی کلیدی برای کنترل و به حداقل رسانی آسیب‌های جوامع محلی به جنگل به شمار رفته است. مضامین استخراج شده از موضوع مشارکت جوامع محلی به‌عنوان یکی از شاخص‌های تسهیل‌کننده مسائل اجتماعی جنگل نشان می‌دهد، عوامل اقتصادی در اولویت اول و عوامل اجتماعی در جایگاه دوم علل عدم مشارکت مردم در مدیریت منابع جنگلی است. همچنین یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۶) بیان داشتند میزان مشارکت مردم در اجرای برنامه‌های حفاظتی در حد مطلوب و رضایت بخشی نیست و هرچه میزان وابستگی اقتصادی مردم به جنگل بیشتر باشد درصد مشارکت مردم بالاتر می‌رود. این مطلب بیانگر این موضوع است که مردم نه در جهت اهداف مدیریتی جنگل که بر آنها تحمیل شده، بلکه صرفاً برای رفع بخشی از نیازهای معیشتی حاضر می‌شوند به اجبار در برنامه‌های حفاظت جنگل مشارکت داشته باشند. مشارکت به این شکل می‌تواند در غیاب نیروهای دولتی حفاظتی، دست اندازی‌ها و در نتیجه تخریب زیادی را متوجه گستره‌های جنگلی کند. از منظر توجه به معیارهای اجتماعی-اقتصادی، حسینی، ملک‌نیا و صادقی (۱۳۹۶) نشان دادند معیار کارکردهای اقتصادی و اجتماعی و کارکردهای حمایتی و حفاظتی بیشترین اولویت را در مدیریت پایدار جنگل دارند. اولویت داشتن معیار کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و حفاظتی که جز معیارهای جهانی توسعه شده برای مدیریت پایدار است، موید این مبحث است که به‌دلیل به‌دلیل سال‌ها بی‌توجهی به آنها، در وضعیت کنونی اکثر محققان جنگل چاره‌ای جز بازگشت به چنین کارکردهایی نمی‌بینند.



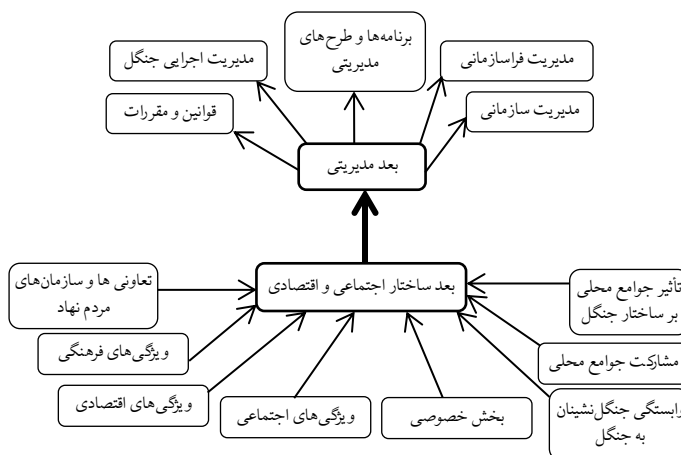
گلیچ، حسن زاده ناورودی و محمدی لیمایی (۱۳۹۵) اذعان داشتند پرداختن به مسائل محیط‌زیستی و اقتصادی- اجتماعی در قالب معیارهای پایداری جنگل، منجر به فهم بهتر مدیران جنگل و آگاهی مردم خواهد شد. هر چند در این مطالعه شاخص‌های جنگل‌های طبیعی با زادآوری مطلوب، نشانه‌گذاری اصولی درختان و موازنه بین رویش و برداشت چوب بیشترین اولویت را در مدیریت پایدار جنگل‌های هیرکانی داشتند. تفسیر این مطالعه، تأکید بر این موضوع است که لازمه فهم مسائل جنگل هم برای مدیران و هم برای جوامع محلی و جنگل‌نشینان، توجه به ابعاد زیست‌اجتماعی و اقتصادی و همچنین مسائل زیست‌محیطی جنگل است. این فهم زمانی به خوبی ممکن می‌شود که پیوند بین انسان و جنگل در بستر و بافت فرهنگی و اجتماعی مورد تفسیر و تحلیل قرار گیرد. مطابق مطالعه حیدری و کرمدوست مریان (۱۳۹۵) در تعریف طرح‌های جدید ملی جنگل‌داری نظیر آنچه با عنوان طرح تنفس در جنگل‌های هیرکانی مطرح شده است، جامع‌نگری لازم صورت نگرفته است و طرح‌های موجود جنگل‌داری نیازمند بازنگری اساسی بر مبنای جنگل‌داری پایدار هستند. منظور از جنگل‌داری پایدار، توجه به همه جوانب زیست‌طبیعی و انسانی بوم‌سازگان جنگل است. عدم توجه به مفهوم جنگل‌داری پایدار، نشان از تک بعدی نگریستن به مسائل جنگل با تأکید بر موضوعات بوم‌شناختی آن است. در خصوص زیرساخت‌های قانونی دخالت مسائل اجتماعی در فرایند مدیریت جنگل، ساختارها و فرایندهای لازم مرتبط با هریک از اصول و مبانی برنامه ملی جنگل به خصوص اصل مشارکت به عنوان مهمترین اصل و هدف برنامه ملی جنگل در قوانین مدیریت منابع جنگلی کشور تعریف و نهادینه شده است که در پژوهش قاسمی قوچقار (۱۳۹۵) به آن اشاره شده است. اگر چه در قوانین مدیریت جنگل اشاره و تأکیدی بر اصل مشارکت همه ذینفعان جنگل است اما باید توجه داشت که تا درهم تنیدگی جوامع محلی با عناصر و منابع جنگلی روشن نشود، صحبت از لزوم مشارکت صرفاً توجه شکلی و نه محتوایی به چگونگی اجرایی سازی مقررات است. در هر صورت روند تخریب جنگل‌های کشور در شکل‌های مختلف آن به‌ویژه متأثر از شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی (محمودی، فقهی و مخدوم، ۱۳۹۴، ۹۲۵) نشان می‌دهد، هرآنچه تاکنون در فرایند مدیریت جنگل‌های کشور به انجام رسیده قادر نبوده است حتی سرعت روند



تخریب جنگل‌ها را نیز کاهش دهد. مطابق پژوهش حبیبی و همکاران (۱۳۹۳) جنگل‌نشینان از برنامه‌هایی که تلاش دارد دسترسی و مجاورت بومیان به جنگل را کاهش دهد هرگز استقبال نکرده‌اند. چراکه آنان خود را وابسته و متعلق به جنگل می‌دانند و سال‌ها زندگی در جنگل باعث تعلق خاطر آنها به این محیط شده است.

۵-۳. قالب مضامین و جایگاه مسائل اجتماعی در مدیریت جنگل

بعد از تفسیر مضمون‌های بهم پیوسته مسائل اجتماعی و مدیریتی جنگل بکار رفته در پژوهش‌های مورد بررسی، لازم است جایگاه مضمون‌های اصلی بعد ساختار اجتماعی و اقتصادی در کنار بعد مدیریتی مورد بررسی قرار گیرد. در شکل شماره (۱) جایگاه مضامین اصلی بعد ساختار اجتماعی اقتصادی و بعد مدیریتی آمده است. مطابق این شکل رابطه مضامین اصلی در دو بعد باهم متفاوت است. مضامین اصلی در بعد ساختار اجتماعی و اقتصادی، شکل دهنده این ساختار هستند اما در بعد مدیریتی، این مدیریت است که شکل دهنده مضامین اصلی می‌شود. به این معنی که استقرار و برپایی مدیریت، بستر ساز موضوعاتی است که در قالب مضامین اصلی آورده شد. در بعد ساختار اجتماعی و اقتصادی، در بین کنش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم چنین مضامینی به‌طور طبیعی رخ می‌دهد و بخش جدایی ناپذیر فرهنگ و زیست‌جغرافیایی مردم است.



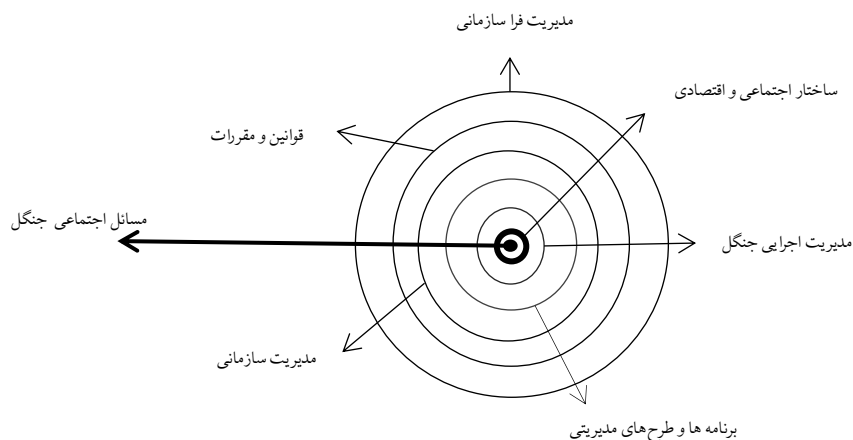
شکل ۱. ارتباط مضامین با بعد ساختار اجتماعی و اقتصادی و بعد مدیریتی



اما نکته بسیار مهم، جایگاه این دو بعد در ارتباط با یکدیگر است. تحلیل این جایگاه در واقع تحلیل جایگاه مسائل اجتماعی در مدیریت جنگل‌های کشور خواهد بود. همان‌طور که در شکل شماره (۱) آمده، بعد ساختار اجتماعی و اقتصادی ذیل بعد مدیریتی قرار می‌گیرد. یعنی مضامین اصلی بعد مدیریتی بر مضامین اصلی بعد ساختار اجتماعی و اقتصادی مسلط و محاط هستند. این محاط بودن به گونه‌ای است که اساساً کلیت مضامین ساختار اجتماعی و اقتصادی در پایین‌ترین رده سلسله مراتب اهمیت قرار دارند (شکل ۲). مطابق این شکل مدیریت فراسازمانی، قوانین و مقررات، مدیریت سازمانی، برنامه‌ها و طرح‌های مدیریتی و مدیریت اجرایی به ترتیب در سلسله مراتب مضامین مدیریتی قرار دارند. به این معنی که مدیریت اجرایی در زیر مجموعه برنامه‌ها و طرح‌های مدیریتی، برنامه‌ها و طرح‌های مدیریتی خود زیر مجموعه مدیریت سازمانی و این مدیریت خود در گستره قوانین و مقررات فعالیت می‌کند و در نهایت مدیریت فراسازمانی تمامی مضامین مدیریتی را پوشش می‌دهد. همان‌طور که در این شکل نمایش داده شده است، در ساختار موجود مدیریت کلان عرصه‌های جنگلی کشور مضامین ساختار اجتماعی و اقتصادی در زیر مجموعه مدیریت اجرایی واقع شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد در وضعیت موجود چشم‌انداز مدیریت جنگل‌های کشور، اساساً ساختار، مناسبات و کنش‌های اجتماعی و اقتصادی معمول در جوامع روستایی جنگلی جایگاهی در طرح‌ها و برنامه‌های مدیریتی، مدیریت سازمانی، قوانین و مقررات و در نهایت مدیریت فراسازمانی ندارند و تنها مدیریت اجرایی و عملیاتی جنگل است که در حین اجرای پروژه‌های مدیریتی به ناچار با مردم و مناسبات آنها مواجهه پیدا می‌کند. مسائل اجتماعی که در بخش ادبیات نظری به آنها اشاره شد، ماهیتاً به عنوان مضمون‌های فرعی در درون مضامین اصلی به خصوص مضمون "وابستگی جنگل‌نشینان به جنگل" قرار دارند (جدول شماره ۴).

در مقالات مورد تحلیل، مسائل اجتماعی از جمله وابستگی اقتصادی مردم به جنگل و عدم مشارکت محلی از جمله مهمترین چالش‌های مدیریت اجرایی هستند. مدیریت اجرایی کنونی تنها با رفع این چالش‌ها امکان پیاده‌سازی و اثرگذاری موفقیت آمیز خواهد داشت. به تعبیر دیگر مضامینی چون ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اگر همسو با اهداف مدیریت اجرایی نباشند چالش به حساب می‌آیند و باید با تدابیری این موانع را مرتفع نمود. تجربه اجرای

طرح‌های مدیریتی در مناطق مختلف نشان می‌دهد عدم سنخیت ویژگی‌های طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه محلی که به نوعی عدم پذیرش اجتماعی نیز خوانده می‌شود باعث شده است اجرای این طرح‌ها علی‌رغم هزینه‌های فراوان با شکست مواجه باشد. در این رویکرد اگر تعاونی‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، بخش خصوصی و مکانسیم آموزش و ترویج به خوبی سازماندهی شود ابزار مناسبی برای عملیاتی نمودن مدیریت اجرایی فراهم خواهد شد. یکی از مضامین قابل توجه در این مبحث که به خوبی جایگاه بعد ساختار اجتماعی و اقتصادی را کنار بعد مدیریتی عیان می‌کند مضمون "تأثیر جوامع محلی بر ساختار جنگل" است که نشان می‌دهد جوامع محلی و فعالیت‌های معیشتی آنها به عنوان عوامل تأثیرگذار بر ساختار جنگل شناخته می‌شوند و عامل مخرب و بازدارنده اهداف مدیریت هستند و اینگونه تصور می‌شود که هر منطقه جنگلی که کمترین عوامل انسانی تأثیرگذار بر ساختار جنگل را دارد، بهترین عرصه برای اجرای برنامه‌های مدیریتی است. اتفاقاً بر اساس همین سیاست است که سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور تلاش می‌نماید که طرح‌ها و برنامه‌های مدیریتی خویش را جایی استقرار دهد که با کمترین چالش اجتماعی روبرو باشد. سیاستی که باعث رها شدن و بدون طرح و برنامه داشتن عرصه‌های وسیعی از جنگل‌های کشور شده است که جنگل‌نشینان با جنگل درهم‌تنیدگی بیشتری دارند.



شکل ۲. جایگاه مضامین ساختار اجتماعی و اقتصادی در سلسله مراتب مدیریت جنگل



۶. بحث و نتیجه گیری

تغییر سیاست‌های برنامه‌ریزی نسبت به منابع طبیعی، یکی از کلیدی‌ترین راهکارهای جلوگیری از تشدید روند تخریب در گستره‌های طبیعی است (هابرت، بوزیدی، چن و جولیان^۱، ۲۰۱۰، ۳۷۴). نهادهای بین‌المللی به‌طور ویژه کشورهای در حال توسعه را به رعایت الگوهای توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی ترغیب و در این راستا ترکیبی از نوآوری‌ها، سیاست‌های برنامه‌ریزی و مدیریتی، طرح‌های بهره‌وری کارآمد و تغییر در الگوی مصرف را برای بهبود شرایط موجود پیشنهاد می‌کنند (فائو و یونپ^۲، ۲۰۲۰، ۷۲-۵۷).

رابطه برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل در کشور ما به شکل وارانه و معکوس دیده شده است. به این معنی که برنامه‌ریزی حل شده در فرایند مدیریت است. در صورتی که باید ابتدا در فرایند برنامه‌ریزی برنامه‌ها مشخص گردد و در مرحله بعد مدیریت اجرایی این برنامه‌ها مدنظر قرار گیرد. به‌طور کلی برنامه‌ریزی در حوزه منابع جنگلی در خدمت مدیریت و هر دو در خدمت برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای محصور هستند. این نوع رویکرد و نگرش به مفهوم برنامه‌ریزی در گستره‌های جنگلی، صدمات زیادی به این عرصه‌ها و ناپایدار شدن موجودیت و استفاده از این منابع در کشور به دنبال داشته است. در وضعیت کنونی که عرصه‌های جنگلی کشور در محوریت یک نوع برنامه‌ریزی کلان قرار ندارد، کاملاً تحت تأثیر سایر برنامه‌ریزی‌ها قرار گرفته‌اند که این موضوع به معنی کم اهمیت جلوه دادن این عرصه‌ها و به کارگیری آنها در فرایند توسعه در برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای است. این عامل باعث تغییر عمده پوشش‌های طبیعی جنگلی به کاربری‌های مختلف است. ریشه این تغییرات در برنامه‌ریزی‌های کالبدی است که نگاه آنها به منابع طبیعی به‌عنوان اراضی رها شده است، لذا از این فرصت برای توسعه منطقه‌ای استفاده می‌شود. استفاده‌ای که اغلب به ناپایداری توسعه منجر می‌گردد (محمودی، فقهی و مخدوم، ۱۳۹۹، ۴۶).

در واقع وضعیت کنونی برنامه‌ریزی و مدیریت در جنگل‌های کشور به گونه‌ای است که شرایط و بستر تخریب کمی و کیفی آنها را شدت می‌بخشد، لذا اعمال رویکرد نوین



1. Habert, Bouzidi, Chen, & Jullien

2. FAO & UNEP



برنامه‌ریزی و مدیریت در این خصوص ضرورتی انکارناپذیر است. اعمال رویکرد نوین برنامه‌ریزی و مدیریت در گستره‌های جنگلی زمانی اتفاق خواهد افتاد که فهم واقع بینانه‌ای از مسائل و چالش‌های جنگل‌های کشور داشته باشیم. تلاش برای دستیابی به فهم واقع بینانه در نگاه صرفاً رشته‌ای امکان‌پذیر نیست بلکه ضرورت دارد تا نگاهی فرا/میان رشته‌ای را در مورد مسائل جنگل بکار گیریم.

در نظام مدیریت جنگل‌های کشور، ساختار اجتماعی و اقتصادی عرصه‌های جنگلی که مسائل اجتماعی درون آنها زاده می‌شود در اختیار و محصور در آخرین حلقه سلسله مراتب مدیریتی قرار گرفته است. محصور بودن مضامین ساختار اجتماعی و اقتصادی در زیر لایه‌های مدیریتی نشان می‌دهد که در نظام فکری و عملیاتی مدیریت جنگل‌های کشور، ویژگی‌های ساختاری اجتماعی و اقتصادی جنگل‌نشینان به‌عنوان عواملی که استاتیک و تثبیت شده هستند و لاجرم مانند سایر اجزای بوم‌سازگان باید مورد کنترل و مدیریت قرار گیرند، فرض می‌شوند. نوعی نگاه شی‌پنداری به ساختار اجتماعی و اقتصادی و اینکه جنگل‌نشینان و مسائل مرتبط به آنها باید تابع مدیریت اجرایی و دستوری باشند. اما در عمل می‌بینیم که این اتفاق رخ نمی‌دهد و مقاومت و عدم ارتباط جوامع محلی با اقدامات مدیریتی به عدم موفقیت طرح‌ها و آسیب بیشتر به ساختار طبیعی جنگل‌ها می‌شود. این موضوع به‌طور مشخص عامل اصلی موفق نبودن اجرای طرح‌های جنگل‌داری چه در جنگل‌های شمال و چه جنگل‌های خارج از آن است. مطالعات مختلف از جمله حبیبی، علیپور و کیادلیری (۱۳۹۳)، یعقوبی فرانی، کریمی و پرموزه (۱۳۹۶)، شامی، بانج شفیعی و حسین زاده (۱۳۹۷) و افروغ، زارع مهرجویی، امیرتیموری، میرزایی خلیل‌آبادی و بنی‌اسدی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد تضادی جدی در اهداف طرح و آنچه مردم محلی از جنگل انتظار دارند وجود دارد.

تضادی که تقابل بنیادینی را بین حفظ منافع ملی و نیازهای مردم جنگل‌نشین در سیاست‌های مدیریت جنگل را نشان می‌دهد که در پژوهش شادی طلب (۱۳۸۱) به آن پرداخته شده است. این فرایند به خصوص در جنگل‌های زاگرس با تعبیر متداول شده عدم پذیرش اجتماعی طرح‌های جنگل‌داری مطرح است. این موضوع در پژوهش‌های فتاحی (۱۳۸۰)،



جزیره‌ای و ابراهیمی رستاقی (۱۳۸۴) و غضنفری (۱۳۸۳) طرح شده است. موضوع دیگر اینکه در سطح مدیریتی فراسازمانی و تبع آن سطح سازمانی، نشانی از مضمونی با ماهیت برنامه‌ریزی جنگل با آن مفهومی که به آن پرداخته شد وجود ندارد و همه چیز در قالب و شاکله امر مدیریتی در زمره طرح‌ها و برنامه‌های مدیریتی نهاده شده است. همان‌طور که اشاره شد این نقیصه بزرگ، موجودیت جنگل‌های کشور را رقابت با سایر برنامه‌های توسعه‌ای به خطر انداخته است و آنچه به نام تغییر کاربری جنگل به سایر کاربری‌ها روایت می‌شود، محصول همین عدم استقرار مفهوم برنامه‌ریزی در فرایند مدیریت کلان منابع طبیعی و جنگل‌داری کشور است. وقتی برنامه‌ریزی جایگاهی در دو سطح یاد شده ندارد، بدیهی است که صحبت از جایگاه مسائل اجتماعی جنگل در فرایند برنامه‌ریزی نیز محلی از اعراب ندارد. بر اساس دیدگاه جامعه‌شناسان محیط زیست، نگاه به عناصر طبیعی باید همراه با نگرش اجتماعی باشد. در این صورت است که شناخت ابعاد گوناگون و یکپارچه مدیریت یک عرصه طبیعی ممکن خواهد بود ساتن^۱ (۲۰۰۷)، به نقل از: صالحی، (۱۳۹۲). مطابق این رویکرد مدل جایگاه مضامین ساختار اجتماعی و اقتصادی در سلسله مراتب مدیریت جنگل که در شکل شماره (۲) آمده است باید دچار تغییر بنیادینی شود به گونه‌ای که در این سلسله مراتب مدیریتی، مضامین ساختار اجتماعی و اقتصادی باید بعد از مدیریت سازمانی قرار گیرند تا بر اساس مضامین فرعی نهفته در این ساختار، برنامه‌ها و طرح‌های مدیریتی سامان یابند و پس از آن مدیریت اجرایی جنگل عملیاتی شود. این مطلب خود به نوعی نشان می‌دهد فرایند تهیه طرح‌های جنگل‌داری زمانی جامع و بدور از مشکلات کنونی است که به شکل کاملاً جدی مضامین اجتماعی و اقتصادی در آنها دیده شود.

فشار روز افزون به عرصه‌ها و منابع جنگلی در کنار لزوم برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار این بوم‌سازگان، چالش‌های فنی و پژوهشی زیادی را در مرتفع ساختن بحران پایداری منابع جنگلی پدید آورده است. در این راستا امروزه رویکردهای تلفیقی و بین‌رشته‌ای برای یافتن راه‌حل‌های مدیریت پایدار جنگل می‌تواند راهگشا باشد (شیری و شمسی، ۱۳۹۴، ۱۴۳). بی‌توجهی و عدم حضور محسوس مسائل اجتماعی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت

جنگل‌های کشور نشان می‌دهد که لازم است از چشم‌اندازی فرا/میان رشته‌ای به جنگل و مسائل آن نگاه کرد. قطعا با توجه به درهم‌تنیدگی زندگی امروزی با محیط‌زیست و اجزای آن، می‌طلبد که نگاه صرف رشته‌ای به این بوم‌سازگان به نگاه چند بعدی به خصوص از منظر علوم اجتماعی سوق یابد.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۲۰۰

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳

منابع

احمدزاده، حمیرا؛ سلیمان، محمدی لیمانی (۱۳۹۵). ارزیابی اقتصادی استفاده‌های فعلی از جنگل (مطالعه موردی: جنگل‌های شفارود، استان گیلان). فصلنامه تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، ۴(۲۴)، ۵۶۷-۵۵۹
doi:10.22092/ijfpr.2016.109426

اسلامی علیرضا (۱۳۸۷). جنگل‌ها و مراتع ایران. تهران: انتشارات حق شناس.

افروغ، احمد؛ زارع مهرجویی، محمدرضا؛ امیرتیموری، سمیه؛ میرزایی خلیل آبادی، حمیدرضا؛ بنی اسدی، مصطفی (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران محلی در مدیریت، حفظ و احیاء جنگل‌های بلوط استان لرستان. فصلنامه تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، ۳(۲۶)، ۳۹۳-۴۰۵
doi: 10.22092/ijfpr.2018.117742

ایرانمنش، یعقوب؛ جهانبازی گوجانی، حسن (۱۳۹۴). بررسی روغن قابل استخراج از میوه بلوط ایرانی در جنگل‌های استان چهارمحال و بختیاری. فصلنامه تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، ۳(۲۳)، ۵۲۷-۵۳۵
doi: 10.22092/ijfpr.2015.105657

ایمانی راستابی، مجتبی؛ جلیلود، حمید؛ زندبصری، مهدی (۱۳۹۲). بررسی مسائل اجتماعی- اقتصادی جنگل‌های سامان عرفی کلگچی زاگرس در چهارمحال و بختیاری. اکوسیستم‌های طبیعی ایران، ۲(۴)، ۵۹-۷۰

ایمانی راستابی، مجتبی؛ جلیلود، حمید؛ زندبصری، مهدی (۱۳۹۹). تعیین ارزش‌های آستانه در سیاست گذاری سامانه عرفی کلگچی استان چهارمحال و بختیاری- زاگرس. بوم‌شناسی جنگل‌های ایران، ۸(۱۶)، ۱-۹

بازگیر، احمد؛ نمرانیان، منوچهر؛ عوافی همت؛ محمد (۱۳۹۶). کمی‌سازی استفاده‌های چوبی جنگل نشیان از جنگل‌های زاگرس در دهستان کاکاشرف شهرستان خرم‌آباد. جنگل و فراورده‌های چوب، ۳(۷۰)، ۳۷۱-۳۸۰
doi:10.22059/jfwp.2017.128414.647

پیری، مهدی؛ مسنن مطفری، مهدیه؛ جاودان، ابراهیم (۱۳۸۸). برآورد تمایل به پرداخت افراد برای ارزش وجودی جنگل‌ها (مطالعه موردی جنگل‌های ارسباران). جنگل و فراورده‌های چوب، ۴(۶۲)، ۳۴۳-۳۵۷

جزیره‌ای، محمدحسین؛ ابراهیمی رستاقی، مرتضی (۱۳۸۴). جنگل‌شناسی زاگرس. تهران: دانشگاه تهران.

حبیبی، بهرام؛ علیپور، حسن؛ کیادلیری، هادی (۱۳۹۳). بررسی میزان مشارکت جنگل نشینان در مدیریت جنگل و چگونگی تقویت مشارکت (مطالعه موردی: منطقه بابل کنار شهرستان بابل). فصلنامه تحقیقات جنگل و صنوبر، ۱(۲۲)، ۱۲۰-۱۰۹
doi:10.22092/ijfpr.2013.9060





حجاریان، مرضیه؛ حسین زاده، امید؛ خضری داشکسن، سید سجاد؛ خیاطی نژاد آق گنبد، سعیده (۱۳۹۷). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل تخریب جنگل‌های مانگرو با استفاده از روش Promethee II. مجله علوم و فنون دریایی، (۱۷)، ۳، ۱۲-۱. doi:10.22113/jmst.2017.42318

حسینی، سیده‌زهر؛ رحیم، ملک‌نیا؛ صادقی، حمدالله (۱۳۹۶). رویکرد ترکیبی در ارزیابی معیارها و شاخص‌های مدیریت پایدار جنگل در سطح محلی (مطالعه موردی: حوضه آبخیز لیرابی، استان چهارمحال‌وبختیاری). فصلنامه تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، (۲۵)، ۱، ۱۴۹-۱۵۹. doi:10.22092/ijfpr.2017.109784

حیدری، مازیار؛ کرمدوست مریان، بهروز (۱۳۹۵). بررسی و سیاست‌گذاری برنامه تنفس یا بهره‌برداری جنگل‌های هیرکانی (مطالعه موردی: جنگل‌های حوزه شفارود). فصلنامه تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، (۲۴)، ۴، ۷۲۴-۷۳۶. doi:10.22092/ijfpr.2016.109450

حیدری، مازیار؛ لطفیان، مجید؛ تشکری، مرتضی؛ ولی‌پور، احمد (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری در مدیریت سامانه‌های آگروفارستری موجود در جنگل‌های بانه. زاگرس شمالی، فصلنامه تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، (۲۵)، ۲، ۱۹۵-۱۸۵. doi:10.22092/ijfpr.2017.111754

خدری‌زاده، مهدی؛ ملک‌نیا، رحیم؛ عادل، کامران؛ هناره‌خلیانی، جلال (۱۳۹۶). بررسی موانع و زمینه‌های مشارکت جوامع محلی در مدیریت جنگل (مطالعه موردی: بخش نمه شیر شهرستان بانه). پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل، (۲۴)، ۳، ۴۷-۳۵. doi: 10.22069/jwfst.2017.12024.1634

رحیمیان، مهدی؛ فراشی، مرضیه؛ غلامرضایی، سعید؛ براخاص، امین (۱۳۹۷). تحلیل اثرات طرح خروج دام از جنگل بر مردم محلی: مطالعه موردی روستای سیاده دره نهاوند. فصلنامه روستا و توسعه، (۲۱)، ۳، ۲۴-۱. doi:10.1001.1.15633322.1397.21.3.1.1

رضوانی، محمد؛ هاشم‌زاده، فهیمه (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر در تخریب جنگل و تأثیر خروج دام از حوزه ۱۴ جنگل‌های شمال کشور. نشریه پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل، (۲۰)، ۳، ۱۳۸-۱۲۵. doi: 10.1001.1.23222077.1392.20.3.8.0

ساتن، فلیپ دیبلو (۱۳۹۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست (مترجم: صادق صالحی)، تهران: سمت. سالم، علی‌اصغر؛ عوافقی همت، محمد؛ حشمت‌الواعظین، سیدمهدی (۱۳۹۴). برآورد تابع تقاضای خطی تقریباً ایدئال چوب سوخت در مناطق روستایی جنگل‌های شمال ایران. مجله جنگل ایران، (۱۷)، ۱، ۸۵-۶۷. سلطانی، آرزو؛ شامخی، تقی؛ نوری‌نایینی، محمد سعید؛ عرب‌مازیار، عباس (۱۳۸۹). تأثیر جنگل و توسعه محلی در توزیع درآمد و سطح فقر (بررسی موردی: حوزه آبخیز تنگ تامرادی). جنگل و فرآورده‌های چوب، (۶۳)، ۴، ۳۸۵-۳۶۹.



شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱). ابعاد اجتماعی در مدیریت جنگل. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۳۷(۱۰)، ۳۷-۲۲۰.

شامخی، تقی (۱۳۹۲). قوانین و مدیریت منابع طبیعی (جنگل‌ها و مراتع). تهران: دانشگاه تهران.

شامی، جعفر؛ بانج شفیعی، عباس؛ حسین زاده، امید (۱۳۹۷). شناسایی معیارهای مؤثر سازمانی بر مدیریت پایدار در جنگل‌های زاگرس استان آذربایجان غربی. فصلنامه پژوهش و توسعه جنگل، ۲(۴)، ۱۶۱-۱۷۷.

شییری، سیدمحمد؛ شمس، سیده‌زهرا (۱۳۹۴). تحلیلی بر برنامه درسی میان‌رشته‌ای آموزش محیط زیست در آموزش عالی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۷(۳)، ۱۴۵-۱۲۷. doi:10.7508/isih.2015.27.005

صادقی کاجی، حمدالله؛ جعفری، علی؛ یارعلی، نبی‌الله (۱۳۹۴). ارزیابی مدیریت پایدار جنگل در حوضه آبخیز دوپلان استان چهارمحال و بختیاری. فصلنامه تحقیقات جنگل و صنوبر، ۳(۲۳)، ۴۹۰-۵۰۱. doi:10.22092/ijfpr.2015.105654

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید و شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۲(۵)، ۱۵۱-۱۹۸. doi:10.30497/smt.2011.163

عواطفی‌همت، محمد؛ شامخی، تقی؛ زیری، محمود؛ عرب، داودرضا؛ قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۹۲). دلایل تخریب جنگل: بررسی مدل‌های ذهنی کارشناسان منابع طبیعی و مردم محلی با استفاده از روش پویایی‌های سیستم. نشریه جنگل و فراورده‌های چوب، ۱(۶۶)، ۵۴-۲۹.

غضنفری، هدایت‌الله (۱۳۸۳). بررسی رویش و تغییرات پراکنش فطری به منظور الگوی تنظیم جنگل در منطقه بانه مطالعه موردی: هواره خول (رساله دکتری). دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران. دانشگاه تهران.

فتاحی، محمد (۱۳۸۰). مدیریت جنگل‌های زاگرس. تهران: مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع.

فلاح، اصغر؛ ایمانی راستابی، مجتبی؛ نظریانی، نسترن (۱۳۹۷). بررسی شاخص‌های مؤثر بر مشارکت در مدیریت پایدار جنگل‌ها (پژوهش موردی: سامان عرفی کلگچی، استان چهارمحال و بختیاری). فصلنامه پژوهش و توسعه جنگل، ۳(۴)، ۲۸۸-۲۷۳.

قاسمی قوچقار؛ سعید. یارعلی، نبی‌الله؛ جعفری، علی؛ پوراصغر سنگاچین، فرزاد (۱۳۹۵). بررسی و نهادینه سازی اصول و مبانی برنامه ملی جنگل در ایران. نشریه پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل، ۱(۲۳)، ۴۹-۶۸. doi: 10.22069/jwfst.2017.9858.1519

قربانی، سهیلا؛ مرادنژادی، همایون؛ حیدری، مهدی (۱۳۹۶). بررسی اثرهای اجتماعی زوال جنگل‌های بلوط ایرانی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ملکشاهی استان ایلام). فصلنامه تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، ۳(۲۵)، ۴۴۰-۴۳۱. doi: 10.22092/ijfpr.2017.112877



قنبری، سجاد؛ جعفری، مصطفی؛ نصیری، وحید (۱۳۹۴). اثر اجرای طرح صیانت در مقدار و نوع سوخت مصرفی روستائیان در جنگل‌های ارسباران. مجله پژوهش و توسعه جنگل، ۱(۱)، ۸۳-۶۷.

قنبری، سجاد؛ عباس نژادالچین، احمد؛ مرادی، غلامحسین؛ خالقی، باقر (۱۳۹۷). الگوی پراکنش مکانی و نقشه ارزش اقتصادی محصولات فرعی پنج گونه گردو، آلوچه، زغال اخته، زالزالک و ازگیل در ارسباران. پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل، ۲(۲۵)، ۳۳-۱۹. doi: 10.22069/jwfst.2018.14852.1739

کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاستگذاری عمومی. سیاستگذاری عمومی، ۲(۴)، ۲۰۸-۱۸۹. doi: 10.22059/ppolicy.2018.67875

گلیچ، ایوب؛ حسن زاده ناورودی، ایرج؛ محمدی لیمایی، سلیمان (۱۳۹۵). تبیین معیارها و شاخص‌های مدیریت پایدار جنگل (منطقه مورد مطالعه: ناو اسالم، استان گیلان). فصلنامه تحقیقات جنگل و صنوبر، ۱(۲۴)، ۱۷۶-۱۸۷. doi: 10.22092/ijfpr.2016.106698

گیلانی‌پور، نجیبه؛ عادل، کامران؛ گیلانی‌پور، جواد؛ آریا، حمید (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اقتصادی روستائیان و سنجش میزان وابستگی معیشتی آنها به جنگل (مطالعه موردی: روستای کرچی). اکوسیستم‌های طبیعی ایران، ۴(۱)، ۵۴-۴۸.

لیانی، قاسم؛ عبدالکریم اسماعیلی (۱۳۹۲). بررسی آثار طرح‌های بهره‌برداری از جنگل‌های شمال بر تنظیم واردات چوب به ایران. فصلنامه تحقیقات کشاورزی، ۴(۵)، ۲۵-۴۵.

مالمیر، الهام؛ رستمی شاهراجی، تیمور؛ حجازی، رخشاد (۱۳۹۱). بررسی اثرهای جنگل‌داری شهری از نظر اقتصاد انرژی (مطالعه موردی: شهر همدان). تحقیقات جنگل و صنوبر، ۲(۲۰)، ۳۳۳-۳۲۴. doi: 10.22092/ijfpr.2012.107295

مجبایی، سیدمحمد (۱۳۹۶). گزارش وضعیت محیط زیست ایران و جهان و تشریح عملکردها. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.

محمودپور، ابراهیم (۱۳۸۲). کیمیای سبز. تهران: سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور. محمودی، بیت‌الله؛ مروی مهاجر، محمدرضا؛ دانه کار، افشین؛ فقهی، جهانگیر (۱۳۹۳). برآورد تغییرات سطح پوشش جنگل در پهنه‌های توپوگرافیک استان مازندران. نشریه محیط زیست طبیعی، ۳(۳)، ۶۷. doi: 10.22059/jne.2014.52732

محمودی، بیت‌الله؛ بازگیر، احمد؛ فقهی، جهانگیر؛ جعفری، فاطمه (۱۳۹۴). اولویت‌بندی درجه وضعیت شاخص‌های تخریب در رویشگاههای جنگلی کشور. جنگل و فرآورده‌های چوب، ۴(۶۸)، ۹۳۰-۹۱۹. doi: 10.22059/jfwp.2015.57125



محمودی، بیت‌الله؛ فقهی، جهانگیر؛ مخدوم، مجید (۱۳۹۹). مدل آمایش منابع جنگلی، راهبردی نوین در برنامه‌ریزی عرصه‌های جنگلی کشور. محیط زیست و توسعه، ۲۱(۱۱)، ۴۵-۵۶.

مدنی‌مثنائی، الهه؛ شامخی، تقی؛ ضرغام، نصرت‌الله؛ جزیره‌ای، محمد حسین؛ اکبری، محمدعلی (۱۳۹۳). بررسی واگذاری امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های شمال به شرکت روسی کوسیست تنوفیلاکتوس و پیامدهای آن. مجله جنگل ایران، ۴(۶)، ۴۱۷-۴۰۳.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۴). گزارش جایگاه محیط زیست در برنامه‌های توسعه کشور. تهران.

مروی‌مهاجر، محمدرضا (۱۳۹۰). جنگل‌شناسی و پرورش جنگل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مشایخی، زهرا؛ دانه‌کار، افشین؛ شرزه‌ای، غلامعلی؛ ماجد، وحید (۱۳۹۶). ارزیابی ترجیحات گردشگران برای بهبود وضعیت محیط زیستی جنگل‌های حرا با استفاده از روش آزمون انتخاب (مطالعه موردی: ذخیره‌گاه زیست‌کره حرا). مجله جنگل ایران، ۲(۹)، ۲۸۷-۲۷۳.

معیری، محمدهادی؛ عابدی‌سروستانی، احمد؛ شهرکی، محمدرضا؛ کوسه‌غراوی، یازمرد (۱۳۹۴). تحلیل ارتباط مشارکت و توسعه روستاهای جنگل‌نشین (مطالعه موردی: تعاونی‌های جنگل‌داری استان گلستان). مجله جنگل ایران، ۲(۷)، ۱۵۰-۱۳۷.

یعقوبی‌فرانی، احمد؛ کریمی، سعید؛ پرموزه، فرشاد (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در طرح‌های حفاظت از جنگل در شهرستان گیلان غرب. نشریه پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل، ۲(۲۴)، ۴۵-۳۳. doi: 10.22069/jwfst.2017.11058.1577

Aguilar, F. X., & Wen, Y. (2021). Socio-economic and ecological impacts of China's forest sector policies. *Forest Policy and Economics*, 127, 102454. doi:10.1016/j.forpol.2021.102454

Baskent, E. Z., & Keles, S. (2005). Spatial forest planning: A review. *Ecological Modelling*, 188(2-4), 145-173. doi:10.1016/j.ecolmodel.2005.01.059

Bettinger, P., & Sessions, J. (2003). Spatial forest planning: to adopt, or not to adopt? *Journal of Forestry*, 101(2), 24-29.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. doi:10.1191/1478088706qp063oa

Bubolz, M. M., & Sontag, M. S. (n.d.). Human Ecology Theory. *Sourcebook of Family Theories and Methods*, 419-450. doi:10.1007/978-0-387-85764-0_17

Deb, D. (2013). The Value of Forest: An Ecological Economic Examination of Forest People's Perspective. *Forestry Sciences*, 123-159. doi:10.1007/978-94-007-7076-8_7

FAO & UNEP. (2020). The State of the World's Forests 2020. Forests, biodiversity and people. *Rome*. doi:10.4060/ca8642en

- Fotakis, D. G. (2015). Multi-objective spatial forest planning using self-organization. *Ecological Informatics*, 29, 1–5. doi:10.1016/j.ecoinf.2015.06.001
- Fürst, C., Frank, S., Witt, A., Koschke, L., & Makeschin, F. (2013). Assessment of the effects of forest land use strategies on the provision of ecosystem services at regional scale. *Journal of Environmental Management*, 127, S96–S116. doi:10.1016/j.jenvman.2012.09.020
- Habert, G., Bouzidi, Y., Chen, C., & Jullien, A. (2010). Development of a depletion indicator for natural resources used in concrete. *Resources, Conservation and Recycling*, 54(6), 364–376. doi:10.1016/j.resconrec.2009.09.002
- Kurttila, M. (2001). The spatial structure of forests in the optimization calculations of forest planning — a landscape ecological perspective. *Forest Ecology and Management*, 142(1–3), 129–142. doi:10.1016/s0378-1127(00)00343-1
- Liu, J. (2001). Integrating ecology with human demography, behavior, and socioeconomics: Needs and approaches. *Ecological Modelling*, 140(1–2), 1–8. doi:10.1016/s0304-3800(01)00265-4
- Marten, G. G. (2010). *Human ecology: Basic concepts for sustainable development*. Routledge.
- Moran, E. F. (2010). *Environmental social science: human-environment interactions and sustainability*. John Wiley & Sons.
- Paul, S., & Chakrabarti, S. (2011). Socio-economic issues in forest management in India. *Forest Policy and Economics*, 13(1), 55–60. doi:10.1016/j.forpol.2010.08.006



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۲۰۶

دوره ۱۴، شماره ۱

زمستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۳

- Shobeiri, S., & Shamsi, Z. (2015). An Analysis of the Interdisciplinary Curriculum of the of Environmental Education in Higher Education. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 7(3), 127-145. doi:10.7508/isih.2015.27.005
- Sotani, A., Shamekhi, T., Noori Naieni, M. S., & Arabmaziar, A. (1398/2011). Ta'sir jangal va Towse'e mahali dar towzi-e darāmad va sathe faqr (Barasi-ye mowredi: hozey-e ābxiz-e tang-e tāmorādi) [Effects of forest resources on income distribution and poverty (Case study: watershed of Tang Tamoradi)]. *Journl of Forest and Wood Products*, 4(63), 369-385.
- Sutton, P. D. (2013). *Darāmadī bar jāmešenasi-e mohit-e zist* [An Introduction to the Sociology of the Environment] (S. Sādeqi, Trans). Tehrān, Irān: Samt.
- Yaghoubi Farani, A., Karimi, S. (2017). Avamel-e mo'aser bar mošārekat mardom dar tarhāy-e hefāzat az jangal dar šahrestān-e Gilān-e Gharb [Factors affecting people's participation in forest protection plans in Gilan-e Gharb]. *Journal of Wood & Forest Science and Technology*, 24(2), 33-46. doi:10.22069/jwfst.2017.11058.1577



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

59

Abstract



- Moran, E. F. (2010). *Environmental social science: human-environment interactions and sustainability*. John Wiley & Sons.
- Parliamentary Research Center (2015). *Gozāreš-e jāygāh-e mohit-e zist dar barnānehāye towse'e kešvar* [Report of the position of Iran environment in development programs]. Tehrān, Irān.
- Paul, S., & Chakrabarti, S. (2011). Socio-economic issues in forest management in India. *Forest Policy and Economics*, 13(1), 55–60. doi:10.1016/j.forpol.2010.08.006
- Piri, M., Mosanan Mozafari, M., & Javdan E. (2010). Brāvorde tamāyol be pardaxt-e afrād barāye arzesh-e vojudiye jangalhā (motāle'ye mowredi jangalhāye-e arasbārān [Estimating the Individual'S Willingness to Pay for Forest Existence Value (Case Study: Arasbaran Forest)]. *Journal of Jangal va Farāvardehāye čub/ Forest and Wood Products*, 4(62), 343–350.
- Rahimian, M., Farafhi, M., GHolamrezaei, S., Barakhas, A. (2018). Tahlil-e asarāt-e tarh xoroj dam az jangal bar mardom-e mahali, rostāy-e seyahdeh nahāvand [Analyzing the Effects of Livestock Removal from Forest on Local People: A Case Study of Siahdarreh Village in Nahavand County of Irān]. *Journal of Village and Development*, 21(3), 1–24. doi:20.1001.1.15633322.1397.21.3.1.1
- Rezvani, M., & hashemzadeh, F. (2013). Barasi-e avāmel mo'aser dar taxrib-e jangal va ta'sir xoroj dām az hozey-e jangalhāye šomāl kešvar [Investigating the effective factors on forest degradation and impact of removing livestock from district 14 of the northern forests of Irān: an environmental and economic perspective (Fuman)]. *Journal of Wood & Forest Science and Technology*, 20(3), 125–138. doi: 20.1001.1.23222077.1392.20.3.8.0
- Sadeghi Kaji, H., Jafari, A., Yarali, N. (2015). Arzyabi-ye mo'direyat pāydār jangal dar hoze ābxiz dupolān owstān-e čāhārmahāl-o baxtiyāri [An assessment of forest management sustainability in Do-Polan district, Chaharmahal and Bakhtiari Province, Irān]. *Irānian Journal of Forest and Poplar Research*, 23(3), 490–501. doi: 10.22092/ijfpr.2015.105654
- Salem. A. A., Avatefi Hemat, M., Heshmatol Vaezin S.M. (2015). Barāvord-e tabe taqazāy-e xati taqriban ideal čub soxt dar manāteqe rostā-yi jangalhāye-e šomāl-e Irān [Elasticity estimation of fuelwood demand in rural areas of the Caspian Forest, northern Irān, based on Almost Ideal Demand System]. *Irānian Journal of Forest*, 7(1), 67–85.
- Shaditalab, J. (2002). Abād-e ejtemāei dar modireyat-e jangal [Social Aspects in Forest Management]. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 37(10), 193–220.
- Shamekhi, T. (2013). *Qavānin va Mo'direyat-e manābe tabiei (jangalhā va marāte)* [Laws and management of natural resources (forests and rangelands)]. Tehrān, Irān: Tehran University Press.
- Shami, J., Banj Shafiei, A., Hoseinzadeh, O. (2018). Šenāsā-yi meyarhāy-e mo'aser sāzemani bar mo'direyat pāydār dar Jangalhāye owstān-e āzarbāeijān-e xarbi [Recognition of effective institutional criteria on sustainable management of Zagros forests, West Azerbaijan Province, Irān]. *Journal of Forest Research and Development*, 4(2), 161–177.

- Madani Mashaei E., Shamekhi, T., Zargham, N., Jazirehei, M. H., & Akbari, M. A. (2015). Barasi-ye vâgozari emtiyaz-e bahrebardâri az jangalhâye-šomâl be šerkat-e rusi kosis ta'ofilâktos va payâmadhâye ân [The concession granted to Russian Company of Kosis Teofeelucktous regarding the utilization of the Caspian forests of Iran and its consequences]. *Journal of Jangal-e Irân/Iranian Journal of Forest*, 6(4), 403-417.
- Mahmoudi, B., Bazgir, A., Feghhi, J., Jafari, F. (2015). Olaviyatbandi daraje vazeyat-e šaxehâye taxrib dar ruyešgâhâye-ye jangali-e kešvar [Prioritize the Degree of Degradation Forms in Forest Sites of Iran]. *Journal of Jangal va Farâvardehâye ċub/ Forest and Wood Products*, 68(4), 919-930. doi: 10.22059/jfwp.2015.57125
- Mahmoudi, B., Feghhi, J., & Makhdom, M. (2021). Model-e âmâyeš-e manabe jangali, râhbordui no'vin dar barnâmerizi arsehâye-ye jangali kešvar [Spatial Forest resources planning model: A new strategy for Iranian forest planning]. *Environment and Development Journal*, 11(21), 45-56.
- Mahmoudi, B., Marvie Mohadjer, M., Danehkar, A., Feghhi, J. (2014). Barâvord-e taqirât sath-e pošeš-e jangal dar pahnehâye topogerâfik-e owstan-e mâzandârân [Estimating of forest cover changes in topographic zones in Mazandaran Province]. *Journal of Mohit-e zist-e Tabiei/ Journal of Natural Environment*, 67(3), 333-341. doi: 10.22059/jne.2014.52732
- Mahmoudpour, E. (2003). *Kimeyâye Sabz* [Kimeyaye Sabz]. Tehrân, Irân: Sâzmân-e Jangalhâ marât-e va âbzidâri.
- Malmir, E., Rostami Shahraji, T., Hejazi, R. (2012). Barasi-ye asarhâye-ye jangaldâri šahri az nazar-e eqtesâd-e enerji (motâl'e-ye mowredi: šahr-e Hamadân) [Investigation on effects of urban forestry in respect to energy economy (Case study: Hamadan city)]. *Journal of Tahqiqât-e Jangal va Sanubar Irân/Irânian Journal of Forest and Poplar Research*, 20(2), 333-324. doi: 10.22092/ijfpr.2012.107295
- Marten, G. G. (2010). *Human ecology: Basic concepts for sustainable development*. Routledge.
- Marvi Mohajer, M. (2011). *Jangalšenâsi va parvareš-e jangal* [Siviculture]. Tehrân, Irân: Tehran University Press.
- Mashayekhi, Z., Danehkar, A., Sharzei, G., Majed, V. (2017). Aezyâbi-e tarjihât gardešgarân barâye behbod-e vaziyat-e mohit-e zisti-ye jangalhâye-ye hara bâ estefâse az ravš-e âzemon entexâb (motâl'e-ye mowredi: xaziregâ-e zistkore hara) [An evaluation of visitor's preferences for improving the environmental status of Hara forests using choice experiment approach (Case study: Hara Biosphere Reserve)]. *Iranian Journal of Forest*, 9(2), 273-287.
- Moayeri M. H., Abedi Sarvestani A., Shahraki, M. R., & Koosheh Gharavi, Y. (2015). Tahlil-e ertebât mošârekat va towse'e rostâhâye-ye jangalnešin (motâl'e-ye mowredi: taâvonihâye jangaldâri owstan-e Golestan [Analysis of relationship between participation and forest rural development (Case Study: Forestry cooperatives in Golestan province)]. *Iranian Journal of Forest*, 7(2), 137-150.
- Mojabi, S.M. (2017). *Gozareš-e vaziyat-e mohit-e zist Irân va jahân va tašrih-e amalkardhâ* [Report of the environment in Iran and the world and a description of the functions]. Tehrân, Irân: Sâzmân-e Hefâzat-e Mohit-e Zist.





- HosseinZadeh, O., Hajjarian, M., Khezri Dashkasan, S., KhayatiNejad Aq gonbad, S. (2018). Šenāsā-yi va rutbebandi-e avamel-e taxrib-e jangalhāy-e mangrove bā estefāde az raves-e Promethee II [Identifying and ranking of mangrove forests deforestation causes using Promethee II]. *Journal of Olum va fenune dary āei/ Journal of Marine Science and Technology*, 17(3), 1-12. doi:10.22113/jmst.2017.42318
- Imani Rastabi M., Jalilvand H., & ZandeBasiri M. (2014). Barasi-ye masā'el ejtemaei eqtesadi Jangalhāy-e sāmāne orfi-e kalgači owstān-e čāhārmahāl-o baxtiyāri [Examination of Socio-Economic Problems of Kalgachi of Zagros Yurt Forests in Chahar Mahal and Bakhtiari]. *Journal of Ecosystemhāye Tabiei Irān/Natural Ecosystems of Irān*, 2(4), 59-70.
- Imani Rastabi M., Jalilvand H., & ZandeBasiri M. (2020). Tae'in-e arzešhāye āstāne dar seyasatgozāri sāmāne orfi-e kalgači owstān-e čāhārmahāl-o baxtiyāri [Determining the Reference Value in Forest Policy of Kalgachi Local System, Zagros Forest, Chaharmahal and Bakhtiari Province]. *Journal of Bumšenasi-e Jangalhāy-e Irān/ Ecology of Irānian Forest*, 8 (16), 1-9.
- Iranmanesh, Y., & Jahanbazi Goujani, H. (2015). Barasi-ye roqan-e qābel-e estextrāj az mive-e balowt-e Irāni dar Jangalhāy-e owstān-e čāhārmahāl-o baxtiyāri [Investigation of extractable oil from Brant's oak (Quercus brantii Lindl.) acorn in Chaharmahal and Bakhtiari Forests]. *Journal of Tahqiqāt-e Jangal va Sanubar Irān/ Irānian Journal of Forest and Poplar Research*, 23(3), 527-535. doi: 10.22092/ijfpr.2015.105657
- Jazirehi, M., & Ebrahimi Rostaghi, M. (2013). *Jangalšenāsi-e zagros* [Silviculture in Zagros]. Tehrān: Dānešgāh Tehrān.
- Kamali, Y. (2018). Raveššnāsi tahlil-e mazmon va kārbord-e ān dar Motāle'āt-e seyātgozāri-e omomi [Methodology of Thematic Analysis and its Application in Public Policy Studies]. *Journal of Seyātgozāri-e Omomi/Public Policy*, 4(2), 189-208. doi: 10.22059/ppolicy.2018.67875
- Khedrizadeh, M., Maleknia, R., Adeli, K., & Hanareh Khalyani, J. 1396/2018). Barasi-ye Mavāne'-e va zaminehāy-e mo'šārekāt-e javāme mahali dar modireyat-e jangal (motāle'ye mowredi: baxš-e namešir šahrestāne bane) [Survey of barriers and potential field to involve local people in the forest management process (Case study: Local Communities in Nameshir, Baneh)]. *Journal of Wood & Forest Science and Technology*, 24(3), 35-48. doi: 10.22069/jwfst.2017.12024.1634
- Kurttila, M. (2001). The spatial structure of forests in the optimization calculations of forest planning — a landscape ecological perspective. *Forest Ecology and Management*, 142(1-3), 129-142. doi:10.1016/s0378-1127(00)00343-1
- Layani, Gh., & Esmaeili, A. (2014). Barasi-ye āsār tarhāye bahrebardāri az jangalhāy-e šomāl bar tanzim-e vāredāt-e čub be Irān [effects of forest exploitation on wood import regulation in northern Iran]. *Journal of Tahqiqat-e kešāvarzi/ Agricultural Economics Research*, 5(20), 25-45.
- Liu, J. (2001). Integrating ecology with human demography, behavior, and socioeconomics: Needs and approaches. *Ecological Modelling*, 140(1-2), 1-8. doi:10.1016/s0304-3800(01)00265-4

- Gilanipour, N., Adeli, K., Gilanipour, J., & Ariya, H. (2011). Barasi-ye vazeyat-e eqtesādi rostāyān va sanješ-e mizān-e vābastagi maišati ānhā be jangal (motāle'ye mowredi: rostāye Korči) [Evaluation Position Economic and Estimation Dependence of Livelihood Rurals to Forest (Case Study: Korchi)]. *Journal of Natural Ecosystems of Irān*, 4(1), 48-54.
- Goleij, A., Hasanzad Navroodi, I., Mohammadi Limaei, S. (2016). Tabyin-e meyarhā va šāxeshāye modireyat-e pāydar jangal (motāle'ye mowredi: nā-e asālem, owstān-e Gilān) [Determining the criteria and indicators for sustainable forest management (Case study: Nav-e Asalem, Guilan province)]. *Irānian Journal of Forest and Poplar Research*, 24(1), 187-176. doi: 10.22092/ijfpr.2016.106698
- Habert, G., Bouzidi, Y., Chen, C., & Jullien, A. (2010). Development of a depletion indicator for natural resources used in concrete. *Resources, Conservation and Recycling*, 54(6), 364-376. doi:10.1016/j.resconrec.2009.09.002
- Habibi, B., Alipour, H., Kiadaliri, H. (2014). Barasi-e mizan-e mo'šārekat-e jangalnešenān dar modireyat-e jangal va čegonagi-e taqviyat-e mo'šārekat (motāle'ye mowredi: Mantaqe babolkenar šahrestāne babol) [A study on the participation level of forest dwellers and its effective factors in forest management (case study: Babolkenar area of Babol Township)]. *Journal of Tahqiqāt-e Jangal va Sanubar Irān/Irānian Journal of Forest and Poplar Research*, 22(1), 109-120. doi:10.22092/ijfpr.2013.9060
- Haidari, M., Karamdoost Maryan, B. (2016). Barasi va seyasatgozāri-e barname tanafos yā bahrebardāri-e jangalhāye hirkāni (motāle'ye mowredi: jangalhāye hozey-e šafārud) [The study and policy cessation of forest utilization or forest logging in hyrcanian forests (Case study: Shafarood forests)]. *Journal of Tahqiqāt-e Jangal va Sanubar Irān/Irānian Journal of Forest and Poplar Research*, 24(4), 736-724. doi:10.22092/ijfpr.2016.109450
- Heidari, M., Lotfalian, M., Tashakori, M., Valipour, A. (2017). Seyāsātozari dar modireyat sāmānehāye agrofāresteri mojud dar jangalhāye bāneh, zagros šomali [The policy of agroforestry systems in Baneh forest, Northern Zagros]. *Journal of Tahqiqāt-e Jangal va Sanubar Irān/Irānian Journal of Forest and Poplar Research*, 25(2), 185-195. doi:10.22092/ijfpr.2017.111754
- Hemmat, A., Shamekhi, M., Zobeiry, M., Arab, T., Ghazi Tabatabaei, M. (2013). Dalāyel-e taxrib-e jangal: Barasi-e modelhāye zehni-e karšenāsān manabe tabiei va madom mahali bā estefāde az ravš-e puyaihāye system [Forest Degradation: An Investigation of Forestry Organization Experts and Local Herders' Mental Models]. *Forest and Wood Products*, 66(1), 39-54. doi: 10.22059/jfwpr.2013.35340
- Hosseini, S., Maleknia, R., Sadeghi, H. (2017). Ruykad tarkibi dar Arzyābi-e meyarhā va šāxeshāye modireyat-e pāydar jangal dar sathe mahali (motāle'ye mowredi: hoze abxiz lirābi, owstān-e čāharmahāl-o baxtiyāri) [Integrative approach to evaluation criteria and indices of sustainable forest management at the local level (Case study: Lirabi Watershed, Chaharmahal and Bakhtiari province)]. *Irānian Journal of Forest and Poplar Research*, 25(1), 159-149. doi:10.22092/ijfpr.2017.109784



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

55

Abstract



- Fallah, A., Imani Rastabi, M., Nazariani, N. (2018). Barasi-e šāxeshāye mo'aser bar mošārekat dar Mo'direyat-e pāydār jangalhā (pažuheš mowredi: sāmāne orfi-e kalgači owstān-e čāhārmahāl-o-baxtiyāri [Investigation Some Affecting Indicators on Participation in the Sustainable Management of Forests (Case study: traditional area of Kalgachi, Chaharmahal and Bakhtiari Province)]. *Journal of Forest Research and Development*, 4(3), 273-288.
- FAO & UNEP. (2020). The State of the World's Forests 2020. Forests, biodiversity and people. *Rome*. doi:10.4060/ca8642en
- Fatahi, M. (2001). *Mo'direyat-e jangalhāy-e zagros* [Zagros forests management]. Tehrān, Irān: M o'ases-ye Tahqigāt-e Jangalhā va Marāte.
- Fotakis, D. G. (2015). Multi-objective spatial forest planning using self-organization. *Ecological Informatics*, 29, 1–5. doi:10.1016/j.ecoinf.2015.06.001
- Fürst, C., Frank, S., Witt, A., Koschke, L., & Makeschin, F. (2013). Assessment of the effects of forest land use strategies on the provision of ecosystem services at regional scale. *Journal of Environmental Management*, 127, S96–S116. doi:10.1016/j.jenvman.2012.09.020
- Ghanbari, S., Abbasnezhad Alchin, A., Moradi, G., Khlegghi, B. (2018). Olguy-e parākaneš makani va naqše arzeš eqtesādi mahsulāt-e farey-e panj gona-e gerdu, āluče, zoqālaxte, zālzālak va azgil dar arasbārān [Spatial distribution pattern and economic value map of five species, walnut, plum, cornelian cherry, hawthorn, and medlar in Arasbaran protected area]. *Journal of Wood & Forest Science and Technology*, 25(2), 1-33. doi: 10.22069/jwfst.2018.14852.1739
- Ghanbari, S., Jafari, M., Nasiri, V. (2015). Asar-e ejray-e tarhe seyānat dar meqdār va no'-e soxt-e masrafi rostāeyān dar jangalhāy-e arasbārān [Effects of conservation programs in changing the pattern of fuel consumption of villagers in the Arasbaran forests]. *Journal of Pažuheš va Towse'e jangal/ Journal of Forest Research and Development*, 1(1), 67-83.
- Ghasemi Ghochghar, S., Yarali N. A., Jafari, A., & Pourasghar Sangachin, F. (2017). Barasi va nahādinehsāzi osol va mabāni barnāme meli jangal dar Irān [Assessment of institutionalization of national forest programme's principles and bases in Iran]. *Journal of Pažuhešhāy-e Olom va fanāvāri čub va jangal/ Journal of Wood & Forest Science and Technology*, 23(1), 49-68. doi:10.22069/jwfst.2017.9858.1519
- Ghazanfari, H. (2005). *Barasi-ye royeš va taqirāt parākaneš qowtri be manzowr-e olgoye tanzim jangal dar manteqe bane motāle'ye mowredi havar-e xowl* [Investigation of growth and changes in diagonal distribution for forest regulation pattern in Baneh region Case study: Havare Khol] (doctoral dissertation). University of Tehran, Faculty of Natural Resources, Tehrān, Irān.
- Ghorbani, S., Moradnezehadi, H., Heydari, M. (2017). Barasi-ye asarhāye ejtemāi zavāl-e jangalhāy-e balut-e Irāni (motāle'ye mowredi: rostāhāye šahrestān-e malekšāhi owstan-e Ilām) [Investigation on social effects of Brant's oak (Quercus brantii Lindl.) decline (Case study: Rural areas of Malekshahi county in Ilam province)]. *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 25(3), 431-440. doi: 10.22092/ijfpr.2017.112877

BIBLIOGRAPHY

- Abedi Jafari, H., Taslimi, M., Faghihi, A., Sheikhzade, M. (2011). Tahlil-e mazmun va šabake mazāmin: ravši sāde va kārāmad barāye tabyin-e olguhāy-e mwojod dar dadehāye kayfi [Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Exploring Patterns Embedded in Qualitative Data Municipalities]. *Journal of Andšē Mo'direyat Rāhbordi Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. doi:10.30497/smt.2011.163
- Afrough, A., Zare Mehrjerdi, M., Amirtaimoori, S., Mirzaei Khalilababdi, H., Baniasadi, M. (2018). Šenāsā-yi va owlaviyatbandi avāmel mo'aser bar mo'šarekat-e bahrebardaran-e mahali dar mo'direyat, hefz va ehya-e Jangalhāy-e balowt-e owstān-e Lorestan [Identification and ranking of factors affecting lack of participation of local beneficiaries in management, preservation and reclamation of Lorestan oak forests]. *Journal of Tahqiqāt-e Jangal va Sanubar Irān/Journal of Forest and Poplar Research*, 26(3), 393-405. doi: 10.22092/ijfpr.2018.117742
- Aguilar, F. X., & Wen, Y. (2021). Socio-economic and ecological impacts of China's forest sector policies. *Forest Policy and Economics*, 127, 102454. doi:10.1016/j.forpol.2021.102454
- Ahmadzadeh, H., Mohammadi Limaei, S. (2016). Arzyābi-e eqtesādi estefādehā-ye feli az jangal (Motāle'-ye moredi: Jangalhā-ye Shafārud, Ostan-e Gilān [Economical evaluation of current forest uses (Case study: Shafaroud forests, Gilan province)]. *Journal of Tahqiqāt-e Jangal va Sanubar Irān/ Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 24(4), 567-559. doi:10.22092/ijfpr.2016.109426
- Baskent, E. Z., & Keles, S. (2005). Spatial forest planning: A review. *Ecological Modelling*, 188(2-4), 145-173. doi:10.1016/j.ecolmodel.2005.01.059
- Bazgir, A., NamIrānian, M., A. Hemmat, M. (2017). Kamisazi estefādehāye čubi jangalnešinān az Jangalhāy-e zagros dar dehestān-e kakašaraf xoramābād [Elaboration wood uses by Zagros Mountains Forest dwellers in Kakasharaf rural district of Khorramabad County]. *Journal of Jangal va Farāvardehāye čub/ Forest and Wood Products*, 70(3), 371-380. doi:10.22059/jfwp.2017.128414.647
- Bettinger, P., & Sessions, J. (2003). Spatial forest planning: to adopt, or not to adopt? *Journal of Forestry*, 101(2), 24-29.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. doi:10.1191/1478088706qp063oa
- Bubolz, M. M., & Sontag, M. S. (n.d.). Human Ecology Theory. *Sourcebook of Family Theories and Methods*, 419-450. doi:10.1007/978-0-387-85764-0_17
- Deb, D. (2013). The Value of Forest: An Ecological Economic Examination of Forest People's Perspective. *Forestry Sciences*, 123-159. doi:10.1007/978-94-007-7076-8_7
- Eslami A. (2008). *Jangalhā va marāte Irān* [Forests and Rangelands of Irān]. Tehrān, Irān: Haqšenās.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

53

Abstract



communities with management leads to the failure of plans and further damage the natural structure of forests. Clearly, this is the main reason for the unsuccessful implementation of forestry plans whether in the north or elsewhere. The tangible neglect and absence of social issues in the planning and management processes of the country's forests shows that it is necessary to look at the forest issues from an interdisciplinary perspective. Certainly, given the intertwining of modern life with the environment and its components, it requires that a mere disciplinary perspective of these ecosystems lead to a multidimensional view, especially from the point of view of social sciences.

NOVELTY

In previous researches, usually one or more problems of social and economic issues of the country's forests were considered. But so far, no study with a holistic approach and perspective has addressed the place of social issues in the forests planning and management process. In fact, the main purpose and innovation of this research is to reveal the role of social issues among the forest management and planning by examining past studies and extracting the themes used, in the shadow of a kind of meta-analysis.

According to Figure 1, the main themes with management dimension dominate those with social and economic dimensions. This inclusion is such that all themes of social and economic structures are basically at the lowest level of the hierarchy.

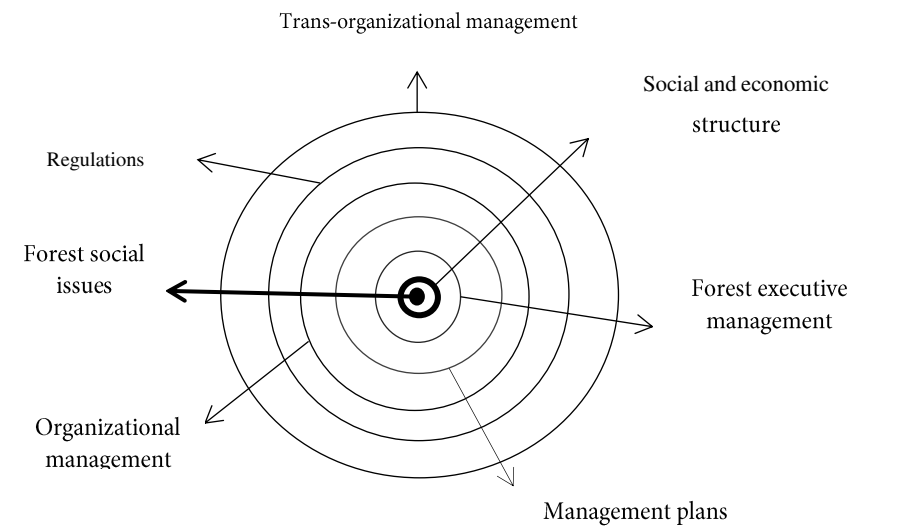


Chart 1. The place of social and economic structure themes in the forest management hierarchy

CONCLUSION

In the forest management system of the country, social and economic structures of forest areas where social issues are erupted, is at the disposal of the last circle of the management hierarchy. The confinement of the themes of social and economic structures in the management sub-layers shows that in intellectual and operational systems of forest management, socio-economic characteristics of forest dwellers are assumed as factors that are static and fixed hence, must be controlled and managed necessarily like other components of ecosystems. A kind of object-oriented view of the social and economic structures and that forest dwellers and related issues should be subject to executive and command managements. But in practice, as observed that does not happen and the resistance and lack of connection of local communities with management leads to the failure of plans and further damage the natural structure of forests. Clearly, this is the main reason for the unsuccessful implementation of forestry plans whether in the north or elsewhere. The tangible neglect and absence of social issues in the planning and management processes of the country's forests shows that it is necessary to look at the forest issues from an interdisciplinary perspective.



INTRODUCTION

The exploitation of natural resources and the environment due to avoidance of a comprehensive planning and management has caused irreparable damage to natural ecosystems, in a way that the consumption rate of the country's biological resources is 2.8 times its biological capacity (Mojabi, 2017, 6). The important questions that are commonly asked and raised in specialized and general field of the society is: Why have the forests of the country faced such a large amount of destruction during the management period? Why did not officials and decision makers take effective and successful measures to control the deforestation process? Have management actions and plans of those in charge caused damage to the forests? In general, it is stated that two major causes are involved in the deforestation process in the country, one is the pressure of development programs and land use change and the second is the dependence of forest communities on those areas (Atefi Hemmat, 2013, 39). The core of destruction is the major first cause leading to instability in development issues, and the second is social problems of forest dwellers and local communities that due to the failure to implement management plans cause deforestation. In this regard, the issue of social non-compliance to forest management plans has always been raised as one of the major challenges (Khodrizadeh et al., 2017, 35). But why and how it forms and how it occurs has been less criticized.

PURPOSE

In this article, an attempt is made to analyze researches conducted in the said field during a 10-year period, from an interdisciplinary perspective and taking into account various social, economic, cultural and political aspects related to the country's forestry. It was intended to determine the place of social issues in management and planning processed of the country's forest resources. The article is based on the hypothesis that the type of position of social issues in the process of forest management and planning that has made social problems of the forest possible.

METHODOLOGY

This is a descriptive study that uses the qualitative method to analyze the content of research works related to social issues of forests. Here, from a total 1150 articles published in Iranian scientific research journals related to forest sciences in span of 10 years, from 2009 to 2019, 217 articles were selected for the primary survey and to extract the themes used in social issues as well as forest planning and management.

FINDINGS

A total of 372 sub-themes were divided into 14 main themes and two dimensions of management and socio-economic structure. Accordingly, the main theme of forest



Mahmoudi, B. (2022). The place of social issues in planning and management processes of forests in Iran from an interdisciplinary perspective. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 14(1), 179-206. doi: 10.22035/isih.2022.4566.4526



<http://dx.doi.org/10.22035/isih.2022.4566.4526> URL: http://www.isih.ir/article_394.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

The Place of Social Issues in Planning and Management Processes of Forests in Iran from an Interdisciplinary Perspective

Beytollah Mahmoudi¹

Received: Sep. 7, 2021; Accepted: Nov. 26, 2021

ABSTRACT

Conflict between socio-economic issues and needs at different levels, especially in local communities as well as planning and management approaches in forest areas, is discussed as the biggest challenge due to the lack of successful implementation of plans and initiatives related to the country's forests. The aim of this study is to analyze the place of social issues in planning and management processes of Iranian forests from an interdisciplinary perspective by taking into account researches already accomplished in various social, economic, cultural and political fields related to Iran's natural resources and forestry. In this regard, using the qualitative method, the content of related research works was analyzed during a 10-year period between 2009 and 2019. For the primary study, 217 articles were selected and then 31 articles were extracted finally on themes used in social issues and forest management. Based on the present study, 372 sub-themes were also classified into 14 main topics with two dimensions of management and socio-economic structures. The results show that the main and secondary issues and themes related to social and economic structures of Iran's forest areas, which in themselves cause social problems, are located at a very small level and enclosed in the executive management circle of Iranian forests. It means, these topics in the decision-making process solely have the facilitating roles, which is the main reason for the unsuccessful implementation of forestry initiatives and the continuous destruction of forests in the north and beyond. The negligence and lack of tangible presence of social issues in the forest planning and management of the country necessitate an insight into the forest and its issues from an interdisciplinary perspective.

Keywords: forestry research, social and economic structures, forest management, content analysis

1. Assistant Professor of Forest, Natural Resources and Earth Sciences, Shahr-e Kord University, Iran
✉ mahmoudi@sku.ac.ir



- Planning and Budget Organization (1946). Iran 4th 7years development plan law. Retrieved from <https://mpb.mporg.ir>
- Planning and Budget Organization (1946). *Melli Bank documents, Document number 2413*. Retrieved from <https://mpb.mporg.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=be833eca-dad0-47df-b4cf-d6812a26c32d>
- Planning and Budget Organization (1948). The first 7years development plan law of Iran. Retrieved from <https://mpb.mporg.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=be833eca-dad0-47df-b4cf-d6812a26c32d>
- Planning and Budget Organization (1955). Iran Second 7years development plan law. Document No. 85295. Retrieved from <https://mpb.mporg.ir>
- Planning and Budget Organization (1959). Iran 2nd 7years development plan dssessment document. Retrieved from <https://mpb.mporg.ir>
- Planning and Budget Organization (1962). Iran Third 7years development plan law. Document No. 85295. Retrieved from <https://mpb.mporg.ir>
- Planning and Budget Organization (1966). *Assessment report of third development plan of Iran*. Retrieved from <https://mpb.mporg.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=be833eca-dad0-47df-b4cf-d6812a26c32d>
- Planning and Budget Organization (1974). Iran 5th 7years development plan law. Retrieved from <https://mpb.mporg.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=be833eca-dad0-47df-b4cf-d6812a26c32d>
- Qadiri Masoom, M., & Aligholizade Firoozjaei, N. (2004). Jāygāh-e rustā va kešāvarzi dar barnāmehā-ye omrāni qabl az piruzi-ye enqelāb-e Eslāmi-ye Irān. *Geographic Studies*, 46, 115-130.
- Rahimi. A. (1999). Arzyābi-ye ruykardhā-ye towse'e-ye rustāyi-ye Irān [Evaluation of rural development approaches in Iran]. Conference preceeding of *50years of Deveopment planning in Iran*, (Vol. 2; Pp 200-215), Tehran, Iran: Allame Tabatabaei University Press.
- Talebi Somehsaraie, M. (2021). *Baresi jāme'ešenāxti-ye hokmrāni-ye āb dar 50 sāl-e axir va ta'sirāt-e ejtemāei va siyāsi-ye ān bar jāme'e bā tamarkoz bar enteqāle beyne howze'i-ye āb* [Water governance over the past 50 years and its social and political implications for society]Focusing on the inter-basin transfer plan of water from Karun to the Central Plateau] (Unpublished doctoral dissertation). University of Allameh Tabatabaei, Tehran, Iran.
- Talebi Somehsaraie, M., Zokaie, M., Fazeli, M., Jomehpoor, M. (2019). Sociology of a crisis: The social pathology of the water crisis in the Zayandeh-Rood River basin. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 11(4), 133-165. doi: 10.22035/isih.2020.3652.3833
- Zahedi, M., Ghaffari, G., & Ebrahimilouye, A. (2013). Theoretical deficiencies of rural development in Iran. *Journal of Rural Research*, 3(12), 7-30. doi: 10.22059/jrr.2013.30230
- Ziyari, K. (1393). *Osul va ravešhā-ye barnāmerizi-ye mantaqe'i* [Principles and methods of regional planning] (4th ed.). Yazd, Iran: University of Yazd.

BIBLIOGRAPHY

- Aghasi, F., Dashti, S., & Etemadzade, A. (2009). Model-e mafhumi va mohtavâei-ye barnânehâ-ye panj sâle-ye Jomhuri-ye Eslâmi-ye Iran [Conceptual and content model for 5 years plan of IRIB]. *Barnâme Weekly*, 7(301), 12-22.
- Akbari, M.A., & Leilaz Mehrabadi, S. (2011). The impact of the third economic plan (1962-1968) in agriculture of Iran. *Iran History*, 3(2), 1-22.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Document Center of Presidency (2004). Asnâdi az asle čâhâre teruman dar irân (1325-1346) [Documents of Truman Article 4 in Iran (1967-1946)]. (B. Gonbadi, Ed.). Tehran, Iran: Ministry of Islamic Culture and Guidance.
- Ghalibaf, M., Etaat, J., Mohammadi, H., & Moussavi, Z. (2017). The development programs in Iran and the environmental problems of Urmia Lake. *Research Political Geography Quarterly*, 2(1), 1-29. doi: 10.22067/pg.v2i5.56353
- Iranian Parliament Research Center (1994). Gozâreš-e Amalkard-e arzyâbi-ye baxš-e âb dar barnâme aval-e towse'e [The report of water function the first development plan]. Report No. 9, Retrieved from <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/728043>
- Iranian Parliament Research Center (1998). Gozâreš-e âb dar dow barnâme [The report of water function in two plans]. Report No. 5102518, Retrieved from <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/738966>
- Iranian Parliament Research Center (2010). Gozâreš-e Amalkard-e baxš-e âb dar barnâme čâhârom va jâygâh-e ân dar barnâme-ye panjom [The report of water function in the 4th plan and its place in the 5th plan]. Report No. 9750, Retrieved from <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/738966>
- Kalantari, A., Roshangar, P., & Hasani, H. (2013). The political analysis of media in Iran. *Rasâneh*, 24(2), 5-30.
- Madani, A.B. (1996). *Mavâne'e towse'e-ye eqtesâdi dar Irân: Moqâyese bā Žâpon* [Iranian economic development barriers in comparison to Japan]. Tehrân, Iran: Šahr-e Âb.
- Mirnezami, S., & Bagheri, A. (2017). Assessing the water governance system for groundwater conservation in Iran. *Iran-Water Resources Research*, 13(2), 32-55.
- Molle, F. Mollinga, P.P. & Wester, P. (2009). Hydraulic bureaucracies and the hydraulic mission: Flows of water, flows of power. *Water Alternatives*, 2(3), 328-349.
- Mollinga, P. P. (2008). Water, politics and development: framing a political sociology of water resources management. *Water Alternatives*, 1(1), 7-23.
- Mollinga, P. P. (2010). Hot water after the Cold War-Water policy dynamics in (semi) authoritarian states. *Water Alternatives*, 3(3), 512-520.
- Planning and Budget Organization (1946). History of Iranian 7years planning of Development. Retrieved from <https://mpb.mporg.ir>



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

47

Abstract

Plan. Although the development of the vision document as well as communication policies for each program after the Fourth Development Plan have affected the alignment of all towards a single goal, gaps are still evident.

NOVELTY

Considering water issues beyond climatic and demographic ones can indicate a different kind of approach to the water crisis. In this regard, one of the most important aspects of understanding water issues is to study it from a policy perspective. In fact, many of the factors influencing the way water resources are managed are based on the type of governance and policy-making. This study examines Iran's water policy in the historical context (from the post-World War II to the present day).



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

46

Volume 14
Issue 1
Winter 2022

limit agriculture, some plains were banned and armed police were formed to protect water. The peak of limiting the development of agricultural water resources began with the Fifth Development Plan in the early 1970s. For the first time in the history of Iranian policy-making, the agricultural sector was allocated the smallest budget, and the construction of a dam was announced. During this period, the alignment of water laws and policies in the development plan had been to an acceptable level. With the legislation of water resources protection in water law and the manner of its nationalization in 1969, protection policies and restrictions on the development of water resources were also applied. With the outbreak of the Islamic Revolution in 1978, a revolution was created in policies as well, especially in the water resources development.

With regard to policy-making in development plans after the Islamic Revolution, it can be claimed that the concepts and clauses of the protection of water resources and their quality indicators grew significantly, nevertheless the cessation of policies in different periods hindered the implementation of quality development of water resources, which is through a time-consuming and long-term procedure (sometimes longer than the life of a government) but necessary. Unrealistic and ambitious planning in balancing water resources also prevented the realization of quality plans in a five-year period.

Although in the first and second plans, the development of dams was the focus, but from the third development plan onwards, the development of irrigation and drainage networks downstream of the dam were important and even in the fourth and fifth plans, emphasis was placed on dams in areas of Iran's international border should be removed. However, since water remained a key issue for self-sufficiency in agricultural products, conservation policies had been rhetorical and could not lead to the desired outcome of sustainability. In general, in post-revolutionary development programs, changes are not based on the completion of legal provisions of the previous program or learning from the past executive experiences.

CONCLUSION

Studies have shown that the role of the international community in the evolution of Iran's water management policies both in the pre-revolutionary period of land reform and the governmentalization of water resources management and after the revolution (alignment with world policies for development loans) is quite evident. In fact, the water governance and policy-making in Iran have been in conflict with or in line with international politics rather than based on the climate, geography, history, politics and local and domestic issues. In post-revolutionary Iran development plans, many policies that could have led to stability have been either ignored or diminished by changing governments. If the land management policy outlined in the Third Development Plan has been completely eliminated in the Fifth



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

45

Abstract



INTRODUCTION

One of the most important areas for understanding water issues is policy making. Prior to Iran's Islamic Revolution, one of the most important factors influencing the development policy was international aid to prevent the country from turning into peasant communists. However, criticisms of agricultural water development policies from the 1950s and in the form of evaluation of the second development plan was raised. These criticisms led to the suspension of agricultural water development plans in later periods.

However, after the Islamic Revolution, due to economic sanctions and conditions during the Iran-Iraq war, the re-development of agriculture and the development of agricultural water for self-sufficiency in production became a policy priority. Although with due attention to the consequences of this type of development, the protection of water resources and attention to the quality of resources was on the agenda, however, the dominant pattern of development in Iran is still defined in the form of development of agricultural water resources.

PURPOSE

The main purpose of this article is to examine the issue of water resources policy and what changes have taken place and what are the reasons for those changes?

METHODOLOGY

This research has been done with a qualitative approach and applying the inductive thematic analysis method. The data are seven-year and five-year development plans. To review the content of upstream programs and documents, a preliminary reading of all sections related to water and agriculture was conducted. Then, by analyzing themes of each program, developments in these documents were analyzed in accordance with the socio-political context of the time.

FINDINGS

In the period before the Islamic Revolution of Iran, water policy until the Third Development Plan was focused primarily on agriculture. However, since the Second Development Plan, there have always been criticisms of this policy, leading to a rethinking of the water resources development in subsequent programs. Although these developments have not only been in terms of evaluating the plans and criticisms, but also international policies such as the Truman Four Principle, as well as rising oil prices and ambitions for Iran's industrialization have been among the effective reasons in this regard. These reasons, in fact, led to a reduction in the agricultural budget and the exploitation of water resources after the Fourth Development Plan. During this period, with the enactment of Water Law and the manner of its nationalization (1969), in order to help preserve water resources and



Investigating the Evolution of Water Planning and Policy in Pre- and Post- Islamic Revolution in Iran

Mahshid Talebi Somehsaraie^{*1}, Mohammad Javad Zareian², Ashkan Farokhnia³,
Reza Roozbahani⁴

Received: Aug. 15, 2021; Accepted: Dec. 6, 2021

ABSTRACT

The adoption of intermediate plans for development and progress is based on policies that are in the form of specific objectives and legal mechanism and executive plans. As in many cases, the weakness in implementation can be traced to policies. Accordingly, due to the imbalance between consumption and demand in the management of water resources, one of the reasons can be sought in the form of policy-making and planning. However, water policy-making and planning in Iran has not been a fixed one and has undergone many changes in social and political contexts. Most of the developments in water planning and policy-making are between water programs before and after the Islamic Revolution; developments in medium and short terms are also evident. To identify these developments through a qualitative approach and the inductive content analysis method, the text of development plans and documents has been studied. Since the Islamic Revolution, these developments have been more influenced by the political discourse of the government. The results also show that development programs in Iran have not been sufficiently coherent in terms of the sustainability of water resources. In fact, the change in policies related to the exploitation of water resources during this period has led to the rupture of various development programs of the country from the perspective of water management.

Keywords: development, water, policy-making, Iran, development plans

1. Ph.D in Sociology, Department of Water Resources Study and Research, Water Research Institute, Ministry of Energy, Tehran, Iran (Corresponding Author)

✉ m.talebi@wri.ac.ir

2. Assistant Professor of Water Resources Engineering, Department of Water Resources Study and Research, Water Research Institute, Ministry of Energy, Tehran, Iran

3. Ph.D in Water Resources Engineering, Department of Water Resources Study and Research, Water Research Institute, Ministry of Energy, Tehran, Iran

4. Assistant Professor of Water Resources Engineering, Department of Water Resources Study and Research, Water Research Institute, Ministry of Energy, Tehran, Iran



- Raheem, N. (2014). Using the institutional analysis and development (IAD) framework to analyze the acequias of El Río de las Gallinas, New Mexico. *The Social Science Journal*, 51(3), 447–454. doi: 10.1016/j.soscij.2014.02.004
- Rahman, H. M. T., Sarker, S. K., Hickey, G. M., Mohasinul Haque, M., & Das, N. (2014). Informal institutional responses to government interventions: lessons from Madhupur National Park, Bangladesh. *Environmental Management*, 54(5), 1175–1189. doi: 10.1007/s00267-014-0325-8
- Rastegari, A. H. & Rastegari Yazdi, S. (2011). Indigenous knowledge of watershed management in arid and semi-arid regions (Case study: Fars province). *International Conference on Traditional Knowledge of Water Resources Management*, Yazd, International Center for Aqueducts and Historic Water Structures.
- Rezaei, R., Eshaghi, S. R. & Safa, L. (2011). Traditional methods in water resources management to deal with drought with emphasis on indigenous agricultural knowledge. *International Conference on Traditional Knowledge of Water Resources Management*, Yazd, International Aqueduct Center and Historic Water Structures.
- Sadrolsadati, S. A., & Khademi, H. (2011). Traditional management of water resources in Hormozgan province. *International Conference on Traditional Knowledge of Water Resources Management*, Yazd, International Center for Aqueducts and Historic Water Structures.
- Saeedi Garaghani, H. R., Arzani, H. & Razzaqi, F. (2015). Cultural ecology; Analysis of indigenous knowledge of Soleimani Nomadic women in the process of sustainable rangeland development. *Indigenous sciences of Iran*, 3(5), 173-199. doi: 10.22054/qjik.2017.17969.1045
- Sepehri, J., Ebrahimpoor, M. H., & Parisazarei, Z. (2011). Water Knowledge in Ancient Iran. *International Conference on Traditional Knowledge of Water Resources Management*, Yazd, International Center for Aqueducts and Historic Water Structures.
- Shahverdi, F. (2018). Institutional analysis of collective action of water scarcity in Mahmoud Abad Shahrakian region (Master Thesis). University of Isfahan, Iran.
- Taghadosi, R., & Sharifzadegan, M.H. (2020). Investigating the status of participatory urban development planning and its challenges in the institutionalist. *Urban Planning Knowledge*, 4 (4), 37-62. doi: 10.22124/UPK.2020.16334.1457
- Tarko, V. (2017). Elinor Ostrom: An Intellectual Biography: Rowman & Littlefield.
- Villamayor-Tomas, S., Thiel, A., Amblard, L., Zikos, D., & Blanco, E. (2019). Diagnosing the role of the state for local collective action: Types of action situations and policy instruments. *Environmental Science & Policy*, 97, 44–57. doi: 10.1016/j.envsci.2019.03.009
- Vosoughi, M., & Faridi Sani, M. (2013). Indigenous knowledge of using offorest and Pastureland in Rustam Township. *Sociological studies*, 6(19), 71-89.
- Vossoughi, M., & Mohammadi, A. (2011). The belongings' law and collective action to use joint properties. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 3(4), 51-63.

- Khabaz Rahimi, P. (2015). Collective action in natural resources' management: A study of Ostrom design principles in Mojen Irrigation Company and Isfahan Abbaran Cooperation Supervisors (Master Thesis). University of Esfahan, Iran.
- McGinnis, M. D. (2011). An introduction to IAD and the language of the Ostrom workshop: A simple guide to a complex framework. *Policy Studies Journal*. 39(1), 169–183. doi: 10.1111/j.1541-0072.2010.00401.x
- Moghaddam, V., Amiri, H., Salehikhah, M., Moeini, M. (1397). Modeling the popular divine system in the field of shared resource governance with an institutional approach. Biennial Explanation of the Supreme Leader's Innovations in the New Islamic Civilization, *Proceedings of the Second National Conference on the Islamic Revolution and the New Islamic Civilization*, University of Isfahan, Iran.
- Molenveld, A., & Van Buuren, A. (2019). Flood risk and resilience in the Netherlands: In search of an adaptive governance approach. *Water*, 11(12), 2563. doi: 10.3390/w11122563
- Mosayebi, S., Barghi, H., Rahimi, D., & Ghanbari, Y. (2018). Collective action in tourism management: Studying ostrom design principle in the touristic village of Matin Abaad. *Journal of Geography and Regional Development*, 15(2), 241-267. doi: 10.22067/geography.v15i2.68577
- Narimani, M., Karimian, Z., & Hosseini, S. (2020). An institutional framework for regulating new business models: A case study of application-based transportation. *Public Policy*, 6(1), 11-35. doi: 10.22059/jppolicy.2020.76998
- Nigussie, Z., Tsunekawa, A., Haregeweyn, N., Adgo, E., & Cochrane, L. (2018). Applying Ostrom's institutional analysis and development framework to soil and water conservation activities in north-western Ethiopia. *Land Use Policy*. 71, 1–10. doi: 10.1016/j.landusepol.2017.11.039
- Nowrūzi, A. (2010). Archeological studies on Northern Karūn Basin (Chahārmahāl-o-Bakhtiyāri Province. *Journal of Archaeological Studies*, 1(2), 161-175.
- Ostrom, E. (1990). *Governing the commons: The evolution of institutions for collective action*. Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- Ostrom, E. (2005). *Understanding institutional diversity*. United Kingdom: Princeton University Press.
- Ostrom, E. (2011). Background on the institutional analysis and development framework. *Policy Studies Journal*, 39(1), 7–27. doi: 10.1111/j.1541-0072.2010.00394.x
- Peinhardt, C., & Sandler, T. (2015). *Transnational cooperation: An issue-based approach / Clint Peinhardt and Todd Sandler*. New York, NY: Oxford University Press.
- Polski, M.M., and Ostrom, E. An institusional framework for policy analysis and design, Paper on Workshop in Political Theory and Policy Analysis Departmen of Political Science, Indiana University, 1999. <http://mason.gmu.edu/~mpolski/documents/PolskiOstromIAD.pdf>



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

41

Abstract



- Cox, M., Arnold, G., & Villamayor Tomás, S. (2010). A review of design principles for community-based natural resource management. *Ecology and Society*, 15(4), 38-58. doi: 10.5751/ES-03704-150438
- Farahanifard, S. (2006). Exploitation of natural resources in the Islamic economic system. *Islamic Economics*, 6(21), 13-44.
- Farahanifard, S. (2010). *Economics of natural resources from the perspective of Islam* (principles and foundations). Tehran, Iran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought.
- Farahanifard, S. (2016). *Jurisprudence of natural resources*. Qom: Al-Mustafa Center.
- Fayyazi, S. M. R. (2014). *Jurisprudential study of public ownership of public wealth*. Tehran, Iran: Samat.
- Furton, G., & Martin, A. (2019). Beyond market failure and government failure. *Public Choice*, 178(1-2), 197-216. doi: 10.1007/s11127-018-0623-4
- Gerring, J. (2017). *Case study research: Principles and practices (Strategies for social inquiry)* (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Ghorbani, A., Dechesne, F., Dignum, V., & Jonker, C. (2014). Enhancing ABM into an Inevitable Tool for Policy Analysis. *Journal on Policy and Complex Systems*, 1(1), 61-76. doi: 10.18278/jpcs.1.1.3
- Grossman, P. Z. (2018). Utilizing Ostrom's institutional analysis and development framework toward an understanding of crisis-driven policy. *Policy Sciences*, 17, 71. doi: 10.1007/s11077-018-9331-7
- Haley, L., & Weatherhead, E. K. (2015). Using the politicized institutional analysis and development framework to analyze (adaptive) ecomanagement: farming and water resources in England. *Ecology and Society*, 20(3), 43-59. doi: 10.5751/ES-07769-200343
- Hardin, G. (1968). The tragedy of the commons. *Science*, 162(3859), 1243-1248.
- Hosseini, S. H. (2009). The relation between Sheikh Bahae and the traditional way of distributing the water of Zāyandeh Roud River. *Quarterly Journal of Geography and Environmental Studies Department of Geography*, 1(2), 5-14.
- Hosseini, S., Mahdavi Adeli, M., Razmi, M. (2015). Institutional examination of issues in property rights policy making, Case study: Oil industry in Iran. *The Journal of Islamic Law Research*, 15(40), 29-54. doi: 10.30497/law.2015.1666
- Imperial, M. T., & Yandle, T. (2005). Taking institutions seriously: Using the IAD framework to analyze fisheries policy. *Society & Natural Resources*, 18(6), 493-509. doi: 10.1080/08941920590947922
- Kadirbeyoglu, Z., & Özertan, G. (2015). Power in the governance of common-pool resources: A comparative analysis of irrigation management decentralization in Turkey. *Environmental Policy and Governance*, 25(3), 157-171. doi: 10.1002/eet.1673

BIBLIOGRAPHY

- Acheson, J. M. (2006). Institutional failure in resource management. *Annual Review of Anthropology*, 35(1), 117–134. doi: 10.1146/annurev.anthro.35.081705.123238
- Andersson, K. (2006). Understanding decentralized forest governance: An application of the institutional analysis and development framework. *Sustainability: Science, Practice and Policy*, 2(1), 25–35. doi: 10.1080/15487733.2006.11907975
- Arabi, S. H., & Rezaei Sadrabadi, M. & Tahernia, R. (2015). Principles and criteria of justice-based exploitation of natural resources (renewable and non-renewable) in the Islamic economic system, *10th Congress of Pioneers of Progress*, Tehran, Iran.
- Araral, E. (2017). Privatization and regulation of public services: A framework for institutional analysis. *Policy and Society*, 27(3), 175–180. doi: 10.1016/j.polsoc.2008.10.008
- Bang, M. (2018). Institutional influence on assessments: The institutional analysis and development framework applied to military intelligence. *The International Journal of Intelligence, Security, and Public Affairs*, 20(1), 47–70. doi: 10.1080/23800992.2018.1436391
- Barbier, E. (2005). *Natural resources and economic development*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bastakoti, R.C.A.M., & Shivakoti, G.P. (2012). Rules and collective action: An institutional analysis of the performance of irrigation systems in Nepal. *Journal of Institutional Economics*, 8(02), 225–246. doi: 10.1017/S1744137411000452
- Biggs, R., Schlüter, M., & Schoon, M. L. (Eds.) (2015). *Principles for building resilience: Sustaining ecosystem services in social-ecological systems*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cardenas, J. C., Ahn, T. K., & Ostrom, E. (2004). Communication and Co-operation in a Common-Pool Resource Dilemma: A Field Experiment. In W. Güth & S. Huck (Eds.), *Advances in understanding strategic behaviour: Game theory, experiments, and bounded rationality: essay in honour of Werner Güth / edited by Steffen Huck* (pp. 258–286). Basingstoke: Palgrave Macmillan. doi: 10.1057/9780230523371_12
- Cárdenas, J.-C., & Ostrom, E. (2004). What do people bring into the game? Experiments in the field about cooperation in the commons. *Agricultural Systems*, 82(3), 307–326. doi: 10.1016/j.agsy.2004.07.008
- Chapela, F. (2015). The challenge of crafting institutions for the commons: The case of community forestry support programs in Mexico 2003–2008. *Journal of Agricultural Science and Technology B*, 5(5), 347–356. doi: 10.17265/2161-6264/2015.05.006
- Chitsazian, A., Bagheri Nasrabadi, M. (2019). Analyzing governance mechanisms of common pool resources and advising institutional indications for policy making: Case study on pasture medicinal herbs of Iran. *Journal of Management Improvement*, 12(4), 96–117.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

39

Abstract



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

38

Volume 14
Issue 1
Winter 2022

outside the watershed to reduce dissatisfaction with the previous incorrect entry of the government.

Field findings, with an input to Hadith and jurisprudential issues, show a renewed attention to the joint governance. At least, it can be concluded that the current reading is inefficient in adapting to the conditions of time and place. Therefore, in addition to the prevailing view in jurisprudence, which is to pay attention to state governance, it is necessary to take into account other forms of governances, especially self-organized structures.

NOVELTY

This study, by combining geography and economics, has tried to review local governance in the field of water and has tried to draw the attention of researchers to the fact that the approach to the joint governance based on relevant jurisprudential rules, the possibility of adaptation does not take into account environmental conditions.

METHODOLOGY

In this research, data analysis is based on the framework of institutional analysis and development. Accordingly, important variables and components are in accordance to the framework of institutional analysis and development. Game theory has been used to relate the components of this framework. However, quantification and modeling have not been done here.

FINDINGS

Local water governance in the Laran region has been designed based on natural features in a way that does not create the problem of power asymmetry in its operation. But over time, changes have taken place in the area such as well water extraction technologies, rural lifestyles, interactions with other areas and their consequences, institutional arrangements, and land reform law. The most important of these changes was the government's intervention in resolving the problem of water shortage at the local level, which led to the abolition of the former set up.

CONCLUSION

With social changes that took place after the land reform and the growth of the middle class in cities and villages, the demand for commercial cultivation increased after the Islamic Revolution, especially after the end of the Iran-Iraq war and with the increasing infrastructure in villages. Major rules such as, the water law and the manner of its nationalization in 1347, paved the way for a change in the system of exploitation and the entry of a powerful actor in the name of the government. The government, which had two goals: to increase agricultural products and respond to the demands of villagers, in an arid and semi-arid country like Iran, the solution was to increase agricultural water resources by constructing dams and issuing deep well drilling permits. In this case study, the issuance of a well permit to a village reduced the underground water and thus disturbed the power asymmetry between actors, because digging a well in one village could reduce the water in villages located at lower level.

This disrupted the former institutional arrangements and hence, necessitated more government intervention in licensing other villages, both upstream and downstream, and deal with the instability of the exploitation system. In other words, such a system resulted in an increase in inequality in terms of rural water withdrawals, a decrease in water withdrawals in downstream villages compared to the traditional system without a significant increase in the efficiency of new institutional arrangements. Consequently, some of the feedbacks on such consequences are minimizing the unstable situation and importing water from



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

37

Abstract



INTRODUCTION

Although the role of religion in regulating ownership rules and exploiting resources in Iran has a long history, but after the victory of the Islamic Revolution, efforts were made to establish Islamic rules or at least the rules that do not contradict Islamic jurisprudence. In some areas, including the joint governance, some of them were defined as *Anfal* at the disposal of the administrator of the Islamic society (Article 45 of the Constitution). But since the government in the Islamic Republic is defined in the governing structure as an executive arm, its regulation and involvement in administering common projects (of local and central importance) has become more prominent.

Human experience shows that with the rapid advancement of harvesting technologies, shared resources such as fisheries, forests, pastures, and surface and underground water have been completely depleted. Hardin's famous paper (1968) entitled *The Common Source Tragedy*, published in the Science Journal, cites the catastrophic consequences of open public access to such resources and unregulated perceptions. Although Hardin himself proposes the solution of the government's regulation and the compulsion of beneficiaries to follow them, historically, other methods such as privatization have been proposed that are supported by economists (Martin and Forton, 2019). This is because, in their view, private owners are motivated by the sustainable use of resources. In addition, privatization can strengthen the motivation for investment and innovation (Wilmeyer et al., 2019).

The destruction of commonalities, over time, has shown that not only have governments failed to address market failures, but those failures are even more catastrophic. Privatization of shared resources has also not been a way forward. Strom and colleagues at Indiana University's Institutional Development and Analysis Workshop conducted extensive field studies on successful examples of natural resource management. Those studies led the scientific stream of conventional economics to accept another type of governance and, in addition to the well-known duality of government and market; they recognized another form of governance called a collective action-based self-organization (Sandler et al., 2015).

PURPOSE

This article specifically addresses three questions. First, how was water governance in the local community and how did it relate to the characteristics of the region? Second, what changes the government's entry has made to institutional arrangements and the relationship between beneficiaries. The third question is related to the importance of such studies in creating a change in the jurisprudential view on the rule of commonalities.



A Reflection on the Joint Governance in Iran: A Case Study of Local River Water Governance

Mohammad Mahdi Kamal¹, Hadi Amiri^{*2}, Vahid Moghadam³, Dariush Rahimi⁴

Received: May 15, 2021; Accepted: Nov. 25, 2021

ABSTRACT

The ownership of common pool resources and their exploitation are jurisprudential issues that include various opinions. The present study provides evidence of governance and its problems in one of the micro-scale irrigation systems in Iran, assuming that it plays an important role in administering those resources, like those of transactions, custom and empirical knowledge. In this interdisciplinary research (economic, social and jurisprudential), data are provided from in-depth, focal interviews, field observations, and documentation and are analyzed in the framework of Institutional Analysis and Development (IAD). The results show that over time, the exploiters, using the resource characteristics organized a kind of exploitation mechanism in which, the upstream exploiters had no power compared to the downstream. However, after the government started playing a key role in administering this area based on the Nationalization of Natural Resources Law, by issuing drilling permits, it practically marginalized the institutional arrangements of the users at the level of collective action and caused a lack of indigenous knowledge. That sparked a dispute between the aforementioned exploiters. Thus, both the resilience of economic and social systems could decrease and the people were excluded from local governance. These findings indicate that the approach to governing common pool resources based on the current reading of the relevant jurisprudential rules, is not possible to adapt to environmental conditions.

Keywords: Institutional analysis, self-governance, common pool resources, irrigation system, government intervention

1. Ph.D in Economics, Department of Economics, University of Isfahan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Economics, University of Isfahan, Iran (Corresponding Author)

✉ h.amiri@ase.ui.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Ahl-e-Bayt Studies, University of Isfahan, Iran

4. Associate Professor, Department of Physical Geography, University of Isfahan, Iran

- Melkote, S. R., & Steeves, H. L. (2009). Ertebâtât-e Towse'e dar jahân-e sevvom [Communication for development in the third world theory and practice for empowerment]. (Sh, A. Bahrampour, Trans). Tehran, Iran: Institute for Social and Cultural Studies. (Original work published 2001).
- Mohammadi, B. (2011). Darâmadî bar Raveš tahqiq-e keyfi [An introduction to qualitative research] Tehran, Iran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Nowruzî, L. (2017). *Pušeše âb dar barnâmeha-ye televezion: tahlil mohtavâ-ye keifi-ye barnâmehâ-ye marbot be âb dar šabake do simâ jomhuri-ye eslâmi-ye Irân dar se mâhe-ye tâbestâne 1396* [The Media coverage of water issues: Qualitative content analysis of water-related TV programs in IRIB TV Channel 2] (M.A. Thesis). Allameh Tabâtaba'i University, Faculty of Communication Sciences, Tehrân, Irân.
- Ogan, C. L. (1982). Development Journalism/Communication: The Status of the Concept. *Gazette* (Leiden, Netherlands), 29(1-2), 3-13. doi:10.1177/001654928202900101
- Rademakers, L. (2004). *Examining the handbooks on environmental journalism: A qualitative document analysis and response to the Literature*. (Master thesis), University of South Florida, Florida, United States.
- Radhika, M. (2015). Journalism and sustainable development. In *Teaching journalism for sustainable development*, France: UNESCO. Retrived from <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000233878>
- Shah, H. (2008). Development Journalism. In *The International Encyclopedia of Communication*. doi:10.1002/9781405186407.wbiecd031
- Widdowson, H. G. (2016). *Tahlil-e goftemân [Discourse analysis]*. (N. Ilqami & N. Davari Trans). Tehran, Iran: Enteshârât-e Jâme'ešenâsân.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

33

Abstract



- Flick, U. (2013). *Darāmadi bar tahqiq-e keyfi* [An introduction to qualitative research] (H. Jalili, Trans.). Tehran, Iran: Našr-e Ney.
- Friedman, S. M. (2015). The changing face of environmental journalism in the United States in *The Routledge Handbook of Environment and Communication*, Hansen, A, and Cox, R, (Eds). Routledge.
- Hannigan, J. (2006). *Jāmešenāsiy-ye mohitezist* [Environmental sociology]. Tehran, Iran: Tehran University.
- Hansen, A. (2017). Media Representation: Environment. *The International Encyclopedia of Media Effects*, 1–12. doi:10.1002/9781118783764.wbieme0148
- Hussein, H. (2016). *An analysis of the discourse of water scarcity and hydropolitical dynamics in the case of Jordan*. (Unpublished doctoral dissertation), School of International Development, University of East Anglia (UEA), Norwich, England.
- Iran Newspaper (Nov. 22, 2016). The Deputy Minister of Energy announced: 10% increase in household electricity tariffs from August 2016]. Iran Newspaper, 6365, Reterived from <https://www.magiran.com/article/3469314>
- ISNA (1395). Matne kāmele Barnāme va xat-e Maš-ye dolate Ruhani. ISNA News Agency. Retrieved from: <https://www.isna.ir>
- Kalyango, Y., Hanusch, F., Ramaprasad, J., Skjerdal, T., Hasim, M. S., Muchtar, N., ... Kamara, S. B. (2016). Journalists' development journalism role perceptions. *Journalism Studies*, 18(5), 576–594. doi:10.1080/1461670x.2016.1254060
- Kashi, G. (2008). *Tahlil-e goftemān- birun az hezār tu-ye teorihā* [Discourse Analysis out of Labyrinth of Theories]. *Rasaneh Quarterly*, 19(1), 187-194.
- Khaniki, H. (2019). Soxan-e avval in *motāle'e va arzyābi-ye ab'ād-e ejtemae'i, farhangī, resāne-ei va ravānšenānxti-ye seylābha-ye 1398*. [The first word. In Study and evaluation of social, cultural, media and psychological dimensions of 2019 floods]. Tehran, Iran: Retrived from <https://nfr.ut.ac.ir/file/download/page/1618661384-social-working-group.pdf>
- Khaniki, H., & Mousavi, S. (2019). Representation of Iran's water issue in newspapers; content analysis of Iran, Sharq, Donyā-ye Eghtesād and Keyhān from 2012 to 2019. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 11(4), 167-199. doi: 10.22035/isih.2020.3654.3835
- Lindlof, T. R. (2018) *Ravešhā-ye tahqiq-e keyfi dar ulum-e ertebātāt* [Qualitative Communication Research Method]. (A. Guivian, Trans.).Tehran, Iran: Hamšahri. (Original work published 2011)
- Linton, J.I. (2007). *What is Water? The History and Crisis of a Modern Abstraction* (Unpulished doctoral dissertation). Department of Geography and Environmental Studies, Carleton University, Ottawa, Canada.
- Mahmudpour, A. (2011). *Raveš tahqiq-e keyfi (Vol. 1)* [Qualitative reseach method (1)]. Tehran, Iran: Jāme'ešenāsān.

BIBLIOGRAPHY

- Ameli, S., Bicharanlou, A., Bahar, M., Gholami, F. (2019). The Conceptual Model of Water Communication; The Potentialitis of Communication to Manage Water Crisis in Iran. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 11(3), 171-199. doi: 10.22035/isih.2020.3515.3719
- Anderson, A. G. (2014). *Media, environment and the network society*. London: Palgrave Macmillan.
- Asa Berger, A. (2016). Tahlil goftemān-e Kārbordi [Applied discourse analysis: popular culture, media, and everyday life] (H. Pāyande, Trans.). Tehrān, Iran: Morvārid. (Original work published 2016)
- Badiei, N., & Gandi, H. (2004). Ruznāme negāri-ye novin [Modern Journalism] Tehran, Iran: Allameh Tabataba'i University.
- Banda, F. (2015). Introduction: A conceptual framework for media as sustainable development in *Teaching journalism for sustainable development*, France: UNESCO Retrived from <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000233878>
- Bavadam, L. (2010). Environmental stories among the most challenging. In *The Green Pen: Environmental Journalism in India and South Asia*. India: SAGE Publishing.
- Castrechini, A., Pol, E., & Guàrdia-Olmos, J. (2014). Media representations of environmental issues: From scientific to political discourse. *European Review of Applied Psychology*, 64(5), 213–220. doi:10.1016/j.erap.2014.08.003
- Climatological Research Institute (2017). *Āškārsāzi, arzyābi-ye asarāt va čēšmandāz-e taghir-e eqlim dar Irān tey-ye qarn-e bist-o yekom* [Detecting, evaluating the effects and prospects of climate change in Iran during the 21st century]. Climateological Research Institue.
- Cox, R., & Pezzullo, Ph C. (2017). *Environmental communication and the public sphere (Forth Edition)*. SAGE.
- Domatob, J. K., & Hall, S. W. (1983). Development journalism in black Africa. *Gazette* (Leiden, Netherlands), 31(1), 9–33. doi:10.1177/001654928303100102
- Doostan, R. (1394) Tahlili bar xošksāli-hāye Iran dar nim qarne gozašte [Analysis of the Iran droughts in the Past half century]. *Journal of Climate Research*.6(23-24), 1-18.
- Fairclough, N. (2000). *Tahlil-e enteḡādi-ye goftemān* [Critical discourse analysis] (A team of Translators, Trans.). Tehrān, Iran: Bureau of Media Studies and Planing.
- Fairclough, N., & Wodak, R. (1997). Critical discourse analysis. In *Discourse as Social Interaction: Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*, T. A. Van Dijk (Ed.) Vol.2. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Farzaneh, M., Bagheri, A., & Ramezani Ghavamabadi, M. (2017). Institutional origins of crisis in groundwater resources management in Iran. *Economics Research*, 17(64), 57-94. doi: 10.22054/joer.2017.7668



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

31

Abstract

done. However, to solve any problem, one must first acknowledge it. In fact, this may be a major obstacle to solving the water problem and make public opinion confused.

NOVELTY

Although Iran's water problem has been widely researched, studies on construction of this issue in the media are still needed. The novelty of this study comes from how it sheds light on discursive formations of the water problem in Iran's mainstream newspapers.



development led to this problem. This discourse emphasizes that, the solution to the water problem in Iran is "changes in policies and production structures" and "adaptation to the nature". The second discourse, on the other hand, is marginal one, reducing the cause of the water problem to actions taken during Ahmadinejad's presidency. In this discourse, the solution is also reduced to saving.

In the discursive formation of "Iran" newspaper, macro-structures (Iran's political economy, individualism) led to people's consumerism and by this means created a crisis. Furthermore, the government had nothing to do with the creation of these structures. In this discourse, people should "save" water to solve the problem and the state should "make optimal use of water" and "increase the price of water." "Iran" newspaper belongs to the state and its discourse is aimed at removing responsibility from the government and making its role in creating the crisis invisible.

In the discursive formation of "Donyaye Eghtesad" newspaper, a combination of factors (water ownership system, politicians, people and officials) caused the crisis, and increasing the water price is considered as a solution. This newspaper belongs to a private sector and supports a "competitive economy". The way the water issue is formulated in this newspaper is in line with its policy. It seems that changing the economic system and creating a water market, are motivations for publishing articles related to the water crisis. This discourse supports the market ideology and naturalizes it.

In the discursive formation of "Kayhan" newspaper, the water crisis is not taken into account. In addition, it says that the "water shortage" is caused by drought and the Ministry of Energy is considered as a problem solving. "Kayhan" reduces water crisis to drought. In this way, social problems, politics and the exercise of power become invisible.

CONCLUSION

Discursive formations on the water problem in "Iran" and "Kayhan" newspapers can be considered as development journalism, which is a dependent one. Furthermore, in this type of journalism, the media serves the government.

Discursive formations of "Iran" and "Kayhan" newspapers are a kind of support for the modernization paradigm, which emphasizes on economic growth and technological development. It is believed that the modernization paradigm has had consequences such as water scarcity, while discursive formations of "Iran" and "Kayhan" newspapers blame people for creating the water problem.

In addition, reducing the water problem to scarcity caused by drought in "Kayhan" indicates that the state has not raised the water problem as it should have





INTRODUCTION

Iran faces many environmental issues such as water scarcity. According to the Falkenmark indicator which is being used to measure water scarcity, Iran is experiencing "water stress". The UN index also indicates a "severe water crisis" in Iran and that future prediction is not promising. According to the Climatological Research Institute, Iran's water stress will continue (Climatological Research Institute, 2017, 14-20).

Researches indicate that people rely more on the media to comprehend environmental issues, but information is constructed on "media-based reality" (Castarchini, 2014, 214). In other words, media construct "social reality" by explaining and interpreting information. In this way, the media add some elements to the main information and shape it based on expectations from power centers or some groups. Therefore, as Pezzullo and Cox mentioned, the environmental communication serves "constitutive" function. In other word, language and other symbols shape our understanding of the reality of environmental issues (Cox et al., 2017, 34-35).

In recent years, various discourses on Iran's water problem have emerged, with some finding their way into the mass media, while discursive formations of Iran's water problem in mainstream newspapers are unspecified. So, this study aims to analyze the discourse formation on water problem in mainstream newspapers.

PURPOSE

The main purpose of this article is to analyze the discourse formations on Iran's water problem in 4 mainstream newspapers. The purpose is not to identify the discourse evolution of the water issue. Similarly, the historical discourse analysis approach is not followed in this study.

METHODOLOGY

In order to achieve the study's goals, critical discourse analysis has been applied. The population of this study is all materials related to Iran's water problem that were published in "Iran", "Shargh", "Donyaye Eghtesad" and "Keyhan" newspapers between 2011 and 2020.

In this study, 22 samples were selected by the purposive non-random sampling method. Finally, a combination of Fairclough and Van Dijk's approaches were used to analyze newspaper contents.

FINDINGS

"Shargh" offers two different discursive formations on the water problem. According to the dominant one, macro policies and a wrong approach to



Discursive Formations of Iran's Water Problem in Mainstream Newspapers of the 90s

Hadi Khaniki^{*1}, Zarrin Zardar², Seyed Soraya Mousavi³

Received: May. 7, 2021; Accepted: Dec. 2, 2021

ABSTRACT

This paper aims to analyze the discourse on Iran's water problem in mainstream newspapers of the 90s. To achieve this goal, critical discourse analysis (CDA) has been applied and contents of four mainstream newspapers have been reviewed over a period of nine years (between 2011 and 2020). The conceptual framework of this research is derived from development journalism and environmental journalism. Based on the findings, the dominant discourse of "Shargh" newspaper shows that macro policies and a wrong approach to development led to the water problem in Iran. This discourse emphasizes that, the solution to water problem in Iran is "changes in policies and production structures" and "adaptation to the nature". Instead, the discourse of "Iran" newspaper emphasizes that macro-structures (Iran's political economy, individualism) have led to consumerism and water crisis. "Iran" newspaper's discourse serves to eliminate the responsibility of the government in solving the water problem. It also makes the government's role in creating the problem invisible. In the discourse of "Donyaye Eghtesad" newspaper, multiple factors (water ownership system, politicians, people and officials) have created water problem. Raising water price is the solution this newspaper offers to resolve the crisis. "Kayhan" yet another newspaper skip over the discourse on the water crisis. Therefore, in the discursive formation of "Iran" and "Kayhan" newspapers, water problem is not due to the policies and power relations. This kind of discursive formation can be considered as a result of development journalism.

Keywords: Critical Discourse Analysis; Environmental Journalism; Development Journalism; Water Problem of 90s

1. Professor of Communications, Faculty of Communication Sciences, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran (Corresponding Author)

✉ Khaniki@atu.ac.ir

2. Assistant Professor of Communications, Faculty of Communication Sciences, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran

3. PhD in Communication Sciences, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Sustainable Development Goals (2002). *Johannesburg plan of implementation of the World Summit on Sustainable Development*, U.N. Conference on the Human Environment (26 August - 4 September 2002). Stockholm, Germany.

UN Commission on Sustainable Development (1992). U.N Conference on Environment and Development: Agenda 21, Rio de Janeiro, Brazil, 3 to 14 June, retrieved from <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/Agenda21.pdf>

UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR) (2003). General Comment No. 15: The Right to Water (Arts. 11 and 12 of the Covenant), 20 January 2003, E/C.12/2002/11, Retrieved from <https://www.refworld.org/docid/4538838d11.html>

United Nations (2002). The Plan of implementation of the world summit on sustainable development (26 August to 4 Sep 2002). Johannesburg, South Africa. Retrieved from <https://www.un.org>

United Nations Division for Sustainable Development (1992). *Agenda 21*. In *United Nations Conference on Environment and Development*, 3-14 Jun. 1992, Rio de Janeiro.

Wendell, H.O. (1998). Managing water as a public commodity, New direction for a changing future. *California Department of Water Resources*. Retrieved from https://www.ppic.org/content/pubs/report/R_211EHChapter7R.pdf



Interdisciplinary
Studies in the Humanities



- Meetings Coverage and Press Releases (2006). 14th Summit Conference of the Aligned Movement. (2006). Final Document-Disarmament and International Security, purposes and Principles, Statement on the I.R.Iran's Nuclear Issues, Havana, Cuba, 11-12 September.
- Miloon K. (2002). *Report by Commission on Human Rights' Special Rapporteur on adequate housing as a component of the right to an adequate standard of living*, UN: Commission on Human Rights. Retrieved from <https://digitallibrary.un.org/record/542138>
- Moradi Tadi, M. (2017). Water, politics, hydropolitics, crisis, public policy. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9(4), 71-90. doi: 10.22631/isih.2017.1981.2512
- Murray, K., & Kominers, S. (2014). *The human rights to water in the United States, the program on human rights and global economy*. Northeastern: Northeastern University Press.
- Najafbeigi, R., & Mahmoodi, A. (2017). Mavāne va rāhkārhā-ye vāgozāri-ye šerkathā-ye āb va fzelāb be baxš-e xosusi (bar asās-e qānoon-e eslāh-e mavādi az qānun-e barnāme-ye Čāhārom-e towse'e-ye kešvar [Obstacles and strategies for transferring water and sewerage companies to the private sector based on law on amending materials from the law of the fourth development plan of the country: Case study of Tehran]. *Urban Management Studies*, (8)3, 43-58
- Nuila, H. A. (2018). Fian international briefing note, collective rights in the United Nation, Declaration of the rights of peasant and other people working in rural area. Retrieved from <https://www.fian.org>
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, UNHCR and the World Health Organization (N.D). Haq bar āb [Right to Water]. Proposal No. 35. Retrieved from <https://iran.un.org>
- Particia, J., & Amber, M. (2016). *The invisible crisis: water unaffordability in the United States*, Cambridge: Unitarian Universalist Services Committee.
- Phiri, Z. (1999). *Development for International Development. Water Law, Water Rights and Water Supply (Africa)*. Zambia: Study Country Report.
- Ruppel O.C. (2008). *Third generation human rights and the protection of the environment in Namibia*. Wind Hock: Macmillan Namibia.
- Safe Water Alliance (2014). *United states compliance with the international convention on the elimination of all forms of racial discrimination*. a Report Submitted to the Committee on the Elimination of Racial Discrimination in its 85th Session, August.
- Sojasi Qeidari, H., Sadeqlou, T., Hosseini Kahnuij, R., & Yazdani Marvi Langari, K. (2018). Analysis of social tensions caused by water scarcity among rural farmers: Case study of Miyanjam rural district in Torbat-e Jam County. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 10(4), 143-168. doi: 10.22035/isih.2018.290

- Dana, D. A., & Debora T. (2017). After flint: Environmental justice as equal protection. *Northwestern University Law Review*, 897. Retrieved from <https://scholarlycommons.law>
- Federal Republic of Germany (May. 4, 2007). Human rights and access to water, Comment by Federal Republic of Germany Pursuant to op.1 of Decision 2/14 of U.N Human Rights, Council, Berlin. Retrieved from <https://www2.ohchr.org>
- General Assembly (1997). Independent expert on the issue of human rights obligation related to access to safe drinking water and sanitation. *Water Conference of United Nation*, Mer Del Plata, Arg.
- Ghari Seyed Fatemi, S.M. (2010). *Hoquq-e bašar dar nezām-e mo'āser [Human Rights in the Contemporary System]*. Tehran, Iran: Šahr-e Dāneš Law Institute.
- Gleick, P.H., Wolff, G., Chalecki, R. (2002). *The new economy of water, the risks and benefits of globalization and prioritization of fresh water*. Oakland: Pacific Institute.
- Gomez-Lobo, A., & Contreras, D. (2003). Water subsidy policies: A comparison of the Chilean and Colombian Schemes. *The World Bank Economic Review*, 17(3), 391–407. doi:10.1093/wber/lhg028
- Hall, D., Bayliss, K., & Lobina, E. (2011). *Still fixated with privatization: A critical review of the world banks water resources sector strategy*, *The International Conference on Freshwater*, Greenwich University, PSIRU, 3-7 December, 35-55.
- Howard, G., & James, B. (2003). *Domestic water quantity. Service Level and Health*, Geneva: WHO.
- International Commtttee of the Red Cross (1949). Geneva Convention (IV) Relative to the Protection of Civilian Person in Time War. Retereived from <https://ihl-databases.icrc.org>
- Kanani, M.T. (2008). *Tamallok-e amvāl-e omumi va mobāhāt [Acquisition of public property and permissible]*, Tehran, Iran: Mizān.
- Kothari, M. (2002). Report of the rapporteur on adequate housing as a component of the right to an adequate standard of living, UN. Commission on Human Rights' 1, Mars, Para.56.
- Langford, M. (2005). The United Nations Concept of Water as a Human Right: A New Paradigm for Old Problems? *International Journal of Water Resources Development*, 21(2), 273–282. doi:10.1080/07900620500035887
- Lobo, A. G. and Contreas, D. (2003). *Subsidy Policies for the Utility Industries: a Comparison of the Children and Colombian Schemes*. Santiago University of Chile. Doi: <https://doi.org/10.1093/wber/lhg028>
- Mahkooei, H., & Goli. A. (2014). *Bohrān-e āb dar kešvarhā-ye mantaqe-ye Žeopolitiki-ye Xalije Fars [Water crisis in the countries of the Persian Gulf geopolitical region]*. *The First National Conference on Water Crisis, Isfahan, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Iran*.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

23

Abstract



BIBLIOGRAPHY

- Action Plan United Nation Water Conference (1977). U.N. Department of public information. Divisions of economic and social information, Mar De Plata 14-25 March. Retrieved from <https://digitallibrary.un.org/record/136713?ln=en>
- Adel, A., Lashkari, Z., & Omaraei, H. (2011). Amalkard, Čälešhā va rāhkārḥā-ye Xosousi sazi dar Iran [Performance, challenges and strategies of privatization in Iran], *Financial Economics*, (16)5, 8-25.
- Ahmadi, S.M.S., & Bedisari, S.N. (2016). Haq bar āb dar nezām-e beinal melal-e hoquq-e bašar [The right to water in the international human rights system], *Environmental Law*, (2)1, 38-50.
- Ajori Ayask, A. (2016). Legal survey on capability of privatization of public domain (comparative study of Iran and France). *Iranian Journal of Trade Studies*, 78, 179-210.
- Arab, D.R., Rajabi Hashjin, M., & Fatehi, M. (2006). Xosusi-sāzi dar baxš-e āb: Mafāhim va rāhkārḥā [Privatization in the water sector: Concepts of solutions]. *Iranian Water Resources Management Conference, Iran*, Water Resources Engineering Sciences Association, January 23, 2007, Isfahan, Iran.
- Bird, J., Arriens, W. L., & Dennis, V. C. (2009). *Water rights and water allocation issue and challenges for Asia*. Manila, Philippines: Asian Development Bank.
- Bouree L. (Mar. 24, 2015). *Finding the Right Price for Water*. AFSCME Information Highway, Retrieved from <http://www.afscmeinfocenter.org/blog/2015/03/finding-the-right-price-for-water.htm>
- Brundthland, G. H., Sergio V. M. (2003). *The Right to Water*. France: World Health Organization Press.
- Butts, R., & Gasteyer, S. (2011). Environmental reviews & case studies: More most per drop: Water rates, structural inequality, and race in the United States—The case of Michigan. *Environmental Practice*, 13(4), 386–395. doi:10.1017/s1466046611000391
- Centre on Housing Rights and Evictions (2008). Legal Resources for the Right to Water and Sanitation. *International and National Standards*, 2th edition, January. Retrieved from https://www.worldwatercouncil.org/fileadmin/wwc/Programs/Right_to_Water/Pdf_doct/RWP-Legal_Res_1st_Draft_web.pdf
- Coline C., Giordano M., & Varma S.. (2010). Water: A free public good is a market commodity? International water management institute, Serilanka, 20th September. Retrieved from <https://globalwaterforum.org/2010/09/20/water-a-free-public-good-or-a-market-commodity/>
- Cuq, M. (2012). Water: Human right or commodity? Reflections on the effectiveness of a human right to water. *SSRN Electronic Journal*. doi:10.2139/ssrn.2363538

Step 3. Examining the content of the right to water and the nature of the government's obligation to it: Identify three types of tasks for the government to ensure the enjoyment of this right by individuals in the form of respect, protection and implementation. At the same time, it was found that this right is fundamentally related to many rights, from the right to life to the right to work, equality, security and even the cultural affairs of individuals.

Step 4. The impact of water privatization on the right: Unlike other economic affairs, treating water as a commodity and privatizing it cannot be combined with the right to consider water, and by doing so, the government will probably shirk its duty to provide water to its citizens and, on the other hand, spend it on The government will not work anywhere, especially for poor governments that cannot afford water.

CONCLUSION

Given that in international instruments, especially recent instruments, water supply is seen as a human right and the nature of human rights is to create a duty of respect, protection and implementation, commercialization of water and its privatization will be a burden on governments. But on the other hand, since the government's commitment in this area is a commitment means and the government must make every effort to secure this right, this right will not be practically fulfilled for governments that do not have sufficient financial capacity and the government will inevitably get help from private sector. Accordingly, it is necessary to consider an intermediate action that both meets the requirements of a human right and, by considering it economic, provides the ground for securing this right for governments that cannot afford it.

NOVELTY

The significance and innovation of this article includes paying attention to the role of water's right and making it a criterion both in the field of government duty to supply water and in case of transferring to private sector.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

21

Abstract



INTRODUCTION

Water is considered as an essential element of human life that has affected various aspects of human life, from health to cultural and social affairs, security, etc. This has led to the emergence of human rights issues in the field of water to the extent that access to drinking water as a basic precondition for the enjoyment of several human rights ranging from the right to life to the right to education, housing, health, life, work, protection against any cruel, inhuman or degrading treatment or punishment is considered discrimination and other rights. On this occasion, the question arises whether by considering water as a commercial commodity and transferring it to the private sector, governments can meet the human rights requirements of water? Although privatization has been successful in many areas, it will not work everywhere, and in some cases, including in the field of human rights, it does not seem to be successful and may lead to a crisis.

PURPOSE

The purpose of this article - while studying various dimensions of the impact of water on human rights- is to examine and pay attention to the nature of the right to water with a focus on privatization.

METHODOLOGY

The research method is descriptive-analytical which is examined in 5 sections. In this article, while examining different views on water, in order to better explain the nature of the right to water, the place of the right to water in international human rights documents and the content of this right, the beneficiary and obligor of this right and its relationship with other rights are examined. After explaining the right to water, it tries to deal with the privatization of the same.

FINDINGS

Step 1. Explaining different approaches to water: In this regard, we took into account five approaches, including a) the property approach to water (Colin, 2010, 1), b) the government approach to water (Hall et al., 2011, 4), c) the local approach to water (Langford, 2005, 258), d) Social and human rights approach (Part II of Resolution No. 2 of the Mar del Plata Conference adopted in 1977) and d) Combined approach (Cook, 2012, 4)

Step 2. Examining the position of the right to water in human rights documents: Although international human rights instruments have all addressed the obligation of governments to protect the right to life and to water as a means of preserving survival, General Comment No. 15 has recognized the right to water, as well. In some poor countries, unlike rich ones, it is considered merely a commercial commodity (Patricia and Molten, 2016, 86).



Khosravi, A. (2022). The impact of water privatization on the governmental obligation to the right to water with emphasis on general comment No. 15. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 14(1), 61-88. doi: 0.22035/isih.2021.3585.3777



<http://dx.doi.org/10.22035/isih.2021.3585.3777>

URL: http://www.isih.ir/article_376.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

The Impact of Water Privatization on the Governmental Obligation to the Right to Water with Emphasis on General Comment No. 15

Ahmad Khosravi¹

Received: Feb. 3, 2021; Accepted: Jun. 5, 2021

ABSTRACT

Water plays a vital role in human life, affecting not only the functioning of the body but also other human rights. For this reason, in recent decades, international bodies, including the Committee on Economic, Social and Cultural Rights by approving Comment No. 15, have identified the access to water as a human right. But it is not easy to enjoy this right because of limited water resources, its non-availability, contaminated surface waters and the like, and it always creates problems for people, their families and even the community. Governments as the primary bound of this right have also sought to privatize water, because of the expense involved in collecting, storing and supplying water. But the question that arises is that, given that privatization leads to commercialization and economization of water, can it meet the characteristics and requirements of the right to water? Although there is no single global or regional model for this, the paper attempts to answer this question first by examining the nature and characteristics and requirements of the right to water from the perspective of international documents, especially the interpretative theory, and then characteristics and nature of privatization in this regard.

Keywords: Human rights, right to water, general comment no. 15, privatization

1. Assistant Professor of Law, Department of Law, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand, Iran

✉ a.khosravi@birjand.ac.ir

- Rahmanian, M., Afkhami, H.A. & Khaniki, H. (2020). Agenda setting of climate news in the Iranian press, *Quarterly Journal of Cultural Studies and Communication*, Article in press. doi: 10.22034/jcsc.2020.116692.2030.
- Riffe, D., Lacy, S., & Fico, F.J. (2002). Analyzing media messages: using quantitative content analysis in research (M. Boroujerdi Alavi, Trans). Tehran, Iran: Soroush (Radio and Television Publications), Radio and Television of the Islamic Republic of Iran, Research Center.
- Ritzer, G. (Ed.). (2015). Encyclopedia of Globalization (Vols. 1-3) (N. Moradi & M. Mohajer, Trans.). Tehran, Iran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Scheufele, D.A. (1999). Framing as a theory of media effects. *Journal of Communication*, 49 (1), 103-122. doi: 10.1111/j.1460-2466.1999.tb02784.x
- Semetko, H. A., & P. M. Valkenburg (2000). Framing European politics: A content analysis of press and Television news. *Journal of Communication*, 50 (2), 93-109. doi: 10.1111/j.1460-2466.2000.tb02843.x
- Takahashi, B. (2011). Framing and sources: A study of mass media coverage of climate change in Peru during the V ALCUE. *Public Understanding of Science*, 20 (4), 543-557. doi: 10.1177/0963662509356502
- Tuchman, G. (1978). *Making news. A study in the construction of reality*. New York: Free Press.
- Xi, J. (2016). *Climate change and the media: A comparative study of China and the United States 2009-2015* (Unpublished MA Thesis). Dartmouth College.
- Zabolizadeh, A. & Afkhami, H.A. (2013). Using framing theory in explaining the effects of news (concepts and research). *Journal of Communication Research*, 2(74), 121-144. doi: 10.22082/cr.2013.23518
- Zamith, R., Pinto, J., & Villar, M.E. (2013). Constructing climate change in the Americas: An analysis of news coverage in U.S. and South American Newspapers. *Science Communication*, 35 (3), 334-357. doi: 10.1177/1075547012457470





- Entman, R. M. (1993). Framing: Toward clarification of a fractured paradigm. *Journal of Communication*, 43 (4), 51-58. doi: 10.1111/j.1460-2466.1993.tb01304.x
- Ereaut, G. & N. Segnit (2006). Warm words: How are we telling the climate story and can we tell it better? London, England: Institute for Public Policy Research.
- Gholami, F. (2021). Environmental communication and water problem: The content analysis of the eighties and nineties Iranian documentaries. *Cultural Studies & Communication*, 17(63), 11-34. doi: 10.22034/jcsc.2021.534374.2432
- Gitlin, T. (1980). *The whole world is watching: Mass media and the making and unmaking of the mew left*. Berkeley: University of California Press.
- Goffman, E. (1974). *Frame analysis: An essay on the organization of experience*. Massachusetts: Harvard University Press.
- Hase, V., Mahl, D., Schäfer, M.S. & Keller, T.R. (2021). Climate change in news media across the globe: An automated analysis of issue attention and themes in climate change coverage in 10 countries (2006–2018). *Global Environmental Change*, 70 (2021), 1-12. doi: 10.1016/j.gloenvcha.2021.102353
- Holley, J.R. (2015). *Framing reality: Portrayals of climate change in the Las Vegas Review Journal 1977-2014* (Unpublished MA Thesis). Nevada University.
- International Energy Agency (IEA) (2015). Energy and Climate Change. IEA, Paris.
- Jalali, M., Afshari, M., & Mazinanian, Z. (2020). Environmental impact of climate change on national security. *Journal of Environmental Science and Technology*, 22(9), 179-190. doi: 10.22034/jest.2021.31956.4005
- khadjehnoori, N., Abootorabi, A. (2018). A content analysis of the coverage of climate change in Farsi language websites. *Cultural Studies & Communication*, 14(51), 227-263.
- Nisbet, M.C. (2009). Communicating climate change: Why frames matter for public engagement. *Environment: Science and Policy for Sustainable Development*, 51(2), 12–23. doi: doi.org/10.3200/ENVT.51.2.12-23
- Painter, J., Ettinger, J., Doutreix, M.N., Straub, N., Wonneberger, A. & Walton, P. (2021). Is it climate change? Coverage by online news sites of the 2019 European summer heatwaves in France, Germany, the Netherlands, and the UK. *Climatic Change*, 169(1-2), 1-28. doi: 10.1007/s10584-021-03222-w
- Pan, Y., Opgenhaffen, M. & Van Gorp, B. (2021). China's pathway to climate sustainability: A diachronic framing analysis of people's daily's coverage of climate change (1995–2018). *Environmental Communication*, 15 (2), 189-202. doi: 10.1080/17524032.2020.1817766
- Pan, Z. P. & Kosicki, G. M. (1993). Framing analysis: An approach to news discourse. *Political Communication*, 10(1), 55–75. doi: 10.1080/10584609.1993.9962963
- Parks, P. (2020). Is climate change a crisis – and who says so? An analysis of climate characterization in major U.S. news media. *Environmental Communication*, 14(1), 82-96. doi: 10.1080/17524032.2019.1611614

BIBLIOGRAPHY

- Ahchong, K., & Dodds, R. (2012). Anthropogenic climate change coverage in two Canadian newspapers, the Toronto Star and the Globe and Mail, from 1988 to 2007. *Environmental Science & Policy*, 15 (1), 48-59. doi: 10.1016/j.envsci.2011.09.008
- AmirKhani, F. (2017). The role of print media in awareness of climate change in Iran with emphasis on water crisis: A case study of Hamshahri and Iran Newspapers in the final quarter of 2015 (Unpublished M.A. Thesis). Islamic Azad University Central Tehran Branch.
- Asplund, T., Hjerpe, M. & Wibeck, V. (2012). Framings and coverage of climate change in Swedish specialized farming magazines. *Climatic Change*, 117(1-2), 197-209. doi: 10.1007/s10584-012-0535-0
- Biswas, M.K. & Kim, N.Y. (2017). Framing of climate issues and "COP21": U.S. -Newspaper coverage vs Indian Newspaper coverage. *Environment and Social Psychology*, 2(1), 142-152. doi: 10.18063/ESP.2016.02.002
- Bolsen, T., Palm, R. & Kingsland, J.T. (2019). Counteracting climate science politicization with effective frames and imagery. *Science Communication*, 41(2), 147-171. doi: 10.1177/1075547019834565
- Boykoff, M.T. & Roberts. J.T. (2007). Media coverage of climate change: Current trends, strengths, weaknesses. *United Nations Development Programme (Human Development Report 2007)*, background paper, 1-54.
- Brossard, D., Shanahan, J., & McComas, K. (2004). Are Issue-Cycles Culturally Constructed? A Comparison of French and American Coverage of Global Climate Change. *Mass Communication & Society*, 7(3), 359-377. doi: 10.1207/s15327825mcs0703_6
- Calderón, C.A., Mercado, M., Piñuel, J.L. & Suárez-Sucre, E.D. (2015). Media coverage of climate change in Spanish-speaking online media. *Convergencia Revista de Ciencias Sociales*, 22(68), 71-95. doi: 10.29101/crcs.v0i68.2952
- Camaj, L. (2010). Media framing through stages of a political discourse: international news agencies coverage of Kosovo's status negotiations. *International Communication Gazette*, 72(7), 635-653. doi: 10.1177/1748048510378147
- De Vaus, D. A. (1998). Survey in social research (H. Naebi, Trans.). Tehran, Iran: Ney.
- De Vreese, C.H. (2005). News framing: Theory and typology. *Information Design Journal*, 13(1), 51-62. doi: 10.1075/ijdd.13.1.06vre
- Dirikx A. & D. Gelders (2010). To frame is to explain: A deductive frame-analysis of Dutch and French climate change coverage during the Annual UN Conferences of the Parties. *Public Understanding of Science*, 19(6), 732-742. doi: 10.1177/0963662509352044
- Entman, R.M. (2008). Theorizing mediated public diplomacy: The U.S. case. *International Journal of Press/Politics*, 13(2), 87-102. doi: 10.1177/1940161208314657



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

15

Abstract



3) According to the fluctuating coverage of news frames in Graphs 1, there is a significant difference in covering climate news and frames during the United Nations' summits in 2005, 2009, 2015, and 2017.

4) to answer the fourth question, the results show that "Experts" had the most citation in climate stories of Iranian newspapers. Furthermore, the press relied mostly on international sources than national and governmental ones to portray climate change issues in their contents.

CONCLUSION

The framing analysis showed how newspaper contents shape the public understanding on scientific issues, such as climate change or how they ignore some dimensions of the issues. This paper showed that the Iranian press applied specific frames many times to put emphasis on aspects, such as conflict between countries upon responsibilities of decreasing CO₂ emissions or financial aid for developed countries. Furthermore, the Iranian press presented climate stories in a way that their audience might imagine Iran had less responsibility against the climate change or climate catastrophes campaign around the world. Besides, they could not make a sensible connection with natural disasters, global warming and their lives.

A critical point was also raised that nearly all the citations in climate stories came from international sources. It seems the press focused on international concerns of climate impacts more than national ones. However, as the country continued to experience economic damage of natural disasters annually, declining coverage of climate news in 2005 and 2007 in contrast of 2009 might have caused Iranian audiences espouse that there was no necessity for mitigation of climate change. In a nutshell, Iranian newspapers did not inform the public about dangers and consequences of global warming for their lives.

NOVELTY

Although, the framing theory is being widely used for analyzing media contents in many countries, this theory ignored in communication researches in Iran. Also, climate change has received less attention in the Iranian media. This paper applied news frames to investigate environmental issues such as climate change in the Iranian national press. The paper went through Iranian researchers to apply this theory for other topics in different media or in interdisciplinary researches.

The framing theory is also remarkable since it gives researchers a clearer view on how news frames are used in the media and affect the public opinion on various important issues, such as the economy, health, science, and etc. The findings of this article can help us understand clearly the way the Iranian press informs about climate warming and its impacts on the society, and if necessary, the practices would be changed in the context of national interests around this problem.

FINDINGS

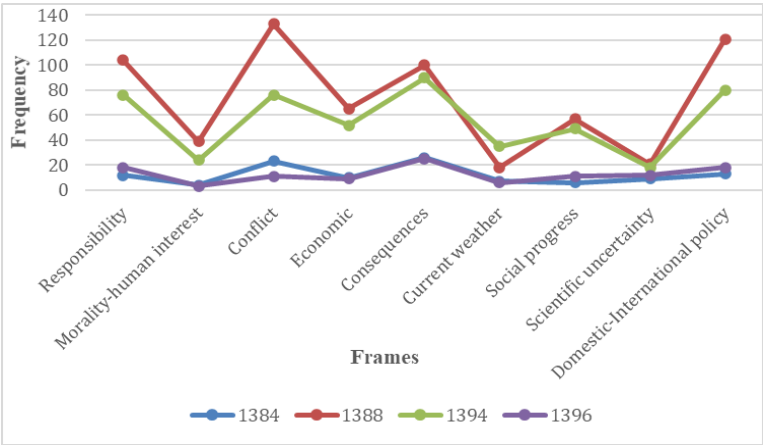
Quantitative content analysis of data shows that:

1) As shown in Table 1, the Iranian press has covered climate change stories by applying “Conflict” and “Environmental Consequences” frames more than the others, and rarely used “Scientific Uncertainty” or “Current Weather” frames in their stories.

Table 1. Framing of climate news in 15 Iranian press (n=388)

Frame	Frequency	Percentage of Frequency
Responsibility	211	15.2
Morality-Human Interest	70	5
Conflict	244	17.5
Economic	137	9.8
Environmental Consequences	244	17.5
Current Weather	66	4.7
Social Progress	124	8.9
Scientific Uncertainty	61	4.4
National- International Politics	234	16.8

2) Graph 1 shows that the coverage of all news frames has changed over the period of time, and in 2009 (Copenhagen Summit) and 2015 (Paris Summit) they covered significantly more than the 2005 Montreal Summit and the 2017 Bonn Summit. However, as concerns about climate change impacts increased around the world, the same Graph (1) shows there was a sudden decrease in the coverage of the climate frames in newspapers in 2017.



Graph 1. Covering the News frames over 2005, 2009, 2015, and 2017 in 15 Iranian newspapers (n=388)





INTRODUCTION

For most people, climate change is either remote or scientific since CO₂ emissions or rising sea levels are invisible for them. However, the media provides a visible and understandable ways of learning about climate change to the public (Xi, 2016, 4) through their reports and stories. As such they help shape public comprehension about this particular issue. There are numerous researchers worldwide showing represent how the media applied framework to portray climate stories and relied on what news sources (Holley, 2015; Kim & Biswas, 2017; Bolsen, Palm, & Kingsland, 2019; Parks, 2019; Painter et al, 2021; Pan, Opgenhaffen, & Van Gorp, 2021). Most of these studies examined climate stories in the media from the countries with high CO₂ emissions. In contrast, in Iran that is the 8th producer of greenhouse gases¹ in the world as well as one of the major exporters of fossil fuels, there is no study to examine how the climate news are being framed there. However, recently few studies have conducted on agenda-setting of climate change news in Iran (Amirkhani, 2017; Khadjenoori and Abootorabi, 2019; & Rahmanian, Afkhami, & Khaniki, 2020).

PURPOSE

This study investigates how Iranian newspapers portrayed climate change to politicians and the public and which sources and frameworks they applied for the same. To achieve this goal, the paper tries to answer the following questions:

- 1) How did the climate stories frame in Iranian newspapers?
- 2) How did the frameworks change over the period of time?
- 3) Are there any significant differences between news coverage and frameworks?
- 4) What sources did newspapers rely on more?

METHODOLOGY

This paper applies the framing theory and the quantitative content analysis method to examine how climate stories covered in 15 national Iranian newspapers. The periods taken into account in the course of this study are two weeks prior to the United Nations' Climate Change Summits in Bonn 2017, Paris 2015, Copenhagen 2009, and Montreal 2005 to two weeks after their conclusion. A coding-sheet was provided to analyze the content of 388 articles on these components: Title, lead and body. The reliability of the categories was confirmed with Scott's pi, and the statistical population test was not required due to the census, according to De Vaus (1997), and the difference in percentages used as significance.

1. <https://www.ucsusa.org>



Framing and News Sources in the Coverage of Climate Change in Iranian Press

Maryam Rahmanian¹, Hossein Afkhami²

Received: Jun. 30, 2021; Accepted: Dec. 6, 2021

ABSTRACT

Climate change affects many aspects of human life, such as the economy, environment and society. Although its consequences are invisible for the public in short term, they are often informed about the negative aspects of climate change through the media. In other words, the media dedicate and cover news in order to make people aware about the impact of climate change. Number of researches has been conducted on the way the media frame and cover the climatic issues in many countries, but there is no such at present to show how this particular is being covered in the Iranian media. This paper is the first academic research to examine the coverage of climate change in the Iranian press. We have analyzed 388 climate stories published on 15 well-known national newspapers by using SPSS software and applying the quantitative content analysis method to understand how these newspapers could present climate stories. Findings show that the Iranian press often used “Conflict” and “Environmental Consequences” frames to illustrate climate change issues, but “Scientific Uncertainty” and “Current Weather” were rarely mentioned. Moreover, these newspapers relied mainly on “Experts” as sources more than the other sources to present climate stories.

Keywords: climate change, framing theory, global warming, Iranian press

1. MA in Communication Science, Department of Communication Studies, Faculty of Communication Sciences, Allameh-Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

✉ rahmanian_m@atu.ac.ir

2. Associate Professor of Public Relations, Department of Public Relations, Faculty of Communication Sciences, Allameh-Tabataba'i University, Tehran, Iran

- Venkatram, K. & Geetha, M. (2017). Review on Big Data & Analytics – Concepts, Philosophy, Process and Applications. *Cybernetics and Information Technologies*, 17(2) 3-27. doi: 10.1515/cait-2017-0013
- Wang, H., Xu, Z., Fujita, H., & Liu, S. (2016). Towards felicitous decision making: An overview on challenges and trends of Big Data. *Information Science*, 367-368(1), 747-765. doi: 10.1016/j.ins.2016.07.007
- Xiao, Y., & Watson, M. (2019). Guidance on Conducting a Systematic Literature Review. *Journal of Planning Education and Research*, 39(1), 93–112. doi: 10.1177/0739456X17723971



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

10

Volume 14
Issue 1
Winter 2022

- Nowotny, H., Scott, P. & Gibbons, M. (2003). Introduction: 'Mode 2' Revisited: The New Production of Knowledge. *Minerva*, 41, 179–194. doi: 10.1023/A:1025505528250
- Nowotny, H., Scott, P. B., & Gibbons, M. T. (2001). *Re-Thinking Science: Knowledge and the Public in an Age of Uncertainty*. Germany: Polity Press.
- Okasha, S. (2012). *Philosophy of science: a very short introduction* (H. Panahande, Trans.). Tehran, Iran: Farhang-e Mo'aser. (Original work published 2002)
- Philip Chen, C. L., & Zhang, C.-Y. (2014). Data-intensive applications, challenges, techniques and technologies: A survey on Big Data. *Information Sciences*, 275, 314–347. doi:10.1016/j.ins.2014.01.015
- Ropolyi, L. (2016). Virtuality and Reality—Toward a Representation Ontology. *Philosophies*, 1(1), 40–54. doi: 10.3390/philosophies1010040
- Sætra H. S. (2018). Science as a Vocation in the Era of Big Data: The Philosophy of Science behind Big Data and humanity's Continued Part in Science. *Integrative psychological & behavioral science*, 52(4), 508–522. doi: 10.1007/s12124-018-9447-5
- Schatzki, T. R. (1988). The Nature of Social Reality. *Philosophy and Phenomenological Research*, 49(2), 239–260. doi: 10.2307/2107975
- Sigala, M., Rahimi, R., & Thelwall, M. (Eds.). (2019). *Big Data and Innovation in Tourism, Travel, and Hospitality: Managerial Approaches, Techniques, and Applications*. Germany: Springer Singapore.
- Sloan, L., & Quan-Haase, A. (Eds.). (2017). *The SAGE handbook of social media research methods*. Germany: SAGE Publications.
- Stevens, M., Wehrens, R., & de Bont, A. (2018). Conceptualizations of Big Data and their epistemological claims in healthcare: A discourse analysis. *Big Data & Society*, 5(2), 1-21. doi: 10.1177/2053951718816727
- Succi, S., & Coveney, P. V. (2019). Big data: the end of the scientific method? *Philosophical Transactions of the Royal Society*, 377(2142), 1-15. doi: 10.1098/rsta.2018.0145
- Swan, M. (2015). Philosophy of Big Data: Expanding the Human-Data Relation with Big Data Science Services. In *Proceedings of the 2015 IEEE First International Conference on Big Data Computing Service and Applications*. 468-477. Redwood City, USA: IEEE. doi: 10.1109/BigDataService.2015.29
- Symons, J., & Alvarado, R. (2016). Can we trust Big Data? Applying philosophy of science to software. *Big Data & Society*, 3(2), 1-17. doi: 10.1177/2053951716664747
- Tang, L. (2017). Lament or Expectation: After Theory Revisited. *Comparative Literature: East & West*, 1(1), 140-144, doi: 10.1080/25723618.2017.1339511
- Törnberg, P., & Törnberg, A. (2018). The limits of computation: A philosophical critique of contemporary Big Data research. *Big Data & Society*, 5(2), 1-12. doi: 10.1177/2053951718811843





- Kitchin, R. (2014b). The data revolution: big data, open data, data infrastructures and their consequences. India: SAGE Publications.
- Lagoze, C. (2014). Big Data, data integrity, and the fracturing of the control zone. *Big Data & Society*, 1(2), 1-11. doi: 10.1177/2053951714558281
- Lauro, N. C., Amaturio, E., Grassia, M. G., Aragona, B., & Marino, M. (Eds.). (2017). Data science and social research: Epistemology, methods, technology and applications. Germany: Springer International Publishing.
- Leu, F., Chen, C. K., Susanto, H. (2019). The Emerging Technology of Big Data: Its Impact As a Tool for ICT Development. United States: Apple Academic Press, Incorporated.
- Li, J., Xu, L., Tang, L., Wang, S., & Li, L. (2018). Big data in tourism research: A literature review. *Tourism Management*, 68, 301-323. doi:10.1016/j.tourman.2018.03.009
- Lipari, L. (Jan. 2015). Human perception: Making sense of the world. *Utne Reader*, retrived from <http://www.utne.com/mindand-body/human-perception-ze0z1501zhur.aspx>
- Liu, H. (2014). Philosophical Reflections on Data. *Procedia Computer Science*, 30, 60-65. doi: 10.1016/j.procs.2014.05.381
- Macy, M.W. (2016). An Emerging Trend: Is Big Data the End of Theory. *Emerging Trends in the Social and Behavioral Sciences*, 1-14. doi: 10.1002/9781118900772.ETRDS0410
- Mahrt, M., & Scharkow, M. (2013). The value of big data in digital media research. *Journal of Broadcasting & Electronic Media*, 57(1), 20-33. doi: 10.1080/08838151.2012.761700
- Marx-MacDonald, S., Bal, M. (2002). Travelling Concepts in the Humanities: A Rough Guide. United Kingdom: University of Toronto Press.
- Mazzocchi, F. (2015). Could Big Data be the end of theory in science? A few remarks on the epistemology of data-driven science. *EMBO reports*, 16(10), 1250-1255. doi: 10.15252/embr.201541001
- McFarland, D.A., Lewis, K. & Goldberg, A. (2016). Sociology in the Era of Big Data: The Ascent of Forensic Social Science. *The American Sociologist*, 47, 12-35. doi: 10.1007/s12108-015-9291-8
- Mehdizadeh, S.M. (2017). Media theories: Common thoughts and critical perspectives. Tehran, Iran: Hamšahri.
- Miller, H.J. (2010). The data avalanche is here. Shouldn't we be digging? *Journal of Regional Science*, 50(1), 181-201. doi: 10.1111/j.1467-9787.2009.00641.x
- Mirowski, P. (2018). The future(s) of open science. *Social Studies of Science*, 48(2), 171-203. doi:10.1177/0306312718772086
- Norris, M., Oppenheim, C. and Rowland, F. (2008). Finding open access articles using Google, Google Scholar, OAIster and OpenDOAR. *Online Information Review*, 32(6), 709-715. doi: 10.1108/14684520810923881

- González-Bailón, S. (2013). Social science in the era of big data. *Policy & Internet*, 5(2), 147–160. doi:10.1002/1944-2866.poi328
- Graham, M. (March. 9, 2012). Big data and the end of theory? *The Guardian*, Reterived from <https://www.theguardian.com/news/datablog/2012/mar/09/big-data-theory>
- Haig, B. D. (2020). *Big data science: A philosophy of science perspective*. In *Big data in psychological research* (pp. 15–33). American Psychological Association.
- Halford, S., & Savage, M. (2017). Speaking Sociologically with Big Data: Symphonic Social Science and the Future for Big Data Research. *Sociology*, 51(6), 1132–1148. doi: 10.1177/0038038517698639
- Hey, T., Tansley, S. & Toll, K. (2009). *The Fourth Paradigm: Data-Intensive Scientific Discovery*. United States: Microsoft Research.
- Hodgson, G. (2015). A Trojan horse for sociology: Preferences versus Evolution and Morality. *Review of Behavioral Economics*, 2(1-2), 93-112. doi: 10.1561/105.00000021
- Hoffman, D. D. (2010). Human vision as a reality engine. Washington, DC: Foundation for the Advancement of Behavioral and Brain Sciences. Retrieved from <http://www.cogsci.uci.edu/~ddhoff/HoffmanFABBS.pdf>
- Hofman, J. M., Sharma, A., & Watts, D. J. (2017). Prediction and explanation in social systems. *Science*, 355(6324), 486-488. doi: 10.1126/science.aal3856
- Iman, M., & Kalateh Sadati, A. (2012). Pathology of method of development of humanities in Iran. *Rāhbord-e Farhang*, 5(19), 27-51.
- Iman, M., & Kalateh Sadati, A. (2018). Philosophy of research in social sciences. Tehran, Iran: Samt.
- Jin, X., Wah, B.W., Cheng, X., & Wang, Y. (2015). Significance and Challenges of Big Data Research. *Big Data Research*, 2(2), 59-64. doi: <https://doi.org/10.1016/j.bdr.2015.01.006>
- Johnson, J. (September. 10, 2021). Worldwide digital population as of January 2021. *Statista*, Retrieved from <https://www.statista.com>
- Julian, J., Faraway, N., & Augustin H. (2018). When small data beats big data. *Statistics and Probability Letters*, 136, 142-145. doi: 10.1016/j.spl.2018.02.031
- Kemp, S. (Jan. 27, 2021). Digital 2021: global overview report. *DataReportal*, Retrieved from <https://datareportal.com/reports/digital-2021-global-overview-report>
- Kemp, S. (Jan. 31, 2019). Digital 2019: global internet use accelerates. *We Are Social*, Reterived from <https://wearesocial.com/uk/blog/2019/01/digital-in-2019-global-internet-use-accelerates>
- Kitchin, R. & McArdle, G. (2016). What makes Big Data, Big Data? Exploring the ontological characteristics of 26 datasets. *Big Data & Society*, 3(1), 1-10. doi: 10.1177/2053951716631130
- Kitchin, R. (2014a). Big Data, new epistemologies and paradigm shifts. *Big Data & Society*, 1(1), 1-12. doi: 10.1177/2053951714528481





- Bulao, J. (May. 18, 2021). How Much Data Is Created Every Day in 2021?, *Techjury*, Retrived from <https://techjury.net/blog/how-much-data-is-created-every-day/#gref>.
- Cao, L. (2018). *Data Science Thinking: The Next Scientific, Technological and Economic Revolution*. Springer International Publishing
- Chalmers, A. (2013). What Is This Thing Called Science? United Kingdom: Hackett Publishing Company, Incorporated.
- Chandler, D. (2015). A world without Causation: Big Data and the coming of age of posthumanism. *Millennium: Journal of International Studies*, 43(3), 833–851. doi:10.1177/0305829815576817
- Chang, R. M., Kauffman, R. J., & Kwon, Y. (2014). Understanding the paradigm shift to computational social science in the presence of big data. *Decision Support Systems*, 63, 67–80. doi:10.1016/j.dss.2013.08.008
- Chen, S. H. (Ed.). (2018). Big data in computational social science and humanities. Germany: Springer International Publishing.
- Connor, A., Sosa, R., Jackson, A. G., & Marks, S. (2017). Problem Solving at the Edge of Disciplines. In *Handbook of Research on Creative Problem-Solving Skill Development in Higher Education* (pp. 212–234). United States: IGI Global: IGI Global.
- Cowls, J., & Schroeder, R. (2015). Causation, correlation, and big data in social science research. *Policy & Internet*, 7(4), 447–472. doi: 10.1002/poi3.100
- Craig, T., & Ludloff, M. E. (2011). Privacy and big data: the players, regulators, and stakeholders. United States: O'Reilly Media.
- Crawford, K. (April. 01, 2013). The Hidden Biases in Big Data. *Harvard Business Review*, Retrived from <https://hbr.org/2013/04/the-hidden-biases-in-big-data>
- Cukier, K., Mayer-Schönberger, V. (2013). Big Data: A Revolution That Will Transform How We Live, Work, and Think. United Kingdom: Houghton Mifflin Harcourt.
- Desjardins, F. (April. 17, 2019). How much data is generated each day? *World Economic Forum*, Reterived from <https://www.weforum.org/agenda/2019/04/how-much-data-is-generated-each-day-cf4bddf29f>
- Dubois, D., Hájek, P., & Prade, H. (2000). Knowledge-Driven versus Data-Driven Logics. *Journal of Logic, Language, and Information*, 9(1), 65–89. <http://www.jstor.org/stable/40180310>
- Farasatkah, M. (2020). Qualitative research method in social sciences with emphasis on "Grounded Theory". Tehran, Iran: Āgah.
- Frické, M. (2009). The knowledge pyramid: a critique of the DIKW hierarchy. *Journal of Information Science*, 35(2), 131–142. doi: 10.1177/0165551508094050
- Golder, S. A., & Macy, M. W. (2014). Digital footprints: Opportunities and challenges for online social research. *Annual Review of Sociology*, 40(1), 129–152. doi: 10.1146/annurev-soc-071913-043145

BIBLIOGRAPHY

- Adler, M. J. (1986). A guidebook to learning: for a lifelong pursuit of wisdom. London: Macmillan.
- Alemamy Oliver, M., & Vayre, J. S. (2015). Big data and the future of knowledge production in marketing research: Ethics, digital traces, and abductive reasoning. *Journal of Marketing Analytics*, 3(1), 5-13. doi:10.1057/jma.2015.1
- Anderson, C. (Jun. 23, 2008). The end of theory: The data deluge makes the scientific method obsolete. *Wired*, Reterived from <https://www.wired.com/2008/06/pb-theory>
- Anderson, J., & Rainie, L. (July. 20, 2012). The future of big data. *Pew Research Center: Internet, Science & Tech*, Reterived from <https://www.pewresearch.org/internet/2012/07/20/the-future-of-big-data>
- Appelbe, B., & Bannon, D. (2007). eResearch – Paradigm shift or propaganda? *Journal of Research and Practice in IT*, 39(2), 83–90. doi: 10.3316/informit.937758621242625
- Aud  t  t, M. (2001). Review: Re-Thinking Science, Re-Thinking Society. Reviewed Work: Re-Thinking Science: Knowledge and the Public in an Age of Uncertainty by Helga Nowotny, Peter Scott, Michael Gibbons. *Social Studies of Science*, 31(6), 950-956.
- Balazka, D., & Rodighiero, D. (2020). Big data and the little big bang: an epistemological (r)evolution. *Frontiers in Big Data*, 31(3). doi:10.3389/fdata.2020.00031
- Barry, A., Born, G., & Weszkalnys, G. (2008). Logics of interdisciplinarity. *Economy and Society*, 37(1), 20-49. doi: 10.1080/03085140701760841
- Berger, P. L. & Luckmann, T. (2011). The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge. United Kingdom: Open Road Media.
- Bhattacharjee, A. (2012). *Social Science Research: Principles, Methods, and Practices*. Retrieved from <https://open.umn.edu/opentextbooks/textbooks/79>
- Big Data and Social Science: A Practical Guide to Methods and Tools. (2016). United States: CRC Press.
- Boyd, D., & Crawford, K. (2012). Critical questions for big data. *Information, Communication & Society*, 15(5), 662-679. doi: 10.1080/1369118X.2012.678878.
- Brereton, P., Kitchenham, B. A., Budgen, D., Turner, M., & Khalil, M. (2007). Lessons from applying the systematic literature review process within the software engineering domain. *Journal of Systems and Software*, 80(4), 571–583. doi:10.1016/j.jss.2006.07.009
- Brian and Saas Scout Team. (June. 07, 2021). Big data statistics, growth & facts 2021. *Saasscout*, Reterived from <https://saasscout.com/statistics/big-data-statistics>
- Brooks, D. (April. 15, 2013). What You'll Do Next. *The Newyork Times*, Reterived from <https://www.nytimes.com/2013/04/16/opinion/brooks-what-youll-do-next.html>
- Bryant, A., & Raja, U. (2014). In the realm of Big Data. *First Monday*, 19(2). <https://doi.org/10.5210/fm.v19i2.4991>



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

5

Abstract

NOVELTY

The novelty of this paper is in the attempt to systematically address one of the main concerns of today's scientific community, with an interdisciplinary approach and through systematic review of existing relevant studies. We initially built on the contrasting existing knowledge regarding the issue and then add to the existing knowledge by answering research questions based on a solid ground using Neuman's eight questions. These paper findings may be used by social science researchers and hopefully promote further research in this area.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

4

Volume 14
Issue 1
Winter 2022

across the philosophy of science and data and social science disciplines have been identified and reviewed. The initial search led to the identification of 165 documents. After the first round of screening, based on titles and abstracts of articles and introductions of selected books, 85 related documents were found. The second round of screening conducted by reviewing the full text of selected studies, resulted in identification of 24 related documents, including 7 books and 17 articles which were analyzed to discover author's opinion on this research's two key questions.

FINDINGS

After critically reviewing the ongoing scholarly debate, it was found that there is wide disagreement on this issue in the scientific community. A group of researchers- for example Boyd & Crawford (2016), Cao (2018), Leu & Chen (2019), ... - believe that the emergence of Big Data has led to a paradigm shift in social science. Others- for example Kitchin (2014, 2017), Sloan & Quan-Haase (2017), Balazka & Rodighiero (2020),...- strongly disagree.

Regarding the second question (question of whether theory is essential in Data-driven Social Science), there is a greater consensus among researchers, and except researchers such as Hey et al. (2009) and Chandler (2015), the majority of researchers have stated that the presence of theory is inevitable.

CONCLUSION

The emergence of Big Data has caused much controversy in scientific circles, some Big Data advocates have referred to the rise of data science in scientific disciplines as the end of theory. In this study based on the structure of human perception, and in line with Chalmers (2013), Kitchin (2014, 2017), Succi & Coveney (2019) and ... we argued that the "no theory" claims contrasts with the fact that data-big or small- are never theory-neutral, therefore process of moving from poorer theories to richer theories in the social sciences continues even in the presence of the Big Data. Another issue was the disagreement on whether data-driven social science can be considered a new scientific paradigm or not.

Based on Thomas Kuhn's conception of paradigm shift and use of Neuman's 8 basic questions that make up the structure of a scientific paradigm, this research answered this fundamental question.

Considering that the emergence of Big Data has enabled the transition of science from Mode 1 to 2 and made fundamental changes in the answer of science to Neuman's fundamental questions, for example nature of social reality, human beings, science, etc., the emergence of Big Data can be considered the basis for a fundamental shift in the current social research landscape and transition to a new paradigm in social science.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

3

Abstract



INTRODUCTION

For the first time in the human history, his attempt to create a parallel virtual world has paid off. Living in this virtual parallel world resulted in creation of billions of digital footprints and the emergence of Big Data (Alemany Oliver and Vayre, 2015), huge volumes of diverse, dynamic and interlocking data that are easily shared and distributed on interconnected digital networks. Many believe that the Big Data revolution is underway, a revolution that is changing the way knowledge and wealth are produced and, in a broader sense, how human societies behave and operate (Kitchin, 2014).

Big Data opens up unprecedented opportunities for social scientists to track human behavior and social interaction in real time and on the individual level yet on a global scale (Macy, 2016)

Data-intensive science focuses more on the materiality of the world than the subjective constructions of this reality in theories or models that have always been considered to be the building blocks of the modern science (Chandler, 2015).

Big Data presents numerous opportunities for social scientists, It also poses a number of challenges and debates, and during its short life, has caused much controversy, both among the commercial and in scientific circles, and over the past decade, It has raised many fundamental questions about social reality and social science and the processes of scientific research, in the minds of social scientists (Chandler, 2015; Swan, 2015; kitchin, 2014).

PURPOSE

Faced with Big Data, a group of social scientists stubbornly defend the superiority of traditional social research methods and label Big Data research as unscientific. At the other end of the spectrum, a group of social scientists (according to Harris, people driven by a culture of 'data fundamentalism'), speak of the end of traditional social research. They firmly declare that with the advent of the Big Data era, theory (as the building block of the modern science) has reached its end (Anderson, 2008)!

Conditions almost similar to the conditions that, according to Cohen, could lead to a paradigm shift in science and major breakthroughs in social research methods (Okasha, 2012)! Are we on the verge of a paradigm shift in social science? Has theory, as the building block of the modern science, reached its end? This study seeks to answer these two fundamental questions.

METHODOLOGY

With an interdisciplinary approach in mind and through systematic review of scientific documents published in the period of 2009–2021, several relevant studies



Big Data and Paradigm Shift in Social Science Research

Hamid Zargham Boroujeni¹, Firoozeh Farokhian²

Received: Sep. 7, 2021; Accepted: Nov. 26, 2021

ABSTRACT

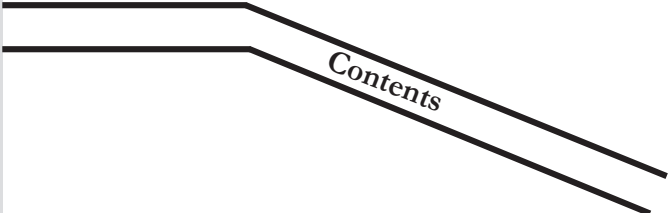
The utopia promised by the modern age has not arrived, man, as a response to his failure in realizing modernism's ideals, attempted to create a parallel virtual world. Living in this virtual parallel world resulted in creation of billions of digital footprints in a fraction of a second and the emergence of Big Data. Following the transformation in human social life and social researchers' better access to complex social realities in the presence of Big Data, a fundamental shift in the current social research landscape is required. One of the biggest concerns of today's scientific community is revolving around this shift, they wonder to what degree the traditional scientific method might still be relevant in the era of Big Data. Are we on the verge of a paradigm shift in social science? Has theory, as the building block of the modern science, reached its end? This study seeks to answer these two fundamental questions with an interdisciplinary approach in mind, through systematic review of scientific documents published in the period of 2009-2021, several relevant studies across the philosophy of science and data and social science disciplines have been identified and reviewed. After critically reviewing the ongoing scholarly debate, this study argues against the claim that Big Data is the end of theory in science and conclude that Big Data inherently transforms social science research and a transition to a new paradigm is under way.

Keywords: End of theory, data-driven social science, big data, paradigm shift

1. Associate Professor of Tourism Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. Ph.D Candidate of Tourism Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

✉ firoozeh_farokhian@atu.ac.ir



Contents

Big Data and Paradigm Shift in Social Science Research

Hamid Zargham Boroujeni, Firoozeh Farokhian / 1

Framing and News Sources in the Coverage of Climate Change in Iranian Press

Maryam Rahmanian, Hossein Afkhami / 11

The Impact of Water Privatization on the Governmental Obligation to the Right to Water with Emphasis on General Comment No. 15

Ahmad Khosravi / 19

Discursive Formations of Iran's Water Problem in Mainstream Newspapers of the 90s

Hadi Khaniki, Zarrin Zardar, Seyede Soraya Mousavi / 27

A Reflection on the Joint Governance in Iran: A Case Study of Local River Water Governance

Mohammad Mahdi Kamal, Hadi Amiri, Vahid Moghadam, Dariush Rahimi / 35

Investigating the Evolution of Water Planning and Policy in Pre- and Post- Islamic Revolution in Iran

Mahshid Talebi Somehsaraie, Mohammad Javad Zareian, Ashkan Farokhnia, Reza Roozbahani / 45

The Place of Social Issues in Planning and Management Processes of Forests in Iran from an Interdisciplinary Perspective

Beytollah Mahmoudi / 49

Quarterly Journal of
Interdisciplinary Studies in the Humanities

Volume 14, Issue 1, Winter 2022

Director-in-Charge: Hossein Mirzaei, PhD

Editor-in-Chief: Hosein Ebrahimabadi, PhD

Publisher: Institute for Social and Cultural Studies (ISCS)

Editorial Board

Gholam-Ali Afrooz, Professor of Tehran University; Morteza Bahrani, Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; Micheal Cook, Professor of Princeton University; Hossin Ebrahimabadi, Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; Eckart Ehlers, Professor of Bonn University; Hassan Hanafi, Professor of Cairo University; Hadi Khaniki, Professor of Allameh Tabataba'i University; Maghsoud Farasatkah, Professor of Institute for Research and Planning in Higher Education; Reza Mahoozi, Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; Abbas Manoochehri, Professor of Political Science, Tarbiat Modares University; Mohammad Ali Mazaheri, Professor of Shahid Beheshti University; Mostafa Mohaghegh Damad, Professor of Shahid Beheshti University; Fathollah Mojtabaie, Professor of Tehran University; Faramarz Rafi'poor, Professor of Shahid Beheshti University; Dariush Rahmani, Associate Professor of Tehran University; Mohammad Taqi Rahnamaie, Associate Professor of Tehran University; Mohammad Hadi Zahedi Vafa, Associate Professor of Imam Sadiq University.

Referees of this Issue

Maghsoud Farasatkah, Professor of Development of Higher Education Planning, Institute for Research and Planning in Higher Education; Mojtaba Imani, University of Sari; Nematollah Fazeli, Professor of Anthropology, Institute for Humanities and Cultural Studies; Farzad Gholami, Assistant Professor of Communications, University of Tehran; Ehsan Shahghasemi, Assistant Professor of Communications, University of Tehran; S. Ahmad Habibnezhad, Associate Professor of Law, University of Tehran; S. Mohammad Mahdizade, Associate Professor of Communication, Allameh Tabataba'i University; Hosein Ebrahimabadi, Associate Professor of Education Philosophy, Institute for Social and Cultural Studies; Gholamreza Madaniyan, Assistant Professor of Law, Islamic Azad University, North Branch; Zohre Alikhani, Assistant Professor of Communications, University of Tehran; Ghasem Azizi, Associate Professor of Geography, University of Tehran; Ali Semsar Yazdi, Assistant Professor of Water Engineering; Sadegh Salehi, Associate Professor of Environment Sociology, University of Mazandaran; Hosein Rezaei, Professor of Water Engineering, University of Urmia

Indexing Databases



- For further information, please visit: www.isih.ir
- All rights reserved for publisher

Address:

No. 124, Momen Nejad St. (1st Golestan), Pasdaran Ave., Tehran, Iran

P.O Box: 1666914711

Tel: +98 21 22570719

Email: info@isih.ir

Fax: +98 21 22570722

Website: <http://www.isih.ir>

Big Data and Paradigm Shift in Social Science Research

Hamid Zargham Boroujeni, Firoozeh Farokhian

Framing and News Sources in the Coverage of Climate Change in Iranian Press

Maryam Rahmanian, Hossein Afkhami

The Impact of Water Privatization on the Governmental Obligation to the Right to Water with Emphasis on General Comment No. 15

Ahmad Khosravi

Discursive Formations of Iran's Water Problem in Mainstream Newspapers of the 90s

Hadi Khaniki, Zarrin Zardar, Seyede Soraya Mousavi

A Reflection on the Joint Governance in Iran: A Case Study of Local River Water Governance

Mohammad Mahdi Kamal, Hadi Amiri, Vahid Moghadam, Dariush Rahimi

Investigating the Evolution of Water Planning and Policy in Pre- and Post- Islamic Revolution in Iran

Mahshid Talebi Somehsaraie, Mohammad Javad Zareian, Ashkan Farokhnia, Reza Roozbahani

The Place of Social Issues in Planning and Management Processes of Forests in Iran from an Interdisciplinary Perspective

Beytollah Mahmoudi

